تصویر ابو عبدالرحمن الكردي

به همراه واژه نامه

خودآموز مکالمات روزمره

انگلیسی در سفر

ENGLISH ON TRIP

ترجمه فارسی تلفظ واژه‌ها

مکالمه و جمله‌سازی

مکالمات و اصطلاحات روزمره



تالیف و ترجمه : رقیه اسلامی - مهدی غروی

ویراستار علمی : یوسف باوند سوادکوهی

بسم الله الرحمن الرحيم

«گواهی ثبت آثار مشترک ادبی و هنری»

بر اساس درخواست نامه شماره ۱۴۵ مورخ ۹۰/۶/۲۸ که تسلیم این دفتر گردید، اثر (کتابی) به نام خودآموز انگلیسی در سفر (مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی) است، به موجب بند ۱ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، به نام رقیه اسلامی به ثبت رسید و مراتب ثبت آن در روزنامه رسمی به شماره ۱۹۵۹۷ تاریخ ۹۱/۳/۲۷ آگهی گردید.

خودآموز انگلیسی در سفر

مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی

سرشناسه : غروی، مهدی، ۱۳۳۹ -، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور : خودآموز مکالمات روزمره انگلیسی در سفر/تالیف و ترجمه مهدی غروی، رقیه اسلامی؛ ویراستار یوسف باوند سوادکوهی.
مشخصات نشر : تهران: سلیس - ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری : مصور،جدول،نمودار.؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک : ۸-۲۷-۵۷۱۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت‌فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع : زبان انگلیسی -- مکالمه و جمله سازی -- فارسی
موضوع : زبان انگلیسی -- تلفظ -- خودآموز
شناسه افزوده : اسلامی، رقیه، ۱۳۶۲ - ، گردآورنده، مترجم.
شناسه افزوده : باوند سوادکوهی، یوسف، ۱۳۳۷ -، ویراستار
رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۹خ ۴غ / BF5۱۱۳
رده بندی دیویی : ۴۲۸/۲۴فا
شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۹۵۱۸۶



نشرسلیس

تلفن: ۵۶ ۲۱ ۹۷ ۶۶ - ۶۶۴۰۵۵۸۹ - ۴۴ ۴۴ ۵ ۴ ۳ ۰۹۳۵

خودآموز مکالمات روزمره انگلیسی در سفر

◆ تالیف و ترجمه: **رقیه اسلامی - مهدی غروی**

◆ ویراستار علمی: **یوسف باوند سوادکوهی**

◆ ناظر فنی چاپ: **محمد بابائی**

◆ نوبت چاپ: **سوم ۱۳۹۱**

◆ چاپ و صحافی: **شادرنگ**

◆ شمارگان:

◆ شابک: **۸-۲۷-۵۷۱۲-۶۰۰-۹۷۸**

◆ لیتوگرافی: **نگین**

◆ صفحه آرایی: **نوشین چنگیزی**

◆ دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ فلسطین، کوچه شمشاد، شماره ۱۵ تلفن:۶۶۹۷۲۱۵۶

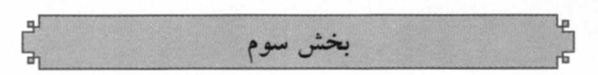
شماره ثبت: ۱۴۵ روزنامه رسمی: ۱۹۵۹۷

قیمت: ۴۶۰۰ تومان

فهرست

بخش اول

بخش دوم



بخش سوم

بخش چهارم





زبان انگلیســی دارای ۲٦ حرف می‌باشد که دارای چهار شکل چاپی بزرگ، چاپــی کوچک، تحریری بزرگ و تحریری کوچک اســت. در اینجا اشــکال چاپی بزرگ و کوچک آنها به همراه تلفظ اسم آنها آورده می‌شود.

حرف	تلفظ	حرف	تلفظ
A , a	اِی	O , o	اُ
B , b	بی	P , p	پی
C , c	سی	Q , q	کیو
D , d	دی	R , r	آر
E , e	ئی	S , s	اِس
F , f	اِف	T , t	تی
G , g	جی	U , u	یو
H , h	اِیچ	V , v	وی
I , i	آی	W , w	دابِلیو
J , j	جِی	X , x	اِکس
K , k	کِی	Y , y	وای
L , l	اِل	Z , z	زد (زی)
M , m	اِم		
N , n	اِن		

آوردن تلفظ اسم حروف در کنار آنها به این معنی نیست که این حروف لزوماً با آن صداها تلفظ می‌شــوند، برای مثال حرف H (اِیچ)، اکثر اوقات با آوای ه تلفظ می‌شود، مانند

/ هُرس / واژه **Horse**



یکی از معضلات زبان انگلیسی برای فراگیران فارسی زبان وجود بعضی آواهای متفاوت با زبان فارسی است که اصلاً زبان فارسی آنها را ندارد و در درجه دوم عدم تطابق نوشتار زبان انگلیسی با تلفظ آن است. این امر ریشه تاریخی دارد. زمانی که در انگلستان توسط حاکمان فرانسوی تسخیر شد، مردمان آن دیار به زبان انگلیسی میانه صحبت می‌کردند و الفبایی برای نوشتن زبان خود نداشتند ولی حاکمان، فرانسوی زبان بودند و این الفبا را برای زبان خود در اختیار داشتند. آنان چاپگرانی را از فرانسه به انگلستان آوردند و آنان مجبور شدند با حروفی که بعضی از آن‌ها معادل آواهای انگلیسی بود و بعضی آن‌ها نبود، زبان انگلیسی را به کتابت درآوردند. لذا زمانی که معادلی از حروف برای آوایی پیدا نمی‌شد، مجبور به استفاده از حروفی می‌شدند که از نظر آنان نزدیک‌ترین صدا را به آن آوا داشت و این ریشه‌ی گرفتاری زبان انگلیسی است. به هر حال به غیر از این معضل، این زبان دارای خصوصیات خوبی نیز از جمله سادگی گرامر و انعطاف پذیری واژه‌ها نیز هست که این نکته منفی را جبران کرده است و باعث گسترش وسیع این زبان شده است.

آواهای زبان انگلیسی:

آواها را با علائمی خاص و بین المللی می‌نویسند که به آنها علائم فونتیک گفته می‌شود در فرهنگ‌های لغت پس از درج واژه، تلفظ آن واژه را با علائم فونتیک و در میان دو خط مورب قرار می‌دهند: مثال:

Meet / mi:t/ ملاقات کردن

خوشبختانه تعداد بسیاری از آواهای زبان انگلیسی را در زبان فارسی داریم. ابتدا

از آواهای بی‌صدا شروع می‌کنیم.

آواهای بی صدا — Consonants

صدا	تلفظ	مثال	علامت فونتیک
b	همانند صدای ب در فارسی	بد	bed /bed/
d	همانند صدای د در فارسی	دُو	do /du:/
g	همانند صدای گ در فارسی	لِگ	leg /leg/
m	همانند صدای م در فارسی	مِت	meet /mi:t/
n	همانند صدای م ن فارسی	نو	no /nəʊ/
ŋ	ترکیب دو صدای ن و گ که از بینی خارج می‌گردد	لانگْ	long /lɒŋ/
l	همانند صدای ل در فارسی		like /laɪk/
v	همانند صدای و در فارسی		live /lɪv/
ð	همانند صدای د است ولی در ادای نوک زبان به پشت دندان‌های بالا برخورد می‌کند.		
z	همانند صدای ز در فارسی	نوز	nose /nəʊz/
ʒ	همانند صدای ژ در فارسی	گراژ	garage/ˈgærɑ:ʒ
r	همانند صدای ر در فارسی	رِد	red/red/
dʒ	همانند صدای ج در فارسی	جون	June /dʒu:n/
p	همانند صدای پ در فارسی	پِن	pen /pen/
t	همانند صدای ت در فارسی	تایم	time /taɪm/
k	همانند صدای ک در فارسی	کَت	cat /kæt/
f	همانند صدای ف در فارسی	فایو	five /faɪv/
θ	همانند صدای ت در فارسی ولی نوک زبان در هنگام ادای آن به پشت دندان‌های بالا برخورد می‌کند.	تین	thin /θɪn/

ʃ	همانند صدای ش در فارسی شاپ	shop/ʃɒp/
s	همانند صدای س در فارسی سی	see /si:
h	همانند صدای ه در فارسی های	high /haɪ/
tʃ	همانند صدای چ در فارسی چِیْرْ	chair/tʃeər/

صداهای نیمه صوتی — semivowels

w	صدایی‌شبیه صدای و درحالی‌که دهان	well /wel/
j	همانند صدای ی در فارسی	you /ju:/
g	همانند صدای گ در فارسی لِگ	/leg / leg/

صداهای صدادار — vowels

صدا	تلفظ	مثال	علامت فونتیک
:i	صدای ئی کشیده	لید	lead /li:d/
ɪ	صدای ئی کوتاه	سیت	sit /sɪt/
e	صدای اِ	مِن	men /men/
æ	صدای بین اَ و اِ	مَن	man /mæn/
:ɑ	صدای آ کشیده از ته گلو	فام	farm /fɑ:m/
ɒ	صدای اُ کوتاه	هُت	hot /hɒt/
:ɔ	صدای اُ بلند	اُل	all /ɔ:l/
ʊ	صدای او کوتاه	لوک	look /lʊk/
:u	صدای او بلند	بلو	blue /blu:/
ʌ	صدای آ کوتاه	لاو	love /lʌv/
:ɜ	صدای اِ کشیده با گلوی باز	فِست	first /fɜ:st/
ə	صدای اِ کوتاه با گلوی باز	اِ باو	above /ə'bʌv/

صداهای دو صوتی diphthongs

صدا		مثال	علامت فونتیک
eɪ	صدای اِی	فیس	face /feɪs
aɪ	صدای آی	ساین	sign /saɪn
əʊ	صدایی بین اَ و اُ	ناو	now /naʊ
əʊ	صدای اُ کشیده با گلوی باز	هوم	home /həʊm
ɔɪ	صدای اُی کوتاه	بوی	boy /bɔɪ/
ɪə	صدای ئی کوتاه قبل از اِ خیلی کوتاه	دیِ	dear /dɪə(r)/
	صدای اِ کوتاه قبل از اِ خیلی کوتاه با گلوی باز	هیِ	hair /heə(r)/



هدف از عدم بررسی کلی این قسمت، کفایت کردن آشنایی مختصر با دستور زبان انگلیسی است و چون هدف کلی کتاب رفع حوائج مسافرت به کشورهای انگلیسی زبان و نه آموزش زبان انگلیسی است، خوانندگان می‌توانند این قسمت را در پایان کتاب و یا هر زمان که صلاح دیدند مطالعه کنند و گذشتن از آن لطمه‌ای به محتوای کتاب نمی‌زند.

اجزاء جمله:

زبان انگلیسی مانند هر زبان دیگری از تعدادی واژه تشکیل شده است که در ترکیب با هم جمله می‌سازند و معنای کاملی را به شنونده انتقال می‌دهند. واژه‌ها در زبان انگلیسی به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شوند که هرکدام را در اینجا توضیح مختصری می‌دهیم.

۱- اسم (**Noun**) : برای نامگذاری افراد، اماکن، اشیاء و مفاهیم به‌کار می‌رود و در جایگاه فاعل، مفعول، اسم مکان، اسم زمان قرار می‌گیرد: مثال:

فردا **Tomorrow** مهدی **Mehdi** خورشید **Sun**

اسامی می‌توانند مفرد یا جمع باشد. مفرد دلالت بر یکی می‌کند و جمع دلالت بر چند عدد است. علامت جمع در زبان انگلیسی **s** و **es** است که به اکثر اسامی انگلیسی افزوده می‌شود و آنها را جمع می‌کند. مثال:

دو کتاب **Two Books**

اسامی که به **o** ، **x** ، **ch** ، **sh** ، **ss** ، **s** و **z** ختم می‌شود در جمع **es** می‌گیرند:

مثال: مردان **men**

مرد **man**

گاوهای نر **oxen**

گاو نر ox

گوسفندان sheep

گوسفند sheep

تعداد معدودی از اسامی، صورت جمع ندارند.

مثال: اطلاعات Information

غذا Food

حروف تعریف (Articles)

زمانی که اسمی از نظر گوینده نامشخص باشد، از حروف تعریف نامعین a یا an برای توصیف استفاده می‌گردد.

مثال: یک ماشین a car

یک پرتقال an orange

کلماتی که با حروف صدادار a، e، i، o، u شروع می‌شوند حرف تعریف نامعین an می‌گیرند.

زمانی که اسمی از نظر گوینده مشخص باشد، از حرف تعریف معین The قبل از آن استفاده می‌گردد.مثال:

این/ آن اتوبوس the bus

این/ آن مرد the man

ضمایر (pronouns):

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و از تکرار آن در جمله جلوگیری می‌کند.

ضمیر بر حسب جایگاه اسم به اقسام زیر دسته بندی شده است:

ضمایر فاعلی Subjective pronouns

ضمایر فاعلی به جای فاعل جمله قرار می‌گیرند. هشت ضمیر فاعلی داریم:

من I

تو	you
او(مذکر)	he
او(مؤنث)	she
آن(بیجان/حیوان)	it
ما	we
شما	you
آنها	they
مثال: من انگلیسی صحبت می‌کنم.	I speak English.

ضمایر مفعولی: Object pronouns

به جای مفعول جمله قرار می‌گیرند. هشت ضمیر مفعولی داریم:

مرا، به من	me
تو را، به تو	you
او را، به او(مذکر)	him
او را، به او(مؤنث)	her
آن را، به آن (بیجان/حیوان)	it
ما را، به ما	us
شما را، به شما	you
آنها را، به آنها	them
مثال: او با من صحبت می‌کند.	He speaks to me.

صفات ملکی: (Possessive Adjectives)

این واژه‌ها در حقیقت صفاتی هستند که مالکیت اسم به فردی یا چیزی را نشان می‌دهد و از نظر شباهت به ضمایر در این قسمت آورده شده‌اند.

(م) من	my

(ت) تو	your
(ش) او (مذکر)	his
(ش) او (مؤنث)	her
(ش) آن (غیر انسان)	its
مان(ما)	our
تان(شما)	your
شان(ایشان، آنها، آنان)	their
مثال: ماشین او (مذکر)	his car
خانه‌شان، خانه آنان	their house

ضمایر ملکی: Possessive Pronouns

ضمایر ملکی مالکیت را می‌رسانند و در فارسی معادل یک واژه‌ای ندارد.

مال من	mine
مال تو	yours
مال او (مذکر)	his
مال او (مؤنث)	hers
مال ما	ours
مال تو	yours
مال آنها، مال ایشان	theirs

This is my book. Yours is there.

این کتاب من است. کتاب تو (مال تو) آنجاست.

چون ضمایر ملکی واقعاً جایگزین اسم هستند در جایگاه فاعل یا مفعول جمله می‌نشینند.

ضمایر انعکاسی Reflexive Pronouns

این ضمایر هنگامی استفاده می‌شوند که فاعل و مفعول جمله یکی باشند.خودم

myself

yourself خودت

himself خودش (مذکر)

herself خودش (مؤنث)

itself خودش (غیر انسان)

ourselves خودمان

yourselves خودتان

themselves خودشان

مثال: I saw myself in the water .

من خودم را در آب دیدم.

ضمیرهای نامشخص:

از این ضمایر برای هر چیزی که اسمش را نمی‌دانیم و یا نام بردن آن مهم نیست می‌توان استفاده کرد.

One آن

Ones آنها

مثال: کدامیک را دوست دارید؟ Which one do you like?

آن یکی بالایی The one on the top.

صفت: Adjective

کلمه‌ای است که اسم یا ضمیری را توصیف می‌کند. صفات از لحاظ معنایی دارای انواع جنس، رنگ، شکل، منشاء، کاربرد و غیره هستند. اعداد نیز صفت هستند.

مثال: خوب nice

بزرگ large

آمریکایی American

چرمی leather

سیاه black

صفت قبل از اسم می‌آید و آن را توصیف می‌کند.

عکس رنگی colorful picture

صفت پس از فعل ربطی آمده و مسند را توصیف می‌کند.

این ساختمان بلند است. This building is tall.

انواع صفات از لحاظ مقایسه: comparison

الف: صفات ساده: ریشه صفات بوده و همان گونه که قبلاً گفته شد برای توصیف یک اسم آورده می‌شوند.

ب: صفت تفضیلی: این صفات با تغییری در صفت ساده و برای مقایسه دو اسم آورده می‌شوند.

She is smarter than Mehri.

او زرنگ‌تر از مهری است.

This car is more expensive than that car.

این خودرو گرانتر از آن خودرو است.

صفت تفضیلی را با افزودن **er** به آخر صفات یک بخشی و یا افزودن **more** به صفات دو بخشی به بالا می‌سازند، بعضی صفات دو بخشی **er** و بعضی دیگر **more** می‌گیرند. برای مقایسه همواره از حرف اضافه **than** استفاده می‌گردد.

مثال: My brother is wiser than his boss.

برادرم از رئیس‌اش عاقل‌تر است.

کوتاه‌تر از shorter than

بزرگتر از bigger than

دقیق‌تر از more carful than

صفات عالی با افزودن **est** به صفت ساده یک سیلابی و یا **most** به ابتدای صفت

ساده دو سیلابی به بالا ساخته می‌شود. قبل از صفت‌های عالی حرف تعریف معین **the** می‌آوریم.

بزرگترین	the largest
جدیدترین	the newest
راحت‌ترین	the most comfortable
شگفت انگیزترین	the most wonderful

بعضی صفات دو سیلابی با est و بعضی دیگر با افزودن **the most**، به صفت عالی تبدیل می‌شوند.

the prettiest

معدودی از صفات ساده نیز بی‌قاعده هستند و شکل تفضیلی و عالی آنان باید حفظ شود:

عالی	تفضیلی	صفت/ قید
بهترین **best**	بهتر **better**	**good / well** (خوب، به خوبی)
بدترین **worst**	بدتر **worse**	**bad / badly** بد
بیشترین **most**	بیشتر **more**	**much / many** زیاد
کمترین **least**	کمتر **less**	**little** کم

قید Adverb

قید برای توصیف فعل و گاهی صفت و خود جمله به کار برده می‌شود.مثال:

به سرعت	quickly
به دقت	carefully

She works carefully.

او به دقت کار می‌کند.

قید حالت به ly ختم می‌شود و فعل را توصیف می‌کند.

مثال: She drove her car slowly.

او اتومبیلش را به آهستگی راند.

قیدهای ترتیبی به توصیف تکرار عمل می‌پردازند.

مثال: I always work hard.

من همیشه به سختی کار می‌کنم.

He never lies.

او هرگز دروغ نمی‌گوید.

به غیر از اینها قیود زمان و مکان نیز هستند که اسم هستند.

مثال: We will see them soon.

ما آنها را به زودی خواهیم دید.

Hold your hands up.

دست‌هایت را بالا نگه دار.

فعل: Verb

فعل برای بیان انجام عمل یا حالتی استفاده می‌گردد. افعال در زبان انگلیسی به دو دسته افعال کمکی و اصلی تقسیم می‌گردند.

الـف) افعال کمکـی: از افعال کمکی، برای سـاخت زمان‌های مختلف اسـتفاده می‌گـردد و گاه خـود دارای معنای کامل هسـتند و در زمان‌هـای مختلف صرف می‌شوند. مهم‌ترین افعال کمکی، را در زیر می‌بینید:

بودن ـ فعل کمکی برای ساختن زمان استمراری To be

که خود به اشکال زیر در زمان حال

هستم am

هست، است is

هستند are

و زمان گذشته

بود was

بودند، بودیم، بودید were

و قسمت سوم (کامل) می‌باشند.

been	بوده
to have	داشتن ـ فعل کمکی برای ساختن زمان‌های کامل
have	صورت زمان حال: دارم، داری، داریم، دارند
has	دارد
had	و گذشته و قسمت سوم داشت، داشتم، داشتند
	فعل می‌باشد. داشته
to do	انجام دادن ـ فعل کمکی برای سؤالی و
	منفی کردن زمان‌های حال و گذشته
do	زمان حال: انجام می‌دهم، انجام می‌دهیم
does	انجام می‌دهد
did	زمان گذشته: انجام داد
done	زمان کامل
will	علامت آینده
would	علامت آینده در گذشته، اجازه مؤدبانه خواستن
shall	علامت آینده، اجازه مؤدبانه خواستن
should	علامت آینده در گذشته، اجبار
can	توانستن، ممکن بودن، اجازه خواستن
could	توانستن، اجازه خواستن
may	ممکن بودن، اجازه خواستن
might	ممکن بودن، اجازه خواستن
must	باید(اجبار شدید)
ought to	باید(اجبار خفیف)
have(had) to	باید(اجبار شدید)
would rather	ترجیح دادن
had better	بهتر است

مثال:

We are learning. — ما داریم یاد می‌گیریم.

We had learned . | ما آموخته بودیم .
Do we learn? | آیا ما یاد می‌گیریم؟
We will learn. | ما یاد خواهیم گرفت.
We can learn. | ما می‌توانیم یاد بگیریم.
We may learn. | ما ممکن است یادبگیریم.
We used to learn. | ما یاد می‌گرفتیم
We would rather learn. | ما ترجیح می‌دهیم یاد بگیریم

ب) افعال اصلی: از افعال اصلی برای بیان اعمال و حالات استفاده می‌شود و با کمک افعال کمکی در زمان‌های مختلف صرف می‌شوند. این افعال به دو دسته با قاعده و بی قاعده تقسیم می‌شوند.

افعال با قاعده که اکثریت افعال انگلیسی را تشکیل می‌دهند، با افزودن ed یا d به انتهای فعل، شکل گذشته و کامل پیدا می‌کنند. مثال:

He walked to school. | او پیاده به مدرسه رفت.

He has finished his homework.

او تکالیف خود را تمام کرده است.

افعال بی قاعده با استفاده از سایر روش‌ها به گذشته و کامل تبدیل می‌شوند.

مثال:

I go. | من می‌روم.
I went. | من رفتم.
I have gone. | من رفته‌ام.

تعداد افعال بی‌قاعده حدود هفتاد فعل می‌باشند که شکل گذشته و کامل آنها در فرهنگ‌های لغت انگلیسی آورده شده است.

prepositions   حروف اضافه

حروف اضافه بین سایر کلمه‌ها قرار می‌گیرند و ارتباط میان آنها را برقرار می‌کنند. معادل یابی این واژه‌ها با واژه‌های معادل زبان فارسی دشوار است و یافتن معادل دقیق معنا و یا کار برد دقیق یک حرف اضافه در زبان انگلیسی امکان ندارد و

چـون قاعده‌ای ندارند، آنهـا را باید به تدریج فرا گرفـت. بعضی حروف اضافه مکانی هستند. مثال:

پایین down
بالا up
بالای over
روی on
بعضی زمانی هستند: بعد از after
قبل از before
دقیقاً at

بعضـی از حـروف اضافه با افعال بـه کار برده می‌شـوند و معنی آنهـا را تغییر می‌دهند.

مراقبت کردن از look after
تسلیم شدن give up

به هر حال لیسـت حروف اضافه و کاربرد آنها طولانی می‌باشـد و در این کتاب مجالی برای آن نیست.

جمله sentence

از به هم پیوسـتن واژه‌هـا، جمله به وجود می‌آید که معنـا و مفهوم کاملی از آن گرفته می‌شـود. پس از اتمام جمله گوینده سکوت می‌کند، چون منظورش را بیان کرده است.

جملات به دو دسـته سـاده و مرکب تقسـیم می‌شـوند. جملات مرکب از به هم پیوسـتن دو یا چند جمله ساده به وجود می‌آیند. در این جا فقط به جملات ساده و توضیحی مختصر درباره زمان‌ها می‌پردازیم.

جملات ساده و انواع آن:

معنی و مفهوم جمله انگلیسی بستگی به ترتیب صحیح اجزاء آن دارد.

به طور کلی در ابتدا فاعل، سپس فعل و پس از آن مفعول می‌آید. قید بعد از فعل و یا مفعول قرار می‌گیرد.

قید	مفعول	فعل	فاعل
yesterday.	a hat	bought	I

من دیروز یک کلاه خریدم.

می‌توان قید زمان را در ابتدای جمله نیز آورد.

Yesterday I bought a hat.

دیروز یک کلاه خریدم.

جمله می‌تواند به چهار شکل باشد:

جمله خبری statement

The shops close / don't close at 7 tonight.

فروشگاه‌ها امشب ساعت ۷ بسته می‌شوند / نمی‌شوند.

جمله سؤالی

Do the shops close at 7 tonight?

آیا فروشگاه‌ها امشب ساعت ۷ بسته می‌شوند؟

جمله امری

Shut the door / Don't shut the door.

در را ببند / در را نبند.

جمله تعجبی

What a slow train this is!

چه قطار کندی است!

جملات خبری و سؤالی را می‌توان در انواع زمان‌ها بیان کرد. به طور کلی دو زمان اصلی حال و آینده و گذشته در زبان انگلیسی داریم که هر یک به چهار شکل ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری تقسیم می‌شوند و با استفاده از افعال کمکی ساخته می‌شوند.



۱ـ زمان حال ساده simple present tense

برای بیان عملی در زمان فعلی و یا حقایق کلی استفاده می‌شود و با قسمت اول فعل ساخته می‌شود.
He shouts loudly .
او با صدای بلند فریاد می‌زند.

با فاعل سوم شخص، فعل s یا es می‌گیرد. سؤالی و منفی آن با do و does انجام می‌شود.

Do they play tennis? آیا آنان تنیس بازی می‌کنند؟

Does he enjoy the music? آیا او از موسیقی لذت می‌برد؟

They don't play tennis. .آنان تنیس بازی نمی‌کنند

He does not enjoy music. او از موسیقی لذت نمی‌برد.

۲ـ زمان حال استمراری present continuous tense

زمان حال استمراری برای بیان عملی که در زمان «حال» در حال انجام شدن است به کار می‌رود. برای ساخت این زمان از اشکال زمان حال فعل کمکی to be (are و is و am) استفاده می‌گردد و با استفاده از آنها منفی و سؤالی می‌گردد.

She is screaming. او دارد جیغ می‌زند.

Are they fighting? آیا آنان در حال مبارزه هستند؟

We are not coming. ما در حال آمدن نیستیم.

۳ـ زمان حال کامل the present perfect tense

برای بیان کاری است که در گذشته‌ای نامعین انجام گرفته است و یا خود عمل یا اثر آن تا زمان حال ادامه یافته است. این زمان را با کمک اشکال حال فعل کمکی (have , has) (to have) و قسمت سوم یا کامل فعل اصلی می‌سازند.

She has eaten her lunch. او ناهارش را خورده است.

Has she eaten her lunch? آیا او نهارش را خورده است؟

She has not eaten her lunch. او نهارش را نخورده است؟

٤ـ حال کامل استمراری present perfect continuous

این فعل نیز برای بیان کاری که در حالت استمرار از گذشته شروع شده و تا حال ادامه یافته، استفاده می‌گردد و در ساختن آن از فعل کمکی **to have** و **to be** و نیز علامت استمراری **ing** استفاده می‌گردد.

I have been waiting here for two hours.

من دو ساعت در اینجا انتظار کشیده‌ام.

Have you been travelling lately?

آیا اخیراً در حال مسافرت بوده‌اید ؟

She has not been living here since 1982.

او از سال ۱۹۸۲ تا به حال در اینجا زندگی نمی‌کند.

زمان گذشته Past tense

این زمان نیز به چهار شکل ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری تقسیم می‌گردد.

۱- گذشته ساده simple past

زمان گذشته ساده برای بیان عملی در گذشته‌ای معلوم استفاده می‌گردد. این زمان با قسمت گذشته فعل ساخته می‌شود.

We travelled to France last year.

ما سال پیش به فرانسه سفر کردیم.

برای سؤالی و منفی کردن این زمان از شکل گذشته فعل کمکی **to do** (did) استفاده می‌گردد.

Did we travel to France last year?

آیا ما سال پیش به فرانسه سفر کردیم؟

When did we travel to France?

چه زمانی به فرانسه سفر کردیم؟

We did not travel to France last year.

ما سال پیش به فرانسه سفر نکردیم.

۲- گذشته استمراری Past continuous tense

از این زمان برای بیان انجام عملی استمراری در گذشته استفاده می گردد. برای ساختن این زمان از اشکال گذشته فعل کمکی(to be(was , were و علامت استمرار **ing** استفاده می گردد.

I was writing a letter all last night.

تمام شب پیش را داشتم یک نامه می‌نوشتم.

What were they doing in the morning?

هنگام صبح آنها داشتند چکار می کردند؟

We were not listening to him.

ما به او گوش نمی کردیم.

۳- گذشته کامل (ماضی بعید) Past Perfect Tense

گذشته کامل برای بیان عملی است که در گذشته و قبل از عمل دیگری به وقوع پیوسته است. برای ساختن این زمان از فعل کمکی **had** و قسمت سوم فعل استفاده می‌شود.

He had stopped wrestling before I chose him as my coach.

قبل از اینکه او را به عنوان مربی‌ام انتخاب کنم، وی از کشتی گرفتن دست کشیده بود.

Had they gone before I came?

آیا آنان قبل از آمدن من رفته بودند؟

We had not finished the project until the help arrived.

ما تا زمانی که کمک نرسیده بود، پروژه را تمام نکرده بودیم.

٤- گذشته کامل (ماضی بعید) Past Perfect Continuous Tense

این زمان نیز برای بیان عملی استمراری در گذشته است که قبل از انجام کار دیگری به وقوع پیوسته باشد. برای ساخت این زمان از فعل کمکی **had** و **been** و علامت **ing** استفاده می‌گردد. چون این زمان چندان کاربردی ندارد به ذکر یک مثال از آن اکتفا می‌کنیم.

I had been waiting for more than one hour when the doctor arrived.

زمانی که دکتر رسید، من بیش از یک ساعت انتظار کشیده بودم.

زمان آینده Future Tense

١- زمان آینده ساده Simple Future Tense

برای بیان عملی در آینده است و از فعل‌هـای کمکی ناقص **will** و **shall** برای ساختن آن استفاده می‌شود.

I shall (will) visit him tomorrow.

من او را فردا ملاقات خواهم کرد.

He will not see me.

او هفته آینده مرا نخواهد دید.

Shall we go to the gym after the class?

آیا بعد از کلاس به باشگاه ورزشی خواهیم رفت؟

٢- آینده استمراری future continous tense

برای بیان عملی استمراری که در آینده قرار است، انجام گیرد، به کار می‌رود. برای ساختن آن علاوه بر **shall** یا **will** از **be** و **ing** نیز استفاده می‌گردد.

I shall be writing this novel next month.

من ماه آینده این داستان را خواهم نوشت.

How shall I be writing this novel next month?

ماه آینده چگونه این داستان را خواهم نوشت؟

۳- آینده کامل Future perfect tense

از این زمان برای بیان عملی اســتفاده می‌گردد که تنها در زمان خاصی در آینده، انجام خواهد شد.

I will have done it by tomorrow night.

تا فردا شب آن را انجام خواهم داد.

برای ساخت این زمان هم از will، shall، have و قسمت سوم فعل استفاده می‌شود.

The government will not have finished this project by 2010.

دولت تا سال ۲۰۱۰ این پروژه را تمام نخواهد کرد.

٤- آینده کامل استمراری Future Perfect Continuous Tense

از این زمان نیز برای بیان عملی استمراری استفاده می‌گردد که تا زمان خاصی در آینده انجام خواهد گرفت.

برای ساختن آن از افعال کمکی will، have، been و علامت ing استفاده می‌گردد. چون این زمان در انگلیس چندان کاربردی ندارد، تنها یک مثال از آن ذکر می‌کنیم.

The satellite will have been circling the earth 200 times by the end of this year

این ماهواره تا پایان امسال، زمین را ۲۰۰ بار دور خواهد زد.

بـه جـز زمان‌هـای بـالا، زمـان آینـده‌ای نیـز داریـم کـه بـا عبـارت to be going to ساخته می‌شود و دلالت بر انجام عملی طبق نقشه و طرح در زمان آینده دارد.

I am going to get married after graduation.

من قصد دارم که پس از فارق‌التحصیلی ازدواج کنم.

Is she really going to quit her job?

آیا او واقعاً قصد دارد که کارش را رها کند؟

They are not going to build their house next year.

آنها قصد ندارند که در سال آینده، خانه خود را بسازند.

این مروری اجمالی بر دستور زبان انگلیسی بود، حال به قسمت اصلی کتاب و محاورات روزمره می‌پردازیم.



ضروریات: عبارات وکلمات بسیار ضروری

سلام	هِلُ	Hello
خداحافظ	گودبای	Good bye
خواهش می‌کنم، لطفاً	پلیز	please
قابلی نداشت، خوش آمدید	یور وِلْکام	You're welcome.
بله، آری	یِسْ	yes
خیر، نه	نُ	no
ببخشید (برای جلب توجه)	اِکس کیوز می	Excuse me.
ببخشید (برای عبور کردن)	اِکس کیوزْ می	Excuse me.
متأسفم	ساری	sorry
من می‌فهمم	آی آنْدِرْسْتَنْدْ	I understand
من نمی‌فهمم	آی دونت آنْدِرْسْتَنْدْ	I don't understand
یک لحظه تأمل کنید، خواهش می‌کنم.	وان مومِنتْ پلیز	One moment, please.
کمک کنید!	هِلپْ	Help!
او کجاست؟	ورز دِ ...؟	Where's she?

اعداد:

یک	وان	one 1-
دو	تو	two 2-

three 3-	تری	سه
four 4-	فور	چهار
five 5-	فایو	پنج
six 6-	سیکس	شش
seven 7-	سِوِن	هفت
eight 8-	اِیت	هشت
nine 9-	ناین	نه
ten 10-	تِن	ده

سؤال‌ها:

Where?	وِر	کجا
Who?	هوُ	چه کسی
What?	وات	چه کاره، چی، چه؟
Which?	ویچ	کدام؟
When?	وِن	چه وقت؟ کی؟
How much?	هَا ماچ	چقدر؟
How many?	هَا منی	چند تا؟
How?	هَا	چطور؟
How long?	هُا لانگ	چه مدت؟
Why?	وای	چرا؟



صحبت کردن	سْپیک	speak
تکرار کردن	ریپیت	repeat
آمدن	کام	come
رفتن	گُ	go
دانستن	نُ	know
دادن	گیو	give
آوردن	بْرینگ	bring
برقراری ارتباط	کمیو نیکِیْشِنْ	communication

Do you speak English?

آیا انگلیسی صحبت می‌کنید؟ — دو یو سْپیک اینگلیش؟

Does anyone speak English?

آیا کسی انگلیسی صحبت می‌کند؟ — داز اِنی وان سْپیک اینگلیش؟

Do you understand?

آیا می‌فهمید؟ — دو یو آندِرْسْتَنْد؟

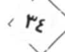
Yes, I understand.

بله، من می‌فهمم. — یس، آی آندِرْسْتَنْد.

No, I don't understand.

نه، من نمی‌فهمم. — نُ، آی دونت آندِرْسْتَنْد.

I speak Persian (Farsi).



من فارسی صحبت می‌کنم. — آی سْپیک پِرْشِن (فارسی).

I speak a little English.

من کمی انگلیسی صحبت می‌کنم. — آی سپیک اِ لیتل اینگلیش.

What does ...mean?

... چه معنی می‌دهد؟ — وات داز ...مین؟

I'd like to learn English.

من دوست دارم انگلیسی یاد بگیرم. — آید لایک تو لِرن اینگلیش.

Please speak slowly.

لطفاً آهسته صحبت کنید. — پلیز سْپیک سْلُ‌لی.

Pardon?

ببخشید (منظورتان را نفهمیدم)؟ — پاردِن

How do you write ...?

... را چگونه می‌نویسید؟ — هاو دو یو رایت ...؟

How do you pronounce this?

چگونه این را تلفظ می‌کنید؟ — هاو دو یو پْرُونانس دیس؟

Could you please ...

ممکن است ... — کود یو پلیز ...

...repeat that?

...آن را تکرار کنید؟ — ریپیت دَت؟

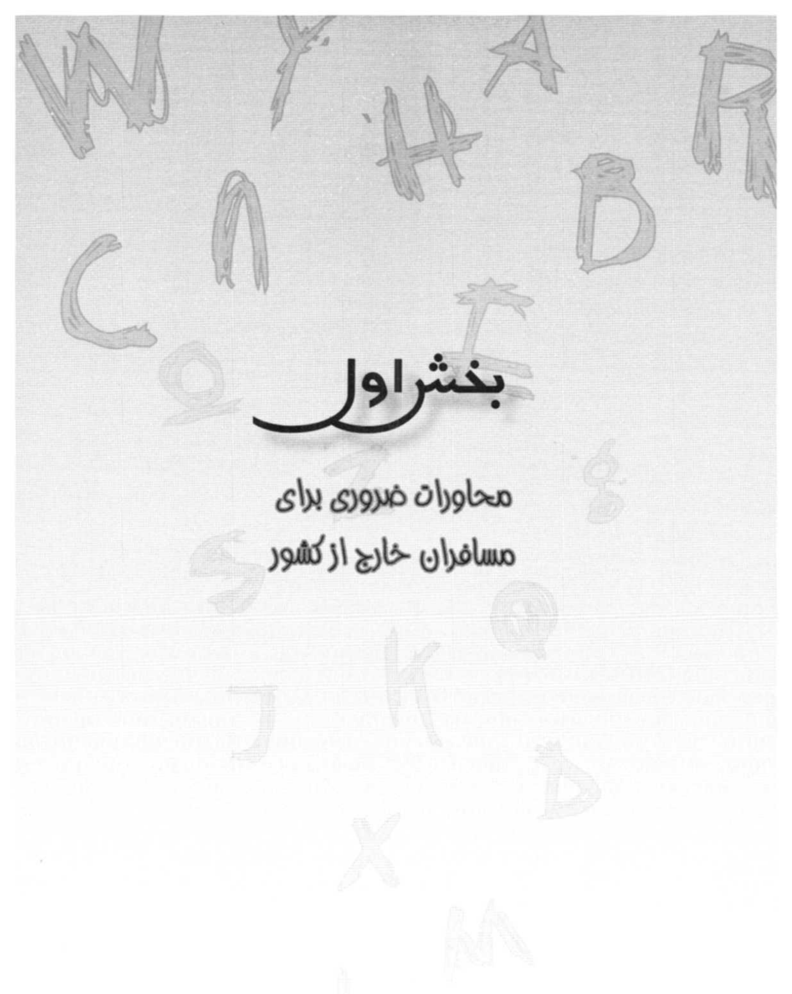
...speak more slowly?

...آهسته‌تر صحبت کنید؟ — سْپیک مُر سْلُ‌لی؟

...write it down?

...آن را بنویسید؟ — رایت ایت داوْن؟





بخش اول

محاورات ضروری برای مسافران خارج از کشور





آژانس مسافرتی و بلیط هواپیما

signs علائم

open	اُپن	باز، باز کردن
closed	کلوزد	بسته
Entrance	اِنترانس	ورودی
Exit	اِگزیت	خروجی
men	مِن	مردان، مردانه
women	ویمن	زنان، زنانه
toilets / wc	تویلِتز	توالت
No smoking.	نُ سموکینگ	سیگار کشیدن ممنوع.
prohibited	پرو هیبیتِد	قدغن، ممنوع
station	سْتِیشن	ایستگاه
platform	پِلَتْفورم	سکو
gate	گِیت	دروازه
pull	پول	کشیدن، بکشید
push	پوش	فشار دادن، فشار دهید
to let	تولِت	اجاره دادن
travel agency	تْراوِلْ اِیجِنْسی	آژانس مسافرتی
ticket	تیکِت	بلیط
flight	فْلایْت	پرواز
Airline	ایْرْ لاین	خط هوایی، شرکت هواپیمایی
Airport	ایْرْ پُوت	فرودگاه

reserve رزرْو رزرو بلیط
confirm کانْفیرم تأیید
seat سیت صندلی
cancel کَنْسِل فسخ کردن، باطل کردن

I'd like a ticket for London?
آید لایک اِ تیکِت فُر لانْدِن. یک بلیط برای لندن می‌خواهم؟

How freqnent are the flights?
هَا فِریکُینْتْ آر دِ فْلایتس؟ پروازها هر چند وقت یکبار است؟

Is that a non – stop (direct) flight?
ایز دَت اِ نان ـ ستاپ (دایرِکْت) فْلایت؟
آیا این یک پرواز بدون توقف (مستقیم) است؟

What flights are there to London?
وات فْلایتس آر دِر تو لانْدِن؟ چه پروازهایی برای لندن دارید؟

Do I need to book?
دو آی نید تو بوک؟ آیا باید رزرو کنم؟

A ...ticket
اِ ...تیکِتْ یک بلیط ...

First class
فِرست کِلَسْ درجه یک

Second class
سِکِند کِلَسْ درجه دو

one – way وان وِی یک طرفه
return ریتِرْن رفت و برگشت

How much is the ticket?
هَا ماچ ایز دِ تیکِتْ؟ قیمت بلیط چقدر است؟

I'd like to cancel my ticket to London.
آید لایک تو کَنْسِل مای تیکِت تو لانْدِن.
مایلم که بلیطم به لندن را کنسل کنم.

How early must I be at the airport?

هَا اِرلی ماست آی بی اَت دِ ایرپُرت؟

چقدر زودتر از ساعت پرواز باید در فرودگاه باشم؟

How much luggage can I take?

هَا ماچ لاگیج کَن آی تِیک؟ — **چقدر بار می‌توانم با خود ببرم؟**

What time is the flight?

وات تایم ایز دِ فلایْت؟ — **پرواز چه ساعتی است؟**

Where is the airport?

وِر ایز دیِ ایْر پُرت؟ — **فرودگاه کجاست؟**

departure	دی‌پارْچِر	**حرکت، عزیمت**
destination	دِستینیشِن	**مقصد**
terminal	تِرمینال	**ترمینال**
check in	چِک این	**بازرسی**
gate	گیتْ	**دروازه**
luggage	لاگیج	**بار همراه مسافر**
departure hall	دی‌پارْچِر هال	**سالن پرواز**
duty-free shop	دی‌یوتی ـ فری شاپ	**فروشگاه معاف از مالیات**
information	این فُر مِی شِن	**اطلاعات**
boarding pass	بودینگ پَس	**کارت سوار شدن به هواپیما**

Where is airport terminal?

وِر ایز دِ ایرپُرتْ تِرمینال؟ — **ترمینال فرودگاه کجاست؟**

Where do I check in?

وِر دو آی چِک این؟ — **برای بازرسی به کجا مراجعه کنم؟**

My flight number is ...

مای فلایت نامْبِر ایز ... — **شماره پرواز من ...است.**

Is it delayed?

ایز ایت دیلیْد؟ — **آیا تأخیر دارد؟**

Will this flight leave on time?

ویل دیس فلایت لیو اُن تایم؟ — **ایا این پروازبه موقع(سر وقت) انجام خواهد شد؟**

How long does the flight take?

هَا لانگ داز دِ فْلایْتْ تِیک؟ — **پرواز چقدر طول می‌کشد؟**

Is it a direct route?

ایز ایت اِ دایْرِکت روت؟ — **آیا این خط (پرواز) مستقیم است؟**

Can I have a window seat?

کَن آی هَوْ اِ ویندو سیت؟ — **آیا می‌توانم صندلی کنار پنجره داشته باشم؟**

What is the gate number?

وات ایز دِ گِیلت نامْبِر؟ — **شماره درب خروجی چیست؟**

Boarding pass, please.

بودینگ پَس، پلیز — **کارت پرواز، لطفاً**

Your seat is B 13.

یور سیت ایز بی تِرتین. — **صندلی شما بی ۱۳ است.**

Airplane	ایلر پِلِیْنْ	**هواپیما**
seat	سیت	**صندلی**
pilot	پایْلِتْ	**خلبان**
flight attendant	فلایْت اَتِندِنْتْ	**مهماندار پرواز**
steward	اِستوارْدْ	**مهماندار زن**
stewardess	اِستوارْدِیس	**مهماندار زن**
window seat	ویندو سیت	**صندلی کنار پنجره**
aisle seat	آیل سیت	**صندلی کنار راهرو**
smoking section	سْموکینگ سِکْشِنْ	**قسمت سیگاری‌ها**
seat belt	سیت بِلْت	**کمربند**

Where is this seat?

وِر ایز دیس سیت؟ — **این صندلی کجاست؟**

Can I change my seat?

کَن آی چِنْجْ مای سیت؟ — **آیا می‌توانم صندلی‌ام را عوض کنم؟**

To the flight attendant — به مهماندار

How long will it be delayed?

هَا لانگ ویل ایت بی دیلِیْد؟ — **این هواپیما چقدر تأخیر خواهد داشت؟**

How long should we stop here?

هَا لانگ شوُد وی سْتاپ هی‌یِر؟ — **چقدر باید اینجا توقف کنیم؟**

I have a headache. Please give me some Aspirin.

آی هَو اِ هِدِک، پلیز گیو می سام اَسپیرین.

من سردرد دارم، لطفاً به من آسپیرین بدهید.

May I recline my seat?

مِیْ آی ریکلاین مای سیت؟ | **اجازه دارم صندلی‌ام را بخوابانم؟**

arrival	اِر ایوال	**ورود**
passport	پَس پُرت	**گذرنامه**
control passport	پَس پُرت کُنْتْرُل	**بازرسی گذرنامه**
customs	کاستمز	**گمرک**
security	سِکیوریتی	**امنیت**
luggage	لاگِیْج	**بار**

Your passport, please.

یور پَس‌پُرت پلیز. | **گذرنامه‌تان، لطفاً.**

How long do you intend to stay?

هاو لانگ دو یو اینتِنْد تو استِی؟ | **چقدر می‌خواهید بمانید؟**

Where do you stay?

وِر دو یو اِستِیْ؟ | **کجا اقامت می‌کنید؟**

What is the purpose of your trip?

وات ایز دِ پِرْپِس آو یور تْرِیپ؟ | **قصد سفر شما چیست؟**

I'm here for holidays.

آیم هیر فُر هالیدِیْز. | **من برای گذراندن تعطیلات اینجا هستم.**

I'm here to see exhibition . . .

...را ببینم. آیم هی یر تو سی اِگْزیبیشِنْ .... | **من اینجا هستم تا نمایشگاه**

I'm invited by ....

آیم این وایْتِدْ بای ... | **من به وسیله ...دعوت شده‌ام.**

I'm here on business.

آیم هی‌یر اُن بیزینِس. | **من برای کار تجاری اینجا هستم.**

I'm just passing through.

آیم جاست پَسینگ ترو. | **من فقط از اینجا عبور می‌کنم.**

This is my transit pass.

این برگه عبور من است. دیسْ ایز مای تْرَنْزیت پَس.

This is the letter of invitation.

این دعوتنامه من است. دیس ایز دِ لِتِر آو اینویتِیْشِن.

We are with a tour.

ما با یک تور هستیم. وی آر ویت اِ تور.

We stay at hotel ....

ما در هتل ...اقامت می‌کنیم. وی استِی اَت هُتِلْ ....

We plan to stay one week.

ما قصد داریم یک هفته اقامت کنیم. وی پْلَنْ تو استِی وان ویک.

I don't get it.

آن را نمی‌فهمم. ای دونت گت ایت.

I'm here to study English.

من برای یاد گرفتن انگلیسی اینجا آمده‌ام ....آیم هی‌یر تو سْتادی اینگلیش.

I came here to see my son.

من اینجا آمدام تا پسرم را ببینم. آی کِیْمْ هی‌یر تو سی مای سان.

Is this your first trip to London?

آیا این اولین سفر شما به لندن است؟ ایز دیس یور فِرست تریپ تو لانْدِنْ؟

Welcome to England.

به انگلستان خوش آمدید. وِلْکام تو اینگْلَنْد

گمرک customs

در هنگام ورود به هر فرودگاه بین المللی دو تابلوی زیر به چشم می‌خورد.

Goods to declare.

همراه داشتن کالای گمرکی گودز تو دیکلِرْ

Nothing to declare.

همراه نداشتن کالاهای مشمول گمرک ناتینگ تو دیکْلِر

مسافرانی که کالاهای مشمول گمرک ندارند از زیر تابلوی دوم رد شده و بازرسی نمی‌شوند و دسته‌ای که این کالاها را دارند از زیر تابلوی اول رد می‌شوند.

مهاجرت **immigration** ایمی گِرِیْشِن

quarantine — کُرانتین — قرنطینه

security — سِکیوریتی — انتظامات

Do you have anything to declare?

آیا چیزی برای اعلام کردن دارید؟ — دو یو هَڤ اِنی تینگ تو دیکْلِر؟

I have nothing to declare.

من چیزی برای اعلام ندارم. — آی هَد ناتینگ تو دیکْلِر.

Please, open this suitcase.

لطفاً این چمدان را باز کنید. — پلیز، اُپن دیس سویت کِیْس.

Please, open your bag.

لطفاً این کیف خود را باز کنید. — پلیز، اُپن یور بَگْ.

It is a gift for my son.

این یک هدیه برای پسرم است. — ایت ایز اِ گیفت فُر مای سان.

It is a handycraft.

این یک صنایع دستی است. — ایت ایز اِ هندی کِرافْتْ.

It is pistachio.

این پسته است. — ایت ایز پیستاچیو.

Must I pay for this?

آیا باید برای این چیزی بپردازم؟ — ماست آی پی فُر دیس؟

You will have to pay duty on this.

یو ویل هَو تو پی دیوتی اُن دیس.

شما باید برای این حقوق گمرکی بپردازید.

It is for my personal use.

این برای استفاده شخصی من است. — ایت ایز فُر مای پِرْسُنال یوز.

Have you any more luggage?

آیا چمدان دیگری هم دارید؟ — هَو یو اِنی مُر لاگیج.

I am done. You are free to go.

کار من تمام شد. شما آزاد هستید که بروید. — آی اَم دان. یو آر فری تو گُ.

خروج از فرودگاه لیوینگ دِ ایرپُوت leaving the airport

چرخ دستی حمل بار	ترولی	trolley
باربر	پُرتر	porter
دفتر بار امانتی	اِفْتْ لاگیجْ آفیس	left luggage office
دفتر جهانگردی ـ اطلاعات	توریست آفیس	tourist office

Where are the trolleys?

چرخ دستی‌های بار کجاست؟ ورِ آر دِ تْرولیز؟

Porter! Please take my luggage to the bus / taxi / outside.

پُرتِر! پلیز تِیک مای لاگِیج تو دِ باس / تَکْسی / آوت ساید

باربر / لطفاً بار مرا به اتوبوس / تاکسی / بیرون ببر.

One of my luggage is missing.

یکی از چمدان‌هایم نیست. وان آو مای لاگِیج ایز میسینگ.

Where is the left – luggage office?

دفتر بار امانتی کجاست؟ ور ایز دِ لِفْت لاگِیج آفیس.

What does your suitcase look like?

چمدان شما چه شکلی است؟ واتْ داز یُو سویت کِیْسْ لوک لایک؟

Give me your number.

شماره تلفن‌ات را به من بده. گیو می یُور نامْبر

Or call me at this number.

یا با این شماره با من تماس بگیر. اُر کال می اَت دیسْ نامْبر.

To know about your suitcase.

تا درباره چمدانت اطلاعات بگیری. تو نُ اِ بات یُر سویت کِیْسْ.

Usually it is in another flight.

معمولاً آن (چمدان) در پرواز دیگری است.یوژولی ایت ایز این اِنادِر فْلایت.

It will be here in one week.

تا یک هفته دیگر اینجا خواهد بود. ایت ویل بی هی‌یر این وان ویک.

Where can I get a taxi?

کجا می‌توانم تاکسی بگیرم؟ ور کَنْ آی گِت اِ تَکْسی؟

Where can I hire a car?

کجا می‌توانم ماشین اجاره کنم؟ ورکَنْ آی هایِر اِ کار؟

Where can I make a call?

کجا می‌توانم یک تلفن بکنم؟ ور کَیْ آی مِیک اِ کال؟

در میز اطلاعات — at information desk — اَت این فُرمِیْشِن دِسک

Could you call Mr ...?

ممکن است آقای ...را صدا بزنید؟ کود یو کال مِسْتِر ...

How do I get to this address?

چطور به این آدرس بروم؟ هَا دو آی گِت تو دیس اَدرِسْ؟

Can I exchange some money here?

آیا می‌توانم در اینجا پولم را عوض کنم؟ کَنْ آی اِکْسْچِنْجْ سام مانی هی‌یِر؟

taxi	تَکْسی	تاکسی
taxi / cab/driver	تَکْسی/ کَبْ/ درایْوِر	راننده تاکسی
meter	میتِرْ	تاکسی متر
fare	فِر	کرایه
flat fare	فِلَتْ فِر	کرایه ثابت
rush hour	راشی آوِر	ساعت اوج شلوغی
red light	رِد لایت	چراغ قرمز

I'd like a taxi...

من یک تاکسی می‌خواهم ... `اید لایک اِ تَکْسی

at nine a.m.	اَت ناین اِ ایم	در ساعت ۹ صبح
now	نَا	حالا
at nine a.m. tomorrow	تومارو اَت ناین اِ ایم	فردا در ساعت ۹ صبح

Where is the taxi rank / stop?

ایستگاه تاکسی کجاست؟ ور ایز دِ تکسی رَنک / ستاپ.

What is the fare to ...?

کرایه تا ...چقدر است؟ وات ایز دِ فِر تو ...؟

Is this taxi available?

این تاکسی آماده کار است؟ ایز دیس تُکسی اَویلِبلْ.

Please put the meter on.

لطفاً تاکسی متر را روشن کنید. پلیز پوت دِ میتِر اُن.

Take me to ...street.

مرا به خیابان ...ببرید. تِیْک می تو ...سْتریت.

Please stop here.

لطفاً اینجا نگاه دارید. پلیز سْتاپ هی‌یِر.

Wait here ,Please.

لطفاً اینجا منتظر باشید. وِیْتْ هی‌یِر پلیز.

I'll be back in a moment.

من همین الان برمی‌گردم. آیل بی بَکْ این اِ مُمِنْتْ.

I'll be back in half an hour.

من نیم ساعت دیگر برمی‌گردم. آیل بی بَکْ این هاف اَن آوِر.

What's the name of this square?

اسم این میدان چیست؟ وات ایز دِ نیم آو دیس اِسْکوِر؟

How long does it take to go ...?

رفتن تا ...چقدر طول می‌کشد؟ ها لانگ داز ایت تِیک تو گُ ...؟

How much is it?

کرایه‌تان چقدر است؟ ها ماچ ایز ایت؟

I agree to pay that amount.

من موافقم که این مقدار را بپردازم. آی اَگری تو پِی دُت اَمانت.

I won't pay that amount.

من این مقدار را نمی‌پردازم. آی وُنْتْ پِی دُت اَمانت.

I'm going to complain to the police.

من به پلیس شکایت می‌کنم. آیم گوئینگ تو کامْپلِیْنْ تو پُلیس.

That'll be $ 12.50. please.

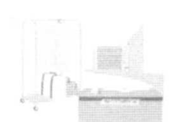
کرایه شما ۱۲ دلار و ۵۰ سنت می‌شود. دَتْل بی تِولْوْ دالار، فیفتی سِنْتْ. پلیز.

Here's 15 dollars.

این هم ۱۵ دلار. هیرز فیفتین دالِرْزْ.

Keep the change.

بقیه‌اش مال خودتان. کیپ دِ چِنْجْ.



در هُتل

at Hotel
اَت هتل — در هتل

Pension / boarding house.
پِنْشِنْ ـ بودینگ هاوس — پانسیون / شبانه روزی

inn	این	مهمانخانه
youth hostel	یوث هاسْتِل	مهمانخانه جوانان (دانشجویی)
book	بوک	رزرو کردن
furnished	فِرنیشد	مبله
room	روم	اتاق
single	سینگل	یک نفره
double	دَبلْ	دو نفره
bathroom	بَثْ روم	حمام، دستشویی
view	ویو	منظره ـ مشرف
heating	هیتینگ	سیستم گرمایی
air conditioning	ایِرْ کاندیشنینگ	تهویه هوا
shared bath	شیِرد بَثْ	حمام مشترک
vacancy	ویْکنْسی	جای خالی
check in	چِکْ این	گرفتن اتاق
check out	چِکْ آوت	پس دادن اتاق
shower	شَور	دوش
hotel staff	هُتِلْ اِستَفْ	کارکنان هتل
manager	مَنیْجر	مدیر
maid	میْد	مستخدمه هتل

reception	رِسِپشِنْ	پذیرش
operator	آپرِیتور	تلفنچی

Do you have any vacancies?

آیا جای خالی دارید؟ — دو یو هَوْ اِنی ویکِنْسیز؟

I'd like to book a room.

مایلم که یک اتاق رزروکنم. — آید لایک تو بوک اِ روم.

My name is ....

اسم من ... — مای نِیم ایز ....

For (two) nights / weeks.

برای (دو) شب / هفته — فُر (تو) نایس / ویکس

From (2July) to (6July)

از دوم جولای تا ششم ژوئیه. — فِرام سِکِنْد تو سیکسْتْ آو جولای.

Do you need an upfront?

آیا به پیش پرداخت نیاز دارید؟ — دو یو نید اَن آپْفرُنت؟

I'd like a single / double room.

من یک اتاق یک نفره / دو نفره می‌خواهم. — آید لایک اِ سینگِل / دَبِلْ روم.

How much is it per night / week / person?

ها ماچ ایز ایت پِر نایت / ویک / پِرسِنْ؟

کرایه آن شبی / هفته‌ای / نفری چقدر است؟

May I see the room?

اتاق را می‌توانم ببینم؟ — مِی آی سی دِ روم؟

I'll take it.

آن را قبول می‌کنم. — آیل تِیک ایت.

Does it have a view?

آیا منظره‌ای دارد؟ — داز ایت هَو اِ ویو.

I had a reservation.

من رزرو کرده بودم. — آی هَد اِ رِزِرْوِیْشِن.

Here's my confirmation.

این تأیید رزرو من است. — هیرِزْ مای کان فیر مِیْشِنْ.

When is check out time?

وِنْ ایز چِک آوت تایم؟

وقت تخلیه کی است؟

Two o' clock in the afternoon.

تو اُ کلاک این دِ آفتِرنون.

ساعت دو بعد از ظهر.

I'd like a room with 2 beds.

آید لایک اِ روم ویت تو بِدْز.

من یک اتاق با دو تخت می‌خواهم.

I'd like a room with twin.

آید لایک اِ روم ویت توین.

من یک اتاق با تخت دو نفره می‌خواهم.

Can I change my room?

کِنْ آی چِنْج مای روم؟

می‌توانم اتاقم را تغییر دهم.

It's too noisy.

یتز تو نویزی.

خیلی پر سر و صداست.

Is the service and tax included in the price?

ایز دِ سِرویس اَند تَکْسْ اینکلودِد این دِ پرایس؟

آیا خدمات و مالیات هم در قیمت‌ها آمده است؟

How much for the room including breakfast?

هَا ماچ فُر دِ روم اینکلودینگ بِرِک فست؟

کرایه اتاق همراه با صبحانه چقدر است؟

I need a room at the back / front.

آی نید اِ روم اَت دِ بَک / فِروت..

من یک اتاق در جلو / پشت ساختمان می‌خواهم.

Does it have a TV / fridge / shower / balcony?

داز ایت هَو اِ تی وی / فریج / شاوِر / بَلْکُنی.

آیا این اتاق تلویزیون / یخچال / دوش / بالکن دارد؟

Please fill in this form.

پلیز، فیل این دیس فُرْمْ.

لطفاً این فرم را پر کنید.

What is it?

وات ایز ایت؟

این چی هست؟

It is registration form.

ایت ایز رجیستِرِیْشِن فُرم.

این فرم ثبت نام است.



فرم ثبت نام

Registration form		**فرم ثبت نام**
name/first name	نِیم / فرست نِیم	**نام/ نام خانوادگی/**
home address	هُم آدْرِس	**آدرس منزل**
nationality	نَشْنالیتی	**ملیت**
occupation	آکیوپِیْشِن	**شغل**
date/place of birth	دِیْتْ / پِلِیْسْ آو بِرْث	**تاریخ/ محل تولد**
signature	سیگنیچر	**امضاء**

How long will you stay?

هَا لانگ ویل یو اِسْتِی؟

چقدر خواهید ماند؟

Maybe one week.

مِی بی وان ویک.

شاید یک هفته.

Where is my room?

وِر ایز مای روم.

اتاق من کجاست؟

Room 134.

روم وان تری فُر.

اتاق ۱۳٤

First floor down the hall.

فِرست فلور دان دِ هال.

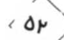
طبقه اول، آخر راهرو.

This is your key card.

دیس ایز یُر کی کارد.

این کلید کارتی شماست.

Just put it on the slot.



فقط آن را در سوراخ بگذارید. جاست پوت ایت اُن دِ اِسلات.

And the door opens.

و در باز می‌شود. اَند دِ دُر اُپنز.

Anything you need... به هر چیزی نیاز دارید

انی تینگ یو نید . . .

Call room service ...

May I have... ?

به خدمات اطلاع دهید.

ممکن است ...برایم بیاورید؟ مِی آی هو ...؟

a bath towel	اِ بَت تُول	یک حوله حمام
some toilet paper	سام تویلِتْ پِیپِر	مقداری کاغذ توالت
a blanket	اِ بلَنْکِت	یک پتو
some soap	سام سُوپ	مقداری صابون

Where / when is breakfast / lunch / dinner served?

وِر / وِن ایز بِرکْفَسْت / لانچ / دینِر سِرْوْدْ؟

کجا / چه زمانی صبحانه / ناهار / شام / سرو می‌شود؟

Please wake me at (seven).

لطفاً مرا ساعت (هفت) بیدار کنید. پلیز وِیک می اَت (سِوِنْ)

Do you have a / an . . .?

آیا ...دارید؟ دو یو هَو اِ / اَن ...؟

elevator / lift	اِلِویتُر / لیفت	آسانسور
laundry service	لاَندِری سِرویس	رختشویی
message board	مِسِیْج بورد	تابلوی اعلانات
safe	سِیف	گاو صندوق
swimming pool	سویمینگ پول	استخر شنا
gym	جیم	باشگاه ورزشی
map of the city	مَپ آو دِ سیتی	نقشه شهر

Do you change money?

آیا پول تبدیل می‌کنید؟ دو یو چِنْجْ مانی؟

Is there a message for me?

آیا پیغامی برای من هست؟ ایز دِر اِ مِسِیْجْ فُر می؟

Can I get another blanket?

آیا پتوی دیگری می‌توانم داشته باشم؟ کن آی گِت اِنادِر بِلَنْکِت؟

The air conditioning /fan /toilet doesn't work.

دِ ایرکاندیشنینگ / فَن / تویلِت دازِنْت وُرْک.

تهویه هوا / پنکه سقفی / توالت کار نمی‌کند.

I'll send somebody to fix them.

من فردی را می‌فرستم تا آنها را تعمیر کند آیل سِنْد سام بادی تو فیکس دِم.

The key doesn't work.

کلید کار نمی‌کند. دِ کی دازِنْت وُرک.

I'll recharge it.

من آن را دوباره شارژ می‌کنم. آیل ری‌چارج ایت.

What time is check out?

وقت تخلیه اتاق کی است؟ وات تایم ایز چِک آوت؟

Can I have a late check out?

می‌توانم دیرتر تخلیه کنم؟ کَن آی هَو اِ لِیْتْ چک آوت؟

Can you call a taxi for me?

می‌توانید یک تاکسی برای من تهیه کنید؟ کن یو کال اِ تَکْس فُر می؟

My Bill , please.

صورتحسابم لطفاً. مای بیل، پلیز.

I'm leaving now.

من الان هتل را تخلیه می‌کنم. آیم لیوینگ ناو.

There's a mistake in the bill.

اشتباهی در صورتحساب من شده است. دِرْز اِ میسْتِیک این دِ بیل.

Could I have my ...please?

لطفاً ...من را بدهید؟ کود آی هَو مای ...پلیز؟

deposit / up front	دی پازیت / آپ فُرنت	**بیعانه**
passport	پَسْپورت	**گذرنامه**
valuables	وَلیوبِلْز	**اشیاء گرانبها**

Could I leave my bags here?

آیا می‌توانم چمدان‌هایم را اینجا بگذارم؟ کود آی لیو مای بَگْزْ هییر؟

I'll be back in (3) days.

آیل بی بَک این (تری) دِیز. | من ظرف سه روز برمی‌گردم.

I had a great stay, thank you.

آی هَد اِ گرِیْت اِستِیْ، تَنک یو. | اوقات خوبی در اینجا داشتم، متشکرم

transportation	ترنسپُورتِیْشِن	حمل و نقل
taxi / cab	تَکسی / کَپ	تاکسی
bus / coach	باس / کُچ	اتوبوس
train	ترِیْن	قطار
boat	بُت	قایق، کشتی
car	کار	ماشین
motorbike	موتوبایک	موتور سیکلت
bicycle	بای سیکِل	دوچرخه
bus and coach	باس اَند کُچ	اتوبوس

Is there a bus to ...?

ایز دِر اِ باس تو ...؟ | آیا اتوبوسی به ...هست؟

Yes, take the bus number....

یِس، تِیک دِ باس نامبِرْ ... | بله، اتوبوس خط... را سوار شد.

Where is the bus station?

وِر ایز دِ باس استِیشِن. | ایستگاه اتوبوس کجاست؟

Where do I take a ticket?

وِر دو آی تِیک اِ تیکِتْ؟ | کجا می‌توانم بلیط بگیرم؟

How often do buses come?

هاو آفِن دو باسِسْ کام؟ | اتوبوس‌ها هر چند وقت یکبار می‌آیند؟

Every 15 minutes.

اِوری فیفتین مینِتْسْ. | هر پانزده دقیقه.

What's the next stop?

واتس دِ نِکْسْتْ استاپ؟ | ایستگاه بعدی کجاست؟

Which bus goes to downtown?

ویچ باس گُز تو داون تاون؟ | کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟

How mach is the fare to ...?

کرایه تا ...چقدر است؟ ها ماچ ایز دِ فِر تو . . .؟

How many stops are there to ...?

چند تا ایستگاه تا ...است؟ هاو مِنی اِستاپس آر دِر تو . .

Will you tell me when to get off?

ویل یو تِل می وِن تو گِت آف؟

ممکن است به من بگویید، کی پیاده شوم؟

Do I have to change the bus?

آیا باید اتوبوسم را تغییر دهم؟ دو آی هَو تو چِنْجْ دِ باس؟

metro / subway / underground مترو

مِترو / ساب وِی / آندِرگراند

entrance اِنْترانْسْ ورودی

way out /exit وِی آوت / اِگْزیت خروجی

Where is the nearest metro station?

نزدیک‌ترین ایستگاه مترو کجاست؟ وِر ایز دِ نی یِرِسْتْ مِترو سْتِیْشِن.٦

How does the ticket machine work?

دستگاه بلیط چگونه کار می‌کند؟ ها داز دِ تیکِتْ ماشین وُرک؟

Where do I take the ticket?

کجا بلیط بگیرم؟ وِر دو آی تیکِت دِ تیکِت؟

I'm going to ....

من به ...می‌روم. آیم گویینگ تو ...

Which line goes to .....?

کدام خط به ...می‌رود؟ ویچ لاین گُز تو ...؟

Do I have to change?

آیا باید خطم را عوض کنم؟ دو آی هَو تو چِنْجْ؟

I'm getting off here.

من اینجا پیاده می‌شوم. آیم گِتینگ آف هی‌یِر

Please, let me through.

لطفاً، اجازه دهید رد شوم. پلیز، لِت می تْرُ

train تْرِیْنْ قطار

station سْتِیْشِنْ ایستگاه

platform	پِلَتْ فُوم	سکو
seat	سیت	صندلی
booking office	بوکینگ آفیس	دفتر رزرو بلیط
timetable	تایم تِیْبِلْ	جدول زمانی قطارها
connection	کانکشِنْ	اتصال
information	اینْفُرمِیْشِن	اطلاعات
ticket office / counter	تیکِتْ آفیس / کانْتِر	باجه فروش بلیط
first class	فِرست کِلَسْ	درجه یک
second class	سِکَنْدْ کِلَسْ	درجه دو
departures board	دیپار چِرْزْ بورد	تابلوی حرکت قطارها
passenger	پَسِنْجِر	مسافر
waiting room	ویتینگ روم	سالن انتظار
express	اِکْسْپِرس	سریع السیر
regular	رِگولار	عادی
compartment	کُمپارتمِنْت	کوپه
pullman	پول مَن	کوپه درجه یک (اتاقک تختخواب‌دار)
four bed couchette	فُربد کوشِت	چهار تختگی
carriage	کَریْج	واگن
one-way ticket	وان ـ وی تیکِتْ	بلیط یک سره
single	سینگِلْ	یک طرفه
return	ریتِرْن	رفت و برگشت
round trip	راند ـ تریپ	رفت و برگشت
line / track	لاین / تِرَک	خط، مسیر
platform / track	پِلَتْ فُرم / تِرَک	سکو
ticket – collector / taker	تیکت کولِکْتُو ـ تِیْکِر	متصدی کنترل بلیط در قطار
direct / through	دایْرِکْت / ثْرو	مستقیم

What time does the train for Boston leave?

وات تایم داز دِ تِرِنْ فُر باستِن لیو؟

قطار بوستون چه زمانی حرکت می‌کند؟

ناین تونتی فایو آن ترَک / پلتْ فرم تولو.

9:25 on track / platform 12 .

ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه از سکوی شماره ۱۲.

When is the next train?

زمان قطار بعدی کی است؟ ون ایز دِ نِکْسْتْ تِرتینْ؟

How much is the ticket / fare?

بلیط / کرایه چقدر است؟ هَا ماچ ایز دِ تیکِتْ / فِر؟

Single or return?

رفت یا رفت و برگشت؟ سینگل اُر ریْتِرْن.

First class or second class?

درجه یک یا درجه دو. فِرسْتْ کِلَسْ اُر سِکنْد کِلَسْ ریْتِرْن.

Is it a direct (through) train?

آیا قطار مستقیم است؟ ایز ایت اِ دایْرکت (ترو) ترِیْنْ؟

Is the train late?

آیا قطار تأخیر دارد؟ ایز دِ ترِیْنْ لیت؟

What platform / track does the London leave from?

وات پْلَتْفُرم / ترَک داز دِ لانْدِن لیو فِرام؟

قطار لندن از چه سکویی حرکت می‌کند؟

Does the train stop at . . .?

آیا قطار در ...توقف می‌کند؟ داز دِ ترِیْنْ اِستاپ اَت ...؟

Is there a dining car on the train?

آیا واگن غذاخوری در قطار است؟ ایز دِر اِ دایْنینگ کار آن دِ ترِیْنْ؟

Is there a sleeping car on the train?

آیا واگن خواب در قطار هست؟ یز دِر اِ اسْلیپینگ کار آن دِ ترِیْنْ؟

You have to change at Brithon.

شما باید در برایتون قطار عوض کنید. یو هَو تو چِنْجْ اَت برایتون.

I missed the train.

من قطار را از دست دادم.(از قطار جا ماندم) آی میسد دِ ترِیْنْ.

When is the next train?

قطار بعدی چه زمانی حرکت می‌کند؟ ون ایز دِ نِکْسْتْ ترِیْنْ؟

What time does it get in?

چه زمانی آن قطار وارد می‌شود؟ وات تایم داز ایت گِت این؟

Where's the left luggage / lost property office?

وِرز دِ لِفْتْ لاگیْجْ / لاست پْراپرتی آفیس؟

دفتر اشیاء جا مانده / مفقودی کجاست؟

Excuse me, may I get by?

ببخشید، ممکن است رد شوم؟ اِکْسْکیوز می، مِی آی گِت بای؟

I think this is my seat.

فکر می‌کنم این صندلی من است. آی تینک دیس ایز مای سیت.

Would you tell me before we get to Brithon?

ووج یو تِل می بیفُر وی گِت تو برایتون؟

ممکن است قبل از رسیدن به برایتون، من را مطلع کنید؟

Will you tell me when to get off?

ویل یو تِل می وِن تو گِتْ آف؟

ممکن است به من بگویید چه وقت پیاده شوم؟

Registering baggage رجیسترینگ بَگیْجْ تحویل بار

I'd like to leave my luggage, please.

آید لایک تو لیو مای لاگیْجْ، پلیز.

.می‌خواهم اسباب و اثاثیه‌ام را تحویل بدهم

Porter, help me with my luggage.

باربر، بارم را بردار. پُرْتر، هِلپ می ویت مای لاگیْجْ.

Where are the luggage trolleys?

چرخ‌های حمل بار کجا هستند؟ وِر آر دِ لاگیْجْ ترولیز.

Where is the bus terminal?

ترمینال اتوبوس‌ها کجاست؟ وِر ایز دِ باس ترمینال؟

boat / ship / ferry بُت / شیپ / فِری **قایق / کشتی**

cabin کَبین **کابین**

English	تلفظ	فارسی
captain	کَپتِین	**ناخدا**
port	پُرت	**بندر**
life belt	لایف بِلت	کمربند نجات
life boat	لایف بُت	**قایق نجات**
life guard	لایف گارد	**نجات غریق**
deck	دِک	**عرشه**
cruise	کروز	**کشتی تفریحی**
life jacket	لایف جَکِت	**جلیقه نجات**

When is there a ferry to ...?

وِن ایز دِر اِ فِری تو ...؟ — **کشتی ...چه موقع حرکت می‌کند؟**

How long does the trip take?

هَا لانگ داز دِ تریپ تِیک؟ — **سفر چقدر طول می‌کشد؟**

What island / beach is this?

وات آیلَند / بیچ ایز دیس؟ — **این چه جزیره‌ی ساحلی است؟**

I feel sea sick.

آی فیل سی سیک. — **حالم بد شده است.**

What's the sea like today?

واتس دِ سی لایک تودِی؟ — **وضع دریا امروز چطور است؟**

Hire a car — کرایه کردن اتومبیل بار

English	تلفظ	فارسی
car	کار	**ماشین /خودرو**
hire	هایِر	**اجاره**
petrol / gas	پِترُل / گَس	**بنزین**
diesel	دیزِل	**گازوئیل**
battery	بَتِری	**باتری**
oil	اُیل	**روغن**
type	تایِر	**تایر**

I'd like to rent / hire a car.

آید لایک تو رِنت / هایِر اِ کار — **می‌خواهم که یک اتومبیل کرایه کنم.**

I'd like to hire a chauffer – driven car.

آید لایک تو هایِر اِ شوفِر ـ دْرایوِنْ کار

مایلم که یک اتومبیل با راننده کرایه کنم.

A small / medium – sized / large car.

یک اتومبیل کوچک / متوسط / بزرگ. سْمال / مدیوم ـ سایزد / لارج کار.

An Automatic

یک ماشین دنده اتوماتیک اَن اتوماتیک

For a day / week

برای یک روز / هفته فُر اِ دِی / ویک

Do you have any special rates?

آیا نرخ‌های ویژه هم دارید؟ دو یو هَو اِنی سْپِشیال رِتیس؟

What's the charge per week / day?

واتس دِ چارج پِر ویک / دِی؟

اجاره آن برای یک هفته / یک روز چقدر است؟

Is mileage included?

آیا این نرخ شامل مسافت هم می‌شود؟ ایز مایْلیْجْ این کلودِد؟

The daily rate is $ 32 plus 39 ct. per mile.

دِ دِیلی رِیتْ ایز تِرتی تو دالارز پلاس ترتی ناین سِنْت پِر مایل.

نرخ روزانه ۳۲ دلار به اضافه ۳۹ سنت برای هر مایل است.

I want full insurance.

من بیمه کامل می‌خواهم. آی وانت فول اینشورِنْسْ.

Do you have driving license?

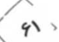
آیا گواهینامه رانندگی دارید؟ دو یو هَو درایوینگ لایْسِنْسْ؟

Of course, this is my own licensey.

البته، این گواهینامه خودم است. آو کُرس، دیس ایز مای اُن لایْسِنْسْ.

And this is international licensey.

و این گواهینامه بین المللی است. اند دیس ایز اینترنشنال لایْسِنْسْ.



Fill out this form.

این فرم را پُر کنید. فیل آوت دیس فُرم.

Do I need to pay a deposit?

آیا باید ودیعه‌ای بگذارم؟ دو آی نید تو پی اِ دیپازیت؟

Just leave $ 100 deposit.

فقط ۱۰۰ دلار ودیعه بگذارید. جاست لیو وان هاندْردْ دلار دیپازیت.

You can pay by credit card.

می‌توانید با کارت اعتباری آن را بپردازید. یو کَن پی بای کْردیت کارت

I want to leave the car in...

می‌خواهم اتومبیل را در ...تحویل بدهم آی وانت تو لید دِ کار این.

Is petrol / gas included?

آیا این شامل پول بنزین هم می‌شود؟ ایز پِترول / گَس اینکلودِد؟

Does that include the service of a driver?

آیا این هزینه شامل خدمات راننده هم می‌شود؟ داز دَت اینکلود دِ سِرویس آو اِ دْرایور؟

Do you have a road map?

آیا نقشه جاده را دارید؟ دو یو هَو اِ رُد مَپ؟

In the garage — در گاراژ

car parts	کار پارتس	**قطعات ماشین**
accelerator	اَکسِلیتر	**گاز**
brake	برِک	**ترمز**
clutch	کِلاچ	**کلاج**
choke	چُک	**ساسات**
engine	اِنْجین	**موتور**
exhaust pipe	اِگزاست پایپ	**اگزوز**
fuse	فیوز	**فیوز**
gears	گیرز	**دنده‌ها**
handbrake	هَند برِک	**ترمز دستی**
headlights	هِد لایتس	**چراغ جلو**
ignition	ایگنیشِن	**استارت**
ignition key	ایگنیشن کی	**سویچ ماشین**
indicator	این دی کِیتُر	**راهنما**



lock	لاک	قفل
reverse gear	ریورز گیر	دنده عقب
spark plug	اسپارک پلاگ	شمع
steering wheel	استیرینگ ویل	فرمان
wheel	ویل	چرخ
tyre	تایر	تایر
windscreen	ویند اسکرین	شیشه جلو
windscreen wiper	ویند اسکرین وایپرْ	برف پاک کن
radiator	رِیْدیتُر	رادیاتور
dynamo	دینامو	دینام
speedometer	سْپیدومیتِر	سرعت سنج
fuel guage	فیول گِیج	درجه بنزین
oil guage	اُیل گِیج	درجه روغن
horn	هُرن	بوق
switch	سویچ	سوییچ، کلید
car problems	کارپرابْلِمْز	مشکلات خودرو
The car won't start.	دِ کار وُنت سْتارت	ماشین روشن نمی‌شود

Something is wrong with the engine.

سامتینگ ایز رُنگ ویت دِ اِنجین. — **جایی از موتور خراب است.**

The steering wheel is vibrating.

دِ ستیرینگ ویل ایز ویبریتینگ. — **فرمان لرزش دارد.**

The brakes need adjusting.

دِ بِرِکس نید اَدجاستینگ. — **ترمزها نیاز به تنظیم دارند.**

My car has broken down.

مای کار هَر بْرُکِنْ داون. — **ماشینم خراب شده است.**

I've run out of petrol / gas.

آیو ران آوت آو پِترُل / گَس. — **بنزین‌ام تمام شده است.**

I have a flat type.

آی هَو اِ فلَتْ تایر. — **لاستیکم پنچر شده است.**

Where is the nearest garage / repair shop?



نزدیک‌ترین گاراژ / تعمیرگاه کجاست؟ وِر ایز دِ نیرست گَراژ / ریپیرْ شاپ؟

Can you repair it ?

آیا می‌توانید آن را تعمیر کنید؟ کَن یو ریپیْر ایت؟

How long will it take?

چقدر (تعمیرش) طول می‌کشد؟ هَا لانگ ویل ایت تِیکْ؟

How much will it cost?

هزینه‌اش چقدر خواهد شد؟ هَا ماچ ویل ایت کاست؟

Have you found the trouble?

مشکل را پیدا کرده‌اید؟ هَو یوفانددِتْرابل؟

Can you fix it now?

آیا می‌توانید الان درستش کنید؟ کَن یو فیکس ایت نَاو؟

How much do I owe you?

چقدر به شما بدهکار هستم؟ هَا ماچ دو آی اُ یو؟

Bill, please.

صورتحساب لطفاً. بیل پلیز.

I want to check the bill, please itemize the work done.

آی وانت تو چک دِ بیل، پلیز آیتِمایز دِ وُرک دان.

می‌خواهم صورتحساب را چک کنم، لطفاً کارهایی که انجام شده، فهرست کنید.

Do you really need to change this part?

دو یو ری‌یلی ینر تو چِنْجْ دیس پارت؟

آیا واقعاً باید این قسمت را عوض کنید؟

How much is this part?

این قطعه چقدر قیمت دارد؟ هَا ماچ ایز دیس پارت؟

Can I leave my car here for one day?

کَنْ آی لیو مای کار هی‌یر فُر وان دِی؟

آیا می‌توانم ماشینم را یک روز اینجا بگذارم؟

on the road آن دِ رُد در جاده

What's the speed limit?

واتس دِ سْپید لیمیت؟ حداکثر سرعت چقدر است؟

Is this the road to Essex?

ایز دیس دِ رُد تو اِسِکْسْ؟ آیا این جاده به اِسِکْسْ می‌رود؟

How far is the petrol station?

هَا فار ایز دِ پترول سْتِیْشِن؟ پمپ بنزین در چه فاصله‌ای است؟

How do I get to...?

هَا دو آی گِت تو ...؟ چگونه به ...برسم؟

Is there a highway / motorway?

ایز دِر اِ های‌وِی / مُتُروِی؟ آیا این بزرگراه است؟

Can you show me on the map?

کَن یو شُ می اُن دِ مَپْ؟ آیا روی نقشه می‌توانید به من نشان بدهید؟

You're on the wrong road.

یور آن دِ رانگ رُد. شما در جاده اشتباه هستید.

Turn around.

تِرْنْ اِ راند. دور بریزید.

Go back.

گُ بَکْ. به عقب برگردید.

Go to the second crossroad.

گُ تو دِ سِکَنْدْ کراس رُد. به چهارراه دوم بروید.

Turn left / right at the traffic light.

تِرن لِفت / رایت اَت دِ تْرافیک لایت.

به چراغ راهنمایی که رسیدید به سمت چپ / راست بپیچید.

It's a one – way street.

ایتس اِ وان وِی سْتِریت. این یک خیابان یک طرفه است.

Follow signs for Essex.

فالُ سایْنْزْ فُر اِسِکْسْ. علامت‌های اِسِکس را دنبال کنید.

Follow signs for 24 Highway.



علامت‌های بزرگراه ۲۴ را دنبال کنید. فالُ ساینْزْ فُر تونی فُر هایِ‌وِی.

We have to watch for interstate 87.

وی هَو تو واچ فُر اینتِر سْتِیت اِیتی سِوِن.

باید دنبال بزرگراه (بین ایالتی) شماره ۸۷ باشیم.

parking — پارکینگ — محل پارک اتومبیل

Where can I park?

وِر کَن آی پارک؟ — **کجا می‌توانم پارک کنم؟**

May I park here?

مِی آی پارْکْ هی‌یِر. — **اجازه دارم اینجا پارک کنم؟**

car park — کار پارک — **جای پارک ماشین**

multi storey car park

مولتی ـ اِستُری کار پارک — **جای پارک چند طبقه**

How long can I park here?

هَا لانگ کَن آی پارک هی‌یِر؟ — **چه مدت می‌توانم اینجا پارک کنم؟**

Do I have to pay?

دو آی هَو تو پِی؟ — **آیا باید پول بپردازم؟**

What's the charge per hour?

واتس دِ چارج پِر آوِر؟ — **کرایه هر ساعت چقدر است؟**

Do you have change for the parking meter?

دو یو هَو چِنْجْ فُر دِ پارکینگ میتِر؟ — **آیا پول خُرد برای پارکومتر دارید؟**

Petrol / gas station

پِتْرُول / گس استیشِن — **پمپ بنزین**

unleaded

آن لیدِدْ — **بدون سرب**

premium — پِرمیوم — **سوپر**

Where's the nearest filling station?

وِرزْ دِ نی‌یِرست فیلینگ ستیشِن. — **نزدیک‌ترین پمپ بنزین کجاست؟**

Fill it with regular / premium, please.

فیل ایت ویت رِگولار / پِرمیوم، پلیز.

لطفاً آن را با بنزین معمولی / سوپر پُر کنید.

Cheek the oil, please.

چک دِ اُیل پلیز. **لطفاً روغن را چک کنید.**

Give me 10 pounds worth of petrol, please.

گیو می تِن پَوندز وُرث آو پِترُل، پلیز. **لطفاً ده پوند بنزین بریزید.**

Cheek the tyres.

چک دِ تایِرْز. **لاستیک‌ها را چک کنید.**

Should I check the radiator?

شود آی چک ری‌دی‌ییتُر؟ **لازم است، رادیاتور را چک کنم؟**

Should I take a look at your battery?

شود آی تِیک اِ لوک اَت یور بَتری؟

لازم است نگاهی به باطری‌ها بیاندازم؟

No, thanks. How much do I owe you?

نُ تَنکس، هَا ماچ دو آی اُ یو؟ **نه متشکرم، چقدر مدیون شما هستم؟**

money مانی پول

coin کُیْنْ **سکه**

bill /note /Box بیل / نُت / باکس **اسکناس**

واحد پول انگلستان پوند می‌باشد و اسکناس‌های آن عبارتند از: ۵، ۱۰، ۲۰ و ۵۰ پوندی.پوند استرلینگ و یا پوند انگلستان را با علامت £ نشان می‌دهند.

هر پوند معادل ۱۰۰ پنی است.

سکه‌های انگلیسی ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۲۰ و ۵۰ پنی و یک پوندی هستند. واحد پول مشترک ۱٦ کشور اروپایی (اطریش، بلژیک، قبرس، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت، هلند، پرتغال، اسلواکی، اسلونی و اسپانیا) یورو است و اسکناس‌های آن ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ و۵۰۰ یورویی می‌باشد. علامت یورو می‌باشد. وسکه‌های آن ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۲۰ و ۵۰ سنت و ۱ و ۲ یورو هستند.

واحد پول آمریکا دلار است و اسکناس‌های آن عبارتند از: ۱، ۵، ۱۰، ۲۰ ، ۵۰

و ۱۰۰ دلاری. علامت دلار $ است. سکه‌های آن عبارتند از: ۱، ۵، ۱۰ و ۲۵ سنتی. سکه ۱ سنتی پنی (penny)، 5 سنتی را نیکل (nickel)، 10 سنتی را دایم (dime) و ۲۵ سنتی را کورتر (quarter) می‌نامند.

تبدیل پول	چِنْج	change
پول نقد	کَش	cash
حواله ـ برات	درَفت	draft
برات دیداری	سایت دْرَفت	sightdraft
چک مسافرتی	تراوِلیز چک	traveler check
کارت اعتباری	کِردیت چک کارد	credit /cheque card
سکه / پول تقلبی	فالس مانی / کُین	false money /coin
صرافی	اِکس چِنْج	exchange
بانک	بَنک	bank
صراف	بَنکِر / مانی چِنْجِر	banker / money – changer
نرخ تبدیل ارز	کْسْچِنج ریت	Exchange rate

Where can I change my money?

کجا می‌توانم پولم را عوض کنم؟ ور کَنْ آی چِنْجْ مای مانی؟

Where's the nearest bank?

نزدیک‌ترین بانک کجاست؟ ورْزْ دِ نی‌یِرِست بَنْک؟

Where's the nearest currency exchange?

نزدیک‌ترین صرافی کجاست؟ ورْزْ دِ نی‌یِرِست کارِنْسی اِکْسْچِنج ؟

When does it open?

کی باز می‌شود؟ وِن داز ایت اُپِن؟

I'd like to change some dollars.

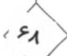
مایلم که چند دلار را تبدیل کنم. ید لایک تو چِنْجْ سام دالِرزْ.

What's the exchange rate?

نرخ تبدیل چقدر است؟ واتس دِ اِکْسْچِنج رِیت؟

I'd like to cash a traveller's cheque.

مایلم این چک مسافرتی را نقد کنم. آید لایک تو کَش اِ تراوِلِرز چک.



How mach commission do you charge?

چقدر کارمزد حساب می‌کنید؟ هَا ماچ کامیشِنْ دو یو چارج؟

Can you cash a personal cheque?

آیا چک شخصی را می‌توانید نقد کنید؟ کَن
یو کَش اِ پرسُنال چِک؟

Can I open an account here?

آیا می‌توانم اینجا حساب باز کنم؟ کَنْ آی اُپن اَن اَکانت هی‌یِر؟

I want to deposit some money.

می‌خواهم پول به حساب بگذارم. آی وانت تو دیپازیت سام مانی.

I'd like to withdraw $200.

مایلم ۲۰۰ دلار از حساب بردارم. آید لایک تو ویت دِرا تو هاندرِدْ دالِرز.

Do you have any identification?

آیا کارت هویت دارید؟ دو یو هَو اِنی آیدِن تیفیکیشِن؟

Is passport enough?

آیا گذرنامه کافیست؟ ایز پَسپرت ایناف؟

You have no funds left.

پولی برایتان نمانده است. یو هَو نُ فاندز لِفْتْ.

ATM = Automated Teller Machine.

خودپرداز از بانک اِ تی اِم= اُتُ میتِدْ تِلِرْ ماشین

There's an ATM here.

یک خودپرداز در اینجاست. دِرز اَن اِ تی اِم هی‌یِر.

You can use your credit card.

یو کَنْ یوز یُر کِردیت کارد.

شما می‌توانید از کارت اعتباری خود استفاده کنید.

The ATM took my card.

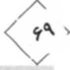
دستگاه کارتم را گرفت. دِ اِ تی اِم توک مای کارد.

I've forgotten my PIN.

شماره پین خودم را فراموش کرده‌ام. آیو فُرگاتِن مای پین.

I'm expecting money from Tehran.

من چشم براه پول ازتهران هستم. آیم اِکسْپکتینگ مانی فِرام تِهران.



How long will it take to arrive?

هَا لانگ وِیل ایت تِیک تو اِرایْو؟ **چقدر طول خواهد کشید تا برسد؟**

Please, give me five 10 – pound notes (five ten – pound bills) and some small change.

پلیز گیو می فایو تِن پَوْند نُتْسْ (فایو تِن پَوند بیلز) اند سام سْمال چِنْجْ..

لطفاً پنج اسکناس ده پوندی و قدری پول خرد بدهید.

I want to credit this to my account.

آی وانت تو کِردیت دیس تو مای اَکانت..

Please sign this. **می‌خواهم این را به حسابم بگذارید.**

پلیز ساین دیس. **لطفاً اینجا را امضاء کنید.**

communications	کامیونیکِیشِنْزْ	**ارتباطات**
post office	پُستْ آفیس	**اداره پُست**
mail	مِیل	**نامه**
regular	رِگولار	**عادی**
airmail	اِیر مِل	**نامه هوایی**
package	پَکِیْج	**بست**
parcel	پارسِل	**بسته**
express / special delivery	اِکْسْپرس / سْپِشیال دِلیوِرْی	**سریع السیر**
mailbox / postbox / letter box	میل باکس / پُست باکس / لِدِر باکس	**صندوق پست**
money order	مانی اُرْدِر	**حواله پستی**
postcard	پُست کارد	**کارت پستال**
envelope	اِنْوِلُپ	**پاکت**
stamp	سْتَمپ	**تمبر**
registered mail	رجیسترْد مِیل	**نامه سفارشی**
aerogram	اِرُگرام	**نامه هوایی بدون پاکت**
post code / postal code / zip code	پُست کُد / پُستال کُد / زیپ کُد	**کُد پستی**
domestic	دُمِستیک	**داخلی**

international	اینترنشنال	خارجی
fragile	فرجایل	شکننده
surface mail	سرفیس میل	پست زمینی

How much is an airmail letter to Japan?

هزینه نامه هوایی به ژاپن چقدر است؟ هاوْ ماچ ایز اَن ایرمیل لِدر تو ژاپان؟

I'd like a 20 cent stamp, please.

من یک تمبر ۲۰ سنتی می‌خواهم. آید لایک اِ تونی سِنت اِسْتَمپ، پلیز.

What's the postage for a postcard to the U. S. A?

واتس دِ پُستیج فُر اِ پُست کارد تو دِ یو اِس اِ؟

بهای تمبر برای ارسال یک کارت پستال به آمریکا چقدر است؟

I want to send this parcel.

من می‌خواهم این بسته را بفرستم. آی وانت تو سِنْد دیس پارسِل.

Where's the letter box (mailbox)?

صندوق پست کجاست؟ ورز دِ لِدِر باکس (میل باکس)؟

How much more would it cost to send this special delivery?

هَا ماچ مُر وود ایت کاست تو سِنْد دیس سْپِشیال دِلیوری؟

اگربا پست سریع‌السیر بفرستم، چقدر بیشتر باید بپردازم؟

Do I need to fill in customs declaration?

دو آی نید تو فیل این کاستُمْز دیک‌لِرِیْشِن؟

آیا لازم است که یک فرم گمرکی پُر کنم؟

phone — فُن — تلفن

operator	آپریْتُر	اُپراتور، تلفن‌چی
public phone /phone booth	پابلیک فُن/ فُن بوت	باجه تلفن عمومی
phone card	فُن کارد	کارت تلفن
phone book	فُن بوک	دفترچه تلفن
long distance	لانگ دیس تَنس	راه دور
dial	دایال	شماره گرفتن

area code اریا کُد **کد منطقه**
extension اِکْسْ تنشِن **داخلی**
Where's the nearest public phone?
نزدیک‌ترین تلفن عمومی کجاست؟ وِرْزْ دِ نی یِرِست پابلیک فُن؟
Do you have a telephone directory?
آیا راهنمای تلفن دارید؟ دو یو هَو اِ تِلِفُن دایْرِکْتُری؟
I want to buy a phone card call.
می‌خواهم یک کارت تلفن بخرم. آی وانت تو بای اِ فن کارد کال.
I'd like to make a (local) call.
می‌خواهم یک تلفن داخلی بزنم. آید لایک تو میک اِ (لوکال) کال.
Can I dial direct?
آیا می‌توانم مستقیماً شماره بگیرم؟ کَن آی دایِل دایْرِکْتْ؟
Sure, just dial 90.
البته، فقط شماره ۹ را بگیرید. شور، جاست دایال ناین.
When the line is free,
زمانی که خط آزاد شد، وِن دِ لاین ایز فری،
Dial the country code, the area code and your number.
دایال دِ کانتری کُد، دِن دِ اِریا کُد اند یور نامبِر.
کد کشور، سپس کُد منطقه و شماره خود را بگیرید
Operator, I want to call Tehran.
تلفن‌چی، می‌خواهم با تهران صحبت کنم. آپِریتُر، آی وانت تو کال تهران..
I want to reverse the charges.
می‌خواهم هزینه را طرف مقابل بپردازد. آی وانت تو ریوِرْزْ دِ چارجِزْ.
The line is busy (engaged).
خط مشغول است. دِ لاین ایز بیزی (انگیجد).
I've been cut off.
تماسم قطع شده است. آیو بین کات آف.
The connection's bad.
خط خراب است. دِ کانِکْشِنْزْ بَد.
Nobody answers the phone.

هیچکس گوشی را برنمی‌دارد. نُ بادی آنسِرز دِ فُن.

The phone is out of order.

تلفن خراب است. دِ فُن ایز آوت آو اُردِر.

Operator, I want to make a collect call to L. A

آپریتُر، آی وانت تو میک اِ کُلکت کال تو ال اِ.

تلفن‌چی، من می‌خواهم یک تماس کولکت (هزینه مکالمه به عهده طرف دیگر) با لس آنجلس داشته باشم.

The area code is 213 – 486 – 2435

دِ اِریا کُد ایز تو وان تِری فُر اِیت سیکس تو فُر تری فایو

کد منطقه دویست و سیزده، چهارصد و هشتاد و شش، بیست و چهار، سی و پنج است.

What's the name of the person you want to speak to?

واتس د نیم آو دِ پرسن یو وانت تو سْپیک تو؟

نام شخصی که می‌خواهید با او صحبت کنید، کیست؟

Operator, I want to make a person – to – person call to 212 - 836 – 1725.

آپرِیتُر، آی وانت تو میک اِ پرسن تو پرسن کال تو تو وان تو اِیت سیکس **وان** سِوِن تو فایو. .

تلفن‌چی، من می‌خواهم یک مکالمه شخصی با شماره دویست و دوازده، هشتصد و سی و شش،هفده، بیست و پنج داشته باشم.

And the name of the person you're calling?

اَند دِ نیم آو دِ پرْسُن یور کالینگ؟

و نام شخصی که می‌خواهید با او صحبت کنید؟

Ed Cooper.

اِد کوپِر اِد کوپِر

That's the wrong number.

این شماره اشتباه است. دَتْسْ دِ رُنگ نامْبِر.

Is this Mehran Hospital?

آیا آنجا بیمارستان است؟ ایز دیس مِهران هاسپیتال؟

Please put me through to Dr. Taleb.



لطفاً مرا به دکتر طالب وصل کنید. پلیز، پوت می ترو تو داکْتِر تالِب.

The extension is 18.

داخلی آن ۱۱۸ است. دِ اِکْستِنْشِن ایز اِیْتین.

I'm afraid, he's not in right now.

متأسفم، او فعلاً اینجا نیست. ایم اَفْرِیْد، هیز نات این رایت نَا.

When will he be back?

او چه وقت (کی) برمی‌گردد؟ وِن ویل هی بی بَک؟

Please tell him I called.

لطفاً به او بگویید من تلفن کردم. پلیز تِل هیم آی کالد.

Could you take a message?

ممکن است پیامی بگذارم؟ کوج یو تِیک اِ مِسِیْج؟

Would you like to leave a message?

آیا می‌خواهید پیغامی بگذارید؟ ووج یو لایک تو لید اِ مِسِیْج؟

No, thanks, I'll call later.

نه متشکرم، من بعداً تلفن می‌کنم. نُ تَنْکْس، آیل کال لِیْتِرْ.

mobile / cellphone — موبایل — مُبایل / سِل فُن

I'd like a charger for my phone.

یک شارژر برای موبایلم می‌خواستم. آید لایک اِ چارْجِر فُر مای فُن.

I'd like a ....

یک ...می‌خواهم. آید لایک اِ ...

...mobile / cell phone for hire ...

...موبایلم برای اجاره ... مُبایل / سِلْ فُن فُر هایِر . . .

...prepaid mobile ...

...موبایل اعتباری ... پری پید مُبایل ...

...SIM card for your network ...

...سیم کارت شبکه شما را ... ...سیم کارد فُر یور نِت وُرک ...

Text messaging **فرستادن اس ام اس** تِکْسْتْ مِسِیْجینگ

I will text you.

برایت پیغامی می‌فرستم. آی ویل تِکْسْت یو.

Can you text me?

می‌توانی برایم پیام کوتاه بفرستی؟ کَن یو تِکْسْتْ می؟

Did you get my text message?

آیا پیغام من را گرفتی؟ دید یو گِت مای تِکْسْتْ مِسیِجْ؟

Can you send me a picture with your mobile?

کَنْ یو سِند می اِ پیکچِر ویت یور مُبایل؟

آیا می‌توانی تصویر با موبایلت برایم بفرستی؟

fax فَکس فاکس

I want to send a fax.

می‌خواهم یک فاکس بفرستم. آی وانت تو سِنْدْ اِ فَکْسْ.

Do you have a fax?

آیا فاکس دارید؟ دو یو هَو اِ فَکْسْ؟

Where can I send a fax?

از کجا می‌توانم فاکس بفرستم؟ ور کَنْ آی سِنْد اِ فَکْسْ؟

How much is it to send a fax?

هزینه فرستادن فاکس چقدر است؟ هَا ماچ ایز ایت تو سِنْدْ اِ فَکْسْ؟

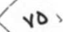
What is your fax number?

شماره فاکس شما چیست؟ واتس یور فَکْسْ نامبِر؟

Send it to number ...

آن را به شماره ...بفرستید. سِنْدْ ایت تو نامْبِر ...

The internet دِاینتِرْنِت اینترنت



Where's the local internet café?

کافی نت محل کجاست؟ وِرز دِ لُکال اینترنِتْ کافِ؟

I'd like to ...

مایلم که ... آید لایک تو ...

...check my eail.

...چک مای ای مِیل. | ...ای ـ میل خودم را چک کنم.

...get internet access.

...گِت اینترنِتْ اَکسِسْ. | ...به اینترنت وصل شوم.

...use a printer / scanner.

...یوز اِ پرینتر / اسْکَنر. | ...از پرینتر / اِسکنر استفاده کنم.

How do I log on?

هَا دو آی لاگ اِن؟ | چگونه متصل به اینترنت شوم؟

Do you have English keyboard?

دو یو هَو اینْگیلیش کی بُرد؟ | آیا صفحه کلید انگلیسی دارید؟

How much should I pay per hour?

هَا ماچ شود آی پِی پر آور؟ | چقدر باید ساعتی بپردازم؟

Would you please help me?

ووج یو پلیز هِلْپْ می؟ | ممکن است به من کمک کنید؟

Please, change it to the (English) – language setting.

پلیز، چِنْجْ ایت تو دِ (اینگیلیش) لَنگویج سِتینگ.

The connection is cut off. | لطفاً تنظیم زبانی آن را به انگلیسی تغییر دهید.

دِ کانِکْشِن ایز کات آف. | ارتباط قطع شده است.

It's crashed.

ایتز کِرَشْدْ. | ارتباط از کار افتاد.

I've finished.

آیو فینیشت. | کارم تمام شده است.

Did you send your e - mail?

دید یو سِنْدْ یور ای ـ میل؟ | آیا ای ـ میل خود را فرستادید؟

What's your E – mail address?

واتس یور ای ـ میل اَدرِسْ؟ | آدرس ای ـ میل شما چیست؟

User name | یوزِرْ نِیم | اسم کاربردی

password | پَس وُرْدْ | کلمه عبور

How do you spell your user name?

هَاو دو یو سْپِلْ یور یوزر نِیم؟

اسم کاربردی خود را چگونه هجی می کنید؟		It. is case sensitive
بِه حروف بزرگ و کوچک حساس است.	ایت ایز کِیْسْ سِنْسیتیو.	
گپ، چَت	چَت	Chat
		I'd like to chat with my friends.
مایلم که با دوستانم چَت کنم.	آید لایک تو چَت ویت مای فِرِندز.	

خرید | شاپینگ | shopping

خرید کردن	بای	buy
فروختن	سِل	sell
بازار	بِزار	bazzar
بازار	مارکت	market
مرکز خرید	شاپینگ سِنْتِر	shopping center
قیمت	پْرایس	price
تخفیف	دیس کانت	discount
حراج	اُت سِیل	on sale
چانه زدن	باگِین	bargain
جستجو کردن	لوک فُر	look for
		Where's a shoe shop?
فروشگاه کفش کجاست؟	ورز اِ شو شاپ؟	
		Where can I buy a suit?
کجا می‌توانم یک دست کت و شلوار بخرم؟	ور کَنْ آی بای اِ سوت؟	
		Where's the market?
بازار کجاست؟	ورز دِ مارکِت؟	
خرید	بای / پِرچِیْس	buy / purchase
		May I help you?
می‌توانم کمکتان کنم؟	مِی آی هِلپ یو؟	
		I'm just looking.
فقط دارم نگاه می‌کنم.	آیم جاست لوکینگ.	

I'd like to buy a souvenir.

آید لایک تو بای اِ سوویِنر.

مایلم یک یادگاری بخرم.

May I see it?

مِی آی سی ایت؟

ممکن است آن را ببینم؟

Can you bring it down?

کَنْ یو برینگ ایت داون؟

می‌توانید آن را پایین بیاورید؟

How much is it?

هاوْ ماچ ایز ایت؟

قیمت آن چقدر است؟

That's too expensive.

دَتس تو اِکسپِنْسیو.

این خیلی گران است.

Is there any discount?

ایز دِر اِنی دیسکانت؟

تخفیف ندارد؟

Is that your lowest price?

ایز دَت یور لاوِست پرایْسْ؟

این پایین‌ترین قیمت شماست؟

Do you have something cheaper?

دو یو هَو سام تینگ چیپِر؟

چیزی ارزان‌تر ندارید؟

I want those ones.

آی وانت دُو وانْزْ.

من آنها را می‌خواهم.

I'll give $20 at most.

آیل گیو تُونتی دالِرزْ اَت مُست.

حداکثر به شما ۲۰ دلار خواهم داد.

Take it or go.

تِیک ایت اُر گُ.

قبول کن یا برو.

You can have it for $25.

یو کَنْ هَو ایت فُر تونتی فایو دالِرز.

می‌توانید آن را با ۲۵ دلار داشته باشید (بخرید).

I've been ripped off.

آیو بین ریپتْ آف.

سرم را کلاه گذاشتند.

Do you have anything special?

دو یو هَو اِنی تینگ سْپِشیال؟

آیا چیز (کالای) ویژه‌ای ندارید؟

Do you accept ...?

آیا ...قبول می‌کنید؟ دو یو اَکسِپْتْ ...؟

...credit cards?

...کارت اعتباری ...؟ کِردیت کاردز؟

...debit cards?

...کارت پیش پرداخت شده . . .؟ دِبیت کاردز؟

...traveller's cheque?

...چک مسافرتی ...؟ تراوِلِرْزْ چِکْزْ؟

Could I have a bag / receipt, please?

خواهش می‌کنم یک کیسه / رسید به من بدهید؟ کود آی هَو اِ بَگ / رِسیت، پلیز؟

Could you wrap it?

ممکن است آن را بپیچید؟ کوج یو رَپ ایت؟

Does it have a guarantee?

آیا ضمانت دارد؟ داز ایت هَو اِ گارانتی؟

Can I send it abroad?

آیا می‌توانم آن را به خارج بفرستم؟ کَنْ آی سِنْد ایت اَبْرُد؟

Can I take it to my country?

آیا می‌توانم آن را به کشورم ببرم؟ کَنْ آی تِیْکْ ایت تو مای کانْتری؟

Can I pick it up later?

بعداً می‌توانم آن را ببرم؟ کَنْ آی پیک ایت آپ لِیْتِر؟

Can you send it to my Hotel?

می‌توانید آن را به هتلم بفرستید؟ کَنْ یو سِنْدْ ایت تو مای هُتِلْ؟

This cloth is faulty.

این لباس نقص دارد. دیس کلوث ایز فالتی.

This stereo doesn't work.

این استریو کار نمی‌کند. دیس اِستِریو دازِنْتْ ورک.

The quality isn't good.

کیفیتش خوب نیست. دِ کُوالیتی ایزِنْتْ گود.

I'd like to return this.

مایلم که این (کالا) را برگردانم. آید لایک تو ریتِرْن دیس.

I want a refund.

آی وانت اِ ریفاند. — **من پولم را می‌خواهم پس بگیرم.**

I'd like my change.

آید لایک مای چِنج. — **بقیه پولم را می‌خواهم.**

clothes — کلوتس — البسه

My size is...	مای سایز ایز ...	**سایز من... است**
(40)	فُرتی	**(٤٠)**
small	اِسمال	**کوچک**
medium	مِدیوم	**متوسط**
large	لارج	**بزرگ**
X large	ایکس لارج	**بسیار بزرگ**

Can I try it on?

کَنْ آی تِرای ایت آن؟ — **می‌توانم آن را امتحان(پرو) کنم؟**

It doesn't fit.

ایت دازِنْتْ فیت. — **این اندازه نیست.**

It's not well made.

ایتز نات وِل مِید. — **خوب دوخته نشده است.**

Where is it made in?

وِر ایز ایت مِید این؟ — **کجا ساخته شده است؟**

Where is the fitting room?

وِر ایز دِ میتینگ روم؟ — **اتاق پرو کجاست؟**

Do you have it in brown color?

دو یو هَو ایت این براوْنْ کالِر؟ — **همین لباس را به رنگ قهوه‌ای دارید؟**

It looks good on you.

اِیت لوکز گود آن یو. — **این به شما می‌آید.**

I like the one in the window.

آی لایک دِ وان این دِ ویندو. — **از لباس پشت ویترین خوشم آمده است؟**

I want something more casual.

چیزی راحت‌تر (غیر رسمی‌تر) می‌خواهم. آی وانت سام تینگ مُر کَژال.

Can you measure me?

می‌توانید اندازه‌های مرا بگیرید؟

I'd like something tighter / looser.

چیزی تنگتر / گشادتر می‌خواهم. آید لایک سام تینگ تایْتِر / لوزر.

I'd like something darker / lighter.

چیزی تیره‌تر / روشن‌تر می‌خواهم. آید لایک سام تینگ دارْکِرْ / لایتِرْ.

I want something to match this.

چیزی می‌خواهم که به این بخورد. آی وانت سام تینگ تو مَچ دیس

I don't like the color.

رنگش را دوست ندارم. آی دونت لایک دِ کالِرْ.

البسه	کلوتینگ	**clothing**
لباس شنا	سُویم سوت	**swimsuit**
لباس شب	ایوینینگ دِرِس	**evening dress**
کت و شلوار، کت و دامن	سوت	**suit**
بلوز	بلاز	**blouse**
پیراهن	شِرت	**shirt**
جلیقه	وِسْتْ	**vest**
زیرپوش	آندِر ور	**underwear**
کت	جَکِت	**jacket**
شلوار جین	جینز	**jeans**
لباس زنانه	دِرِسْ	**dress**
جوراب‌های ساق کوتاه	ساکس	**socks**
جوراب‌های ساق بلند	استاکینگز	**stockings**
شلوار	ترازِرْزْ	**trousers**
کلاه	هَت	**hat**
کلاه لبه‌دار	کَپْ	**cap**
لباس خواب زنانه	نایت گاوْن	**nightgown**

زیر شلواری	آندرپنتس	underpants
پلوور	پُل اُور	pullover
آستین کوتاه	شُرت اِسلیوز	shortsleeves
بی آستین	اسْلیوِلِس	sleeveless
دامن	اسْکِرْت	skirt
شلوار کوتاه	شُرتس	shorts
شال، روسری	اِسْکارف	scarf
کراوات	تای	tie

رنگ‌ها و طرح‌ها کالِرز اَند پَتِرنز colors and patterns

بژ	بِژْ	beige
آبی	بْلو	blue
قهوه‌ای	براوْنْ	brown
زرد	یِلو	yellow
طلایی	گُلدِن	golden
خاکستری	گِری	grey
سبز	گرین	green
ارغوانی	لیلاک	lilac
پرتقالی	اُرِنْجْ	orange
قرمز	رِد	red
صورتی	پینک	pink
بنفش	وایولِت	violet
سفید	وایت	white
سیاه	بْلَکْ	black
نقره‌ای	سیلْوِر	silver
ساده	پْلِیْنْ	plain
راه راه	استراییت	striped
خال خال	پُلکا داتس	polka dots
شطرنجی	چِکْتْ	checked

patterned	پَتِرنْد	طرح دار
material	مَتریال	جنس ساده
handmade	هَنْدْمیر	دست باف
brocade	بْرُکِیْدْ	زربفت
cotton	کاتِن	نخی، پنبه‌ای
chiffon	شیفُن	شیفون
corduroy	کُرْدُرُی	مخمل کبریتی
flannel	فْلَنِلْ	فلانل
gabardine	گَبردین	گاباردین
lace	لِیس	توری
leather	لِدِر	چرم
linen	لینِن	کتان
poplin	پاپْلین	پوپلین
rayon	رِیِنْ	ابریشم مصنوعی
silk	سیلْک	ابریشم
suede	سْوِید	جیر
terry cloth	تِری کلوث	پارچه حوله و کرکدار
velvet	وِلْوِت	مخمل
wool	وُل	پشم

size — سایْز — اندازه

جدول مقایسه اندازه‌ها در آمریکا و انگلستان با سایر کشورهای اروپایی که سیستم متریک استفاده می‌کند.

زنان

بلوز و لباس زنانه و کت و دامن

۱۸	۱٦	۱٤	۱۲	۱۰	۸	آمریکا و انگلستان
٤۸	٤٦	٤٤	٤۲	٤۰	۳۸	اروپا

زنان کفش

۹	۸	۷	٦	آمریکا و انگلستان

۴۱	۴۰	۳۸	۳۷	اروپا

مردان کت و شلوار

۴۶	۴۴	۴۲	۴۰	۳۸	۳۶	آمریکا و انگلستان
۵۶	۵۴	۵۲	۵۰	۴۸	۴۶	اروپا

مردانه پیراهن

۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	آمریکا و انگلستان
۴۵	۴۳	۴۱	۳۸	اروپا

کفش

۱۱	۱۰	?	۹	?	۸	۷	۶

آمریکا و انگلستان و اروپا

۴۵	۴۴	۴۴	۴۳	۴۳	۴۲	۴۱	۳۹

فروشگاه کفش — شوشاپ — shoe shop

I'd like a pair of shoes.

آید لایک اِ پیرْ آو شوز.

یک جفت کفش می‌خواهم.

Can you repair these shoes?

کَنْ یو ریپیرْ دیز شوز؟

این کفش‌ها را می‌توانید تعمیر کنید؟

I like this model.

آی لایک دیس مادِل.

از این مدل خوشم می‌آید.

sneakers	اِسْنیکِرز	**کفش کتانی**
running shoes	رانینگ شوز	**کفش دو**
slippers	اِسْلیپِرز	**دمپایی**
sandals	سَنْدَلْز	**صندل**
high heels	های هیلز	**کفش پاشنه بلند**
walking shoes	واکینگ شوز	**کفش پیاده روی**
shoelace	شو لِیس	**بند کفش**
shoe polish	شو پالیش	**واکس کفش**

They are a little small.

آنها (کفش‌ها) کمی کوچک هستند.

Do you have a larger size?

اندازه بزرگتر دارید؟ دو یو هَو اِ لارجِر سایز؟

Do you have them in black?

آیا رنگ سیاه آنها را دارید؟ دویو هَو دِم این بلک؟

souvenir سُونی‌یِر یادگاری

I'd like to buy a souvenir of this country.

مایلم یک یادگاری از این کشور بخرم. آید لایک تو بای اِ سُونی‌یِر آو دیس کانتری.

What do you recommend.?

شما چه پیشنهادی می‌کنید؟ وات دو یو ریکامِنْتْ؟

Can you put it in a gift box?

کَنْ یو پوت ایت این اِ گیفت باکس؟

آیا می‌توانید آن را در جعبه کادو بگذارید؟

antiques اَنتیکْسْ عتیقه‌جات

backgammon set	بَکْگَمَنْ سِت	تخته نرد
chess	چس	شطرنج
handicrafts	هَنْدی کِرافتس	صنایع دستی
crystals	کْریستالز	کریستال
rugs and carpets	راگز اَند کارپِتْسْ	قالیچه و قالی
ceramics	سِرامیکس	سرامیک
pottery	پاتِری	سفال
brass and copper objects	بِرَس اَند کاپِر آبجِکتس	اشیاء برنجین و مسین
silverware	سیلْوِر وِر	اشیاء نقره‌ای
jewellery	جی‌یُولِری	جواهرات
precious stone	پِرشس اِستونز	سنگ گرانبها
ivory	آی وُری	عاج
leather goods	لِدِر گودز	اجناس چرمی

cutlery	کات لِری	کارد وچنگال
embroidery	اِم برو ای دِرِ	سوزن دوزی ـ گلدوزی

electric and electronic goods
الِکْتریک اَند الِکْترانیک گودز
وسایل الکتریکی الکترونیکی

Where can I buy electronic goods?

ور کَنْ آی بای الِکْترانیک گودز؟ — **کجا می‌توانم وسایل الکترونیکی بخرم؟**

I'd like to buy a CD player .

آید لایک تو بای اِ سی دی پلِیر. — **می‌خواهم یک پخش سی دی بخرم.**

TV set	تی وی سِت	تلویزیون
tape /cassette recorder	تِیپ / لَست ریکُرْدِر	ضبط صوت
radio	رِیْدی‌یُ	رادیو
car radio	کار رِیدی‌یُ	رادیوی ماشین
battery	بَتِری	باطری
electric toothbrush	الِکْتریک توث براش	مسواک برقی
shaver	شِیْوِر	ریش تراش
adaptor	اَداپْتِر	تبدیل
video tape	وی دِ نُوْ تِیپ	نوار ویدئو
video player	وی دِ نُوْ پلِیِرْ	پخش ویدئو
bulb	بولب	لامپ
headphones	هِد فونز	گوشی
microphone	مایکرُفُن	میکروفن
speakers	سپیکِرزْ	بلندگوها
iron	آیِن	اطو
hair dryer	هِیِرْ درایِر	سشوار

What's its model?

واتس ایتس مادِل؟ — **مدل آن چیست؟**

Where is it made in?

وِر ایز ایت مِید این؟ — **ساخت کجاست؟**

My setreo is broken, can you fix it?

مای اِستِریُ ایز برُکِنْ، کَنْ یو فیکس ایت؟

دستگاه استریو من خراب شده است، می‌توانید آن را تعمیر کنید؟

Do you have battery for this?

دو یو هَو بَتِری فُر دیس؟ — **آیا باطری این را دارید؟**

When will it be ready?

وِن ویل ایت بی رِدی؟ — **چه زمانی حاضر خواهد شد؟**

answewring machine — اَنسِرینگ ماشین — **منشی خودکار**

Can you turn it on?

کَنْ یو تِرْنْ ایت آن؟ — **ممکن است آن را روشن کنید؟**

The quality of sound is not good.

دِ کوالیتی آو سَانْدْ ایز نات گود. — **کیفیت صدا خوب نیست.**

I pad	آی پاد	**آی پاد**
laptop	لَپ تاپ	**لَپ تاپ**
smart phone	سْمارت فُن	**تلفن هوشمند**
MP3 player	اِم پی تری پِلِیر	**پخش ام پی تری**

jewellery — جیووِلری — جواهر آلات، جواهرسازی

Where's the jewellery department?

وِرز دِ جیووِلِری دیپارتمانت؟ — **قسمت جواهرات کجاست؟**

gold	گُلد	**طلا**
silver	سیلور	**نقره**
gold plated	گُلد پلِیْتِد	**آب طلا (داده شده)**
silver plated	سیلور پِلِیْتِد	**آب نقره (داده شده)**
diamond	دایامُند	**الماس**
carnelian	کار نِلیان	**عقیق قرمز**
turquoise	تُرکْ وایز	**فیروزه**
necklace	نِک لِس	**گردن بند**
earings	ای یِرینگز	**گوشواره**

حلقه رینگ **ring**

What's its stone?

سنگ آن چیست؟ واتس ایتس سْتُن؟

May I see that wristband?

ممکن است آن دستبند را ببینم؟ مِی آی سی دَت ریست بَند؟

Can I try that brooch?

می‌توانم آن سنجاق سفید را امتحان کنم؟ کَنْ آی تِرای دَت بروچ؟

How many carats is this?

این چند قیراط است؟ هَا مِنی کَراتس ایز دیس؟

Is it form platinum?

آیا از پلاتینیوم است؟ یز ایت فِرام پلاتینُم؟

I'd like to buy a present for my wife.

آید لایک تو بای اِ پرِزِنْت فُر مای وایف.

How much is that ring?

آن حلقه چقدر است؟ هَاوْ ماچ ایز دَت رینگ؟

Is this real gold?

آیا این طلای اصل است؟ ایز دیس ری‌یِل گُلد؟

Have you got gold coins?

آیا سکه‌های طلا دارید؟ هَو یو گات گُلد کُینْزْ؟

لوازم آرایش تُیلِتری اَند کاسْمِتیکس toiletry and cosmetics

Where's cosmetic department?

قسمت لوازم آرایش کجاست؟ وِرْزْ کاسمِتیک دیپارْتمِنْتْ؟

کِرِم کْریمْ **cream**

پودر پَادِر **powder**

لوسیون لُشِنْ **lotion**

عطر پِرْفیوم **perfume**

Give me that powder, please.

لطفاً آن پودر را به من بدهید. گیو می دَت پَادِرْ پلیز.

aftershave lotion	اَفتِر شِیْوْ لُشِن	لوسیون پس از اصلاح صورت
cologne	کُلُوْن	ادکلن
cleansing cream	کْلِیْنْزینگ کْرِیم	کرم پاک کننده
cold cream	کُلد کْریم	کرم خنک کننده
cuticle cream	کوتیکُل کْرِیْم	کرم نرم کننده پوست
foundation cream	فَاندیشِن کْرِیْم	کرم زیر بندی
moisturizing cream	مُیسچرایزینگ کْرِیْم	کرم مرطوب کننده
night cream	نایت کریم	کرم شب
deodorant	دئودُرانت	ضد بوی عرق
eye pencil	آی پنسیل	مداد چشم
eyeshadow	آی شَدُ	سایه چشم
face powder	فِیْسْ پَادِر	پودر صورت
face flannel	فِیْسْ فِلَنِلْ	پارچه پاک کننده صورت
mascara	ماسْکِرا	سرمه
brush	بْراش	فرچه، برس
shaving brush	شِیوینگ بْراش	فرچه اصلاح
tooth brush	توث بْرا	مسواک
nail clippers	نِیْلِ کلیپِرزْ	ناخن گیر
nail file	نِیْلِ فایِل	سوهان ناخن
nail polish	نِیْلِ پالیش	لعاب ناخن
nail polishremover	نِیل پالیش ریمووِر	مانیکور پاک کن
razar blades	رِیْزِر بِلِیْدزْ	تیغ های ریش تراشی
dressing table	دِرِسینگ تِیْبِلْ	میز آرایش
boody / hair - pins	بودی / هِیر پینز	سنجاق سر

books, newspapers بوکس، نیوز پیپِرزْ کتاب، روزنامه

bookshop	بوک شاپ	کتابفروشی
stationer's	استیشِنِرْزْ	نوشت افزار فروشی
news-stand	نیوز اِسْتَند	دکه روزنامه فروشی

Where can I buy a newspaper?

کجا می‌توانم روزنامه بخرم؟ ور کَنْ آی بای اِ نیوز پیپِر؟

Where is the guidebook section?

بخش کتاب‌های راهنما کجاست؟ ور ایز دِ گاید بوک سِکْشِنْ؟

Where is the foreign language section?

بخش زبان‌های خارجی کجاست؟ ور ایز دِ فُرین لَنگوویج سِکْشِنْ؟

Do you have old / second-hand/books?

آیا کتاب‌های قدیمی / دست دوم دارید؟ دو یو هَو اُلد / سِکِنْد هَند بوکس؟

Do you have novels?

آیا رُمان دارید؟ دو یو هَو نُولز؟

Do you have the city map?

آیا نقشه شهر را دارید؟ دو یو هَو دِ سیتی مَپ؟

Can you show me where London tower is on the map?

کَنْ یو شُ می ور لاندُن تاوِر ایز اُن دِ مَپ؟

آیا می‌توانید نشان دهید که برج لندن در این نقشه کجاست؟

Do you have any newspaper in Persian?

آیا روزنامه‌ای به زبان فارسی دارید؟ دو یو هَو اِنی نیوز پیپِر این پِرْشِن؟

I'd like ...	آید لایک ...	**من ...می‌خواهم**
an address book	اَن اَدْرِس بوک	**...یک دفترچه آدرس ...**
a diary...	اِ دایری	**...یک دفترچه خاطرات ...**
a calendar...	اِ کَلَنْدْر	**...یک تقویم ...**
some postcards...	سام پُست کاردز	**...چند کارت پستال ...**
some envelopes	سام اِنْوِلُپْز	**...چند پاکت نامه**
a ballpoint pen...	اِ بال پوینت پِن	**...خودکار...**
some ink...	سام اینک	**...مقداری جوهر...**
some colored pencils	... سام کالِرْدْ پِنْسیلز	**...چند مداد رنگی**
some glue...	سام گلو	**...مقداری چسب ...**
a ruler	اِ رُولِر	**...یک خط کش ...**
a notebook.	اِ نُت بوک	**...یک دفترچه ...**
some paper...	سام پِیپِر	**...مقداری کاغذ ...**

some typing paper ...سام تایپینگ پیپر **...مقداری کاغذ تایپ**

a magazine... اِ مَگزین **...یک مجله ...**

a dictionary... اِ دیکشِنِری **...یک فرهنگ لغت ...**

household appliances هَاوس هولد اَپلایِنْسْ **وسائل خانگی**

We need a big refrigerator.

ما نیاز به یک یخچال بزرگ داریم. وی نید اِ بیک رِفْریجیرِتُر.

I want a gas / an electric stove.

من یک اجاق گازی / برقی می‌خواهم. آی وانت اِ گَس / اَن اِلکتریک سْتُوْ.

How much is the cooler?

کولر چقدر قیمت دارد؟ هَا ماچ ایز دِ کولِر؟

What make is it?

چه مدلی است؟ وات میک ایز ایت؟

Is it 220 V?

آیا این ۲۲۰ ولت است؟ ایز ایت تو هانْدِرد اند تونتی ولت؟

How much electric does it consume?

چقدر برق مصرف می‌کند؟ هَاوْ ماچ اِلْکتریسیتی داز ایت کانسیوم؟

This model is 200 W.

این مدل ۲۰۰ وات است. دیس مادِل ایز تو هانْدْرِدْ وات.

Do you have an economical dish-washer?

دو یو هَو اَن ایکانامیکال دیش واشر؟

آیا یک ماشین ظرفشویی به صرفه و اقتصادی دارید؟

Is the price reasonable?

آیا قیمت آن معقول است؟ ایز دِ پرایس ریزِنبل؟

We need an outlet / a plug ,please.

ما نیاز به یک پریز / دو شاخ داریم. وی نید اَن اَوت لِت / اِ پلاگ، پلیز.

washing machine واشینگ ماشین **ماشین رخت شویی**

vacuum cleaner وَکیوم کِلینِرْ **جارو برقی**

steam iron سْتیم آیْرُن **اتوی بخاری**

press iron پْرس آیْرُن **اتوی پرِسی**

freezer فْریزِر **فریزر**

electric fan	اِلکْتریک فَن	پنکه برقی
microwave	مایکْرُوِیْو	مایکروویو
toaster	تُسْتِر	توستر
20wat bulb	تونتی وات بالب	لامپ ۲۰ واتی
2meter cable	تو میتِر کِیْبِل	کابل دو متری
an antenna	اَن آنتِنا	یک آنتن

toy shop — اسباب بازی فروشی

I'd like to buy a gift for my son.

آید لایک تو بای اِ گیفت فُر مای سان.

می‌خواهم که یک هدیه برای پسرم بخرم

How old is he ?

هَا اُلد ایز هی؟

چند سال دارید؟

I suggest this smart game.

آی ساجِت دیس‌ِمارت گِیم.

من این بازی هوشی را پیشنهاد می‌کنم.

This toy car is good, too.

دیس تُی کار ایز گود تو.

این ماشین اسباب بازی هم خوب است.

These dolls are pretty.

دیز دالز آر پْریتی.

این عروسک‌ها زیبا هستند.

Can I have that talking doll?

کَنْ آی هَو دَت تاکینگ دال؟

آن عروسک سخن‌گو را می‌توانم ببینم؟

model ship	مادِل شیپ	کشتی مدل
toy gun	تُی گان	تفنگ اسباب بازی
walky talky	واکی تاکی	واکی تاکی
war tank	وار تَنک	تانک جنگی
spaceship	اِسپِیْسْ شیپ	سفینه فضایی
T. V. game	تی وی گِیم	تی وی گیم

return or exchange of goods
برگشت یا تعویض کالا
ریتِرْنْ اُر اِکْسْچِنْجْ آو گودز

Could you exchange this?
ممکن است این را عوض کنید؟
کوج یو اِکْسْچِنْجْ دیس؟

I'd like to return this.
مایلم این را برگردانم.
آید لایک تو ریتِرْن دیس.

I'd like a refund.
می‌خواهم پولم را پس بگیرم.
آید لایک اِ ریفاند.

This is the receipt.
این رسید کالاست.
دیس ایز دِ رِسیت.

What's wrong with it?
مشکل آن چیست؟
واتس رانگ ویت ایت؟

I'm sorry, we could only exchange it.
آیم ساری، وی کود اُنلی اِکْسْچِنْجْ ایت.
متأسفم ما فقط می‌توانیم آن را تعویض کنیم.

Our policy is no refund.
سیاست ما، برگشت ندادن پول است.
آور پالیسی ایز نُ ریفاند.

We're out of stock.
انبار ما خالی است.
ویر اَوت آو اِستُک.

But, we can order for you.
اما می‌توانیم برای شما سفارش دهیم.
بات، وی کَنْ اُردِر فُر یو.

Just, put some deposit.
فقط مقداری بیعانه بدهید.
جاست،پوت سام دیپازیت.

sightseeing
تماشای مناظر
سایت سی سِینگ

I'd like a / an...	آید لایک اِ / اَن . .	من یک ...می‌خواهم.
audio set	اُدیو سِت	دستگاه صوتی
catalogue	کَتَلُگ	کاتالوگ

guide	گاید	راهنما
guidebook	گاید بوک	کتاب راهنما
(local)map	(لوکال) مَپ	نقشه (محلی)

Do you have information on ...sights?

دو یو هَو اینفُرمِیْشِنْ اُن ...سایتْسْ؟

آیا اطلاعاتی درباره مکان‌های دیدنی ...دارید؟

cultural	کالچِرال	فرهنگی
Greek-Roman	گریکْ ـ رُمَن	یونانی ـ رُمی
historical	هیستُریکال	تاریخی
religious	ریلیجِسْ	مذهبی

I'd like to see Eiffel tower.

آید لایک تو سی آیْفِل تاور.

مایلم که برج ایفل را ببینم.

Who made it?

هو مِید ایت؟

چه کسی آن را ساخت؟

How old is it?

هَا اُلد ایز ایت؟

قدمت آن چقدر است؟

How do I get there?

هَاو دو آی گِت دِر؟

چگونه به آنجا بروم؟

What time does it open?

وات تایم داز ایت اُپِن؟

چه ساعتی باز می‌شود؟

What's the admission charge?

واتس دِ اَدمیشِنْ چارج؟

ورودی چقدر است؟

Is there a discount for ...?

ایز دِر اِ دیسکانت فُر ...؟

آیا برای ...تخفیف وجود دارد؟

children	چیلْدْرِن	کودکان
families	فَمیلیز	خانواده‌ها
groups	گروپز	گروه‌ها
older people	اُلْدِر پیپِل	افراد مسن
pensioners	پِنْشِنِرز	بازنشستگان
students	ستیودِنْتْس	دانشجویان / دانش آموزان

When's the next ...?

زمان... بعدی کی است؟ — وِنْزْ دِ نِکْسْتْ ...؟

boat trip	بُت تْریپ	سفر دریایی
day trip	دِی تْریپ	سفر روزانه
tour	تور	تور

Is ...included?

آیا شامل ...می‌شود؟

accommodation	اَکُمُدیْشِن	محل اقامت
food	فود	غذا
transport	تِرَنسپُرت	حمل و نقل

The guide will pay.

راهنما خواهد پرداخت

دِ گاید ویل پِی.

How long is the tour?

مدت تور چقدر است؟ — هَاو لانگ ایز دِ تور؟

What time should we be back?

چه موقع برخواهیم گشت؟ — وات تایم شود وی بی بَک؟

It takes only 24 hours.

فقط ۲۴ ساعت طول می‌کشد. — ایت تِیکْسْ اُنلی تونی فُر اَورز.

What are the main stop points?

مکان‌های توقف اصلی کجاست؟ — وات آر دِ مِین سْتاپ پُینْتْسْ؟

Where do we leave from?

از کجا باید حرکت کنیم؟ — وِر دو وی لیو فِرام؟

Do we have free time during the tour?

دو وی هَو فِری تایم دیورینگ دِ تور؟

آیا در خلال تور وقت آزاد خواهیم داشت؟

What are the main sightseeings in this town?

وات آر دِ مِین سایت سی یینگ این دیس تاون؟

جاهای دیدنی اصلی این شهر چه هستند؟

park	پارک	پارک
town conter	تاوْن سنتِر	مرکز شهر

city hall	سیتی هال	تالار شهر
tomb	تُمب	مقبره
fair	فِر	بازار، نمایشگاه کالا
castle	کَسِلْ	قلعه
church	چِرچ	کلیسا
gallery	گَلِری	نمایشگاه هنری
market	مارکت	بازار
museum	می‌یوزیوم	موزه
palace	پالِس	قصر
houses of parliament	هاُزز آو پارْلِمنت	مجالس نمایندگان
square	اِسکُوِر	میدان
stadium	اِسْتِیدیِم	استادیوم
shopping center	شاپینگ سِنْتِر	مرکز خرید

Can I take pictures?

کَنْ آی تِیک پیکچِرْزْ؟ — آیا می‌توانم عکس بگیرم؟

Yes, but don't use flash.

یِس، بات دُنت یوز فِلَش. — بله، ولی از فلش استفاده نکنید.

Can I hire a private tour?

کَنْ آی هایر اِ پرایْوِیت تور؟ — می‌توانم یک تور خصوصی کرایه کنم؟

Where are the scenery?

وِر آر دِ سینِری؟ — مناظر طبیعی منطقه کجا هستند؟

mountain	مانْتِین	کوهستان
beach	بیچ	ساحل
canal	کَنال	کانال
aquarium	اِکْوِریوم	آکواریوم
amusement park	اَمیوزمِنْتْ پارک	پارک تفریحی
national museum	نَشنال میوزیوم	موزه ملی
cathedral	کَتیدرال	کلیسای جامع
botanical gardens	بُتَنیکال گاردنز	باغ‌های گیاه‌شناسی
bridge	برِیج	پل

در وزارت خارجه — این دِ فُرین مینیستری — in the Foreign Ministry

Where is Foreign Ministry?

وزارت خارجه کجاست؟ — من نیاز دارم که ویزای خودم را تمدید کنم.

I need to extend my visa.

لازم است که ویزای خود را تمدید کنم . — آی نید تو اکستند مای ویزا

I still need treatment.

من هنوز به درمان نیاز دارم. — آی استیل نید تریتمِنْتْ.

This is my doctor's approval.

این تأیید دکتر من است. — دیس ایز مای داکتِرز اَپرووال.

One week extension is enough.

یک هفته تمدید کافیست. — وان ویک اِکْسْتِنشن ایز ایناف.

I need to stay two more days.

من باید دو روز بیشتر بمانم. — آی نید تو اِسْتِی تو مُر دِیْزْ.





بخش دوم

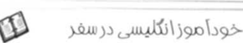
محاورات معمول درباره امور اجتماعی
از قبیل آشنایی، بیان احساسات، اعتقادات
و انجام امور اجتماعی همچون رفتن به
مهمانی، شام، وقایع ورزشی و ...



اجتماعی

concert hall	کانْسِرت هال	تالار کنسرت
convent;monastery	کانْوِنت / موناستری	صومعه ـ دیر
exhibition	اِگْزِبیشِن	نمایشگاه
port	پُرت	بندر
fortress	فُرتِرِس	دژ
fountain	فانتِین	چشمه
lake	لِیْک	دریاچه
library	لایْبْرِری	کتابخانه
monument	مانیومِنْتْ	بنای تاریخی
ancient city	اَنشِنْتْ سیتی	شهر باستانی
presidential palace	پِرِزیدِنشیال پَلِسْ	کاخ ریاست جمهوری
river	ریوِر	رودخانه
royal palace	رویال پَلِسْ	کاخ سلطنتی
statue	اِستَچیو	مجسمه
temple	تِمْپِل	معبد
theatre	تی‌آتر	تئاتر
tower	تاوِر	برج
university	یونیوِرسیتی	دانشگاه
zoo	زو	باغ وحش
ruins	روایِنزْ	ویرانه‌ها
social	سِوْشِل	اجتماعی

ملاقات با افراد	میتنگ پیپل	meeting people
کلمات پایه	بیسیک وُردز	basic words
بله	یِس	yes
خیر	نُ	no
لطفاً	پلیز	please
خیلی متشکرم	تَنک یو(وری ماچ)	thank you(very much).
خوش آمدید، قابلی نداشت	یور وِل کام	You're welcome.
ببخشید (برای جلب توجه)	اِکس کیوز می	Excuse me.
ببخشید (برای رد شدن)		
معذرت می‌خواهم	ساری	sorry.
مهمان من باشید	بی مای گِسْتْ	Be my guest.
بیا برویم	لِتْز گُ	Let's go.
البته	آو کُرس	of course
سلام	هِلُ	Hello.
سلام (غیر رسمی)	های	Hi.
...بخیر	گود ...	Good
عصر، بعد از ظهر	اَفتِرنون	afternoon
روز	دی	day
صبح	مُرنینگ	morning
شب، عصر	ایونینگ	evening
چطور هستید؟	هَاو آر یو	How are you
خوبم، شما چطور هستید؟	فاین، اند یو؟	Fine, and you?
نام شما چیست؟	واتس یور نِیم	What's your name?
اسم من مهدی است.	نِیم ایز مهدی	My name is Mehdi.
مایلم شما را به ...معرفی کنم.	آید لایک تو اینتْرودیوس یو تو ...	I'd like to introduce you to ...
ایشان ...من هستند.		... This is my
همکار	کالیگ	colleague



daughter	داتِر	دختر
friend	فْرِند	دوست
husband	هازبَند	شوهر
partner	پارتْ نِر	معشوق، شریک، همکار
son	سان	پسر
spouse	اِسْپاز	همسر
wife	وایف	همسر (زن)
I'm pleased to meet you	آیم پلیزِد تو میت یو	از ملاقات شما خوشحالم.

Saying goodbye. | سِ یینگ گودبای | گفتن خداحافظی

See you later.	سی یو لِیتر	بعداً شما را می‌بینم.
Good bye.	گودبای	خداحافظ
Bye.	بای	خداحافظ
Good night.	گودنایت	شب بخیر

making conversation | مِیکینگ کانوِرسِیشِن | باز کردن سر صحبت

What a beautiful day!

وات اِ بی‌یوتی‌فول دِی! — **چه روز زیبایی!**

Nice / Awful weather, isn't it?

نایس / آفول وِدِر، ایزِنْت ایت؟ — **چه هوای خوب / بدی، اینطور نیست؟**

That's beautiful, isn't it?

دَتْس، بی‌یوتی‌فول ایزِنْت ایت؟ — **هوای خوبی است، مگر نه؟**

What's this called?

واتس دیس کالد؟ — **این را چه می‌نامید؟**

Can I help you?

کَنْ آی هِلپ یو؟ — **می‌توانم کمکتان کنم؟**

What are you doing?

وات آر یو دوییِنگ؟ — **چه کار می‌کنید؟**



Where are you going?

ور آر یو گویینگ؟ **کجا می‌روید؟**

Do you like it here?

دو یو لایک ایت هی‌یِر؟ **از اینجا خوشتان می‌آید؟**

I love here.

آی لاو ایت هی‌یر. **من عاشق اینجا هستم.**

Do you live here?

دو یو لیو هی‌یِر؟ **آیا اینجا زندگی می‌کنید؟**

Are you here on holiday / business?

آر یو هی‌یِر اُن هالیدِی / بی‌زی‌نِس؟ **آیا برای تعطیلات / کار اینجا هستید؟**

short phrases شُرت فِریْزِزْ **عبارات کوتاه**

Hey! هِی **هی**

How is it going? هَاو ایز ایت گوییِنگ؟ **اوضاع چطوره؟**

Great! گریت! **عالیه!**

Sure. شور **حتماً**

maybe مِی بی **شاید**

No way! نُ وِی! **ابداً**

Just joking. جاست جُکینگ **فقط شوخی کردم**

Just a minute. جاست اِ مینِت **کمی صبر کنید**

It's OK. ایتز اُکی **درست است**

No problem. نُ پرابلم **مشکلی نیست**

How long are you here for?

هَاو لانگ آر یو هی‌یِر فُر؟ **چه مدت اینجا هستید؟**

I'm here for (three) weeks / days.

(سه) روز / هفته اینجا هستم.

I'm here . . .

آیم هی‌یر ... **من ...اینجا هستم.**

...for a holiday.

فُر اِ هالیدِی. **برای تعطیلات ...**

on business اُن بی‌زی‌نِس **...برای کار ...**

to study ...برای درس خواندن ...

Nationality نَشنالیتی ملیت

Where are you from?
وِر آر یو فِرام؟ اهل کجا هستید؟

I'm from . . .
آیم فِرام ... من اهل ...هستم.

Iran...	آیران	ایران ...
China...	چانیا	چین ...
England. . .	انْگلَند	انگلستان ...
America...	اَمریکا	آمریکا

age اِیج سن

How old is your son / daughter?
هَاو اُلد ایز یور سان / داتِر؟ پسر / دختر شما چند سال دارد؟

I'm 14.	آیم فُرتین	من ١٤ سال دارم
He / She is14.	هی/شی ایز فُرتین	او (پسر) / او (دختر) چهارده سال دارد.
too old	تو اُلد	خیلی پیر
too young	تو یانگ	خیلی جوان

I'm younger than I look.
آیم یانْگِر دَن آی لوک. من از ظاهرم، جوان‌تر هستم.

What do you do?
وات دو یو دو؟ چکاره هستید؟

What's your job?
واتس یور جاب؟ شغل شما چیست؟

I'm a / an ... من یک ...هستم.

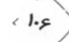
chef	شِف	...سر آشپز ...
engineer	این جی نی یِر	... مهندس . . .
hairdresser	هِیر دِرِسِر	...آرایشگر . . .



journalist	جِرنالیست	...روزنامه‌نگار...
businessman...	بی‌زی‌نِس‌مَن	...بازرگان ...
nurse...	نِرس	...پرستار ...
doctor...	داکتر	...پزشک ...
official...	آفیشیال	...مقام دولتی ...
teacher...	تیچِر	...معلم ...
salesman...	سِیلزمَن	...فروشنده ...
I work in...	آی وُرک این . . .	من در ...کار می‌کنم.
...an office		...یک اداره ...
...a factory		...یک کارخانه ...
...a firm		...یک شرکت ...
... health		...زمینه پهداشت ...
... sales and marketing		...زمینه فروش و بازاریابی ...
...commerce...		...زمینه بازرگانی ...
I'm...	آیم . . .	من ...
retired...	ری‌تایِرْد	...بازنشسته هستم
self-employed	سِلفْ ایم پْلُیْدْ	...کار آزاد دارم
unemployed	آن ایم پْلُیْدْ	...بیکار هستم
What are you studying?		
	واتِ آر یو اِستادی‌یینگ؟	چه چیزی می‌خوانید؟
I'm studying...	آیم اِستادی‌یینگ	من ...تحصیل می‌کنم.
science	سایِنْس	علوم انسانی ...
English	اینگلیش	...زبان انگلیسی ...

well–wishing | وِل ـ ویشینگ | آرزوی خوب

In your honour!	این یور آنر!	به افتخار شما!
To your health!	تو یور هلث!	به سلامتی شما!
Congratulations!	کان گرَجولِیْشِنْز!	تبریک می‌گویم!
Good luck!	گود لاک!	موفق باشید



خانواده | فَمیلی | Family

خانواده	فَمیلی	Family
آیا ...دارید؟	دو یو هَو اِ ...؟	Do you have (a)...?
...برادر ...	برادر	...brother
...فرزند ...	چیلْدْرِن	...children
...دختر ...	داتر	...daughter
...خانواده ...	فَمیلی	...family
...نوه دختری ...	گرَند داتِر	...granddaughter
...پدر بزرگ ...	گرَند فادِر	...grandfather
...خواهر . . .	سیستر	...sister
...پسر ...	سان	...son
...همسر ...	اسپاس	spouse
من ...دارم.	آی هَو (اِ)	I have (a)
من ...ندارم.	آی دونت هَو (اِ)	Idon' have (a)
همسر (زن) ...	وایف	...wife
شوهر ...	هازبِنْدْ	...husband

Are you married?

آر یو مُرید؟

آیا متأهل هستید؟

I'm single.

آیم سینگل.

من مجرد هستم.

من ...هستم.	آیم ...	I'm...
...مطلقه ...	دی‌ورسد	...divorced
...متأهل ...	مَرید	...married
...متارکه کرده‌ام.	سِپرِیْتِد	...separated
...بیوه زن ...	وِیدُ	...a widow

farewell فِیرْوِل بدرود

Tomorrow is my last day here.

تومَارُ ایز مای لَست دِی هی‌یِر.

If. فردا روز آخر من در اینجا خواهد بود.

you come to Iran, you can stay with me

ایف یو کام تو آیران یو کَن سْتِی ویت می..

اگر به ایران آمدی، می‌توانی پیش من اقامت کنی.

keep in touch! کیپ این تاچ **در تماس باش.**

It's been great meeting you.

ایتز بین گِریْتْ میتینگ یو. **دیدار شما افتخار بزرگی بود.**

Here's my ...

هی‌یِرز مای ... **این ...من است.**

....address اَدرِس **آدرس**

...email ای‌مِیل **...ای‌میل ...**

...phone number فُن نامْبِر **...شماره تلفن ...**

What's your address / email / phone number?

واتس یور اَدرِس / ای‌میل / فُن نامْبِر؟

آدرس / ای میل / شماره تلفن شما چیست ؟

interests این تْرِسْتْسْ علائق، چیزهای مورد علاقه

common interests کامان این تْرِسْتْسْ **علائق مشترک**

What do you do in your spare time?

وات دو یو دو این یور اِسْپِیر تایم؟ **در اوقات فراغت چکار می‌کنید؟**

Do you like films?

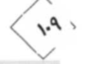
دو یو لایک فیلمز؟ **از فیلم خوشت می‌آید؟**

I like ...

آی لایک . . . **من ...دوست دارم.**

...calligraphy کالیگْرافی **خطاطی**

English	تلفظ	معنی
...cooking	کوکینگ	آشپزی
...gardening	گاردِنینگ	باغبانی
...hiking	هایْکینگ	پیاده روی
...photography	فُتُگْرافی	عکاسی
...reading	ریدینگ	مطالعه
...shopping	شاپینگ	خرید
...sport	اسْپُرت	ورزش
...travelling	تْراولینگ	مسافرت
...watching TV	واچینگ تی وی	تماشای تلویزیون
Do you...?	دو یو ...؟	آیا ...؟
...dance?	دَنْس؟	...می‌رقصید؟
...go to concerts?	گُ تو کانْسِرت؟	به کنسرت می‌روید؟
...listen to music?	لیسِنْ تو میوزیک؟	...به موسیقی گوش می‌کنید؟
...play an instrument?	...پلِی اَن اینسْترومِنت؟	...آلت موسیقی می‌نوازید؟
What ...do you like?	وات ...دو یو لایک؟	چه ...دوست دارید؟
. . . bands...	بَنْدْز	...گروه‌هایی ...
... music...	میوزیک	...موسیقی ...
... singers...	سینگِرْز	...خوانندگان ...
electronic music		...موسیقی الکترونیکی
jazz	جَز	جاز
pop	پاپ	پاپ
traditional	تُرَدیشِنال	سنتی
folk music	فُک می‌یوزیک	موسیقی محلی



cinema and theatre سی‌نِما اَند تی ئاتِر سینما و تئاتر

I feel like going to . . . دوست دارم که به ...بروم

ballet	بَله	باله
film	فیلم	فیلم
play	پِلی	نمایش، نمایشنامه

What's showing at the cinema / theatre tonight?

واتس شیینگ اَت دِ سی‌نِما / تی‌ئاتِر تونایت؟

امشب در سینما / تئاتر چه نمایش می‌دهند؟

Is it in English؟

ایز ایت این اینگیلیش؟

آیا به انگلیسی هست؟

Have you seen it?

هَد یو سین ایت؟

آن را دیده‌اید؟

Who's in it?

هوز این ایت؟

چه کسی در آن بازی می‌کند؟

It stars Tom Cruze.

ایت سْتارز تام کروز.

تام کروز در آن بازی می‌کند.

I like... من ...دوست دارم. آی لایک

action movies	اَکْشِن موویز	فیلم‌های حادثه‌ای
animated films	اَنیمِیْتِد فیلمز	فیلم‌های حادثه‌ای
comedies	کامِدیز	فیلم‌های کمدی
documentaries	داکیومِنْتِریز	فیلم‌های مستند
drama	دْراما	درام
horror	هارار	ترسناک
thrillers	تْریلرز	ترسناک
science - fiction	سایِنْسْ فیکشن	علمی ـ تخیلی
war movies	وار موویز	فیلم‌های جنگی

feeling and opinions...
فیلینگر اَند اُپی نیونْز

احساسات و عقاید

Are you...?		آیا ...هستید؟
cold	کولد	سرد
happy	هَپی	خوشحال
hot	هات	داغ، گرم
hungry	هانگْرْی	گرسنه
thirsty	ترستی	تشنه
tired	تایِرْدْ	خسته
worried	وارید	نگران
I'm a little sad.	آیم ای لیتِل سَد	من کمی غمگین هستم.
a little	اِ لیتِل	کمی
very	وِری	خیلی
extremely	اِکستریم لی	خیلی زیاد

I feel very lucky.
آی فیل وِری لاکی
احساس می‌کنم خیلی خوشبخت هستم

What happened?
وات هَپِنْدْ.
چه اتفاقی افتاد؟

What's wrong with you?
واتس رانگ ویت یو؟
چه چیزی ناراحتتان کرده است؟

opinions
اِپی نیونْز

عقاید

Did you like it?
دید یو لایک ایت؟
از آن خوشتان آمد؟

What do you think of it?
وات دو یو تینک آو ایت؟
درباره آن چه فکر می‌کنید؟

I thought it was ...
آی تات ایت واز ...
فکر می‌کنم که ...بود.



awful	آوفول	وحشتناک
beautiful	بیوتیفول	زیبا
boring	بُرینگ	خسته کننده
great	گرِیْتْ	عالی
interesting	اینْتْرستینگ	جالب
OK	اُکی	خوب
strange	اِستْرِنج	عجیب
too expensive	تو اکسپِنسیو	بسیار گرانبها

Politics and social issues
پالتیکز اند سوشینال ای‌شیوز
سیاست و مسائل اجتماعی

Who do you vote for?

به چه کسی رأی می‌دهید؟ هو دو یو وُت فُر؟

I support the left/ rigth party.

من از حزب چپ/ راست حمایت می‌کنم. آی ساپُرت دِ لِفت/ رایت پارتی

I'm a member of the conservative party.

من عضو حزب محافظ کار هستم. آیم اِ مِمْبِر آو دِ کانْزِروتیو پارتی.

democratic	دِمُکراتیک	دمکرات
green	گرین	سبزها
liberal	لیبِرال	آزادیخواه
social	سوشیال	سوسیال
socialist	سوشیالیست	سوسیالیست

Do you agree with it?

آیا با آن موافق هستید؟ دو یو اَگْری ویت ایت؟

I agree / don't agree.

من موافق هستم / نیستم. آی اَگری / دُنت اَگری.

How do people feel about . . .?

مردم درباره ...چه احساسی دارند؟ هَاو دو پیپِل فیل اِ بات ...؟

How can we support ...?

چگونه می‌توانیم ...را حمایت کنیم؟ هَاو کَنْ وی ساپُرت ...؟

How can we oppose...?

چگونه می‌توانیم با ...مخالفت کنیم؟ هَاو کَنْ وی اُپُز ...؟

سقط جنین	اَبُرشِن	abortion
فساد	کُراپْشِن	corruption
جنایت	کْرَایم	crime
تبعیض	دیس کْریمی نِیْشِنْ	discrimination
مواد مخدر	دْرَاگز	drugs
فرصت برابر	ایکْوال اُپُرتیونیتی	equal opportunity
جهانی شدن	گلوبالی زِیْشِن	globalization
حقوق بشر	هی یو مَن رایتْسْ	human rights
مهاجرت	ای می گرِیْشِنْ	immigration
نابرابری	این اِکْوالیتی	inequality
دولت	گاوِرمِنْتْ	government
فقر	پاورتی	poverty
خصوصی کردن	پرایْوتایز	privatize
نژاد گرایی	ری سیسم	racism
بنیادگرایی مذهبی	ری لی جس فانْدامِنْتالیسم	religious fundamentalism
رفاه اجتماعی	سوشال وِلْفِر	social welfare
تروریسم	تروریزم	terrorism
بیکاری	آن اِمپلوی مِنْتْ	unemployment
محیط زیست	دِ اِن وایر مِنْت	environment

Is there an environmental problem here?

ایز دِر اَن اِن وایر مِنْتال پْرابْلِم هی یر؟

آیا در اینجا مشکل زیست محیطی وجود دارد؟

What should be done about it?

در این خصوص باید چه کار کرد؟ وات شود بی دان اِبات ایت؟

Is this a protected area?

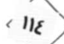
آیا اینجا یک ناحیه حفاظت شده است؟ ایز دیس اِ پروتِکْتِد اِریا؟

آلودگی هوا	اِیْرْ پولویش	air pollution

conservation	کانزرْویْشنْ	حفظ منابع طبیعی
ecosystem	اِکوسیستِم	زیست
endangered species	اِنْ دَنْجِردْ اسپی‌سیز	گونه‌های در معرض خطر
genetically modified food	جِنِتیکالی مادیفاید فود	غذاهایی که دستکاری ژنتیک شده‌اند
hunting	هانتینگ	شکار
hydroelectricity	هایدْرُ اِلکْتریسیتی	برق آبی
irrigation	ایری گِیْشن	آبیاری
nuclear energy	نوکلئار اِنِرْجی	انرژی هسته‌ای
ozone layer	اُزُن لِیر	لایه اُزُن
pesticides	پِستی سایْدْزْ	آفت کش‌ها
petroleum	پِتْرلیوم	نفت
recycling	ری سایکلینگ	بازیافت
solar power	سُلار پاور	انرژی خورشیدی
toxic waste	تاکسیک ویست	ضایعات سمی
water supply	واتِر ساپلای	منبع آب

going out — گوئینگ اَوْتْ — بیرون رفتن

What's there to do in the evenings?	واتس دِر تو دو این دِ ایوینینگز؟	شب‌ها آنجا چکار می‌توان کرد؟
What's on...?	واتس اُن ...؟	...چه خبر است؟
locally...?	...لُکالی؟	این محل ...
today...?	...تو دِی؟	امروز ...
tonight...?	...تو نایت؟	امشب ...
this weekend...?	دیس ویک اِند؟	این آخر هفته ... ...
Where are the ?...	ور آر دِ...؟	...کجا هستند؟
...clubs?	کْلابْزْ؟	باشگاه‌ها ...
...pubs?	پابز؟	بارها ...



جاهای غذا خوردن ... | ...پلیسز تو ایت؟ | ...places to eats?

Is there a local guide?

راهنمای محلی اینجا هست؟ | ایز دِر اِ لُکال گاید؟

I feel like going to a / the ...

دوست دارم که به یک ...بروم. | آی فیل لایک گویینگ تو اِ / دِ ...

...کافه . . .	کَفه	...café
...کنسرت ...	کانْسِرت	...concert
...فیلم ...	فیلم	...film

folk dance / music display

...نمایش رقص / موسیقی محلی ... | ...فُلک دَنْش / میو زیک دیس پلِی ...

...کلوپ شبانه ...	نایت کلاب	...nightclub
...مهمانی ...	پارتی	...party
...برنامه، نمایش ...	پرفُرْمَنْس	...performance
...نمایش ...	پلِیْ	...play
...رستوران . . .	رِسْتْرانت	...restaurant
...کنار دریا	سی ساید	...seaside

دعوت — این وی تِیْشِنْز — invitations

What are you doing tonight?

امشب می‌خواهی چکار کنی؟ | وات آر یو دویینگ تو نایت؟

We're having a party.

ما یک مهمانی داریم. | ویر هَوینگ اِ پارتی.

You should come.

تو باید بیایی. | یو شود کام.

Would you like to go for a ...?

دوست داری که بریم . . .؟ | ووج یو لایک تو گُ فُر اِ ...؟

...قهوه بخوریم؟	. . .کافی؟	...coffee?
...برقصیم؟	...دَنْسینگ؟	...dancing?

...drink? ...دْرینک؟ ...چیزی بنوشیم؟
...meal? ...میل؟ ...غذایی بخوریم؟
...out? اَوت؟ ...بیرون؟
...tea? تی؟ ...چایی بخوریم؟
...walk? واک؟ ...قدم بزنیم؟

Do you know a good restaurant?
دو یو نُ اِ گود رِسْترانت؟ آیا رستوران خوبی می‌شناسی؟

Would you like to come to the concert with me?
ووج یو لایک تو کام تو دِ کانسِرت ویت می؟
آیا مایلی با من به کنسرت بیایی؟

پاسخ به دعوت‌ها
invitations
رِسپاندینگ تو این‌ویتِیْشِنْز

Sure! شور حتماً، بله

Yes, I'd love to.
یِس، آید لاو تو. بله، من عاشق آن هستم.

That's very kind of you.
دَتْس وِری کایند آو یو. از لطف شما متشکرم.

Where shall we go?
ور شَل وی گُ؟ کجا خواهیم رفت؟

What about tomorrow?
وات اِبات تومارُ؟ فردا چطوره؟

No, I'm afraid,I can't.
نُ، آیم اَفرِید آی کَنْتْ. نه، متأسفم، نمی‌توانم.

Sorry, I can't dance / sing.
ساری، آی کَنْتْ دَنس / سینگ. متأسفم، من نمی‌توانم برقصم / بخوانم.

I'm ready.
آیم رِدی. من حاضر هستم.

I'll be coming later.

من بعداً خواهم آمد. آیل بی کامینگ لِیْتِر.

Where will you be?

کجا خواهی بود؟ وِر ویل یو بی؟

If I'm not there by (ten) , don't wait for me.

ایف آیم نات دِر بای (تِن)، دُنت ویت فُر می.

اگر تا ساعت (ده) آنجا نبودم، منتظر من نباش.

I'll see you then.

بعداً تو را خواهم دید. آیل سی یو دِن.

See you later / tomorrow.

ترا بعداً / فردا می‌بینم. سی یو لِیْتِر / تومارُ.

Sorry I'm late.

قرار ملاقات — اَرَنجینگ تو میت — arranging to meet

What time will we meet?

چه زمانی یکدیگر را ملاقات خواهیم کرد؟ وات تایم ویل وی میت؟

Where will we meet?

کجا یکدیگر را ملاقات خواهیم کرد؟ وِر ویل وی میت؟

I'll pick you up.

من دنبال شما خواهم آمد. آیل پیک یو آپ.

Let's meet at (eight) o' clock / the entrance.

لِتِر میت اَت (اِیت) اُکلاک / دِ انترانس.

همدیگر را ساعت (هشت) / جلوی ورودی خواهیم دید.

Are you ready?

آیا حاضر هستی؟ آر یو رِدی.

Never mind. — نِوِر مایِنْدْ — اشکالی ندارد.

romance — رُمَنْسْ — روابط عاشقانه

شروع صحبت — پیک ـ آپ لاینز — pick up lines

Would you like a drink?

نوشیدنی میل دارید؟ ووج یو لایک اِ دْرینک؟

You look like someone I know.

شما شبیه شخصی هستید که من می‌شناسم. یو لوک لایک سام‌وان آی نُ.

You're a fantastic dancer.

شما یک رقصنده عالی هستید. یور اِ فَنتَستیک دَنْسِر.

Do you have a light?

کبریت دارید؟ دو یو هَو اِ لایت؟

Can I ...?

آیا می‌توانم ...؟ کَنْ آی ...؟

...dance with you?

...با شما برقصم؟ دَنْسْ ویت یو؟

...sit here?

...اینجا بنشینم؟ سیت هی‌یِر؟

...give you a lift home?

...شما را به منزل برسانم؟ گیو یو اِ ایفت هُم؟

رد دعوت ریجِکْشِنْز rejections

No, thank you.

نه، متشکرم نُ، تَنْک یو

I'd rather not.

ترجیح می‌دهم، قبول نکنم. آید رَدِر نات.

I'm here with my girl friend / boy friend.

آیم هی‌یر ویت مای گِرل فِرْنْد / بوی فِرْنْد.

من اینجا با دوست پسر / دخترم هستم.

Excuse me,I have to go now.

ببخشید، من باید الآن بروم. اِکسکیوزمی، ای هَو تو گُ نَاو.

Leave me alone!

مرا تنها بگذار. لیو می اِلُن.

Piss off! پیس آف! **گمشو**

getting closer | گتینگ کِلوسِر | نزدیک‌تر شدن

I like you very much.

آی لایک یو وِری ماچ. | **من تو را بسیار دوست دارم.**

You're great.

یور گِریت. | **تو عالی هستی.**

Can I stay over?

کَنْ آی سْتِیْ اُور؟ | **می‌توانم پیش تو بمانم؟**

He / She is.	...هی / شی ایز	**او ...هست**
...hot	...هات	**...خونگرم ...**
...attractive	...اَتْرَکْتیو	**...جذاب ...**
...pretty	...پْرِیتی	**...زیبا ...**
...handsome	...هَند سام	**...خوش قیافه ...**
...a babe	...اِ بِیْبْ	**...یک تیکه ...**
...a bastard	...اِ بَسْتِرد	**...یک کلاه بردار ...**

love | لاو | عشق

I think we're good together.

آی تینک ویر گود توگِدِر. | **من فکر می‌کنم که ما با هم خوب تا می‌کنیم.**

I love you.

آی لاو یو. | **من تو را دوست دارم.**

Will you get out with me?

ویل یو گِت آوت ویت می؟ | **ممکنه با من بیرون بیایی؟**

Will you meet my parents?

ویل یو میت مای پِرِنْتْسْ؟ | **ممکن است با والدین من ملاقات کنی؟**

Will you marry me?

ویل یو مَری می؟ | **با من ازدواج کنی؟**

مشکلات — problems — پْرابْلِمْز

I never want to see you again.
آی نِور وانت تو سی یو اِگِنْ.
من دیگر نمی‌خواهم تو را ببینم.

I don't think it's working out.
آی دُونت تینگ ایتز ورکینگ آوت.
فکر نمی‌کنم ما با هم بتوانیم زندگی کنیم.

We'll work it out.
ویل وُرک ایت آوت.
ما مشکل را حل می‌کنیم.

I have to leave (tomorrow).
آی هَو تو لیو (تومارُ).
من باید (فردا) بروم.

I'll keep in touch.
آیل کیپ این تاچ.
در تماس خواهم بود.

I'll miss you.
آیل میس یو.
دلم برایت تنگ می‌شود.

I'll call you.
آیل کال یو.
به تو تلفن خواهم زد.

Beliefs and cultural differences.
بیلیفز اَند کالچرال دیفْرِنسِز
اعتقادات و تفاوت‌های فرهنگی

religion	ریلیجِنْ	مذهب
What's your religion?	واتس یور ریلیجن؟	**مذهب شما چیست؟**
. I'm not religious.	ایم نات ریلیجِسْ	**من مذهبی نیستم.**
I'm....	آی اَم	من...هستم
...agnostice	اِگناستیک	منکر خدا
...Buddhist	بودیست	**...بودیس ...**
...Catholic	کَتْلیک	**...کاتولیک ...**
...Christian	کریسْشِن	**...مسیحی ...**
...Hindu	هیندو	**...هندو ...**

...Jewish — جوویش — ...یهودی ...

...Muslim — مازلیم — ...مسلمان ...

...Shiite — شیئِت — ...شیعه ...

...Sunni — سُنْنی — ...سنی ...

I believe / don't believe in ...

من معتقد به ...هستم / نیستم.

...astrology — اَستُرُلوجی — ...ستاره شناسی ...

...fate — فِیت — ...تقدیر . . .

Where can I pary / worship?

وِرْ کَنْ آی پرِی / وُرشیپ؟

کجا می‌توانم نماز/ دعا بخوانم / پرستش کنم؟

cultural differences — کالچرال دیفرِنْسِس — اختلافات فرهنگی

Is this a local or national custom?

ایز دیس اِ لُکال اُر نَشنال کاستِم؟

آیا این یک رسم محلی است یا ملی؟

I don't want to offend you.

آی دُنت وانت تو اَفِنْد یو.

نمی‌خواهم شما را برنجانم.

I'll try it.

آیل ترای ایت.

آن را امتحان می‌کنم.

I'd rather not join in.

آید رَدِر نات جُین این.

ترجیح می‌دهم به آن ملحق نشوم.

I'm sorry. I didn't mean to do / say anything wrong.

آیم ساری. آی دیدِنت مین تو دو / سِی اِنی تینگ رانگ.

متأسفم. قصد نداشتم که چیزی اشتباه بگویم / یا انجام دهم.

I'm sorry, It's against my beliefs / religion.

آیم ساری، ایتز اِگینست مای بیلیفز / ریلیجن..

متأسفم. این موضوع مخالف اعتقادات / مذهب من است.

This is different / fun / interesting

دیس ایز دیفرِنت / فان / این تْرِسْتینگ.

این فرق دارد / مفرح است / جالب است.

Art — آرت — هنر

When's the gallery / museum open?
چه زمانی گالری / موزه باز است؟
وِنْزْ دِ گَلِری / می یوزیِم اُپِن؟

What kind of art are you interested in?
به چه نوع هنری علاقمند هستی؟
وات کایند آو آرد آر یو این ترستِد این؟

What's in the collection?
در این مجموعه چیست؟
واتز این دِ کُلِکْشِنْ؟

It is an exhibition of graphic.
این نمایشگاهی از گرافیک است.
یت ایز اَن اگزِبیشِن آو گرافیک.

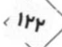
What do you think of modern art?
نظرتان درباره هنر مُدرن چیست؟
وات دو یو تینک آو مادِرن آرت؟

I'm interested in traditional art.
من به هنر سنتی علاقمند هستم.
آیم این تْرَسْتِد این تْرَدیشِنال آرت.

I like the works of Raphael.
من آثار رافائل را دوست دارم.
آی لایک دِوُرکس آو رافائل.

It reminds me of renaissance.
آن مرا به یاد رنسانس می‌اندازد.
یت ری مایندز می آو رِنِسانس.

impressionist	ایمْپِرْشْنیست	امپرسیونیت
nomadic	نُمادیک	بَدوی
performance	پِرْفُرمَنْس	اجرا، ارائه
architecture	آرکیتِکْچِر	معماری
art work	آرت وُرک	کار هنری
calligraphy	کالیگرافی	خطاطی
carpet weaving	کارپِت ویوینگ	قالی بافی
curator	کیوریتُر	سرپرست موزه
design	دیزاین	طراحی، طرح
embroidery	اِمْبرویدِری	سوزن دوزی ـ گلدوزی
etching	اِچینگ	قلم زنی
exhibit	اِگزِبیت	شیء به نمایش درآمده



exhibition hall	اِگْزِبیشن هال	سالن نمایشگاه
lace making	لِیس میکینگ	توردوزی
metal work	متال وُرک	فلزکاری
opening	اُپنینگ	گشایش
painter	پِینْتِر	نقاش
painting	پِینْتینگ	نقاشی
period	پریود	دوران ـ عصر
porcelain	پُرسِلین	(ظرف) چینی
pottery	پاتِری	سفالگری، ظروف سفالی
sculptor	اسکالپتِر	مجسمه ساز
sculpture	اِسکالْپچِر	مجسمه سازی
statue	اِسْتَچیو	مجسمه
studio	سْتودیو	استودیو
style	ستایل	سبک
technique	تِکْنیک	فن
woodworking	وود وُرکینگ	کار چوبی
sport	سْپُرت	ورزش

sporting interests سپُرتینگ این تْرِسْت علائق ورزشی

What sport do you follow/ play?

وات سپُرت دو یو فالُ / پِلِی؟

چه ورزشی را دنبال می کنید / بازی می کنید؟

I follow / play football / tennis.

آی فالُ / پِلِی فوتبال / تنیس..

من فوتبال / تنیس را دنبال می کنم / بازی می کنم.

I do martial atrs / scuba diving / wrestling.

آی دو مارشیال آرتس / اِسکوبا دایوینگ / رسلینگ.

من ورزش‌های رزمی / غواصی / کشتی کار می‌کنم.

I cycle / run.

آی سایکِل / ران. — من دوچرخه سواری می‌کنم / می‌دوم.

Do you like basketball?

دو یو لایک بَسکِتبال؟ — آیا بسکتبال دوست دارید؟

Yes, very much.

یس، وِری ماچ. — بله، بسیار زیاد.

Not really.

نات ری‌یِلی. — نه، راستش را بخواهید.

I like watching it.

آی لایک واچینگ ایت. — من دوست دارم آن را تماشا کنم.

What's your favourite sportsperson / team?

هوز یور فِیوِریت سپورتس پِرسِنْ / تیم؟

ورزشکار / تیم محبوب شما کیست؟

Would you like to go to a game?

ووج یو لایک تو گُ تو اِ گیم؟ — دوست داری که به یک مسابقه بروی؟

How are you supporting?

هو ار یو ساپُرتینگ؟ — طرفدار کی هستی؟

Who's playing / winning?

هوز پلِیینگ / وینینگ؟ — چه کسی بازی می‌کند / می‌برد؟

That was a bad / boring / great game.

دَت واز اِ بَد / بُرینگ / گِریت گیم.

آن مسابقه بد / خسته کننده / عالی بود.

What's the score?

واتس دِ سْکُر؟ — امتیاز چند است؟

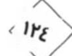
draw / even — دْرا / ایوِن — مساوی

nil — نیل — صفر

Do you want to play?

دو یو وانت تو پِلی؟ — می‌خواهی بازی کنی؟

Can I join you?



می‌توانم به شما ملحق شوم؟ کَنْ آی جُین یو؟

That would be great.

عالی است. دَت وود بی گرِیت.

I have an injury.

من آسیب دیدگی دارم. آی هَو اَن این‌جوری.

Your / my point.

نوبت شما / من است. یور / مای پُینت.

Kick / Pass it to me!

آن را به من پاس بده! کیک / پَس ایت تو می!

You're a good player.

تو بازیکن خوبی هستی. یور اِ گود پلِیِر.

Where's a good place to ...

جای خوب برای ...کجاست؟ وِرز اِ گود پلِیْسْ تو ...

play football?	پلِی فوتبال؟	...بازی فوتبال ...
go fishing?	گُ فیشینگ	...ماهیگیری ...
go horse-riding?	گُ هُرس رایدینگ؟	...اسب سواری ...
run?	ران	...دویدن ...
ski...?	اِسکی؟	...اسکی . . .
surf...?	سِرف؟	...موج سواری ...
What a goal!	وات اِ گُل!	چه گلی؟

What a hit / kick / pass!

چه ضربه‌ای / شوتی و پاسی! وات اِ هیت / کیک / پَس!

Where's the nearest gym?

نزدیک‌ترین باشگاه ورزشی کجاست؟ وِرز دِ نی‌یرست جیم؟

What's time charge per day / game?

واتس دِ چارج پِر دِی / گِیم؟

هزینه آن برای هر ساعت / بازی چقدر است؟



Can I hire a ball / court / racquet?

آیا می‌توانم یک توپ / زمین / راکت کرایه کنم؟ کَنْ آی هایِر اِ بال / کُرت / رَکِت؟

Do I have to be a member to attend?

دو آی هَو تو بی اِ مِمبِر تو اَتِنْدْ؟

آیا باید عضو باشم که در بازی شرکت کنم؟

Is there a woman – only session?

ایز دِر اِ وَمِن ـ اُنلی سِشِن؟ **آیا جلسه‌ای مختص زنان وجود دارد؟**

Where are the changing rooms?

وِر آر دِ چِنجینگ رومز؟ **اتاق‌های رختکن کجاست؟**

Who plays for Chelsee?

پِلِیز فُر چِلسی؟ **چه کسی برای چلسی بازی می‌کند؟**

He's a great player.

هیز اِ گِریت پِلِیر. **او بازیکن بزرگی است.**

He played brilliantly in the match against Italy.

هی پِلِیْدْ بریلیَنتلی این در مَچ اِگِیْنْسْتْ ایتلی.

Which? **او در بازی مقابل ایتالیا عالی بازی کرد.**

team is at the top of the league

ویچ تیم ایز اَت دِ تاپ آو دِ لیگ؟ **چه تیمی در بالای لیگ است؟**

Which teams are at the play - off?

ویچ تیمز آر اَت دِ پِلِی ـ آَفت؟ **چه تیم‌هایی در بازی حذفی هستند؟**

Can I take tennis lessons?

کَنْ آی تیک تنیس لِسِنْزْ؟ **آیا می‌توانم درس تنیس بگیرم؟**

outdoors اوت دُرْزْ **گردش در هوای آزاد**

hiking هایکینگ **پیاده روی**

Where can I ...?

وِر کَـن آی ...؟ **کجا می‌توانم ...؟**

...buy supplies?

بای ساپلایز؟ **...آذوقه بخرم؟**

...find someone who knows this area?

...فایند سام وان هو نُز دیس اِریا؟ **...شخصی را پیدا کنم که این منطقه(حوالی) را بشناسد؟**

...get a map?

. . گِت اِ مَپ؟ **...یک نقشه پیدا کنم؟**

How high is the climb?

ها های ایز دِ کْلایْمْبْ؟

ارتفاع این سربالایی چقدر است؟

How long is the trail?

ها لانگ ایز دِ تْریل؟

این کوره راه چقدر است؟

Is it safe?

ایز ایت سِیف؟

آیا امنیت دارد؟

Do we need a guide?

دو وی نید اِ گاید؟

آیا به راهنما نیاز داریم؟

Are there guided tracks?

آر دِر گایْدِدْ تِرکس؟

آیا تورهای کوچک وجود دارند؟

Is there a hut?

ایز دِر اِ هات؟

آیا کلبه‌ای وجود دارد؟

When does it get dark?

وِن داز ایت گِت دارک؟

کی هوا تاریک می‌شود؟

Do we need to take bedding / food / water?

دو وی نید تو تِیک بِدینگ / فود / واتر؟

آیا لازم است رختخواب/ غذا/ آب با خود داشته باشیم؟

Is the track open / marked / scenic?

ایز دِ تْرَک اُپِن / مارکْدْ / سِنیک؟

آیا این مسیر باز / علامت‌دار / بامنظره است؟

Which is the easiest / shortest / most interesting route ?

ویچ ایز دِ ایزیِیشت / شُرتِست / مُست این تْرِستینگ روت؟

کدام راه آسانترین / کوتاهترین / جالب‌ترین است؟

Where can I find ...?

وِر کَنْ آی فایند ...؟

کجا می‌توانم ...را پیدا کنم؟

...camping ground?

...کمپینگ گراند؟

محل اردو زدن ...؟

...nearest village?

...نی‌یِرِست ویلیج؟

نزدیک‌ترین دهکده ...؟

...showers?



...محل دوش گرفتن ...؟ . . شَوِرْزْ؟

...toilets?

...توالت‌ها ...؟ تُیلِتس؟

Does this path go to ...?

آیا این راه به ...ختم می‌شود؟ داز دیس پَت گُ تو ...؟

Can I go through here?

آیا می‌توانم از اینجا رد شوم؟ کَنْ آی گُ ترو هی‌یر؟

Is the water OK to drink?

آیا آب برای آشامیدن مناسب است؟ ایز دِ واتِر اُکِی تو دْرینک؟

I'm lost.

من گم شده‌ام. آیم لاست.

ساحل — بیچ — beach

Where's the ...beach?

...ساحل کجاست؟ وِرْزْ دِ ...بیچ؟

... best... — بِست ... — ...بهترین ...

... public... — پابلیک ... — ...عمومی ...

Is it safe to dive / swim here?

آیا غواصی / شنا در اینجا امنیت دارد؟ ایز ایت سِیف تو دایو / سویم هی‌یر؟

Is the water polluted?

آیا این آب آلوده است؟ ایز دِ واتِر پلوتِد؟

Are there dangerous currents?

آیا جریان‌های خطرناکی در اینجا وجود دارند؟ آر دِر دَنْجِرس کارِنْتْسْ؟

What time is high / low tide?

زمان جزر / مَد چه وقت است؟ وات تایم ایز های / لا تاید؟

Do we have to pay?

آیا باید هزینه‌ای بپردازیم؟ دو وی هَو تو پی؟

How much for a / an ...?

برای هر ...چقدر بپردازم؟	هَا ماچ فُر اِ / اَن ...؟	
...صندلی؟	چِیر؟	...chair?
...کلبه؟	هات	... hut?
...چتر؟	آمبرِلا	... umbrella?
غواصی ممنوع!	نُ دایْوینگ	No diving!
شنا ممنوع!	نُ سویمینگ	no swimming!
مراقب موج زیرکش باشید!	بی کِرفول آو دِ آندِر تُ	Be careful of undertow!

هوا — وِدِر — weather

هوا ابری است.	ایتز کْلادی	It's cloudy.
سرد	کُلد	cold
بسیار سرد	فریزینگ	freezing
داغ	هات	hot
بارانی	ری‌نینگ	rainy
آفتابی	سانی	sunny
بادی، طوفانی	ویندی	windy
برفی	سْنوی	snowy
گیاهان بومی	فلورا	flora
جانوران بومی	فُنا	fauna
این حیوان / گل / گیاه / درخت چیست؟	وات اَنیمال / فْلاوِر / پْلَنت / تری این دَت؟	What animal / flower / plant / tree is that?



فروشگاه‌ها و مشاغل

در قســمت خرید با مقداری از اصطلاحات خرید آشــنا شدیم. در این قسمت به بخش دیگری از فروشگاه‌ها می‌پردازیم که قبلاً از آنها صحبتی نشده بود

shops & occupations
شاپز اَند آکیوپِشِنز
فروشگاه‌ها و مشاغل

barber shop باربِر شاپ **سلمانی**

I want a haircut.
آی وانت اِ هِیرکات. **می‌خواهم موهایم را کوتاه کنم.**

I like a shave.
آی لایک اِ شِیو. **می‌خواهم ریشم را بتراشم.**

beard بیِرْدْ **ریش**

mustache موسْتاش **سبیل**

Just a trim, please.
جاست اِ تریم پلیز. **فقط آن را مرتب کنید، لطفاً.**

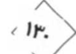
That's enough. دتس ایناف **کافی است.**

A little more of the back.
اِ لیتل مُر آو دِ بَک. **کمی بیشتر از پشت کوتاه کنید.**

A little more of the top.
اِ لیتل مُر آو دِ تاپ. **کمی بیشتر از بالا کوتاه کنید.**

razor رِیْزِر **تیغ سلمانی**

Don't cut it too short.
دُنت کات ایت تو شُرت. **آن را خیلی کوتاه نکنید.**



Don't use the clippers.

دُنْتْ یوز دِ کلیپرز

از ماشین اصلاح استفاده نکنید.

Scissors only, please.

سیزرْزْ اُنلی پلیز.

فقط قیچی، لطفاً.

A little more of the sides.

اِ لیتِل مُر آو دِ سایدز.

کمی بیشتر از بغل‌ها.

What's the fashion now?

واتس دِ فَشِن ناو؟

الان چی مُد است؟

I want to change my hairstyle.

آی وانت تو چِنج مای هِیر ستایل.

می‌خواهم که سبک موی خودم را عوض کنم.

That's fine, thank you.

دتس فاین، تَنک یو.

این خوب است. متشکرم.

How much do I owe you?

هَاو ماچ دو آی اُ یو!

حسابم چقدر می‌شود؟

Here you are.

هی‌یِر یو آر.

بفرمایید.

Shave all off!

شِیو ایت آل آف!

از ته بتراشید.

آرایشگاه بانوان — هِیر دِرِسِرْز سالون — Hairdresser's salon.

Is there a beauty salon in the hotel?

ایز دِر اِ بیوتی سالون این دِ هُتِل؟

آیا سالن آرایش در این هتل وجود دارد؟

Do I have to book?

دو آی هَو تو بوک؟

آیا باید وقت رزرو کنم؟

I'd like an appointment on Friday.

آید لایک اَن اَپُینْتْمِنْتْ اُن فِرایْدِیْ.



من یک وقت برای روز جمعه می‌خواهم.

I'd like a shampoo and set.

شامپو و خشک کردن می‌خواهم. آید لایک اِ شمْپو اَند سِت.

I'd like a face pack.

یک ماسک صورت می‌خواهم. آید لایک اِ فِیْس پَک.

Some hair jel.

کمی ژل مو. سام هِیر جِل.

dye دای رنگ مو

My hair is dry / normal / greasy.

مای هِیر ایز درای / نُرمال / گْرِیسی.

موهای من خشک / طبیعی / چرب است.

I don't want hair spray.

اسپری مو نمی‌خواهم. آی دُنت وانت هِیر سْپِری.

Do you have a color chart?

آیا چارت رنگ مو دارید؟ دو یو هَو اِ کالِر چارت؟

brown بْرَان قهوه‌ای، بلوطی

blond بْلاند بور، طلایی

brunet/ black برونِت ـ بْلَک سیاه ـ تیره

A lighter / darker color.

یک رنگ روشن‌تر / تیره‌تر. اِ لایْتِر / دارکِر کالِر.

I want a bleach.

من رنگ‌بر می‌خواهم. آی وانت اِ بْلیچ.

I want a color rinse.

شستشوی با رنگ می‌خواهم. آی وانت اِ کالِر رینز.

I'd like to change my hair color.

می‌خواهم رنگ مویم را عوض کنم. آید لایک تو چِنْج مای هِیر کالِر.

I'd like it cut and shaped.

می‌خواهم کوتاهش کنم و تغییر حالت دهم آید لایک ایت کات اَند شِیْپْدْ.

with ringlets ویت رینگلِتْسْ حلقه حلقه

with waves ویت وِیوْزْ موج دار

موی بلند تابیده و در بالای سر جمع شده	این اِ بان	in a bun

خشک شویی — لاندری ـ درای کاینِر — laundry;dry-cleaner's

Where can I wash some clothes?

کجا می‌توانم لباس بشویم؟ — وِر کَنْ آی واش سام کلُتْسْ؟

Do you have a laundry service?

آیا سرویس خشک شویی دارید؟ — دو یو هَو اِ لانْدْرِیْ سرویس؟

Can I borrow an iron?

می‌توانم یک اطو قرض کنم؟ — کَنْ آی بَرُ اَن آیْرُن؟

Where's the nearest dry-cleaner's?

نزدیک‌ترین خشک شویی کجاست؟ — ورز دِ نی‌یِرِست کلینِرْزْ؟

I want these clothes ...

من می‌خواهم این لباس‌ها... . — آی وانت دیز کلوتس ...

شسته شوند	...واشْدْ	**washed...**
اطو شوند	پْرِسد / آیوند	**pressed / ironed**
تمیز شوند	...کلیند	**cleaned...**

When will they be ready?

چه موقع حاضر خواهند شد؟ — وِن ویل دِی بی رِدی؟

I need them by Thursday.

من آنها را تا پنجشنبه لازم دارم — آی نید دِم بای تِرزْدِی.

I want this mended.

می‌خواهم این را تعمیر (رفو) کنم. — آی وانت دیس مِنْدِدْ.

I want this patched.

این را می‌خواهم وصله کنید. — آی وانت دیس پَچْتْ.

I want this stiched.

این را می‌خواهم بدوزید. — آی وانت دیس سْتیچْتْ.

Can you get this patch stain out?

می‌توانید رنگ این لکه را از بین ببرید؟

کَنْ یو گِت دیس پَچ سْتِین اَوت؟

This is not mine.

این مال من نیست. دیس ایز نات ماین.

One piece is missing.

یک تکه گم شده است. وان پیس ایز میسینگ.

Is my laundry ready?

آیا لباس من حاضر است؟ ایز مای لاندری رِدی؟

عکاس — فُتُگرافی — photography

فیلم رنگی کالِر فیلمز **color films**

Where's a photographic shop?

عکاسی کجاست؟ وِرز اِ فُتُگرافیک شاپ؟

Can you ...?

آیا می‌توانید ...؟ کَنْ یو . . .؟

...develop digital photos?

...عکس‌های دیجیتال را ظاهر کنید؟ ...دیوِلُپ دیجیتال فوتوز؟

...load my film?

...فیلم مرا درون دوربین قرار دهید؟ . . .لُد مای فیلم؟

I want to recharge the battery for my digital camera.

می‌خواهم که باطری دوربین دیجیتال خودم را شارژ کنم. آی وانت تو ریچارج دِ بَطری فُر مای دیجیتال کَمِرا.

Please transfer photos from my camera to CD.

پْلیز تْرَنْسْفِر فُتُزْ فرام مای کَمِرا تو سی دی.

لطفاً عکس‌ها را از دوربین من به CD منتقل کنید.

I need ...film for this camera.

من فیلم ...برای این دوربین می‌خواهم.

آی نید **...فیلم فُر دیس کَمِرا.**

...اِ پی اِس ...	...ای پی اِس ...	**... APS...**
...بی اَند دَبلیو ...	...بی اَند دَبلیو . . .	**... B & W...**
...رنگی ...	...کالِر ...	**... color...**

...اسلاید ... ...سْلاید ... ... slide...

...سرعت (۲۰۰) ... (تو هاندرِد) سْپید . . .. speed (200)....

I need a passport photo taken.

من نیاز به یک عکس برای گذرنامه دارم. آی نید اِ پَسْپُرت فُتُ تِیْکِنْ.

I need a memory card for this camera.

آی نید اِ مِمُری کارد فُر دیس کَمِرا.

من نیاز به یک کارت حافظه برای این دوربین دارم .

I need three prints for each negative.

برای هر نگاتیو سه عکس می‌خواهم. آی نید تری پْرِینْتْسْ فُر ایچ نِگاتیو.

How much do you charge for development?

هزینه ظهور عکس چقدر می‌شود؟ هَا ماچ دو یو چارج فُر دِوِلُپمِنْتْ؟

How long will it take?

چقدر طول می‌کشد؟ هَاو لانگ ویل ایت تِیک؟

I want this one enlarged.

می‌خواهم این عکس بزرگ شود. ی وانت دیس وان اِنلارْجْدْ.

Can you repair this camera?

آیا می‌توانید این دوربین را تعمیر کنید؟ کَنْ یو رِیپِیْرْ دیس کَمِرا؟

The film is jammed.

فیلم در آن گیر کرده است. دِ فیلم ایز جَمْدْ.

The flash doesn't work.

فلش کار نمی‌کند. دِ فْلَشْ دازِنت وُرک.

عدسی	لِنْزْ	**lens**
شاتِر	شاتِر	**shutter**
مسافت یاب	رنج فایندِر	**range finder**
محافظ / فیلتر عدسی	لِنْزْ کَپ / فیلتِر	**lens cap / filter**
موسیقی	می‌یوزیک	**music**
صفحه نوار	رِکُردز	**records**
کاست	کَسِتْزْ	**cassettes**

I'd like a blank tape / CD / DVD.

آید لایک اِ بْلَنک تِیپ / سی دی / دی وی دی.

من یک نوار / سی دی / دی وی دی خالی می‌خواهم.

I'm looking for something by Madona.

من دنبال چیزی از مَدونا هستم.

Do you have song named ...?

آیا آهنگ به اسم ...دارید؟ — دو یو هَو سانگ نِیْمْدْ ...

What's the latest album by Jackson?

آخرین آلبوم جکسون چیست؟ — واتس دِ لِیتِسْتْ اَلبُم بای جَکسون؟

Can I listen to the record?

می‌توانم به این نوار گوش دهم؟ — کَنْ آی لیسِنْ تو دِ رِکُرْد؟

tobacconist's	تُباکُنیسْتْسْ	**سیگار فروشی**
cigarette	سیگارِت	**سیگار**
cigar	سیگار	**سیگار بَرگ**
lighter	لایتِر	**فندک**
match	مَچ	**کبریت**
filter-tipped	فیلتر تیپْتْ	**فیلتردار**
mild	مایلْدْ	**ملایم**
strong	سْترونگ	**قوی**
cigarette holder	سیگارِت هُلْدِرْ	**چوب سیگار**
cigarette case	سیگارِت کِیْسْ	**قاب سیگار**

optician — اُپتیشِن — عینک ساز

Can you fix these?

آیا می‌توانید این را تعمیر کنید؟ — کَنْ یو فیکس دیز؟

I've broken my glasses.

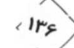
من عینک‌ام را شکسته‌ام. — آیو بروکِن مای گْلَسِسْ.

One of the lenses has been broken.

یکی از شیشه‌های آن شکسته شده است. — وان آو دِ لِنْزِزْ هَزبین بْروکِنْ.

Can you find their scores?

درجه آن را می‌توانید پیدا کنید؟ — کَنْ یو فایند دِ سْکُرز؟



I want contact lenses.

من لنز چشم می‌خواهم. آی وانت کانتَکت لِنزز.

The frame is broken.

فریم شکسته است. دِ فریم ایز بروکِنْ.

I'd like to buy a pair of sun glasses.

مایلم یک عینک آفتابی بخرم. آید لایک تو بای اِ پِیرْ آو سان گلَسِسْ.

I'd like to have my eyesight checked.

مایلم که بینایی‌ام چک شود. آید لایک تو هَو مای آی سایت چِکْتْ.

I'm short / long sighted.

من نزدیک بین / دوربین هستم. آیم شرت / لانگ سایتِد.

I use soft / hard lenses.

من لنز نرم / سخت استفاده می‌کنم. آی یوز سافت / هارد لِنْزِزْ.

Do you have any contact - lens fluid?

آیا مایع لنزهای چشمی را دارید؟ دو یو هَو اِنی کانتَکْتْ ـ لِنز فلوید؟

This is your new recipe.

این نسخه جدید شماست. دیس ایز یور نی‌یو رِسِپی.



بقالی

grocer's

گروسِر

بقالی

Where can I find some bread?

وِرْ کَنْ آی فایند سام برِد؟

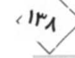
کجا می‌توانم مقداری نان پیدا کنم؟

I want some cheese.

آی وانت سام چیز.

مقداری پنیر می‌خواهم.

English	تلفظ	فارسی
butter	باتِر	**کره**
cake	کِیک	**کیک**
coffee	کافی	**قهوه**
tea	تی	**چای**
egg	اِگ	**تخم مرغ**
milk	میلک	**شیر**
salt	سالت	**نمک**
pepper	پِپِر	**فلفل**
jam	جَم	**مربا**
rolls	رُلْزْ	**نان ساندویچی**
ice – cream	آیس کریم	**بستنی**
yoghurt	یاگِرت	**ماست**
bottle opener	باتِل اُپِنِرْ	**دربازکن**
biscuits	بیسکُویتْسْ	**بیسکویت**
chicken	چیکِن	**جوجه، مرغ**
chocolate	چاکْلِیْت	**شوکولات**
fish	فیش	**ماهی**



flour	فِلَر	آرد
honey	هانی	عسل
margarine	مارجْرِین	مارگارین
marmalade	مارمالید	مارمالاد
olive oil	آلیو اُیل	روغن زیتون
orange juice	اُرَنج جویس	آب پرتقال
pasta	پَستا	ماکارونی
rice	رایس	برنج
sugar	شوگِر	شکر
vinegar	وینگِر	سرکه
lump sugar	لامپ شوگِر	قند حبه
a packet of tea	اِ پَکت آو تی.	یک بسته چای
half a pound of chicken	هاف اِ پاند آو چیکِن	نیم پوند جوجه
a jar of jam	اِ جار آو جَم	یک شیشه مربا
a litre of milk	اِ لیتِر آو میلک	یک لیتر شیر
a tube of mustard	اِ توب آو موستارد	یک لوله سس خردل
half a dozen eggs	هاف اِ دازِن اِگْز	نیم دو جین تخم مرغ

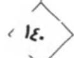
weighs and measures ویز اَند مِژِرز اوزان و مقادیر

در انگلستان و آمریکا اوزان و مقادیر به جای کیلوگرم بر حسب پاوند، اُنس و گالن است یک

an ounce	اَن اَنس	اُنس
an ounce = 28.25 gr		یک اُنس = ۲۸/۲۵ گرم
a pound	اِ پَانْد	یک پاوند
1b = a pound = 453.6 gr		یک پاوند = ٤٥٣/٦ گرم
a pint	اِ پاینت	یک پاینت
1b = a pint = 0.57 litre		یک پاینت = ۰/۵۷ لیتر
a gallon	اِ گَلُن	یک گالن
gallon = 3.7 litre 1		یک گالن = ۳/۷ لیتر
fruit	فْرُوت	میوه



apple	اَپل	سیب
apricot	اَپریکات	زردآلو
oubergine	آبرْجین	بادنجان
banana	بْنانا	موز
cabbage	کَبِجْ	کلم
carrot	کَرت	هویج
cauliflower	کُلی فلاوِر	گل کَلَم
cherries	چِریز	گیلاس
courgette	کُرژت	کدو
cucumber	کیوکَمْبِر	خیار
date	دِیت	خرما
fig	فیگ	انجیر
garlic	گارلیک	سیر
grape fruit	گِرِپ فروت	دارابی
grapes	گِرِیپس	انگور
green beans	گرین بینز	لوبیا سبز
lemon	لِمُن	لیمو
lettuce	لِتاس	کاهو
melon	مِلَن	خربزه
mushroom	ماشروم	قارچ
nectarine	نِکتارین	شلیل
onion	آنیون	پیاز
orange	اُرَنج	پرتقال، نارنج
peach	پیچ	هلو
pear	پیر	گلابی
pea	پی	نخود
pine apple	پاین اَپل	آناناس
plum	پلام	آلو
pomegranate	پامِگرانت	انار
potato	پُتیتُ	سیب زمینی



sourcherries	سُر چِری	آلبالو
spinach	سْپیناچ	اسفناج
strawberry	سْترابری	توت فرنگی
tomato	تُمیتُ	گوجه فرنگی
watermelon	واتِر مِلُن	هندوانه
disabled travelers	دیس ایبْلِدْ تراوِلِرز	مسافرین معلول

I have a disability.

من معلولیت دارم. — آی هَو اِ دیس اَبیلیتی.

I need assistance.

من به کمک نیاز دارم. — آی نید اَسیستِنس.

What services do you have for people with a disability?

چه خدماتی برای افراد با معلول دارید؟ — وات سرویسِزْ دو یو هَو فُر پیپل ویت اِ دیس اِبیلیتی؟

Are there disabled toilets?

آیا توالت‌های مخصوص افراد معلول را دارید؟ — آر دِر دیس اِیبْلِدْ تویلِتْسْ؟

Are there disabled parking spaces?

آر دِر دیس اِیبلْدْ پارکینگ اِسْپیْنْزْ؟

I?

آیا محل پارک برای افراد معلول دارید؟

there a wheelchair access

آیا دسترسی با ویلچر هم هست؟ — یز دِر اِ ویلچر اَکْسِسْ؟

How wide is the entrance?

عرض ورودی چقدر است؟ — ها واید ایز دِ اِنْترانس؟

I'm deaf.	آیم دِف.	من کر هستم.
I'm blind.	آیم بلایند.	من کور هستم.

I'm visually impaired.

من بینایی ضعیفی دارم. — آیم ویژُالی ایمپیْرْد.

Are guide dogs permitted?

آیا سگ راهنما پذیرفته می‌شود؟ — آر گاید داگز پِرمیتِد؟

How many steps are there?

چند تا پله آنجا هست؟ — ها مِنی سْتِپْنْ آر دِر؟

Is there a lift / elevator?

آیا آسانسور دارد؟ ایز دِر اِ لیفت / اِلویتُر؟

Are there rails in the bathroom?

آیا ریل در حمام وجود دارد؟ آر دِر ریْلز این دِ بَت روم؟

Could you call me a disabled taxi?

کود یو کال می اِ دیس ایْبِلْدْ تَکسی؟

ممکن است برای من یک تاکسی ویژه معلولین بگیرید؟

Could you help me cross the street safely?

ممکن است به من کمک کنید بی‌خطر از خیابان عبور کنم؟ کود یو هِلپ می کراس دِ ستریت سیْفلی؟

Is there somewhere I can sit down?

آیا جایی هست که بنشینم؟ ایز دِر سام‌وِر آی کَنْ سیت داون؟

guide dog سگ راهنما گاید داگ

ramp سطح شیب‌دار رَمْپْ

walking stick / frame

عصا / قاب پیاده روی واکینگ سْتیک / فْریم

travelling with children

مسافرت با کودکان تْراولینگ ویت چیلْدْرِنْ

Is there a... ? آیا ...وجود دارد؟ ایز دِر اِ ...؟

...baby change room?

...اتاق تعویض لباس بچه ...؟ ...بیبی چِنْجْ روم؟

...child discount?

...تخفیف برای بچه ... ...چایلد دیسکانت؟

...child – minding service?

...سرویس نگهداری بچه ... ...چایلد مایندینگ سرویس؟

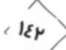
...children's menu?

...صورت غذای کودکان . . . ...چیلْدْرِنْزْ مِنی‌یو؟

crèche... ? ...مهد کودک . . .؟ ...کْرِش؟

family ticket...? ...بلیط خانوادگی ...؟ ...فَمیلی تیکِت؟

I need a / baby sitter / nanny.



من به یک پرستار بچه نیاز دارم.
آی نید اِ / بِیبی سیتِر / نَنی.

تختخواب بچه	کَت	cot
صندلی پایه بلند	های چیر	high chair
ملاقه پلاستیکی	پْلَسْتیک شیت	plastic sheet
کیسه پلاستیکی	پْلَسْتیک بَگ	plastic bag
لگن بچه	پَتِ	potty
کالسکه بچه	پْرَم	pram
چرخ کودک	پوش چیْرْ / سْتْرُلِر	pushchair / stroller
کیسه درون هواپیما (برای حالت تهوع مسافران)	سیک بَگ	sick bag

Where's the nearest park?

نزدیک‌ترین پارک کجاست؟
ورز دِ نی‌یِرست پارک؟

آبخوری	درینکینگ فانتین	drinking fountain
زمین بازی	پلِی گراند	playground
استخر شنا	سویمینگ پول	swimming pool
شیر آب	تَپ	tap
پارک موضوعی	تیم پارک	theme park
اسباب بازی فروشی	تُی شاپ	toy shop

Do you sell baby wipes?

آیا دستمال بچه می‌فروشید؟
دو یو سِل بِیبی وایپز؟

disposable diapers / nappies

پوشک‌های یکبار مصرف
دیسپُزِبِل دایپِرْز / نَپیز

مُسکّن بچه (نوزاد)	اینْفَنْتْ پین کیلِرْ	Infant painkiller
دستمال کاغذی	تی‌شی‌یوز	tissues

Is there space for a pram?

آیا جا برای کالسکه بچه وجود دارد؟
یز دِر سْپِیْس فُر اِ پْرَم.

Are children allowed?

آیا به بچه‌ها اجازه ورود می‌دهند؟
آر چیلْدْرِن اَلّد؟

Where can I change a nappy / diaper?

کجا می‌توانم پوشکی را عوض کنم؟
وِر کَنْ ای چنج اِ نَپی / دایپر؟

Do you mind if I breast – feed here?

دو یو مایند ایف آی بِرِسْتْ فید هی‌یِر؟

اشکالی ندارد اگر به بچه‌ام در اینجا شیر از پستانم بدهم؟

Is this suitable for (three) – year–old children?

ایز دیس سوتِبِل فُر (تْری) ـ یِر ـ اُلد چیلْدْرِن؟

آیا این مناسب بچه‌های (سه ساله) است؟

Do you know a dentist /doctor who is good with children?

دو یو نُ اِ دِنْتیست / داکتِر، هو ایز گود ویت چیلْدْرِن؟

آیا دکتر / دندانپزشکی می‌شناسید که با بچه‌ها خوب باشد؟

صحبت کردن با کودکان تاکینگ ویت چیلْدْرِن talking with children

What's your name? واتس یُر نیم؟ **اسم شما چیست؟**

How old are you?

هَا اُلد آر یو؟ **چند سال دارید؟**

When's your birthday?

وِنْزْ یور برث‌دِی؟ **کی متولد شدی؟**

Do you go to school / kindergarten?

دو یو گُ تو سْکول کیندِرگارتِن؟ **آیا به مدرسه/کودکستان می‌روید؟**

What grade are you in?

وات گْرید آر یو این؟ **کلاس چندم هستید؟**

Do you like sport?

دو یو لایک سْپُورت؟ **آیا ورزش را دوست داری؟**

What do you do after school?

وات دو یو دو اَفْتِر سْکول؟ **بعد از مدرسه چکار می‌کنی؟**

talking about children
تاکینگ اِبات چیلْدرِنْ
صحبت درباره کودکان

When's the baby due?
وِنْزْ دِ بیبی دی‌یو؟
بچه کی به دنیا می‌آید؟

What are you going to call the baby?
وات آر یو گوئینگ تو کال دِ بِیْبی؟
بچه را چه می‌خواهید بنامید؟

Is this your first child?
ایز دیس یور فِرْسْت چایلْدْ؟
آیا این اولین بچه شماست؟

Is it a boy or a girl?
ایز ایت اِ بُی اُر اِ گِرْل؟
آیا این دختر است یا پسر؟

What a beautiful child!
وات اِ بی‌یوتیفول چایلد!
چه بچه خوشگلی!

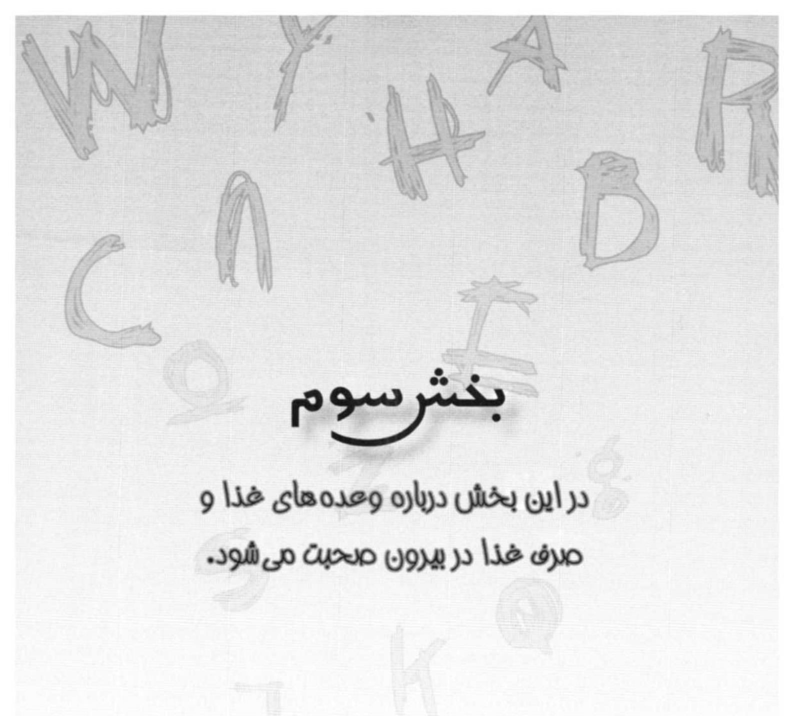
What's his / her name?
واتس هیز / هِر نِیم؟
اسم او چیست؟

How old is he / she?
ها اُلد ایز هی / شی؟
او چند سال دارد؟

Does he / she go to school?
داز هی / شی گُ تو سْکول؟
آیا او به مدرسه می‌رود؟

He has your eyes.
هی هَز یور آیز.
چشمای او شبیه توست.

She looks like you.
شی لوکس لایک یو.
او شبیه توست.



بخش سوم

در این بخش درباره وعده‌های غذا و
صرف غذا در بیرون صحبت می‌شود.

food – eating out | فود ـ ایتینگ اَوت | غذا ـ بیرون غذا خوردن

basic words		بیسیک وُردز
breakfast	بْرِک فِسْتْ	صبحانه
lunch	لانچ	ناهار
snack	سْنَک	لقمه، غذای کوچک
eat	ایت	خوردن
drink	دْرِینک	نوشیدن
I'm starving.	آیم ستاروینگ	دارم از گرسنگی می‌میرم

finding a place to eat
فایندینگ اِ پْلِیْس تو ایت | یافتن مکانی برای غذا خوردن

Can you recommend a good café?

کَنْ یو ریکامِنْتْ اِ گود کَف؟ | می‌توانید یک کافه خوب توصیه بکنید؟

bar	بار	بار
restaurant	رِسْترانت	رستوران
fast / ready food		
	فَست / رِدی فود	رستوران تند خوراک، فَست فود

Where would you go for a ...?

وِر وود یو گُ فُر اِ ...؟ | برای ...کجا می‌روید؟

cheap meal	چیپ میل	غذای ارزان
local specialties	لوکال سپشیالتیز	غذاهای مخصوص محلی

I'd like to reserve a table for (two) people (eight) o'clock.

می‌خواهم که یک میز برای (۲) نفر ساعت (هشت) رزرو کنم.

آیا **Are you still serving food?**

آر یو سْتیل سِروینگ فود؟ | هنوز غذا دارید؟

How long is the wait?

ها لانگ ایز دِ وِیت؟ | چقدر باید صبر کنیم؟

Enjoy your meal.	اِنْجُی یو گوا!	از غذایتان لذت ببرید.
Here you go!	هی‌یر یو گوا!	بفرمایید غذایتان را

How would you like that cooked?

چگونه این را می‌خواهید پخته شود؟ ها وود یو لایک دَت کوکت؟

What can I get for you?

چه چیزی می‌توانم برایتان بیاورم؟ وات کَنْ آی گِت فُر یو؟

I suggest this.

من این را توصیه / پیشنهاد می‌کنم. آی ساجِست دیس.

restaurant رِستِرانت **رستوران**

I'd like the menu.

children's menu چیلدرِنز مِنی‌یو **صورت غذای بچه‌ها**

drink list **فهرست نوشابه‌ها** دْرینک لیست

What would you recommend?

شما چه پیشنهاد می‌کنید؟ وات ووج یو ریکامِنْدْ؟

What's in that dish?

در آن غذا چیست؟ واتس این دَت دیش؟

What's that called?

آن را چه می‌نامند؟ واتس دَت کالد؟

I'll have that.

من آن را می‌خواهم. آیل هَو دَت.

Does it take long to prepare?

آماده کردن آن غذا طول می‌کشد؟ داز این تِیک لانگ تو پری‌پیر؟

Is it self – serve?

آیا سلف سرویس است؟ ایز ایت سِلف ـ سِرو؟

Is there a cover charge?

آیا شارژ ثابت (علاوه بر صورتحساب غذا و نوشیدنی) وجود دارد؟ ایز دِر اِ کاوِر چارج؟

Is service included in the bill?

آیا سرویس جزو صورتحساب است؟ ایز سِرویس اینکلودِد این دِ بیل؟

Are these complimentary?

آیا اینها مکمل غذا هستند؟ آر دیز کامپْلی مِنتاری؟

How much is that dish?



آن غذا چه قیمت است؟ ها ماچ ایز دَت دیش؟

I'd like it with / without pepper.

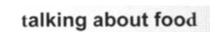
آید لایک ایت ویت / ویت اَوت پِپر.

من این غذا را با / بدون فلفل می‌خواهم.

black pepper	بْلَک پِپر	**فلفل سیاه**
cheese	چیز	**پنیر**
chilli	چیلی	**فلفل قرمز**
chilli sauce	چیلی ساس	**سس فلفل قرمز**
garlic	گارلیک	**سیر**
ketchup	کِچاپ	**کَچاپ**
nut	نات	**بادام**
oil	اُیل	**روغن**
salt	سالت	**نمک**
tomato sauce	تُمیتُ ساس	**سس گوجه فرنگی**
vinegar	وینِگِر	**سرکه**

at the table — اَت دِ تِیْبِل — پشت میز

Please bring the bill.	پْلیز بْرینگ دِ بیل	لطفاً صورتحساب را بیاورید
glass	گْلَس	**لیوان**
serviette	سِروی یِت	**دستمال**
cloth	کلوث	**رومیزی**
ashtray	اَشتری	**جاسیگاری**
spoon	سْپون	**قاشق**
plate	پْلیْت	**بشقاب**
knife	نایف	**چاقو**



talking about food — تاکینگ اِبات فود — صحبت درباره غذا

I love this dish. آی لاو دیس دیش. **من این خوراک را دوست دارم.**

I love the local cuisine.

من این آشپزی (دستپخت) محلی را دوست دارم. آی لاو د لُکال کُزین.

That was delicious.	دَت واز دِلیشِزْ.	**این خوشمزه بود.**
I'm full.	آیم فول	**من سیرم**
appetiser	اَپتایزر	**اشتهاآور**
soup	سوپ	**آش، سوپ**
entrée	آنترا	**پیش غذا**
salad	سَلِد	**سالاد**
main course	مِین کُرس	**غذای اصلی**
dessert	دیزِرت	**دسر**
side dish	ساید دیش	**غذای مکمل**
ice cream	آیس کریم	**بستنی**
soft drinks	سافت درینکس	**نوشابه‌های غیر الکلی**
spirit	سْپِریت	**مشروب الکلی قوی**
beer	بیر	**آبجو**
wine	واین	**شراب**

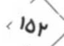
This food is burnt.

دیس فود ایز بِرْنْت **این غذا سوخته است.**

cold	کُلد	**سرد**
spicy	اِسْپایسی	**تند، پرادویه**
spoiled	سْپُیلْدْ	**فاسد شده**
stale	سْتِیل	**بیات**
superb	سوپِرب	**عالی**
undercooked	آندِر کوکت	**نپخته**

methods of preparation مِتُدز آو پری‌پِرِیشِن روش‌های تهیه غذا

I'd like it...	آید لایک ایت ...	**مایلم که غذا ...**
...boiled	بُیلد	**...در آب جوش پخته شده باشد.**
...broiled	بْرُیلْد	**کباب شده باشد.**
...fried	فراید	**سرخ شده باشد.**



...grilled گریِلْدْ ...کباب منقلی شده باشد.
...mashed مَشْت. ...خمیر و مخلوط شده باشد.

I don't want it ...
آی دُنت وانت ایت ... نمی‌خواهم غذا ...

...medium میدیوم. ...نیم‌پز باشد.
...rare ریر ...نیم خام باشد.
...reheated ری‌هی‌تِت ...دوباره گرم شده باشد.
...steamed سْتیمد. ...بخارپز شده باشد.
...well – done وِل ـ دان. ...خیلی پخته باشد.
dressing درِسینگ سس سالاد
non-alcoholic drinks نان اَلکُهُلیک درینکس نوشابه‌های غیر الکلی
tea تی چای
a cup / glass of tea اِ کاپ / گْلَس آو تی یک فنجان / لیوان چای
coffee کافی قهوه
a cup of coffee اِ کاپ آو کافی یک فنجان قهوه
with milk ویت میلک با شیر
with a little / some sugar ویت اِ لیتِل / سام شوگر با کمی / مقداری شکر
without sugar ویت آوت شوگِر بدون شکر
black coffee بلَک کافی قهوه غلیظ

decaffeinated / iced / strong / white coffee
دی کافِئینیتد / آیسد / سترونگ وایت کاف
قهوه بدون کافئین / با یخ / قوی / رقیق

cold drinks کُلد درینکس نوشابه‌های سرد
orange juice اُرَنج جویس آب پرتقال
mineral water مینِرال واتِر آب معدنی
a bottle of coke اِ باتِل آو کُک یک بطری کوکاکولا
a can of apple juice اِ کَنْ آو اَپل جویس یک قوطی آب سیب

در بار — این دِ بار — in the bar

از همین لطفاً.متشکرم. سیم اِگِن، پلیز Same again, please
بدون یخ، متشکرم. نُ آیس تنکس No ice,thanks.
من برایتان نوشابه می‌خرم. آیل بای یو اِ درینک. I'll buy you a drink.
چی دوست داری؟ وات وود یو لایک؟ What would you like?
من الکل نمی‌نوشم. I don't drink alcohol.
نوبت من است. [که نوشابه بخرم یا حساب کنم]. It is my round.
ایت ایز مای راند
Do you serve meals here?
آیا در اینجا خوراک سِرو می‌کنید؟ دو یو سِرو میلز هی‌یِر؟
The drinks are on me.
نوشابه‌ها به حساب من است. دِ درینکس آر اُن می.
This is hitting the spot.
این یکی خیلی مؤثر بود. دیس ایز هیتینگ دِ اسپات.
I feel fantastic!
خیلی احساس سرخوشی می‌کنم. آی فیل فَنْتَستیک.
I think I've had one too many.
من فکر می‌کنم که زیادی خورده‌ام. آی تینک آیو هَد وان تو مِنی.
I think you've had enough.
فکر می‌کنم به اندازه کافی خوردی. آی تینک یوو هَد ایناف.
آخرین سفارش لَست اُردر last order
احساس مستی می‌کنم. آیم فیلینگ درانک I'm feeling drunk.
من خیلی خرابم. آیم پیست I'm pissed.
حالم بد شده. آی فیل ایل. I feel ill.
دستشویی کجاست؟ ورز دِ تُیلت؟ Where's the toilet ?
I'm tired, I'd better go home.
من خسته‌ام، بهتر است به خانه بروم. آیم تایِرْد، آید بِتِر گُ هُم.
Can you call a taxi for me?
می‌توانی یک تاکسی برای من صدا کنی؟ کَن یو کال اِ تَکْسی فُر می؟

I don't think you should drive.

فکر نمی‌کنم که تو باید رانندگی کنی.

food stuff	فود اِسْتَف	انواع غذا
cooked	کوکت	پخته
cured	کیورد	نمک زده
dried	دراید	خشک شده
fresh	فْرِش	تازه
frozen	فْرُزِن	یخ زده
raw	راو	خام
smoked	سْمُکت	دودی
cooking utensils	کوکینگ یوتِنسیلز	وسایل آشپزی

Could I please borrow a chopping board?

کود آی پلیز بَرو اِ چاپینگ بُرد؟

ممکن است یک تخته خرد کن به من قرض دهید؟

frying pan	فِرایینگ پَن	ماهی‌تابه
saucepan	ساس‌پَن	قابلمه

Vegetarian and special meals.
گیاه‌خواران و غذاهای ویژه
وِجِترِیَن اَند سپِشیال میلز

ordering food	اُردِرینگ فود	سفارش غذا

Do you have halal / vegetarian / kosher food?

دو یو هَو هَلال / وِجِترِیَن / کوشِر فود؟

آیا غذای حلال / گیاهی / کوشر [حلال مذهب یهود] دارید؟

Is it cooked with butter / pork / redmeat?

ایز ایت کوکت ویت باتِر / پُرک / رِدمیت؟

آیا این غذا با کره / گوشت خوک / گوشت قرمز پخته شده است؟

I can't eat pork.

من نمی‌توانم گوشت خوک بخورم.

Do you have any dishes without meat?

دو یو هَو اِنی دیشِز ویت اَوت میت؟

آیا غذایی بدون گوشت دارید؟

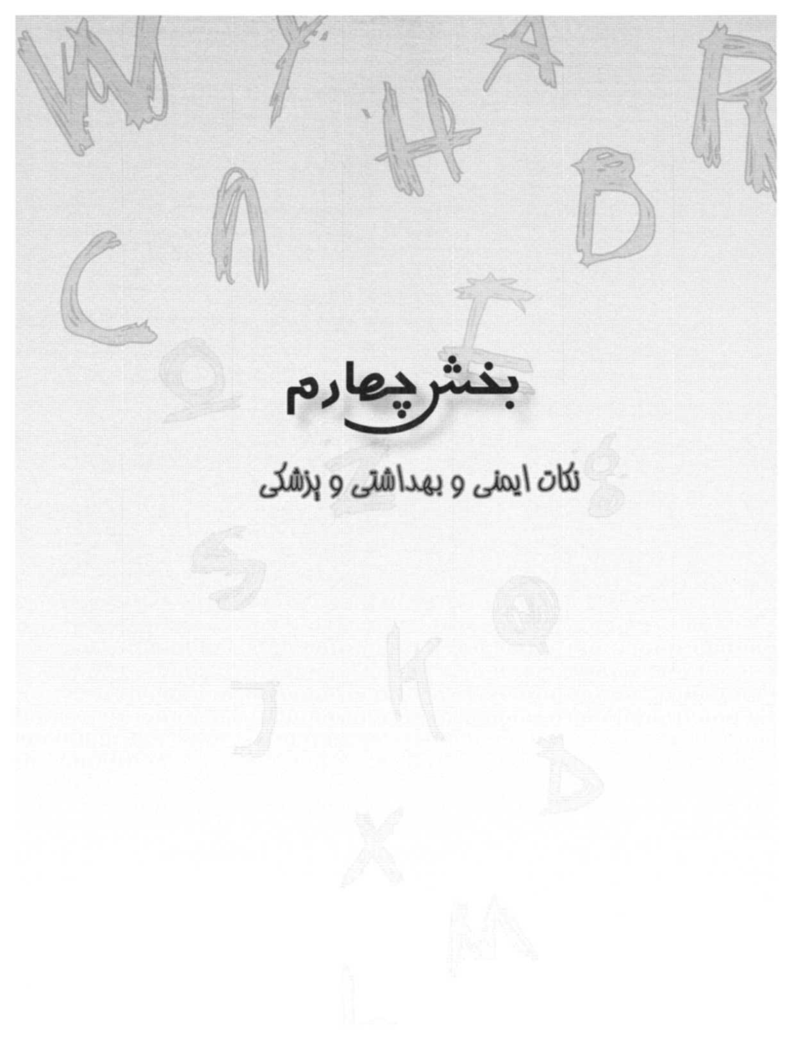
English	تلفظ	معنی
Is this...?	ایز دیس . . .؟	آیا این غذا . . .؟
...de caffeinated?	...دی کافِئینیتِد؟	**...بدون کافئین**
...free of animal produce?	؟. . فری آو اَنیمال پُردی‌یوس	**...بدون محصولات حیوانی است؟**
...gluten – free?	...گلوتن فری؟	**...بدون گلوتن است؟**
...low in sugar?	**...لا این شوگِر**	**...با شکر کم است؟**
...organic?	...اُرگانیک؟	**...آلی است؟**
...salt – free?	**...سالت فری؟**	**...بدون نمک است؟**

Special diets & allergies

سْپِشیال دایِتْس اَند آلِرجیز

رژیم‌های ویژه و حساسیت‌ها

English	تلفظ	معنی
I'm a vegan.	آیم اِ وِگان.	**من گیاه‌خوار هستم.**
Buddhist	بودیست	**بودایی**
Hindu	هیندو	**هندو**
Jewish	جوویش	**یهودی**
Muslim	مازلیم	**مسلمان**
vegetarian	وِجِتِری‌ین	**گیاه‌خوار**
I'm allergic to dairy produce.	آیم آلِرجیک تو دایِری پُردی‌یوس.	**من به محصولات لبنی حساسیت دارم.**
I can't stand seafood.	آی کنت سْتَند سی فود.	**غذاهای دریایی را نمی‌توانم تحمل کنم.**



بخش چهارم

نکات ایمنی و بهداشتی و پزشکی

English	تلفظ	معنی
safe travel	سِیف تراوِل	سفر امن
emergencies	اِمِرْجِنْسیز	مواقع/موارد اضطراری
help!	هِلْپْ	کمک
Stop!	سْتاپ!	بایست
go away!	گُ اِوِی	دور شو، مزاحم نشو
thief!	تیف	دزد
fire!	فایِر	آتش
watch out!	واچ اَوت	مواظب باش.
Call the police.	کال دِ پلیس	پلیس را خبر کن.
Call a doctor.	کال اِ داکتِر	دکتر را خبر کن.
Call an ambulance.	اَمبیولانس	آمبولانس خبر کن کال اَن
It's an emergency.	ایتز اَن اِمِرْجِنْسی	وضع اضطراری است.
There's been an accident.	. دِرز بین اَن اَکسیدِنْتْ	تصادفی اتفاق افتاده است
Could you please help?	کوج یو پلیز هِلْپْ؟	ممکن است لطفاً کمک کنید؟
Can I use your phone?	کن آی یوز یور فُن؟	می‌توانم از تلفن شما استفاده کنم؟
emergency department	اِمِرجنسی دیپارتمِنْتْ	بخش اورژانس
hospital	هاسپیتال	بیمارستان
police	پلیس	پُلیس
police station	پلیس سْتِیْشِن	پاسگاه پلیس
I'm lost.	آیم لاست	من گم شده‌ام.
Where are the toilets / rest rooms?	ور آر دِ تُیلِتْسْ / رِست رومز؟	توالت‌ها کجا هستند؟
Is it safe at night / for travellers?	ایز ایت سِیف اَت نایت / فُر تراوِلِرزْ؟	آیا برای مسافران / در شب امن هست؟
Is it safe for women / on your own?	ایز ایت سِیف فُر ویمِن / اُن یور اُون؟	آیا برای زنان / تنها بودن ایمن هست؟

police — پلیس — پلیس

Where's the police station?

پاسگاه پلیس کجاست؟ ورز دِ پلیس سْتیشِن؟

Please telephone / call the tourist police.

لطفاً به پلیس جهانگردی تلفن بزنید. پلیز تِلِفُن / کال دِ توریست پلیس.

I want to report an offence.

می‌خواهم یک تخلف را گزارش کنم. آی وانت تو ریپُرت اَن اِفنسْ.

I've been assaulted / robbed / raped.

به من حمله شد / دزد زد / تجاوز شد. آیو بین اَسالتِد / رابد / ریپْتْ.

He / She has been assaulted.

به او حمله شد. هی / شی هَز بین اَسالتید.

He tried to rob / rape / assult me.

هی ترایِد تو راب / ریپ / اَسالت می.

او تلاش کرد که مرا / به من سرقت کند / تجاوز کند / حمله کند.

I'v lost my wallet.

من کیفم را گم کرده‌ام. آیو لاست مای والِت.

My passport was stolen.

پاسپورتم را دزدیدند. مای پَسپُرت واز استولِن.

backpack	بَک پَک	**کوله پشتی**
bags	بَگز	**کیف‌ها**
handbag	هَند بَگ	**کیف دستی**
jewellery	جیووِلری	**جواهرات**
money	مانی	**پول**
papers	پِیپِرز	**اوراق، اسناد**
traveler's cheques	تراوِلِرز چکز	**چک‌های مسافرتی**

I've been drugged. آیو بین دِراگْد. **مرا مسموم کردند (دارو دادند)**

She's been drugged.

او را مسموم کرده‌اند (به او دارو داده‌اند) شیز بین دِراگْد

It was him. ایت واز هیم **خودش بود.**

I have insurance. آی هَو اینشورنْس. من بیمه دارم.

What am I accused of?

وات اَم آی اَکیوزْدْ آو؟ اتهام من چیست؟

I didn't do it.

آی دیدِنت دو ایت. من آن را انجام ندادم.

I didn't realize I was doing something wrong.

آی دیدِنت ری‌ئلایز آی واز دویینگ سامتینگ رانگ.

نمی‌دانستم که دارم کار اشتباهی انجام می‌دهم.

You're charged with theft.

یور چارْجْدْ ویت تِفْتْ. شما متهم به دزدی هستید.

assault اَسالت حمله

overstayinga visa اُوِراستِینگ اِ ویزا استفاده بیش از مدت از ویزا

not having a visa نات هَوینگ اِ ویزا نداشتن ویزا

You're under arrest for possession of drugs.

شما به خاطر داشتن مواد مخدر بازداشت هستید.

یور آندِر اَرِسْتْ فُر پُسِشِن آو دراگز.

It's a speeding fine. این جریمه سرعت است.

It's a parking fine. این جریمه پارک ممنوع است.

I want to contact my embassy.

آی وانت تو کانتَکْتْ مای اِمباسی. می‌خواهم با سفارتم تماس بگیرم.

Can I make a phone call?

کَنْ آی مِیک اِ فُن کال. می‌توانم یک تلفن بکنم؟

Can I have a lawyer (who speaks English)?

کَنْ آی هَو اِ لُیر (هو سپیکز اینگلیش).

می‌توانم یک وکیل داشته باشم (که انگلیسی صحبت کند)؟

Can I pay an on – the – spot fine?

کَنْ آی پِی اَنْ اُنْ ـ دِ ـ سپات فاین؟ می‌توانم جریمه را همین جا بپردازم؟

I have a prescription for this drug.

آی هَو اِ پرسکریپشِن فُر دیس دراگ. من برای این دارو نسخه دارم.

health هِلث بهداشت

پزشک　　داکتر　　doctor

Where's the nearest ...?

نزدیک ترین ...کجاست؟　　وِرزْ دِ نی یِرِست . . .؟

...dentist?　　...دندانپزشک ...؟　　...دِنْتِست؟

...hostpital?　　...بیمارستان ...؟　　...هاسپیتال؟

...emergency department?

...بخش اورژانس...　　اِمِرجِنسی دیپارتمانْتْ؟

...medical center?　　...مرکز درمانی ...؟　　...مِدیکال سِنْتِر؟

...optometrist?　　...اپتومتریست ...؟　　...اُپتُمتریست؟

...pharmecist?　　...داروخانه ...؟　　...فارمسیست؟

I need a doctor.　　من به دکتر نیاز دارم.　　آی نید اِ داکتِر.

I've run out of my medication.

داروهایم تمام شده است.　　آیو ران اَوت آو مای مِدیکیْشِن

This is my usual medication.

این داروهای معمول من است.　　دیس ایز مای یوژوال مِدیکیشن.

My prescription is ...

نسخه من این... است.　　مای پْرِسْکریپشِن ایز ....

What's the dosage?

دُز دارو چقدر است؟　　واتس دِ دوزیج؟

Can I have a receipt for my insurance?

کَنْ آی هَو اِ رِسیت فُر مای اینشورنْسْ؟

می‌توانم رسیدی برای بیمه خودم بگیرم؟

I don't want a blood transfusion.

من انتقال خون نمی‌خواهم.　　آی دُنت وانت اِ بلاد تَرَنسفیوژِن.

I have my own syringe.

من سرنگ خودم را دارم.　　آی هَو مای اُن سِرینج.

I've been vaccinated against tetanus / typhoid.

آیو بین وَکسینیْتِد اِگِیْنْست تِتانوس / تایفوئید.

من بر علیه کزاز / تیفوئید واکسینه شده‌ام.

I need new glasses.

آی نید نیو گِلَسِسْ. من به عینک جدید احتیاج دارم.

I'm sick. آیم سیک من بیمار هستم.

My friend / wife is (very) sick.

دوست / همسر من (بسیار) بیمار است.

She is having an allergic reaction / asthma attack.

شی ایز هَوینگ اَن اَلِرجیک ری‌اَکشِن / اَسما اَتَک

او دچار یک واکنش حساسیتی / حمله آسمی شده است.

I've been bitten by an animal.

آیو بین بیتِن بای اَن اَنیمال. حیوانی مرا گاز گرفته است.

She has been injured / vomiting.

شی هَز بین اینجورد / وُمیتینگ.

او جراحت دیده است / استفراغ کرده است.

I've got a headache. آ یو گات اِ هِدِک. من سردرد دارم.

What's the problem? واتس دِ پرابلِم؟ مشکلت چیست؟

Where does it hurt? وِر داز ایت هِرت؟ کجات درد می‌کند؟

Do you have a temperature?

دو یو هَو اِ تِم‌پری‌چِر؟ آیا تب داری؟

Have you had this before? این مشکل را قبلاً هم داشته‌اید؟

هَو یو هَد دیس بیفُر؟

Do you take drugs? دو یو تِیک دراگز؟ آیا دارو مصرف می‌کنی؟

Do you smoke ? دو یو سْمُک؟ آیا سیگار می‌کشید؟

Are you allergic to anything?

آر یو اَلِرجیک تو رانی تینگ؟ آیا به چیزی حساسیت داری؟

Are you on medication?

آر یو اُن مِدیکِیْشِن؟ آیا دارو مصرف می‌کنی؟

How long have you been travelling?

ها لانگ هو یو بین تراولینگ فُر؟ چه مدتی است دارید مسافرت می‌کنید؟

You should return home for treatment.

یو شود ریتِرن هُم فُر تریت‌مِنْتْ. برای درمان باید به خانه برگردید.

You should have it checked when you go home.
یو شود هَو ایت چِکتْ وِن یو گُ هُم.
وقتی به خانه (وطن) برگشتید، باید آن را چک کنید.

You need to be admitted to hospital.
باید در بیمارستان بستری شوید. یو نید تو بی اَدمیتِدْ تو هاسپیتال.

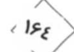
I feel... آي فيل ... احساس ...می‌کنم.
...anxious اَنْکْشِشْ ...اضطراب ...
...depressed دیپرِسد ...افسردگی ...
...dizzy دیزی ...سرگیجه ...
I feel week. آی فیل ویک. احساس ضعف می‌کنم.

She feels better / worse.
شی فیلز بِتِر / وُرس. او بهتر / بدتر شده است.

He feels هی فیلز ... او احساس ...
...hot and cold ...هات اَند کُلد ...سرما و گرما می‌کند.
...strange ...عجیبی می‌کند. اِسْتْرَنْجْ
...shivery شیوِری ...لرز می‌کند
...nauseous نازیوس ...تهوع می‌کند
it hurts here. ایت هِرْتْسْ هی‌یر اینجا درد می‌کند.
I'm dehydrated. آیم دی هاید رِیْتِد. من احساس خشکی می‌کنم.
I can't sleep. آی کَنْتْ سْلیپ. من نمی‌توانم بخوابم.

I think it's the medication I'm on.
آی تینک ایتس دِ مِدیکِیْشِن آیم اُن.
فکر می‌کنم که این دارو را مصرف می‌کنم.

او
... She has شی هَز ... مبتلا به ...است.
...asthma ...اَسم ...آسم
...cold ...کُلدَ ...سرماخوردگی
...constipation ...کانستیپیْشِن ...یبوست . . .
...cough ...کاف . . .سرفه ...
...diabetes ...دایابیتِسْ ...دیابت ...
...diarrhea ...دایِری یا ...اسهال . . .



...fever	...فیور	...تب ...
...headache	هدک	...سردرد
...migraine	مایگرن	...میگرن ...
...pain	...پین	...درد . . .
...sore throat	...سُر ترُت	...گلو درد ...
...sunburn	...سان برن	...آفتاب سوختگی ...
...intestinal worms	. . .اینتِستینال وُرمز	...انگل روده‌ای ...

I've recently had dysentery / malaria.

من اخیراً اسهال خونی / مالاریا داشته‌ام.

women's health ویمِنز هلث بهداشت زنان

I think I'm pregnant.

آی تینک آیم پریگنَنت

فکر می‌کنم که حامله هستم.

I'm on pill. آیم اُن پیل. **من قرص (ضد حاملگی) می‌خورم.**

I haven't had my period for (six) week.

آی هَونت هَد پیری‌یود فُر (سیکس) ویک.

من (شش) هفته است پریود نشده‌ام.

I've noticed a lump here.

آیو نُتیست اِ لامپ هی‌یِر.

در اینجا احساس می‌کنم آماسی به وجود آمده است.

Do you have something for period pain?

دو یو هَو سام تینگ فر پیری‌یود پین؟ **آیا دارویی برای درد قاعدگی دارید؟**

Are you using contraceptives?

آر یو یوزینگ کانتراسِپتیوز؟ **آیا قرص ضد حاملگی مصرف می‌کنید؟**

Are you menstruating? آر یو مِنْستوریتینگ؟ **آیا قاعده می‌شوید؟**

When did you last have your period?

وِن دید یو لَست هَو یور پیری‌یود؟ **آخرین بار چه زمانی قاعده شدید؟**

Are you pregnant? آر یو پرگنَنت؟ **آیا حامله هستید؟**

You're pregnant. یور پرگنَنت. **شما حامله هستید.**



I have a urinary tract infection.

من عفونت مجاری ادراری دارم. آی هَو اِ یورنیری ترکت اینفکْشِن.

من به ...نیاز دارم. آی نید ... **I need...**

...تست حاملگی ... اِ پرگننْسی تِست **...a pregnancy test**

... قرص ضد حاملگی... **...contraception pills**

حساسیت‌ها اَلرجیز **...allergies**

من به ...حساسیت دارم. آیم اَلرجیک تو ... **I'm allergic to...**

...آنتی‌بیوتیک‌ها ... آنتای بایوتیکس **...antibiotics**

...آسپرین ... اَسپیرین **...aspirin**

...ضد آماس‌ها ... آنْتای این فلاماتوریز **...anti – inflammatories**

پنی سیلین پنی سیلین **...penicillin**

گرده گل پُلن **...pollen**

...sulphur – based drugs.

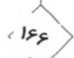
داروهای سولفوردار سولفِر ـ بیْست دراگز

I have a skin allergy.

من حساسیت پوستی دارم. آی هَو اِ اِسکین اَلرجی.

اعضاء بدن — پارتس آو دِ بادی — parts of the body

English	تلفظ	فارسی
ear		ایر
eye	آی	**چشم**
nose	نُز	**بینی**
mouth	مات	**دهان**
head	هِد	**سر**
arm	آرم	**دست(از سرشانه‌ها تا مچ)**
hand	هَند	**دست(از مچ به پایین)**
chest	چست	**سینه**
stomach	اَسْتُمَک	**شکم**
bum	بام	**نشیمن‌گاه**



leg	لِگ	پا (از ران مچ)
thigh	تای	ران
foot	فوت	پا (از مچ به پایین)
My leg hurts.	مای لیگ هِرْتْس.	پایم درد می‌کند.

I can't move my hand.

آی کَنت موو مای هَنْدْ. — دستم را نمی‌توانم تکان بدهم

I have a cramp in my thigh

آی هَو اِ کرامپ این مای تای. — ران من گرفته است.

My nose is swollen. مای نُز ایز سْــوِلِنْ. — بینی‌ام ورم کرده است.

pharmacist فارمِسیست داروساز، داروفروش

I have a prescription.

آی هَو اِ پرسکریپشِن. — من یک نسخه دارم.

I need something for a headache.

آی نیدسامتینگ فُر اِهِدِک.

من چیزی برای سر درد نیاز دارم.

How many times a day will it make me drowsy?

ها مِنی تایمز اِ دِی ویل ایت مِیک می دِرازی؟

چند بار در روز این دارو مرا خواب آلوده می‌کند؟

Do I need a prescription for antiseptic?

دو آی نید اِ پرسکریپشِن فُر آنتی سِپتیک؟

آیا برای ضدعفونی نیاز به نسخه دارم؟

gut blockers	گات بلاکِرْزْ	ضد یبوست
pain killer	پِین کیلِرْ	ضد درد
thermometer	تِرمامیتِر	دماسنج طبی

Have you taken this before?

هَو یو تِیکِن دیس بیفُر — این را قبلاً خورده‌اید؟

Twice / three times a day before / with food.

تُوایس / تری تایمز اِ دِی بی‌فُر / ویت فُود.



دوبار/ سه باردر روز قبل از / به همراه غذا.

You must complete the course. باید دوره درمان را کامل کنید.

یو ماست کامپلیت دِ کُرس.

dentist دِنتیست دندانپزشک

I have a broken tooth.

دندانم شکسته است. آی هَو اِ برُکِن توت.

I have a toothache. **دندانم درد می‌کند.** آی هَو اِ توت اِک.

I have a cavity. **دندانم کرم خورده است.** آی هَو اِ کَویتی.

I've lost a filling. **دندانم خالی شده است.** آیو لاست اِ فیلینگ.

My gums hurt. **لثه‌ام درد می‌کند.** مای گامز هِرت.

I don't want it extracted. **نمی‌خواهم دندانم را بکشید.**

آی دُنت وانت ایت اِکْستْرَکْتِد.

I need a filling. **باید دندانم پُر شود.** آی نید اِ فیلینگ

This won't hurt a bit.

این کار کوچکترین دردی ندارد. دیس وُنت هِرت اِ بیت

Open wide. **دهانت را باز کن** اُپن واید

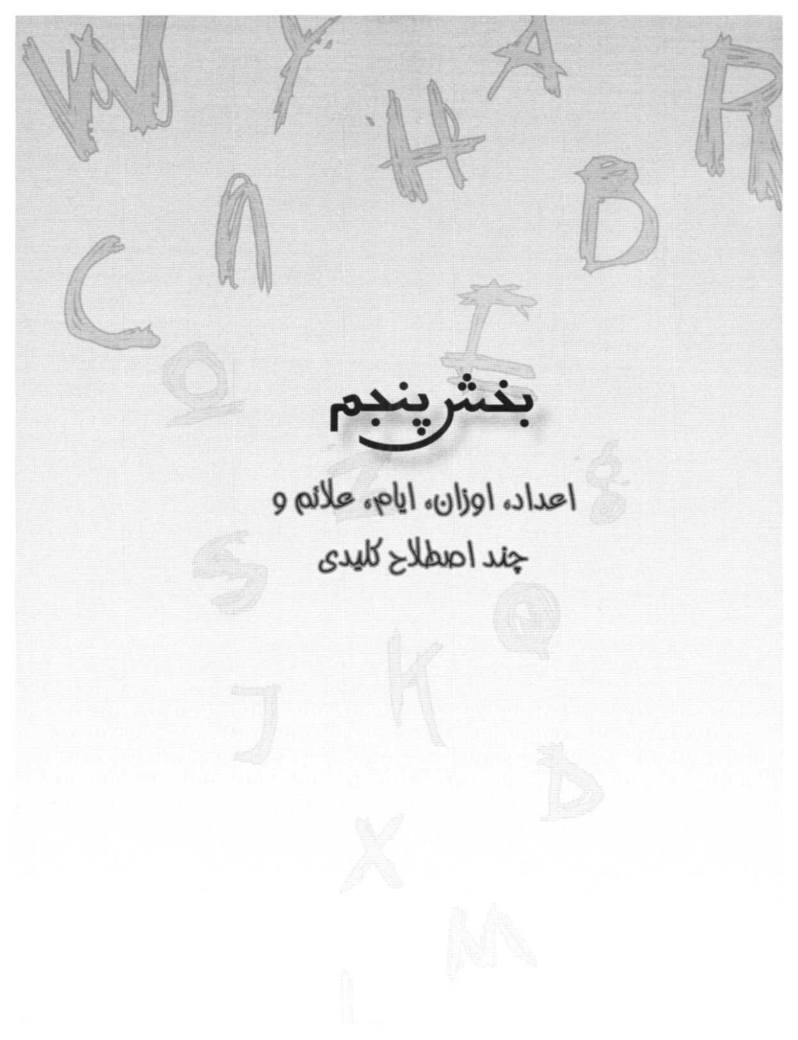
Don't move. **حرکت نکن** دُنت موو

Bite down on this. **این را گاز بزن** بایت دان اُن دیس.

Rinse! **بشورا!** رینزا!

Come back, I haven't finished.

برگرد، کارم تمام نشده است.



بخش پنجم

اعداد، اوزان، ایام، علائم و چند اصطلاح کلیدی

reference	رِفْرِنس	کتاب مرجع، مراجعه، اشاره

Measurements and quantities
مژرمِنتْز اَند کوانتیتیز
اوزان و مقادیر

kilogram	کیلوگْرَم	کیلوگرم
pound	پَاوند	پوند (۴۵۳ گرم)
imperial gallon	ایمپریال گَلِن	گالن امپریال (۴/۵۵ لیتر)
U.S. gallon	یو اِس گَلِن	گالن آمریکایی (۳/۷ لیتر)
ounce	اُنس	اونس (۳۸/۳۵ گرم)
quart	کُرت	کرت ۱/۱۳ لیتر (یک چهارم گالن)
litre	لیتِر	لیتر
half a litre of	هاف لیتِر آو	نیم لیتر از ...
two litres of	تو لیترز آو	دو لیتر از ...
a bottle of	ا باتِل آو	یک بطری از ...
a glass of	ا گلَسْ آو	یک لیوان از ...
100grams of	وان هانْدِرِدْ گِرَمْزْ آو ...	یک صد گرم از
one kilo of	وان کیلو آو	یک کیلو از
a box / tin of	ا باکس / تین آو	یک جعبه / قوطی از
a packet of	ا پَکِتْ	یک بسته از

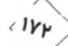
numbers نامبِرْز اعداد

zero	زیرو	صفر
one	وان	یک
two	تو	دو
three	تری	سه
four	فور	چهار
five	فایو	پنج
six	سیکس	شش
seven	سِوِن	هفت
eight	اِیت	هشت

nine	ناین	نه
ten	تِن	ده
eleven	ایلِون	یازده
twelve	تولْوْ	دوازده
thirteen	ترْتین	سیزده
fourteen	فورتین	چهارده
fifteen	فیفتین	پانزده
sixteen	سیکستین	شانزده
seventeen	سِوِن تین	هفده
eighteen	اِیتین	هیجده
nineteen	ناین تین	نوزده
twenty	تون‌تی	بیست
twenty one	تون‌تی وان	بیست و یک
twenty two	تون‌تی تو	بیست و دو
thirty	تِرتی	سی
forty	فُرتی	چهل
fifty	فیفتی	پنجاه
sixty	سیکستی	شصت
seventy	سِوِن تی	هفتاد
eighty	اِیتی	هشتاد
ninety	ناین تی	نود
one hundred	وان هاندرد	یکصد
two hundred	تو هانْدْرِدْ	دویست
one hundred and sixty nine	وان هانْدرِد اَند سیکستی ناین	یکصد و شصت و نه

ordinal numbers — اُردینال نامْبِرْزْ — اعداد ترتیبی

first	فِرست	اول، اولین
second	سِکِنْدْ	دوم، دومین



third	تِرد	**سوم، سومین**
fourth	فُرت	**چهارم، چهارمین**
fifth	فیفت	**پنجم، پنجمین**
sixth	سیکست	**ششم، ششمین**
seventh	سِونت	**هفتم، هفتمین**
eighth	اِیت	**هشتم، هشتمین**
ninth	ناینت	**نهم، نهمین**
tenth	تِنْث	**دهم، دهمین**

days&months	دِیز اَند مانتس	**روزها و ماه‌ها**
Saturday	سَتردِی	**شنبه**
Sunday	سان دِی	**یکشنبه**
Monday	مان دِی	**دوشنبه**
Tuesday	تیوزدِی	**سه شنبه**
Wednesday	ونْزدِی	**چهارشنبه**
Thursday	ترزدی	**پنجشنبه**
Friday	فرایدِی	**جمعه**
What day is today?	وات دی ایز تو دِی؟	**امروز چه روزی است؟**
weekday	ویک دِی	**روز وسط هفته (کاری)**
weekend	ویک اِند	**آخر هفته**
January	جَنی وِری	**ژانویه**
February	فِبْری ری	**فوریه**
March	مارچ	**مارس**
April	اِپریل	**آوریل**
May	مِی	**مه**
June	جون	**ژوئن**
July	جولای	**ژوئیه**
August	آگِست	**اوت**
September	سِپْتِمْبِرْ	**سپتامبر**

October	آکتُبِرْ	اکتبر
November	نُومْبِر	نوامبر
December	دیسِمْبِر	دسامبر

season	سیزِن	فصل
spring	سْپْرِینگ	بهار
summer	سامِر	تابستان
autumn(fall)	آتم (فال)	پاییز
winter	وینتِر	زمستان

year	یِر	سال
leap year	لیپ یِر	سال کبیسه
decade	دی کِید	دهه
century	سِنْچُری	قرن

time	تایم	زمان
in the morning	این دِ مُرنینگ	در صبح
at noon	اَت نون	در ظهر
in the afternoon	این دِ اَفتِرنون	در بعد از ظهر
in the evening	ایندِ ایوینینگ	در غروب
at night	اَت نایت	در شب
midnight	مید نایت	نیمه شب (ساعت ۱۲ شب)
o'clock	اُکلاک	ساعت
What time is it?	وات تایم ایز ایت؟	ساعت چند است؟
It is seven o'clock	ایت ایز سِوِن اُکلاک.	ساعت هفت است.
half past three	هاف پَست تری	سه و نیم
a quarter to five	اِ کُرتِر تو فایو	یک ربع به پنج

a quarter past six	اِ کُرتر پَست سیکس	شش و ربع
five minutes to nine	فایو مینِتْسْ تو ناین	پنج دقیقه به نُه
ten minutes past eleven	تِن مینِتس پَست ایلِوِن	یازده و ده دقیقه
It's eleven ten.	ایتز ایلِوِن تِن.	ساعت یازده و ده دقیقه است.
one hour	وان آور	یک ساعت
five minutes	فایو مینِتْزْ	پنج دقیقه
twenty seconds	تْونتی سِکِنْدْز	بیست ثانیه
a.m.(morning)	اِ اِم (مُرنینگ)	قبل از ظهر
p.m. (afternoon)	پی اِم (اَفتِرنون)	بعد از ظهر
When's your birthday?	وِنْزْ یور برت دِی؟	روز تولد تو کی است؟
It's on fifth of August.	ایتز اُن فیفت آو آگِست.	روز پنجم اوت است.
I was born in 1960.	آی واز بُرن این ناین تین سیکستی.	من در سال ۱۹۶۰ به دنیا آمدم.
in the beginning / middle of March	این دِ بیگینینگ / میدل آو مارچ	در ابتدای / اواسط مارس
at the end of May	اَت دِی اِند او مِی	در اواخر ماه مه
today	تودِی	امروز
yesterday	یِسْتِردِی	فردا
two days ago	تو دِیز اِگو	دو روز پیش
last week	لَست ویک	هفته پیش
next week/month	نِکست ویک / مانت	هفته / ماه آینده
day off	دِی اف	روز تعطیل
working day	وُرکینگ دِی	روز کاری

signs and notices — ساینْزْ اَند نُتیسز — تابلوها و اعلانات

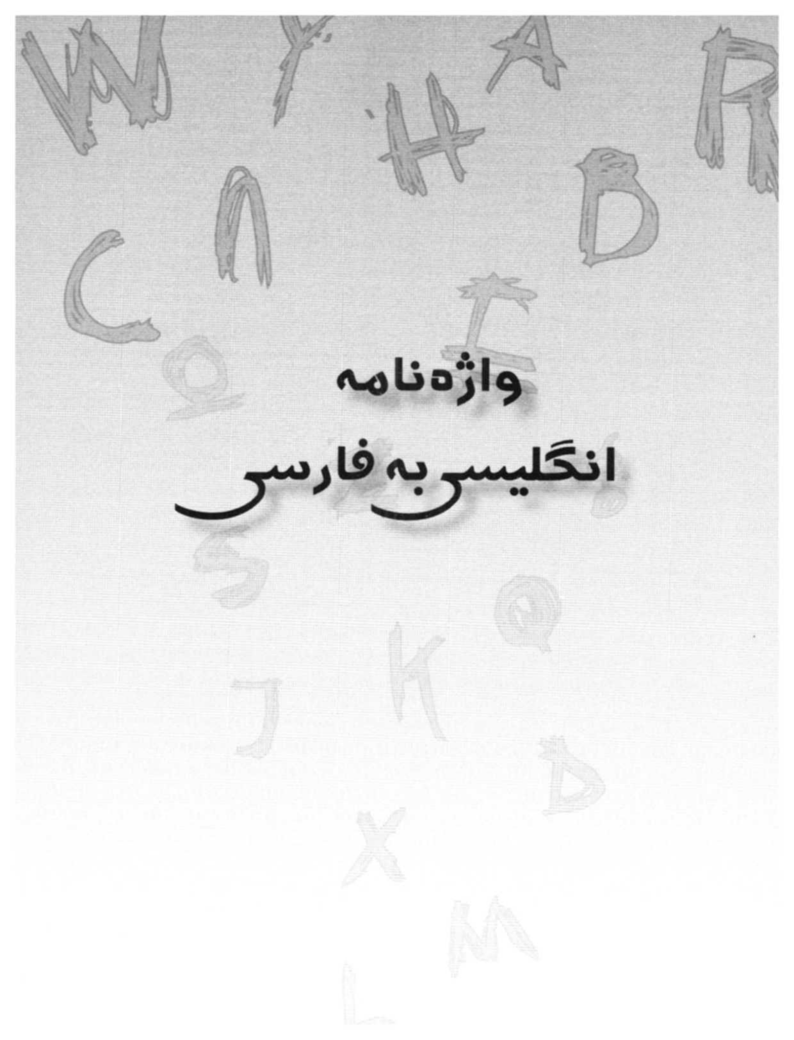
Beware of the dog.	بی‌وِر آو دِ داگ	مراقب سگ باشید
cash desk	کَش دِسْک	صندوق
caution	کاشِن	احتیاط
closed	کلوزد	بسته

danger	دینْجر	خطر
No U – turn.	نُ یو تِرن	دور زدن ممنوع.
No waiting.	نُ وِیْتینگ	توقف ممنوع.
Do not touch.	دو نات تاچ	دست نزنید.
emergency exit	ایمِرجِنْسی اِگزیت	خروج اضطراری
Entrance	اِنترانس	ورودی
Exit	اگزیت	خروجی
for let / hire	فُر لت / هایر	برای اجاره
for sale	فُر سِیل	برای فروش
free admittance	فیری اَدمیتِنْس	ورود آزاد است.
gentlemen	جِنْتِلْمِنْ	آقایان
ladies	لِیدیز	خانم‌ها
No admittance.	نُ اَدمیتِنْس	ورود ممنوع.
No smoking	نُ سْمُکینگ	سیگار کشیدن ممنوع.
No vacancies	نُ وِیْکِنْسیز	جای خالی نداریم.
open	اُپِن	باز
out of order	اَوت آو اُردِر	از کار افتاده، خراب
private	پرای‌وِت	خصوصی
public	پابلیک	عمومی
pull	پول	بکشید.
push	پوش	فشار دهید.
reserved	رزِروِد	رزرو شده است
sold out	سُلد اَوت	فروخته شده است

directions — دایرِکْشِنْز — جهت‌ها، راهنمایی‌ها

north	نُرث	شمال
south	ساوْثْ	جنوب
west	وِست	غرب
east	ایست	شرق
northwest	نُرث وِست	شمال غربی

southeast	سَاوت ایست	**جنوب شرقی**
up	آپ	**بالا**
down	داون	**پایین**
right	رایت	**راست**
left	لِفت	**چپ**


واژه‌نامه
انگلیسی به فارسی





A

aboard در عرشه، سوار (کشتی، هواپیما، قطار و غیره)
اِبُرد
abortion سقط جنین
اَبرشِن
about درباره، در حدود
ابات
above بالا، بالایی، واقع در بالا
اباو
abroad خارج (از کشور)
اَبرُد
accident حادثه، تصادف
اَکسیدِنْتْ
accommodation محل اقامت، جای اسکان
اَکُمدیشِن
account گزارش، حساب، فرض کردن
اَکانت
acropolis دره، قلعه
اَکراپلیس
across از عرض
اَکراس
activist فعال
اَکتیویسیت
actor بازیگر مرد
اَکتُر
adaptor آداپتور، مبدل
اَدَپتُر
addiction اعتیاد
اَدیکْشِن
address آدرس، خطاب کردن
اَدْرس
administration دستگاه اجرایی، اداری
اَدمینیستْرِیْشِنْ
admission (price) پذیرش (قیمت)
اَدْمیشِن
admit پذیرفتن
اَدمیت
adult بزرگسال
اَدالت
advertisement آگهی، اعلان
اَدْورتایزمنت
advice نصیحت، پند
اَدوایس
aeroplane هواپیما
ایرُپلِیْنْ
after بعد از، بعد از اینکه
اَفتر
afternoon بعد از ظهر
اَفترنون
after shave لوسیون پس از اصلاح
اَفتر شِیْو
again دوباره، یک بار دیگر
اِگِیْن
age سن، دوره، عصر
ایج
ago قبل، پیش
اَگ
agree موافقت کردن، موافق کردن
اَگری
agriculture کشاورزی
اَگریکالچِر
ahead پیش، جلو
اَهِد
AIDS ایدز
اِیْدْزْ
air هوا
اِیر
air conditioning تهویه هوا
اِیر کاندیشِنینگ
airmail نامه هوایی
اِیر مِیل
airplane هواپیما
اِیرپْلِیْن
airport فرودگاه
اِیر پُرت
airport tax مالیات فرودگاه

اَرست

arrivals محل ورود، سالن ورود
اَرایوالز

arrive رسیدن
اَرایو

art هنر
آرت

art gallery گالری هنر
آرت گلری

artist هنرمند، هنرپیشه
آرتیست

ashtray زیر سیگاری
اَشتری

Asia آسیا
اشیا

ask پرسیدن، تقاضا کردن
اَسک

aspirin آسپرین
اَسپیرین

asthma آسم
اَسْما

at در، پشت، نزدیک
اَت

athletics بازی‌های ورزشی، ورزش
اَتلتیکس

atmosphere هوا، جو، اتمسفر
اَتمُسْفِر

aubergine بادنجان
آبرجین

August اوت
آگست

aunt عمه، خاله
اَنت

Australia استرالیا
آسترلیا

Austria اطریش
آستریا

Automated Teller Machine)
(ATM
باجه خودپرداز اتُ میْتِد تِلِر مِشین (اِی تی اِم)

autumn پاییز
آتِم

avenue خیابان
اَون یو

avocado درخت آوکادو
آوکادُ

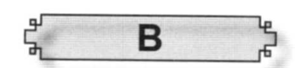
awful وحشتناک، خیلی بد
آفول

ایر پُرت تَکس
aisle (airplane) راهرو در هواپیما
آیل
alarm clock ساعت زنگ دار
آلارم کُلاک
alcohol الکل
اَلکُهُول
all همه، تمام
آل
allergy حساسیت
اَلرجی
almond بادام
آمند
almost تقریباً
آلمُست
alone تنها، به تنهایی
الُن
already قبلاً، هم اکنون
آلردی
also همچنین
آلسُ
altar محراب کلیسا
آلتر
altitude ارتفاع (از سطح زمین)
اَلتیتیود
always همیشه
آلویْز
ambassador سفیر
اَمبَسَدُر
ambulance آمبولانس
اَمبیولانس
ancient باستانی، خیلی قدیمی
اینشنْت
anarchist هرج و مرج گرا
اَنرْکیست
angry عصبانی
اَنگری
animal حیوان
اَنیمال
ankle قوزک
اَنکل
another دیگر، دیگری
انادر
answer جواب، جواب دادن
اَنسر
ant مورچه
اَنت
antibiotics آنتی بیوتیک
اَنتی بایاتیکس
antihistamines ضد هیستامین
اَنتی هیستامینز
antique قدیمی
اَنتیک
antiseptic ضد عفونی
اَنتی سپتیک
any هر
انی
apartment آپارتمان
آپارتْمنْت
appendix ضمیمه، آپاندیس
اَپندیکس
apple سیب
اَپل
appointment وقت ملاقات، قرار
اَپُیتمنْت
apricot زردآلو
اَپریکات
April آوریل
اِپْریل
Arabic عربی
اَربیک
architect مهندس معمار، آرشیتکت
آرکیتکت
architecture معماری
آرکیتکچر
argue بحث کردن
آرگیو
aromatherapy بو درمانی
آرُماتراپی
arrest بازداشت کردن



English	معنی	تلفظ
beach	ساحل	بیچ
been	بوده(ستون سوم فعل)	بین
beautiful	زیبا، خوشگل	بیوتیفول
beauty salon	سالن زیبایی، آرایشگاه	بی‌یوتی سالون
because	زیرا، چونکه	بی‌کاز
bed	تختخواب	بد
bed linen	روتختخوابی	بدلینن
bedding	جای خواب	بدینگ
bedroom	اتاق خواب	بد روم
bee	زنبور	بی
beer	آبجو	بیر
before	قبل از، قبل از اینکه	بی‌فُر
beggar	گدا	بگِر
behind	پشت، پشت سر	بی‌هایند
below	زیر، در زیر	بی‌لُ
beside	در کنار	بی‌ساید
best	بهترین	بست
bet	شرط بستن	بت
better	بهتر	بتر
between	بین(دو چیز)	بیت وین
Bible	انجیل،کتاب مقدس	بایبْل
bicycle	دوچرخه	بای سیکل
big	بزرگ	بیگ
bigger	بزرگ‌تر	بیگر
biggest	بزرگترین	بیگسْتْ
bike	دوچرخه، موتورسیکلت	بایک
bill (restaurant)	صورتحساب (رستوران)	بیل (رِسْترانت)
bird	پرنده	برد
birth certificate	گواهی تولد	برت سرتیفیکیْتْ
birthday	روز تولد	برت دی
biscuit	بیسکویت	بیسکُویت
bite (dog)	گاز (سگ)	بایت (داگ)
bite (insect)	نیش (حشره)	بایت (اینسکْتْ)
bitter	تلخ	بیتر
black	سیاه	بلَک
blanket	پتو	بلَنْکت
blind	کور	بلایند
blister	تاول	بلیسْتر
blocked	مسدود	بلاکد





B & W films فیلم‌های بی ودبلیو
بی اَند دَبلیو فیلمز
baby بچه، کودک
بیبی
baby food غذای کودک
بیبی فود
baby powder پودر بچه
بیبی پادِر
babysitter پرستار بچه
بیبی سیتر
back کمر، پشت
بَک
backpack کوله پشتی
بَک پَک
bacon بیکن (گوشت خوک و تخم مرغ که معمولاً به عنوان صبحانه می‌خورند)
بیکِن
bad بد
بَد
bag کیسه، کیف
بَگ
baggage چمدان
بَگیج
baggage allowance مقدار مجاز حمل بار (در هواپیما)
بَگیج اَلِنْس
baggage claim قبض
بَگیج کْلیم
bakery نانوایی
بیکِری
balance(account) باقیمانده پول (در حساب بانکی)
بَلِنس (اَکانت)
balcony بالکن
بَلْکُنی
ball توپ، گوی
بال
ballet باله
بَله
banana موز
بَنانه
band گروه، دسته، بند
بَنْدْ
bandage نوار زخم بندی
بَندیج
bank بانک، ساحل
بَنْک
bank account حساب بانکی
بَنْک اَکانت
bank note اسکناس
بَنک نُت
baptism غسل تعمید
بَپ‌تیزم
bar میل، شمش، قالب، بستن
بار
barber آرایشگر، سلمانی
باربِر
baseball بیسبال
بیس بال
basilica کلیسای بزرگ
بسیلیکا
basket زنبیل، سبد
بَسْکِتْ
basketball بسکتبال
بَسْکِت بال
bath حمام
بَث
battery باطری
بَتِری
bazaar بازار
بزار
be بودن
بی

bribe	رشوه	بْرایب
bridge	پُل	بْریج
briefcase	کیف دستی	بریف کِیس
bring	آوردن	بْرینگ
broccoli	کلم سیاه	بْراکِلی
brochure	بروشور	بْرُشور
broken	شکسته	بْرُکِنْ
brother	برادر	بْرادِر
brown	قهوه‌ای	براوْنْ
bruise	کوفتگی	بْروز
brush	مسواک، برس، مسواک زدن	بْراش
bucket	سطل	باکِت
Buddhist	بودایی	بودیست
budget	بودجه	باجِت
buddy	دوست، رفیق	بادی
buffet	رستوران قطار، گنجه	بافِیت
bug	حشره	باگ
build	ساختن	بیلد
builder	سازنده، بساز و بفروش	بیلدِر
building	ساختمان	بیلدینگ
burley	توتون بورلی	بُرلِه
burn	سوختن، سوزاندن	بُرلی
bus	اتوبوس	باس
bus station	ایستگاه اتوبوس	باس سْتِیشن
business	بازرگانی، کسب و کار	بی‌زی‌نِس
businessman	بازرگان، کاسب	بی‌زی‌نِس‌مَن
business trip	سفر تجاری	بی‌زی‌نِس تریپ
busy	مشغول، شلوغ	بی‌زی
but	اما، غیر از	بات
butcher	قصاب	بوچِر
butter	کره	باتِر
butterfly	پروانه	باتِرفلای
button	دگمه	باتِن
buy	خریدن	بای

English	فارسی	تلفظ
blood	خون	بلاد
blood group	گروه خون	بلاد گروپ
lblood pressure	فشار خون	بلاد پرشر
blood test	آزمایش خون	بْلاد تِست
blue	آبي	بلو
board	تخته	بُرد
boarding-house	خوابگاه،مهمانخانه شبانه روزی	بُردینگ هَاوس
boarding pass	برگه عبور (سوار شدن به هواپیما)	بُردینگ پَس
boat	قایق	بُت
body	بدن	بادی
boiled	پخته با آب جوش	بُیلد
bone	استخوان	بُن
book	کتاب	بوک
booked out (full)	پُر شده	بوکت اَوت (فول)
book shop	کتابفروشی	بوک شاپ
boot	چکمه	بوتس
border	مرز، در مرز قرار گرفتن	بُردِر
bored	کِسِل، ملول	بُرد
boring	کِسِل کننده	بُرینگ
borrow	قرض گرفتن	بَرُ
bottle	بطری	باتْلْ
bottle-opener	در بطری بازکن	باتْلْ اُپنِرْ
bottom	تَه، زیر، تَه کشتی	باتِم
bowl	کاسه، جام	بُل
box	جعبه، قوطی	باکس
boxing	بوکس، مشت زنی	باکسینگ
boy	پسر	بوی
boy friend	دوست پسر	بُی فْرِند
bra	سینه بند	برا
brakes	ترمزها	بْرِکس
brandy	کنیاک، برندی	بْرَندی
brave	شجاع	بْرِیْو
bread	نان	بْرِد
bread rolls	نان ساندویچی	بْرِد رُلْزْ
break	زنگ تفریح، وقفه، شکستن	بریک
break down	از کار افتادن، خراب شدن	بْرِک داون
breakfast	صبحانه	برِک فِسْتْ
breast	سینه، پستان	برست
breathe	نفس کشیدن	بریث

کُلی فلاور

cave غار
کیو

CD لوح فشرده
سی دی

celebration جشن، ضیافت
سِله بریشِن

cellphone تلفن همراه
سِل فُن

cemetery قبرستان
سِمتری

cent سِنت، یک صدم دلار
سِنت

centimetre سانتی متر
سِنتی میتر

centre مرکز
سِنتر

ceramics سرامیک
سرامیکس

cereal غله، حبوبات
سِرل

certificate گواهی‌نامه
سِرتیفیکیت

chain زنجیر
چِین

chair صندلی
چیر

champagne شامپاین
شَمپِین

championships قهرمانی
چمپیون شیپس

chance شانس، بخت
چَنس

changing room اتاق تعویض لباس
چَنجینگ روم

charming افسون کننده
چارمینگ

chat up صحبت کردن
چَت آپ

cheap ارزان
چیپ

cheat کلاه برداری کردن، گول زدن
چیت

check چک کردن، چک
چک

check (bill) صورت حساب
چک (بیل)

check – in desk باجه کنترل بلیط
چک ـ این دیسک

check point محل بازرسی
چک پُینت

cheese پنیر
چیز

chef سرآشپز
شف

cheque چک
چک

cherry گیلاس
چری

chess شطرنج
چس

chess-board صفحه شطرنج
چس بُرد

chest (body) قفسه سینه (بدن)
چست (بادی)

chestnut شاه بلوط
چست نات

chewing-gum آدامس
چوینگ گام

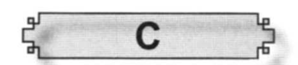
chicken جوجه
چیکن

chicken pox آبله مرغان
چیکن پاکس

chick pea نخود
چیک پی

child بچه
چایلْد

نگهداری از کودک (در منزل)
child minding



café — کافه
کَفه

cake — کیک
کیک

calculator — ماشین حساب
کَلکولِیتِر

call — نامیدن، تلفن زدن، صدا کردن
کال

calendar — تقویم
کَلِندر

camera — دوربین
کَمِرا

camera shop — فروشگاه دوربین
کَمِرا شاپ

camp — اردوگاه
کَمپ

camping ground — محوطه اردوگاه
کَمپینگ گراند

camp site — محل اردو زدن
کَمپ سایت

can — توانستن، قوطی کنسرو
کَن

Canada — کانادا
کَنَدا

cancel — باطل کردن، لغو کردن
کَنسِل

cancer — سرطان
کَنسِر

candle — شمع
کَندِل

candy — شیرینی، نبات
کَندی

car — اتومبیل
کار

car hire — اجاره ماشین
کار هایر

car park — جای پارک ماشین
کار پارک

car registration — ثبت ماشین
کار رجیسْتریشِن

caravan — کاروان، گاری
کاراوان

cards (playing) — ورق بازی
کارتس (پلِیینگ)

care — مراقبت کردن، توجه، دقت
کِیر

caretaker — قیم، سرپرست
کِیر تیکِر

carpenter — نجار
کارپِنتِر

carrot — هویج
کَرُت

carry — حمل کردن
کَری

carton — کارتن، جعبه مقوایی
کارْتِن

cash — پول نقد، نقد کردن
کَش

cash (a check) — نقد کردن (چک)
کَش (ا چک)

cashier — صندوقدار
کَشییر

casino — کازینو
کَسینو

cassette — کاست
کَست

castle — قلعه
کَسِل

cat — گربه
کَت

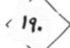
cathedral — کلیسای جامع
کَتیدرال

Catholic — جامع، عمومی، مسیحی
کَتلیک

cauliflower — گل کَلَم

coat کُت، پالتو
کُت
cocaine کوکائین
کُکئین
cockroach سوسک حمام
کاک رُچ
نوشابه‌ای که آمیخته از چند نوشابه است
cocktail
کاک تِیْل
cocoa کاکائو
کُکُ
coconut نارگیل
کُکُنات
coffee قهوه
کافی
coin سکه
کُین
cold سرد
کُلد
colleague همکار، هم قطار
کالیگ
تلفن که هزینه آن به عهده جواب دهنده است
collect call
کُلکْت کال
college کالج
کالج
colour رنگ
کالِر
comb شانه
کامب
come آمدن
کام
comedy کمدی، نمایش خنده دار
کامِدی
comfortable راحت، آسوده
کامفْرْتبل
commission کمیسیون، مأموریت
کامیشِن
communications ارتباطات
کامی یونیکیشِنز

کمونیست طرفدار اصول اشتراکی
communist
کامیونیست
companion رفیق، همراه
کِمْپَنیَن
company شرکت، کارخانه
کامپانی
compass قطب نما
کامْپِس
complain شکایت کردن
کامْپْلِیْن
complaint شکایت
کامْپْلِیْنْتْ
complimentary(free) مکمل (رایگان)
کامْپْلیمِنْتاری (فری)
computer رایانه
کَمپی یوتِر
computer game بازی رایانه‌ای
کَمپی یوتِر گیم
concert کنسرت
کانْسِرت
concussion تکان، تصادف، ضربه مغز
یکانکاژن
conditioner(hair) حالت دهنده (مو)
کاندی شِنِر
conference کنفرانس، مشاوره، مذاکره
کانفِرِنْس
confession اقرار
کان فِشِن
Congratulations تبریک
کانگْرَ جولِیْشِنز
connection اتصال
کانْکْشِنْ
conservative محافظه کار
کانْزِرْوِتیو
constipation یبوست
کانس تیپیْشِن
consulate کنسولگری
کانسُلِیْت
contact lens لنز چشمی



چایلْدْ مایندینگ

child seat صندلی بچه
چایلْدْ سیت

children بچه‌ها
چیلْدْرَن

chilli فلفل قرمز
چیلی

China چین
چاینا

chocolate شکلات
چاکْلیت

choose انتخاب کردن
چوز

chopping-board صفحه برش
چاپینگ بُرد

Christian مسیحی
کریسچِنْ

Christmas Eve عید کریسمس
کریسْمَس ایو

church کلیسا
چرچ

cigar سیگار بَرگ
سیگار

cigarette سیگار
سیگارت

lighter فندک
لایتِر

cinema سینما
سینما

circus سیرک
سیرکِس

citadel قلعه، دژ، سنگر
سیتدل

citizenship شهروندی
سیتی‌زن شیپ

city شهر
سیتی

city centre مرکز شهر
سیتی سنْتِر

civil rights حقوق شهروندی
سیویل رایتس

class کلاس، طبقه
کْلَس

classical کلاسیک، مربوط به ادبیات باستانی
کْلَسیکال

clean تمیز، تمیز کردن
کْلین

client ارباب رجوع، موکل
کْلاینْتْ

cliff صخره، پرتگاه
کْلیف

climb بالا رفتن
کلایمب

cloak room رختکن، مستراح عمومی (در هتل وغیره)
کْلاک روم

cloak پوشش ـ پنهان کردن
کْلُک

clock ساعت
کْلاک

close بستن
کْلُز

closed بسته
کْلُزد

clothing البسه، پوشاک
کْلُتینگ

clothing store فروشگاه لباس
کلوتینگ سْتُر

cloud ابر
کْلاد

cloudy ابری
کْلادی

clutch کلاچ(در اتومبیل)
کْلاچ

coach (bus) اتوبوس بین شهری (اتوبوس)
کُچ (باس)

coach (trainer) مربی (آموزش دهنده)
کُچ (تْرِیْنِر)



curry کاری	چاشنی، گرد زردچوبه هندی
custom کاسْتِم	سنت، رسم
customs کاسْتِمْزْ	گمرک
cut کات	بریدن، برش
cycle سایکِل	چرخ، گردش، دور
cyclist سایکلیست	دوچرخه سوار
Cyprus سیپروس	قبرس

کانتَکت لِنز
contraceptives قرص ضد حاملگی
کانتراسِپتیوز
contract قرارداد
کانتراکت
convenience store خواربارفروش کوچک
کانوی‌نی‌نیس سْتُر
convent دیر، صومعه
کانونت
cook آشپز
کوک
cookie شیرینی
کوکی
cooking پختن، آشپزی
کوکینگ
cool خنک
کول
corkscrew در بطری بازکن
کُرک اِسْکرو
corn ذرت
کُرن
corner کُنج، گوشه
کُرنِر
corrupt فاسد، خراب
کُراپت
cost هزینه، ارزیدن
کاست
cotton پنبه
کاتِن
cough سرفه
کاف
cough medicine داروی سرفه
کاف مدیسین
count شمردن
کانت
counter باجه، شمارشگر
کانْتِر
country(nation) کشور (ملت)
کانْتْری

countryside ییلاق، خارج شهر
کانْتْری ساید
coupon کوپن
کوپان
courgette کدو
کُرژت
court دادگاه
کُرت
covercharge هزینه ثابت
کاوِر چارج
cow گاو
کاو
craft استادی، صنعت، مهارت
کِرافت
crash برخورد، سقوط
کراش
crazy دیوانه
کریْزی
cream کرم، خامه
کْریم
crèche مهد کودک
کْرِش
credit اعتبار
کْرِدیت
credit card کارت اعتباری
کِرِدیت کارد
cross چهارراه، گذر، صلیب
کْراس
crowded پر ازدحام، شلوغ
کِرادِد
cucumber خیار
کی‌یوکَمْبِر
cup فنجان
کاپ
cupboard قفسه
`کا بُرد
currency exchange مبادله ارز
کارِنْسی اِکْسْچِنْج
current affairs امور جاری
کارِنت اِفِرْز



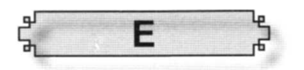
دایاپر
diarrhea اسهال
دایاریا
diary لبنیات
دایری
dice تاس(تخته نرد)
دایس
diet رژیم
دایت
different متفاوت
دیفرنْتْ
difficult مشکل
دیفی‌کالت
digital دیجیتال ـ رقمی
دیجیتال
dining car واگن غذاخوری
داینینگ کار
dinner غذاخوری
داینِر
direct مستقیم
دایْرِکْتْ
direct – dial تلفن مستقیم
دایرِکْت ـ دایال
direction جهت
دایرِکْشِن
director مدیر
دایْرِکتُر
dirty کثیف
دِرْتی
disabled معلول
دیس ایْبِلْدْ
disco دیسکو
دیسکو
discount تخفیف
دیسکانت
discrimination تبعیض
دیس کْرِیمی نِیْشِنْ
disease بیماری
دی زیز
disk ظرف غذا، پرس غذا

دیش
dish دیسک (سی دی)
دیسک (سی دی)
dive شیرجه رفتن
دایو
diving غواصی
دایْوینگ
divorced مطلقه
دیوُرسد
dizzy گیج، بی فکر
دیزی
do انجام دادن
دو
doctor پزشک
داکتر
documentary مستند، مدلل
داکیومِنْتری
dog سگ
داگ
dole اعانه، مقرری
دُل
doll عروسک
دال
dollar دلار
دالِر
dome گنبد
دوم
door در
دُر
dope (drugs) دوپینگ (مخدرها)
دُپ
double مضاعف، دوبل
دَبل
downhill سراشیبی
داون میل
dozen دوجین
دازن
drama نمایشنامه، درام
دْراما
dream رویا، خواب دیدن

D

dad پدر، بابا
دَد
daily روزانه
دِیلی
dance رقص، رقصیدن
دَنس
dangerous خطرناک
دَنْجرس
dark تیره، تاریک
دارک
date تاریخ، خرما، قرار ملاقات
دِیت
daughter دختر
داتِر
dawn فجر، سپیده دم
داون
day روز
دِی
day after tomorrow پس فردا
دِی اَفْتِر تومارو
day before yesterday پریروز
دِی بی‌فُر یس‌تِرْدِی
dead مُرده
دد
deaf کَر
دِف
deal معامله
دیل
December دسامبر
دیسِمْبر
decide تصمیم گرفتن
دی ساید
deep عمیق
دیپ
degree درجه
دیگری
delay تأخیر، درنگ
دی‌لِی
deliver تحویل دادن
دِلیور
democracy دمکراسی
دی‌مُکراسی
demonstration تظاهرات
دی مانس تِری‌شین
Denmark دانمارک
دن مارک
dental flass نخ دندان
دنتال فلاس
dentist دندان‌پزشک
دن تیست
deodorant ضد بو
دئودُرانت
depart روانه شدن، حرکت کردن
دیپارت
department store فروشگاه چند طبقه
دیپارتمانت سْتُر
departure gate دروازه خروج (مسافران هواپیما)
دی‌پارچر گیت
deposit (bank) سپرده (بانکی)
دی‌پازیت (بنک)
desert صحرا، ترک کردن
دیزرت
design طرح، طراحی کردن
دیزاین
destination مقصد
دِستینیشِن
details جزئیات
دی‌تیلْزْ
diabetes بیماری قند، دیابت
دیابتس
dial tone صدای شماره گیری
دایال تُن
diaper پوشک





each — هر
ایچ

ear — گوش
ایر

early — زود
ارلی

earn — به دست آوردن
ارن

earplugs — گوش بند
ایر پلاگز

earrings — گوشواره
ایرینگز

earth — زمین، خاک
ارت

east — شرق
ایست

Easter — عید پاک
ایستر

easy — آسان
ایزی

eat — خوردن
ایت

education — آموزش
اجوکیشن

egg — تخم مرغ
اگ

eggplant — بادنجان
اگ پلنت

election — انتخاب(از طریق رأی گیری)
الکشن

electrical store — فروشگاه لوازم برقی
الکتریکال ستُر

electricity — برق
الکتریسیتی

elevator — آسانسور
الویتر

email — ای ـ میل، نامه الکترونی
ای ـ میل

embarrassed — آشفته، دستپاچه
امبرسد

embassy — سفارتخانه
امباسی

emergency — وضع اضطراری، حالت فوق‌العاده
امرجنسی

emotional — احساساتی
امشنال

employee — کارمند
امپلیویی

employer — کارفرما
امپلیر

empty — خالی
ایمپتی

end — خاتمه، پایان
اند

endangered — در معرض خطر
اندنجرد

engaged (busy) — درگیر (مشغول کار)
انگیجد (بی زی)

engaged (to marry) — نامزد (برای ازدواج)
انگیجد (تو مری)

engagement — نامزدی
انگیجمنت

engine — موتور
انجین

engineer — مهندس
انجینی یر

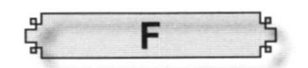
engineering — مهندسی
انجینی یرینگ

England — انگلستان
انگلند

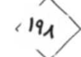
English (language) — انگلیسی (زبان)

دْریم

English	تلفظ	معنی
dress	درِس	لباس زنانه
dried	درایْد	خشک شده
dried fruit	درایْد فْروت	خشکبار
drink	دْرینک	نوشیدنی، نوشیدن
drive	دْرایو	رانندگی کردن
driver's license	دْرایورز لایْسِنْس	گواهینامه رانندگی
drug (illegal)	دْراگ (ای لِگال)	مخدر (غیر قانونی)
drug addiction	دْراگ اَدیکْشِن	اعتیاد به مواد مخدر
drug dealer	دْراگ دیلِرْ	مواد فروش
drug trafficking	دْراگ تْرافیکینگ	قاچاق مواد مخدر
drug user	دْراگ یوزر	مصرف کننده دارو
drum	دْرام	طبل
drunk	دْرانک	مست
dry	دْرای	خشک
Dutch	داچ	هلندی
duty – free	دی‌یوتی ـ فری	معاف از مالیات
DVD	دی وی دی	دی وی دی



face صورت، روبه‌روی چیزی بودن
فِیس
factory کارخانه
فَکتُری
factory worker کارگر کارخانه
فَکتُری وُرکر
fall (autumn) پاییز
فال (آتُم)
fall افتادن، سقوط کردن
فال
family خانواده
فَمیلی
family name نام خانوادگی
فَمیلی نِیم
family room (restaurant) قسمت خانوادگی (رستوران)
فَمیلی روم (رِسْتِرنت)
famous مشهور
فیمِسْ
fan(machine) پنکه (ماشین)
فَن (ماشین)
fan (sport) هوادار (ورزشی)
فَن (سْپُرت)
far دور
فار
fare کرایه
فِر
farm مزرعه
فارم
farmer کشاورز
فارمِر
Farsi (Persian) فارسی
فارسی (پرشین)
fashion مُد، رسم، طریقه
فَشِن
fast سریع، به سرعت، روزه
فَست
fat چاق
فَت
father پدر
فادر
father-in-law پدر زن، پدر شوهر
فادر ـ این ـ لا
faucet شیر آب
فاست
fault خطا، نقص
فالت
faulty خطاکار، معیوب، ناقص
فالتی
fax فکس
فَکس
February فوریه
فِبْری ری
feed غذا دادن به
فید
feel احساس کردن، لمس کردن
فیل
feeling احساس
فیلینگ
feelings احساسات
فیلینگز
female مؤنث
فیمِیل
fence نرده، حصار، شمشیر بازی
فِنْسْ
fencing شمشیر بازی
فِنسینگ
ferry قایق، گذرگاه
فِری
festival فستیوال
فِستیوال
fever تب
فیوِر
few کم(تعداد)



انگلیش (لَنگویج)
English(nationality) انگلیسی (ملیت)
اِنگلیش (نشنالیتی)
enjoy لذت بردن از
اِنجُی
enough کافی، به قدر کافی
ایناف
enter وارد شدن به
اِنتِر
entertainment تفریح، سرگرمی
اِن تِرتین مِنت
entry ورود
اِنتْری
envelope پاکت (نامه)
این وِلُپ
environment محیط، محیط زیست
اِن وایرِمنت
equal opportunity فرصت برابر
ایکوال اُپِرتیونیتی
equality برابری
ایکوالیتی
equipment تجهیزات، وسایل
ایکویپ مِنْت
escalator پله برقی
اسکلِیتِر
estate agency آژانس املاک
اِسْتِیتْ ایجِنْسی
euro یورو
یورُ
Europe اروپا
یوروپ
evening عصر، شب
ایونینگ
every هر
اِوِری
everyone هر کس، همه کس
اِوری وان
everything هر چیز، همه چیز
اِوری تینگ
exactly دقیقاً
اِگزَکتلی
example مثال، نمونه، سرمشق
اِگزَمپِل
excellent عالی، خیلی خوب
اِکسِلِنت
excess baggage چمدان اضافه
اِکسِس بَگیج
exchange عوض کردن، مبادله کردن
اِکْسْچِنْج
exchange rate نرخ مبادله(ارز)
اِکْسْچِنْج ریت
excluded خارج از
اِکسکلودِد
exhausted بسیار خسته
اِکسهاست
exhibition نمایشگاه
اِگزبیشِن
exit خروج، مرگ
اِگزیت
expensive گران قیمت
اِکْسْ پِنْیو
experience تجربه
اِکْسْپِرینس
expiry date تاریخ انقضاء
اِکْسْپایِری دیت
exploitation استثمار، بهره برداری
اِکسپلوتیشِن
express train ترن سریع السیر
اِکْسپرس ترین
extension (visa) تمدید (ویزا)
اِکْسْتِنْشِن
eye drops قطره چشم
آی دْرْاپس
eyes چشم‌ها

فوت
friend دوست
فْرند
football فوتبال
فوت بال
footpath مسیر حرکت
فوت پَت
foreign خارجی بیگانه
فُرین
forest جنگل
فُرست
for ever برای همیشه، تا ابد
فُر اوِر
forget فراموش کردن
فُرگت
forgive بخشیدن
فُرگیو
fork چنگال
فُرک
fountain فواره، چشمه
فانتین
fragile شکننده
فرَجایل
France فرانسه
فْرانس
free رایگان، آزاد
فری
freeze یخ بستن
فریز
fresh تازه، شاداب
فْریش
Friday جمعه
فرایدی
fried سرخ کرده
فراید
friend دوست
فْرند
from از
فرام
frost یخ بندان، شبنم یخ زده
فراست
frozen یخ بسته، منجمد
فْرُزن
fruit میوه
فْرُوت
fry سرخ کردن
فْرای
frying pan ماهی تابه
فرایینگ پَن
full پُر، سیر
فول
full – time تمام وقت
فول ـ تایم
fun تفریح، شوخی، سرگرمی
فان
funeral مراسم ختم، تشیع جنازه
فیونرل
funny خنده‌دار، مضحک
فانی
furniture اسباب و اثاثیه منزل
فرنی چِر
future آینده
فی یوچِر

فی یو

English	تلفظ	معنی
fiancé	فی یانسه	نامزد (مرد)
fiancée	فی یانسی	نامزد (زن)
fiction	فیکشن	تخیل، افسانه
fight	فایت	نبرد، جنگ، نزاع
fig	فیگ	انجیر
fill	فیل	پر کردن
film	فیلم	فیلم
filtered	فیلترِدْ	فیلتر شده
find	فایند	پیدا کردن
fine	فاین	جریمه، خوب
finger	فینگر	انگشت دست
finish	فینیش	تمام کردن
Finland	فینلَند	فنلاند
fire	فایر	آتش
first	فرست	اول، اولین
first – aid kit	فِرْست ـ اِید ـ کیت	جعبه، کمک‌های اولیه
first class	فرست کلَس	درجه یک
first name	فرست نِیم	نام کوچک
fish	فیش	ماهی
flag	فْلَگ	پرچم
flannel	فْلَنِل	فلانل
flare	فلِرل	زبانه آتش، سوختن
flash	فْلَش	برق، روشنایی مختصر
flat	فْلَتْ	صاف، پهن، آپارتمان
flea	فْلی	ساس
flea market	فْلی مارکِت	بازار مکاره
flight	فْلایت	پرواز
float	فْلُتْ	شناور بودن
flood	فْلاد	سیل
floor	فْلُر	کف اتاق، طبقه
flower	فْلاور	گُل
flour	فلار	آرد
florist	فْلُریست	گل فروش
flu	فلو	آنفلوآنزا
fly	فلای	مگس، پرواز کردن
foggy	فاگی	مه آلود
follow	فالُ	دنبال کردن، پیروی کردن
food	فود	غذا
food supplies	فود ساپلایز	ذخایر و منابع غذایی
foot		پا(از مچ به پایین)



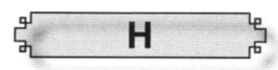
grandma جد مادری
گرَنْد ما
grandpa جد پدری
گرَنْد پا
grapefruit دارابی
گرِپ فروت
grape انگور
گریپ
grass علف، چمن
گرَش
grateful سپاسگذار، شاکر
گریت‌فول
grave قبر
گریو
great بزرگ
گریْت
Greece یونان
گریس
green سبز
گرین
greengrocer خواربار فروش
گرین گرُسِر
grey خاکستری
گری
grill کباب کردن
گریل
grocery خواربار فروشی،
گرُسِری
grow رشد کردن، شدن
گرُ
guaranteed ضمانت شده
گارانتید
guess حدس زدن
گِس
guest-house مهمان سرا
گِسْتْ هاوس
guide راهنمایی کردن
گاید
guide(person) راهنما (فرد)
گاید (پِرشن)

guidebook کتاب راهنما
گاید بوک
guide tour تور با راهنما
گاید تور
guilty مقصر، گناهکار
گیلتی
guitar گیتار
گیتار
gum لثه
گام
gun تفنگ
گان
gym سالن ورزش
جیم
gymnastics ژیمناستیک
جیم ناستیکس
gynaecologist متخصص زنان و زایمان
گاینِکُلُجیست



English	تلفظ	معنی
game	گیم	بازی،مسابقه
garage	گراژ	گاراژ
garbage	گاربیج	زباله
garbage can	گاربیج کَنْ	سطل زباله
garden	گاردن	باغ، باغچه
gardener	گاردِنِرْ	باغبان
gardening	گارْدنینگ	باغبانی
garlic	گارلیک	سیر
gas (for cooking)	گس (فُرکوکینگ)	اجاق گاز (برای پختن)
gas (petrol)	گس (پِترُل)	بنزین
gate	گِیْتْ	دروازه
gauze	گز	گازتنظیف، توری سیمی
gay	(مرد) گِی	شوخ، سردماغ، همجنس باز
gearbox	گیرباکس	گیربکس، جعبه دنده
gendarme	جن دارم	ژاندارم
Georgia	جُرجیا	گرجستان
German	جرمن	آلمانی
get	گِت	گرفتن، رسیدن، شدن
gift	گیفت	هدیه، استعداد خدادادی
girl	گرل	دختر
girlfriend	گِرل فْرند	دوست دختر
give	گیو	دادن
given name	گیون نیم	اسم کوچک
glass	گْلَس	لیوان، شیشه
glasses	گْلَسز	عینک، لیوان‌ها
gloves	گلدوْز	دستکش‌ها
glue	گْلو	چسب
go	گ	رفتن
go out	گُ آوت	بیرون رفتن(برای غذا خوردن تفریح و غیره)
God	گاد	خدا
gold	گُلْدْ	طلا
golf	گُلْفْ	گلف
good	گود	خوب
government	گاورمِنْتْ	دولت، حکومت
gram	گْرَمْ	گرم
grandchild	گْرَنْدْچایلْدْ	نوه
grandfather	گْرَنْدْ فادر	پدر بزرگ
grandmother	گْرَنْدْمادر	مادر بزرگ

خانه‌دار	homemaker	هُم میْکِر
عسل	honey	هانی
اسب	horse	هُرس
اسب سواری	horse riding	هُرس رایدینگ
بیمارستان	hospital	هاسپیتال
مهمان نوازی	hospitality	هاسپیتالیتی
داغ	hot	هات
آب داغ	hot water	هات واتِر
هتل	hotel	هُتِلْ
خانه	home	هُم
خانه‌داری، کارِ خانه	housework	هاوس وُرک
چگونه، چطور، چقدر	how	هَا
در آغوش گرفتن	hug	هاگ
خیلی بزرگ، کلان	huge	هی‌یوج
منابع انسانی	human resources	هی‌یومَن ری‌سُرسِز
حقوق انسانی	human rights	هی‌یومَن رایتس
انسانیت	humanity	هی‌یومَنی‌تی
صد	hundred	هاندرد
گرسنه	hungry	هانگْری
شکار	hunting	هانتینگ
اینجا	here	هی‌یر
بالا	high	های
دبیرستان	high scool	های‌سْکول
صندلی بلند	highchair	های چیر
بزرگراه	highway	های وی
راه رفتن، پیاده روی کردن	hike	هایْک
پیاده‌روی	hiking	هایکینگ
تپه	hill	هیل
او را، به او (مذکر)	him	هیم
هندو	Hindu	هیندو
اجاره کردن	hire	هایر
مال او (مذکر)	his	هیز
تاریخی	historical	هیستُریکال
تاریخ	history	هیستُری
اتو استاپ کردن	hitch-hike	هیچ هایک
ویروس اچ آی وی	HIV	اچ آي وي
هاكي(نوعی ورزش)	hockey	هاکی
تعطیلی، مرخصی	holiday	هالیدی
خانه	home	هُم
بی‌خانمان	homeless	هُم‌لِس



hair مو
هِیْر
hairbrush برس مو
هِیْرْبْراش
haircut اصلاح مو
هیر کات
hairdresser آرایشگر
هیر درسر
halal حلال
هَلال
half نیم، نصف
هاف
ham گوشت ران خوک
هَم
hand کمک، دست(از مچ به پایین)
هَند
handbag کیف دستی
هَند بَگ
handicrafts صنایع دستی
هَنْدی کرافتس
handkerchief دستمال
هَنْکرچیف
handle bar دسته دوچرخه، فرمان
هَندل بار
handmade دست ساز
هَنْدْمِیْدْ
handsome خوش اندام
هَنْ سام
happy خوشحال، شاد
هَپی
harassment آزار و اذیت
هَرَس مِنتْ
harbor بندر
هاربِر
hard سخت
هارد
hardware stare فروشگاه ابزار آلات
هاردوِر سْتُر
hat کلاه
هَت
have داشتن
هَو
he او (مذکر)
هی
head سر، رئیس
هد
headache سردرد
هدِک
headlight چراغ جلو
هد لایت
health سلامتی
هِلْثْ
hear شنیدن
هی یر
hearing aid سمعک
هی یرینگ اِید
heart قلب
هارت
heart attack حمله قلبی
هارت اَتَک
heat حرارت، گرما
هیت
heated داغ، پرخروش
هیتِد
heater بخاری، چراغ خوراک پزی
هیتِر
heavy سنگین
هِوی
helmet کلاه خود
هِلْمت
help کمک کردن، کمک
هِلپ
her او (مؤنث)
هِر

English	تلفظ	معنی
infection	این فِکْشن	عفونت
inflammation	این فلمیشن	آماس، التهاب
information	این فُر می شِن	اطلاع، اطلاعات
ingredient	این گری دی ینْتْ	عناصر و اجزاء
inhaler	این هیلِر	افشاننده
inject	اینجکْت	تزریق کردن
injection	اینجکْشن	تزریق
injured	این جرْدْ	مجروح
injury	این جری	جراحت، صدمه
innocent	اینوسنْتْ	بی گناه
inside	این ساید	درون، داخل
instructor	اینستْراکتُر	مربی، تعلیم دهنده
insurance	اینشورنْس	بیمه
interesting	اینتْرستینگ	جالب
international	این ترِنَشنال	بین المللی
Internet	اینترْنت	اینْترنت
Internet café	اینْترِنت کَف	کافی نِت
interpreter	اینْترپرِتر	مترجم (شفاهی)
interview	اینترْوی یو	مصاحبه
invite	این وایت	دعوت کردن
Iran	آیران	ایران
Iraq	ای راک	عراق
Irland	آیرلَند	ایرلند
iron	آیِرْن	آهن، اطو کردن
island	آیْلَند	جزیره
it	ایت	آن(حیوان، بی جان)
Italian	ایتالیَن	ایتالیایی
Italy	ایتْلی	ایتالیا
itch	ایچ	خارش
itemize	آیتِمایز	جزء به جزء نوشتن

hurt — آسیب رساندن، صدمه زدن
هِرت

husband — شوهر
هازبَند

I

I — من
آی

ice — یخ
آیس

ice – cream — بستنی
آیس کریم

identification — شناسایی
آی دِن تی فی کِیشِن

if — اگر، که آیا
ایف

ill — بیمار
ایل

immigration — مهاجرت
ای می گرِیْشِنْ

important — مهم
ایمپُرتَنْتْ

impossible — غیر ممکن
ایمپاسیبِل

in — در، درون، ظرف مدت
این

in a hurry — باعجله
این ا هاری

in front of — در مقابل، در جلوی
این فرُنت آو

including — شامل
اینکلودینگ

income tax — مالیات بر درآمد
اینکام تَکْسْ

India — هند
ایندیا

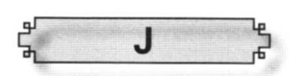
indicator — شاخص، نشان دهنده
ایندیکِیْتُر

indoor — زیر سقف، درونی
این دُر

industry — صنعت
این داستْرْی



ketchup کَچاپ، سُس گوجه فرنگی
کِچاپ
key کلید
کی
keyboard صفحه کلید
کی‌بُرد
kick لگدزدن، پاس دادن
کیک
kidney کلّیه
کیدنی
kilogram کیلوگرم
کیلوگرَم
kilometer کیلومتر
کیلومیتر
kind مهربان، جنس
کایند
kindergarten کودکستان
کیندِرْگارتِن
king پادشاه
کینگ
kiosk کیوسک
کی‌یوسک
kiss بوسه، بوسیدن
کیس
kitchen آشپزخانه
کیچِن
kiwi fruit میوه کیوی
کی‌وی فْروت
ankle قوزک پا
اَنْکِل
knife چاقو، کارد
نایف
know دانستن، شناختن
نُ
kosher حلال (در مذهب یهود)



J

jacket کُت، ژاکت
جَکت

jail زندان
جیل

jam شیشه دهانه گشاد
جَم

January ژانویه
جَنی وری

Japan ژاپن
جَپان

Japanese ژاپنی
جَپانیز

jar مربا
جار

jaw آرواره
جا

jealous حسود
جیلِس

jeans شلوار جین
جینز

jeep جیپ
جیپ

jewellery جواهرات
جی یُولِری

Jewish یهودی
جوویش

job شغل
جاب

jogging دویدن(ورزش)
جاکینگ

joke لطیفه
جُک

journalist روزنامه نگار
جِرنالیست

journey سفر
جرنی

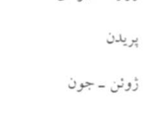
judge قضاوت کردن، داور
جاج

juice آبمیوه
جویس

July ژوئیه ـ جولای
جولای

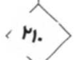
jump پریدن
جامپ

June ژوئن ـ جون
جون



لتاس

English	معنی	تلفظ
liar	دروغگو	لایر
library	کتابخانه	لایب رری
lice	شپش‌ها	لایس
licence	گواهی	لایسِنْس
licence plate	پلاک ماشین	لایسِنْس پْلیتْ
lie	دروغ گفتن، دراز کشیدن	لای
life	زندگی	لایف
life jacket	جلیقه نجات	لایف جَکت
lift	بلند کردن، آسانسور	لیفت
light	روشن، نور	لایت
lighter	فندک	لایْتر
like	دوست داشتن، مثلِ، شبیه	لایک
linen	کتان	لینِنْ
lips	لب‌ها	لیپس
lipstick	ماتیک	لیپ سْتیک
listen to	گوش دادن به	لِسِنْ تو
little	کوچک، کم	لیتِل
live	زندگی کردن	لیو
liver	کبد	لیور
lizard	مارمولک	لیزارد
local	محلی	لکال
lock	قفل، قفل کردن	لاک
locked	قفل شده	لاکت
long	طولانی، دراز	لانگ
look	نگاه کردن	لوک
look after	مراقبت کردن از	لوک اَفتر
look for	دنبال چیزی گشتن	لوک فُر
look out	مراقب بودن، پائیدن	لوک اَوت
loose	گشاد، شُل، لق، لوس	لوز
lose	گم کردن، باختن	لوز
lost	گم شده	لاست
love	عشق، دوست داشتن	لاو
lover	عاشق	لاوِر
low	پایین	لا
lubricant	روان کننده، روغن	لوبری کَنْتْ
luck	اقبال، شانس	لاک
lucky	خوش شانس	لاکی
luggage	چمدان، اثاثیه	لاگیج
lump	تکه، کلوخه	لامپ
lunch	نهار	



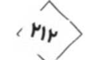


L

lace — توری، بند — لِیس
lake — دریاچه — لِیک
lamb — برّه — لَم
land — زمین، خشکی — لَنْد
landlady — صاحب خانه (زن) — لَنْد لیدی
language — زبان — لنگویج
laptop — لپ تاپ — لَپ تاپ
large — بزرگ — لارج
last — آخرین، گذشته — لَست
late — دیر — لیت
later — بعداً، دیرتر — لِیْتِر
laugh — خندیدن، خنده — لَفْ
laundry — رختشوی‌خانه — لاندری
law — قانون — لا
lawyer — وکیل — لُیِر
laxative — مسهل — لاکْسَتیو
lazy — تنبل — لِیزی
leader — رهبر — لیدِر
leaf — برگ — لیف
learn — آموختن، یاد گرفتن — لِرْن
leather — چرم — لِدِر
Lebanon — لبنان — لِبنان
lecturer — ناطق، سخنران — لِکْچِرِر
left — چپ، باقیمانده — لِفت
left luggage — چمدان جا مانده — لِفت لاگیج
left luggage office — دفتر چمدان‌های جا مانده — لِفت لاگیج آفیس
left – wing — جناح چپ — لِفت وینگ
leg — پا(از ران تا ساق پا) — لِگ
legal — قانونی، شرعی — لیگال
legislation — قانون گذاری — لِجیس لِیْشِن
lemon — لیمو — لِمِن
lemonade — لیموناد — لِمُنِید
lens — لنز — لِنْز
lentil — عدسی — لِنْتیل
less — کمتر — لِس
letter — نامه — لِدِر
lettuce — کاهو

M

machine	مشین	ماشین، دستگاه
magazine	مَگزین	مجله
mail	میل	نامه
mail box	میل باکس	صندوق نامه
main	مین	اصلی، عمده
main rood	مین رُد	جاده اصلی
make	میك	ساختن، وادار کردن
make – up	میک آپ	ترکیب، گریم، آرایش
male	میل	مذکر
man	مَن	مرد، انسان، بشر
manager	مَنیجر	مدیر
mandarin	ماندارین	نارنگی، نوعی عروسک
mango	مانگ	انبه
mansion	مَنشِن	خانه اربابی
manual worker	مَنرال وُرکر	کارگر دستی
many	منی	بسیاری، خیلی
map (of country)	مَپ (آو کانتری)	نقشه (کشور)
map (of town)	مَپ (آو تاون)	نقشه (شهر)
March	مارچ	مارس
margarine	مارجْزین	مارگارین، کره مصنوعی
marital status	مَریتال اسْتتوس	وضعیت تأهل
market	مارکت	بازار
marriage	مَرییج	ازدواج
married	مَرید	متأهل
marry	مَری	ازدواج کردن
martial arts	مارشیال آرتس	هنرهای رزمی
message	مسیْج	پیام، پیغام
mat	مَت	پادری، زیر بشقابی
match	مَچ	مسابقه، کبریت
mattress	مَترس	تشک
May	می	ماه می
maybe		شاید
mayor	میرْ	شهردار
mayonnaise	میُنِزْ	سُس مایونز
me	می	به من، مرا
meal	میل	وعده غذا
measles	میزلْز	سرخک
meat	میت	گوشت



لانچ

lung ریه

لانگ

lure فریفتن

لر

luxury تجملی

لاکشِری

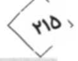
mosque مسجد
ماسک
mosquito پشه
ماسکی تُ
motel مُتل
مُتِل
mother مادر
مادِر
مادر زن ، مادر شوهر
mother-in- law
مادر ـ این ـ لا
motorbike موتور سیکلت
مُتُربایک
motor boat قایق موتوری
مُتُر بُت
motorway شاهراه
مُتُر وی
mountain کوهستان
مانتِین
mouse موش
ماس
movie فیلم
مووی
Mr. آقا
مِشتِر
Mrs / Miss خانم / دوشیزه
می‌سیز / میس
mud لجن
ماد
mum مادر
مام
mumps اوریون
مامپس
murder قتل، آدمکشی
مِردِر
muscle عضله، ماهیچه
ماسِل
museum موزه
می‌یوزی‌یوم
mushroom قارچ
ماش روم
music موسیقی
می‌یوزیک
music shop فروشگاه موسیقی
می‌یوزیک شاپ
Muslim مسلمانان
مازلِم
mustard خردل، سُس خردل
موس‌تارد
mute لال، خاموش، بی‌صدا
می‌یوت
my مال من
مای



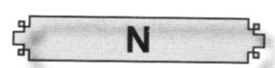


mechanic مکانیک
مکَنیک
media رسانه
مدی یا
medicine دارو
مدی سین
Mediterranean Sea دریای مدیترانه
مِدی‌ترنی ین سی
meeting نشست، جلسه، ملاقات
میتینگ
melon خربزه
مِلن
member عضو
مِمبِرْ
menstruation قاعدگی
مِنْستوریْشِن
menu صورت غذا
مِنیو
metal فلز، فلزی
متال
metro مترو
مترُ
metro train قطار مترو
مترُ ترِین
metro station ایستگاه مترو
مترُ ستیْشِن
microwave oven اجاق میکروویو
مایکرُ ویو اُون
midday نیم روز، ظهر
میددِی
midnight نیمه شب
مید نایت
migraine میگرن
میگرِیْن
military نظامی
میلیتاری
military service خدمت سربازی
میلیتاری سِرویس
milk شیر
میلک

millimeter میلی متر
میلی می‌تِر
million میلیون
میلیون
mince گوشت چرخ کرده
مینس
mineral water آب معدنی
مینرال واتِر
minute دقیقه
مینیتْ
mirror آینه
می‌رر
miss گم کردن، دلتنگ شدن (برای کسی)
میس
mistake اشتباه، اشتباه کردن
میستِیْک
mix مخلوط کردن
میکس
mobile phone تلفن همراه
مُبایل فُن
modern مُدرن، امروزی
مادرن
moisturizing مرطوب کننده
مُیسچرایزینگ
monastery صومعه
موناستری
Monday دوشنبه
مان دِی
money پول
مانی
month ماه
مانت
monument بنای یادبود
مانیومِنْتْ
moon ماه
مون
more بیشتر
مُر
morning صبح
مُرنینگ



noisy پر سر و صدا
نُیزی
none هیچ
نان
non-smoking غیر سیگاری
نان‌سْمُکینگ
noodles رشته
نودلِز
noon ظهر
نون
north شمال
نُرث
nose بینی
نُز
not نه
نات
notebook دفترچه
نُت بوک
nothing هیچ چیز
ناثینگ
November نوامبر
نُومْبِر
now حالا، اکنون
نَا
nuclear energy انرژی هسته‌ای
نوکلئار اِنِرجی
number شماره
نامبِر
nurse پرستار
نِرس



English	معنی	تلفظ
nail clippers	ناخن گیر	نِیل کْلیپرز
name	اسم	نِیم
napkin	دستمال سفره	نَپکین
nappy	بشقاب پیش دستی	نَپی
national park	پارک ملی	نَشْنال پارک
nationality	ملیت	نَشْنالیتی
nature	طبیعت	نِیچِر
nausea	تهوع	نازیا
near	نزدیک	نی یِر
nearby	مجاور،در همین نزدیکی	نی یِر بای
nearest	نزدیک ترین	نی یِرِست
necessary	ضروری	نِسِسِری
neck	گردن	نِک
necklace	گردن بند	نِک لِس
nectarine	شلیل	نِک تارین
need	نیاز، نیاز داشتن	نید
needle	سوزن	نیدِل
negative	منفی	نِگاتیو
neighborhood	همسایگی	نِیبِر هود
neither	نه	نایْدِر
neither...nor	نه...نه	نایْدِر...نور
net	شبکه، تور، خالص	نِت
Netherlands	هلند	نیدِرلَندز
never	هرگز	نِوِر
new	جدید	نی یو
New Year's Day	روز سال نو	نی یو یِرز دِی
New Year's Eve	جشن سال نو	نی یو یِرز ایو
New Zealand	نیوزلند	نی یو زیلَند
news-stand	دکه روزنامه	نی یوز اِسْتَند
newspaper	روزنامه	نی یوز پِیپِر
next	بعدی، بعد، آینده	نِکست
next to	نزدیکِ، کنار	نِکْست تو
nice	زیبا	نایس
nickname	اسم مستعار	نیک نِیم
at night	در شب	نایت
night club	کلوپ شبانه	نایت کلاب
no	نه، خیر، هیچ	نُ

اَوت ساید

oven اجاق

اُون

overdose دوز بالا

اُور دُز

overcoat پالتو

اُور کُت

overnight شبانه

اُور نایت

overseas خارج از کشور

اُور سیز

owe مدیون بودن

اُ

owner مالک

اُنِر

oxygen اکسیژن

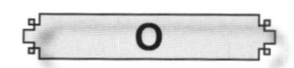
آکسی جن

oyster صدف خوراکی

اُیستر

ozone layer لایه اُزُن

اُزُن لِیر



ocean اُشِن	اقیانوس
October آکْتُبِرْ	اکتبر
of آو	از، کسره فارسی
office آفیس	اداره، دفتر کار
oil (food) اُیل (فود)	روغن (خوراک)
oil (petrol) اُیل (پتْرُل)	نفت
old اُلد	قدیمی، مسن
olive آلیو	زیتون
Olympic Games اُلمپیک گیمز	بازی‌های المپیک
omelette آمْلت	املت
on آن	روی
on time آن تایم	به موقع
once وانس	یک‌بار، وقتی‌که
one وان	یک
one – way وان وی	یک طرفه
onion آنین	پیاز
only اُنلی	فقط،تنها
open اُپن	باز
opening hours اُپنینگ آورْزْ	ساعات فعال
opera اُپرا	اپرا
opera house اُپرا هاس	سالن اپرا
operation اُپریشِنْ	عمل، عمل جراحی
operator اُپریتُر	کاربَر
opinion اپی نیون	عقیده، نظر
opposite آپازیت	مخالف، متضاد
optometrist اُپتُمتریست	اپتومتریست (تعیین کننده نمره چشم)
or اُر	یا
orange اُرَنج	پرتقال، نارنج
orange juice اُرَنج جویس	آب پرتقال
orchestra اُرکِسْتر	ارکستر
order اُردِر	دستور، نظم و ترتیب
ordinary اُردنری	معمولی، عادی
original اُریجینال	اصلی
other آدر	دیگر
our آور	مال ما
out of order اوت آو اُردر	غیر قابل استفاده، خراب
outside	خارج

English	فارسی	تلفظ
pedal	پدال	پدال
pen	قلم	پن
penalty	جریمه	پنالتی
pencil	مداد	پنسل
penicillin	پنی سیلین	پنی سیلین
people	مردم	پیپل
pepper	فلفل	پپر
per (day)	در هر (روز)	پر (دی)
percent	درصد	پرسنت
perfect	کامل، بی عیب و نقص	پرفکت
performance	اجرا، نمایش	پرفرمنس
perfume	عطر	پرفی یوم
period pain	درد قاعدگی	پیریود پین
permission	اجازه	پرمیشن
permit	پروانه، جواز، اجازه دادن	پرمیت
person	فرد، شخص	پرسن
petrol, gas	بنزین	پترل، گس
petrol station	پمپ بنزین	پترل ستیشن
pharmacist	داروساز، دارو فروش	فارمسیست
pharmacy	داروخانه	فارمسی
phone book	دفتر تلفن	فن بوک
phone box	باجه تلفن	فن باکس
phone call	تماس تلفنی	فن کال
phone number	شماره تلفن	فن نامبر
phone card	کارت تلفن	فن کارت
photo	عکس	فتُ
photographer	عکاس	فتگرافر
photography	عکاسی	فتگرافی
phrase book	کتاب اصطلاحات	فریز بوک
pickles	ترشی	پیکلز
picnic	پیک نیک، گردش دسته جمعی	پیک نیک
piece	قطعه، تکه	پیس
pig	خوک	پیگ
pill	قرص ـ قرص ضد حاملگی	پیل
pillow	بالش	پیلُ
pine apple	آناناس	پاین اپل
pink	صورتی	پینک
pistachio	پسته	پیستاچی یو
place	جا، مکان، محل	پلیس
plane	هواپیما	



P

package — بسته، جعبه
پَکیج

packet — بسته کوچک، قوطی
پَکِت

page — صفحه
پِیج

pain — درد
پِین

painful — دردناک
پِین فول

pain killer — ضد درد
پین کیلِر

painter — نقاش
پِینتِر

painting — نقاشی
پِینتینگ

pair — جفت
پیر

Pakistan — پاکستان
پاکیستان

palace — قصر، کاخ
پَلِس

pan — ماهی‌تابه
پَن

pants — شلوار
پَنتس

paper — کاغذ
پِیپِر

paper work — کارهای اداری، کاغذ بازی
پِیپِر وُرک

parents — والدین
پِرِنتس

park — پارک
پارک

park (a car) — پارک کردن (خودرو)
پارک (ا کار)

parliament — پارلمان
پارلِمِنت

part — بخش، قسمت
پارت

part- time — نیمه وقت
پارت ـ تایم

party — مهمانی، حزب
پارتی

pass — اجازه عبور، عبور کردن
پَس

passenger — مسافر
پَسِنجر

passport — پاسپورت، گذرنامه
پَسپُرت

past — گذشته
پَست

pasta — ماکارونی
پَستا

pastry — کیک، نان شیرینی
پِیستری

path — مسیر، راه باریک
پَث

pay — پرداختن (پول)
پِی

payment — پرداخت، پول، قسط
پِی‌مِنت

pea — نخود
پی

peace — صلح، آرامش
پیس

peach — هلو
پیچ

peak — قُله، خودکار
پیک

peanut — بادام
پی‌نات

pear — گلابی
پیر

poverty فقر
پاورتی
powder پودر
پادر
power قدرت
پاور
prawn میگو
پران
prayer دعا، نماز
پریر
prefer ترجیح دادن
پری‌فر
pregnancy حاملگی
پری گننْسی
pregnant حامله
پری گننْت
prepare آماده کردن
پری‌پیر
prescription نسخه
پْرِشکْرِی‌پشِن
present حال، هدیه، ارائه کردن
پری زنت
President رئیس جمهور
پرزیدنت
pretty زیبا، خوشگل
پریتی
previous قبلی، پیشین
پری‌وی‌یوس
price قیمت
پْرایس
priest کشیش
پْریست
Prime Minister نخست وزیر
پْرایم می‌نی‌سْتِر
printer چاپگر
پْرینتِر
prison زندان
پْریزن
prisoner زندانی
پْریزْنِر

private خصوصی، محرمانه
پرایْوِیْت
produce تولید کردن
پْرُدی‌یوس
profit سود، منفعت
پرافیت
program برنامه
پْرُگرام
projector پروژکتور
پْراجِکْتُر
promise قول، قول دادن
پْرامیس
protect حمایت کردن
پْرُتِکْتْ
provision شرط
پراویژن
prune آلو خشک، آرایش کردن
پرون
pub بار
پاب
public عمومی
پابْلیک
public relations روابط عمومی
پابْلیک ریلیْشِنْزْ
public telephone تلفن عمومی
پابلیک تلِفُن
public toilet توالت عمومی
پابلیک تُیْلِت
pull کشیدن
پول
pump پُمپ، تُلمبه، تُلمبه زدن
پامپ
puncture سوراخ، پنچر، سوراخ کردن
پانکْچِر
pure خالص
پی‌یور
purple ارغوانی
پرپل
purse کیف پول چرمی
پِرس

place of birth — محل تولد
پلیش آو برث

planet — سیاره
پلَنِت

plastic — پلاستیک، پلاستیکی
پلَستیک

plate — بشقاب، صفحه
پلیت

plateau — جلگه مرتفع، فلات
پلَتُ

platform — سکو
پلَتْ فُوم

playing cards — کارت‌های بازی
پلیینگ کارتس

play — بازی کردن
پلی

player — بازیکن
پلیر

plug — دوشاخه
پْلاک

pocket — جیب
پاکت

poetry — شاعری
پُئتری

point — نقطه، نکته، اشاره کردن
پُینت

poisonous — سمی
پُیزِنُس

police — شهربانی، مأموران شهربانی
پلیس

police station — پاسگاه پلیس
پلیس سْتیشِن

police officer — افسر پلیس
پلیس آفیسر

politician — سیاستمدار
پالتیشِن

politics — سیاست
پالتیکس

pollen — گرده گل
پلِن

pollution — آلودگی
پُلُشِن

pool (game) — پول شرط‌بندی (در بازی)
پول (گیم)

pool (swimming) — استخر (شنا)
پول (سوویمینگ)

poor — فقیر
پور

popular — محبوب، مردمی
پاپولار

pork — خوک
پُرت

port — بندر
پُرت

positive — مثبت
پازتیو

possible — ممکن، شدنی
پاسیبل

postage — پُستی
پُستیج

post card — کارت پستال
پُست کارد

post code — کُد پستی
پُست کُد

post office — اداره پُست
پُستْ آفیس

poster — پوستر
پُستر

pot — گلدان، کوزه، دیگ
پات

potato — سیب زمینی
پُتیتُ

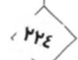
pottery — سفالگری
پاتِری

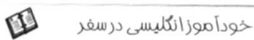
pound(money) — پوند (پول)
پاند (مانی)

pound(weight) — پوند (وزن)
پاند (وِیت)

R

English	معنی	تلفظ
race	نژاد، مسابقه	ریس
race track	مسیر مسابقه	ریس ترَک
racism	خشونت نژادی	ری سیزم
radiator	رادیاتور، خنک کننده	ردی یِتُر
radio	رادیو	ردی یو
railway station	ایستگاه راه‌آهن	رِیل‌وی سْتِیْشِن
raincoat	بارانی	رین کُت
Ramadan	رمضان	رَمَدان
rape	تجاوز به عنف	ریپ
rare (food)	نیم‌پز (غذا)	ریر (فود)
rare(uncommon)	کم (نادر)	ریر (آن‌کامان)
rash	کهیر، (حرف یا عمل) شتابزده	رَش
rat	موش خرما	رَت
raw	خام	را
razor	ریش تراش	ریْزر
razor blade	تیغ ریش تراش	ریْزر بْلیْد
read	خواندن، قرائت کردن	رید
reading	خواندن، قرائت	ریدینگ
ready	آماده، حاضر	ردی
real estate agent	مأمور معاملات ملکی	ری‌یل سْتیت اجِنْت
realistic	واقع گرا	ری‌یالیستیک
rear	پشت	ریر
reason	دلیل	ریزن
receipt	رسید	رسیت
recording	ضبط	ری‌کُردینگ
recently	اخیراً، جدیداً، به‌تازگی	ریسِنْتلی
recommended	توصیه شده	ری‌کامِنْدِدْ
recycle	بازیافت کردن	ری‌سایکِل
red	قرمز	رِد
referee	داور	ری‌فری
reference	کتاب مرجع، اشاره، رجوع	ری‌فرِنْس
refrigerator	یخچال	رِف‌ری‌جری‌تُر
refugee	پناهنده، آواره	رفیوجی
refund	بازپرداخت پول	ریفاند
refuse	امتناع کردن	رفیوز
regional	محلی	ری‌جی‌نال
registered	ثبت شده	رجیستِرْد
relationship	ارتباط	





push — هُل دادن، فشار دادن
پوش

put — گذاشتن، قرار دادن
پوت



Q

quality — کیفیت
کُوالیتی

quarter — ربع
کُرتِر

queen — ملکه
کوین

question — سؤال، سؤال کردن
کوسچِنْ

queue — صف
کیو

quick — سریع
کوئیک

quiet — آرام، ساکت
کُوایِت

quit — ترک کردن، تسلیم شدن
کُویت

رایبش

rubella سرخجه
روبِله

rug قالیچه، گلیم
راگ

rugby راگبی
راگبی

ruins خرابه‌ها
روئینز

rule قانون
رول

run دویدن
ران

running دو
رانینگ

runny nose بینی دارای آب‌ریزش
رانی نُز

Russia روسیه
راشی‌یا

Russian(language) روسی(زبان)
راشی‌یَن

S

sad غمگین
سَد

saddle زین
سَدِل

safe ایمن، امن، گاو صندوق
سیف

sailing boat کشتی بادبانی
سِیلینگ بُت

saint مقدس
سِیْنت

salad سالاد
سَلَد

salary حقوق ماهیانه
سَلری

sale فروش
سِیل

sales tax مالیات فروش
سِیْلز تَکس

salt نمک
سالت

same همان، همان یک
سِیم

sand شن، ماسه
سَنْدْ

sandal صندل
سَنْدَل

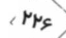
sanitary napkin نوار بهداشتی
سَنی‌تری نَپْکین

Saturday شنبه
سَتِردِی

sauce سُس
ساس

saucepan قابلمه
ساس‌پَن

sauna سونا
سَنا



ری‌لیشِن شیپ

English	معنی	تلفظ
relax	استراحت کردن	ریلَکس
religion	مذهب، دین	ریلیجن
remote	دور، دور دست	ریموت
remote control	کنترل از راه دور	ریموت کُنترل
rent	اجاره کردن	رنت
repair	تعمیر کردن	ری‌پیر
republic	جمهوری	ری‌پابلیک
reservation	رزرو، قید و شرط	رزرویشِن
rest	استراحت کردن، استراحت	رست
restaurant	رستوران	رِسْتُرنت
resume	رزومه	ری زوم
retired	بازنشسته	ریتایِرْد
return	برگرداندن، بازگشت	ریتِرْن
review	مرور کردن	ری‌یو
rhythm	ریتم	ریتم
rib	دنده	ریب
rice	برنج	رایس
rich	ثروتمند	ریچ
ride	سوار شدن، سواری کردن	راید
right	راست، صحیح	رایت
right – wing	جناح راست	رایت ـ وینگ
ring	حلقه، تلفن زدن	رینگ
rip – off	کالای بدلی، کلاه‌برداری	ریپ ـ آف
risk	به مخاطره انداختن، خطر کردن	ریسک
river	رودخانه	ریور
road	جاده	رُد
road map	نقشه جاده	رُد مپ
rob	دزدیدن، غارت کردن	راب
rock	صخره	راک
rock climbing	صخره نوردی	راک کلایمینگ
roll (bread)	نان ساندویچی	رُل (برِد)
Romania	رومانی	رُمانیا
romantic	عاشقانه	رُمانتیک
room	اتاق، جا	روم
rope	طناب، ریسمان	رُپ
room number	شماره اتاق	روم نامْبر
round	گرد	راند
route	مسیر	روت
rowing	پارو زدن	رُئینگ
rubbish	آشغال زباله	

سِکس
shade سایه
شِید
shampoo شامپو
شَمپو
shape شکل، قواره
شِیپ
share سهم، قسمت، شریک شدن
شِیِر
shave اصلاح کردن
شِیو
ship کشتی
شیپ
shirt پیراهن
شِرت
shoe shop فروشگاه کفش
شو شاپ
shoes کفش‌ها
شوز
shoot شلیک کردن، تیراندازی کردن
شوت
shop فروشگاه
شاپ
shopping خرید
شاپینگ
short کوتاه
شُرت
shortage کمبود
شُرتیج
shorts شلوار کوتاه
شُرتس
shoulder شانه
شُلدر
shout فریاد کردن
شاوت
show نشان دادن، نمایش
شُ
shower دوش
شاوِر
shine درخشیدن، واکس زدن

شاین
shut بستن
شات
shy خجول، خجالتی
شای
sick مریض
سیک
side پهلو، کنار، جهت
ساید
sign علامت،نشان، امضاء کردن
ساین
signature امضاء
سیگ‌نچر
silk ابریشم، ابریشمی
سیلک
silver نقره، نقره‌ای
سیلْوِر
SIM card سیم کارت
سیم کارت
similar مشابه، شبیه
سیمیلار
simple ساده
سیمپل
since چون، از، از وقتی که
سینس
single مجرد، تک، انفرادی
سینگل
sing آواز خواندن
سینگ
singer خواننده
سینگر
sister خواهر
سیستر
sit نشستن
سیت
size اندازه
سایز
skate اسکیت کردن
سْکِیت
ski اسکی کردن



sausage سوسیس
ساسیج
say گفتن
سِی
scalp پوست سر
سْکالپ
scarf روسری، شال
سْکارف
school مدرسه
سْکول
science علم، علوم
سایِنْس
scientist دانشمند
سایِنْتیست
scissors قیچی
سیزِرْز
score نمره، امتیاز، شماره بیست
سْکُر
score board صفحه امتیازات
سْکُربُرد
Scotland اسکاتلند
سْکاتْلَند
scrambled egg خاگینه
اسکرَمْبلد اگ
sculpture مجسمه سازی
اِسکالْپْچِر
sea دریا
سی
seasick دریازده
سی سیک
seaside کنار دریا
سی ساید
season فصل
سیزن
seat (place) صندلی
سیت (پلِیْس)
seat belt کمربند ایمنی
سیت بِلْت
second(time) ثانیه (زمان)
سِکِنْدْز (تایم)

second دوم، دومین
سِکَنْدْ
second class درجه دو
سِکَنْدْ کْلَس
second-hand دست دوم
سِکِنْدْ هَند
second-hand shop فروشگاه اجناس دست دوم
سِکَنْدْ هند شاپ
secretary منشی
سِکْرِتری
see دیدن
سی
self – service سلف ـ سرویس
سلف ـ سرویس
self – employed کار آزاد
سِلف ـ اِمْپْلُید
selfish خودخواه
سِلْفیش
sell فروختن
سِل
send فرستادن
سِنْدْ
sensible معقول، عملی، آگاه
سِنْسیبِل
sensual نفسانی، شهوانی
سِنْسوال
separate جدا کردن، مجزا، جداگانه
سِپِرِیْت
September سپتامبر
سِپْتِمْبِرْ
serious جدی، شدید، خطرناک
سیری یِس
service سرویس، خدمت
سِرویس
serviette دستمال یا سفره سر میز
سِروی یِت
several چندین، چند
سِوِرال
sex جنس، تأنیث یا تذکیر

سُر
south جنوب
ساوت
souvenir یادگاری
سُونی یر
space فضا
سْپِیْس
Spain اسپانیا
سْپین
Spanish اسپانیایی
سْپانیش
speak صحبت کردن
سْپیک
special مخصوص
سْپشیال
specialist متخصص
سْپشیالیست
speed سرعت
سْپید
speed limit حداکثر سرعت مجاز
سْپید لیمیت
speedometer سرعت سنج
سْپیدُ میتِر
spider عنکبوت
سْپایدر
spinach اسفناج
سْپیناچ
spoilt فاسد شده
سْپُیْلد
spoon قاشق
سْپون
sport ورزش
اسْپُرت
sports store فروشگاه وسایل ورزشی
سْپُرتس سْتُر
sportsperson ورزشکار
سْپُرتس پِرسِنْ
spring فنر، بهار، چشمه
سْپرینگ
square مربع، چهار راه، میدان

سْکُور
stadium استادیوم
سْتیدیم
stairway راه پله
سْتِیر وی
stale بیات، مانده، کهنه
سْتِیل
stamp تمبر
سْتَمْپ
stand -- by آماده
سْتَند بای
star ستاره
سْتار
(four) - star (چهار) ستاره
(فُر) ـ سْتار
start شروع، شروع کردن، شروع شدن
سْتارت
station ایستگاه
سْتِیْشِن
stationer's لوازم التحریر فروشی
سْتِیْشِنِرْز
statue مجسمه
سْتَچی یو
stay اقامت کردن
سْتِی
steak استیک، تکه گوشت کبابی
سْتیک
steal دزدیدن
سْتیل
steep سراشیب
سْتیپ
step پله، مرحله، گام
سْتِپ
stereo استریو
سْتِری یو
stock سهام، موجودی انبار
سْتاک
stockings جوراب‌های ساق بلند
سْتاکینگز
stolen دزدیده شده

skiing اسکی
شکیینگ
skin پوست
شکین
skirt دامن
شکرت
scull جمجمه
شکال
sled سورتمه
شلد
sleep خواب، خوابیدن
شلیپ
sleeping bag کیسه خواب
شلیپینگ بَگ
sleeping pill قرص خواب
سلیپینگ پیل
slice قطعه، برش
شلایس
slide اسلاید
شلاید
slow آهسته، کُند
شلُ
slowly به آهستگی
شلُلی
small کوچک
اشمال
smaller کوچکتر
شمالِر
smallest کوچکترین
شمالِشت
smell بوئیدن، بوی چیزی دادن
شمِل
smile لبخند زدن، لبخند
شمایل
smoke سیگار کشیدن، دود
سمُک
snack خوراک سبک
شنک
snail حلزون
شنیل
snake مار
شنیک
snow برف، برف باریدن
شنُ
snowboarding اسنو بُرد
شنُ بُردینگ
soap صابون
شُپ
soccer فوتبال
ساکِر
social welfare رفاه اجتماعی
شُشال ولْفیر
socialist سوسیالیست
شُشالیست
socks جوراب‌های ساق کوتاه
ساکس
soft drink نوشابه غیر الکلی
سافت درینک
soldier سرباز
شلْجِر
some مقداری، تعدادی
someone شخصی
سام وان
something چیزی
سام تینک
sometimes گاهی اوقات
سام تایمز
son پسر
سان
song آواز، سرود
سانگ
soon بزودی
سون
sore درد
شر
soup سوپ
سوپ
sour ترش

سوپرمارکت

superstition — عقیده به خرافات، موهوم پرستی
سوپرستیشن

supporter — حامی، طرفدار
ساپُرتر

surf — موج
سرف

surface mail — نامه زمینی
سرفیس میل

surfboard — تخته موج سواری
سرْف بُرد

surfing — موج سواری
سرْفینگ

surname — اسم فامیل
سر نیم

surprise — تعجب، حیرت
سرپرایز

sweater — عرق‌گیر، لباس ورزشی
سُوتر

Sweden — سوئد
سُودن

sweet — شیرین
سُویت

swelling — برجستگی، ورم، آماس
سُولینگ

swim — شنا کردن
سُویم

swimming pool — استخر شنا
سویمینگ پول

swimsuit — لباس شنا
سویم سوت

Switzerland — سویس
سویت زرلَنْد

Syria — سوریه
سیری‌یا

syringe — سرنگ
سی‌رینج

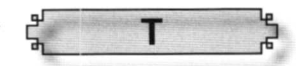


table — میز
تیْبل

table tennis — تنیس روی میز
تیْبل تنیس

table-cloth — رومیزی
تیْبل کْلث

tail — دُم، دنباله
تیل

tailor — خیاط
تیْلر

take — گرفتن، بردن، برداشتن
تیک

take a photo — عکس گرفتن
تیک ا فُتُ

talk — گفتگو کردن
تاك

tall — بلند، بلند قد
تال

tap — شیر آب
تَپ

tasty — بامزه
تیْستی

tax — مالیات
تَکْس

taxi — تاکسی
تَکْسی

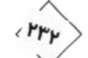
taxi rank — جایگاه تاکسی
تَکْسی رَنک

tea — چای
تی

teapot — قوری چای
تی پات

teaspoon — قاشق چایخوری
تی سْپون

teacher — معلم



سْتُلِن

stomach — معده، شکم

سْتُماک

stomachache — درد دل، درد شکم

سْتُماک ایک

stone — سنگ، سنگی

سْتُن

stop — توقف، ایستادن

سْتاپ

storm — طوفان

سْتُرم

story — داستان

سْتُری

stove — اجاق

سْتُوْ

straight — مستقیم، راست

سْتریت

strange — عجیب

سْترِینج

stranger — غریبه، بیگانه

سْترِنجر

strawberry — توت فرنگی

سْترابِری

steam — بخار

سْتیم

street — خیابان

سْتریت

street market — بازار خیابانی

سْتریت مارکت

strike — اعتصاب کردن

سْترایک

striker — اعتصاب کننده

سْترایکر

string — ریسمان، سیم، نخ

سْترینگ

stroke — ضربه، لطمه، نوازش کردن

سْترُک

stroller — ولگرد

سْترُلِر

strong — قوی، شدید

سْترُنگ

stubborn — یکدنده، سر سخت، لجوج

سْتابرن

student — دانشجو، دانش آموز

سْتودِنْت

studio — استودیو

سْتودیو

stupid — احمق، کُند ذهن

سْتیِ یوپید

style — سبک

سْتایل

subtitles — زیرنویس

ساب تایْتِلْز

suburb — حومه شهر

ساب ارب

subway — مترو، ترن زیرزمینی

ساب وِی

sugar — شکر

شوگِر

suitcase — چمدان

سوت کِیْس

summer — تابستان

سامِر

sun — خورشید

سان

sunburn — آفتاب سوختگی

سان برن

Sunday — یکشنبه

سان دِی

sunglasses — عینک آفتابی

سان گلَسْز

sunny — آفتابی

سانی

sunrise — طلوع آفتاب

سان رایز

sunset — غروب آفتاب

سان سِت

sunstroke — گرمازدگی

سان سْترُک

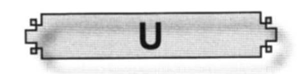
supermarket — سوپرمارکت

تین (کَن)

English	معنی	تلفظ
tin opener	درقوطی بازکن	تین اُپنِر
tiny	خیلی کوچک، ریز	تاینی
tip	نوک، انعام	تیپ
tire	خسته شدن، لاستیک اتومبیل	تایر
tired	خسته	تایِرْد
tissues	دستمال کاغذی	تیشی یوز
to	به، به سوی، به طرف	تو
toast	نان برشته، برشته کردن نان	تُست
toaster	تُستر، برشته کن	تُستِر
tobacco	توتون، تنباکو	تُباکو
tobacconist	سیگارفروش، تنباکو فروش	تُباکُنیست
today	امروز، امروزه	تودِی
toe	انگشت پا	تُ
together	با هم	توگِدر
toilet	توالت، آرایش، بزک	تُیْلِت
tomato	گوجه فرنگی	تومِیْتُ
tomb	قبر	توم
tomorrow	فردا	تمارو
tonight	امشب	تِنایت
too	همچنین، بیش از اندازه	تو
tooth	دندان	توت
toothache	دندان درد	توت‌ایک
toothbrush	مسواک	توت بْراش
toothpaste	خمیر دندان	توت پیِسْتْ
toothpick	خلال دندان	توت پیک
touch	لمس کردن	تاچ
tourist	جهانگرد	توریست
tourist office	دفتر جهانگردی	توریست آفیس
towel	هوله، حوله	تاول
tower	برج، پناهگاه	تاور
toxic	سمی	تاکسیک
toy shop	فروشگاه اسباب بازی	تُی شاپ
track	رد پا، اثر، مسیر، راه	تْرَک
trade	داد وستد کردن، بازرگانی، تجارت	ترید
traffic	ترافیک	ترَفیک
traffic light	چراغ راهنمایی	ترَفیک لایت
trail	دنباله، رد، اثر، جای پا	تریل
train	قطار	تریْن
train station	ایستگاه قطار	

تیچر
team تیم
تیم
technique تکنیک، فن، مهارت
تکنیک
teeth دندان‌ها
تیت
telegram تلگرام
تلگرام
telephone تلفن
تلفُن
television تلویزیون
تله‌ویژن
tell گفتن، نقل کردن
تِل
temperature درجه حرارت،دما، تب
تِمپِری‌چر
tennis تنیس
تِنیس
temple معبد
تِمپل
tent چادر
تِنت
terrible وحشتناک، شدید
تِری‌بل
test آزمون
تِست
thank تشکر کردن
تَنک
that که، آن
دَت
theater تئاتر
تیئاتر
their مال آنها
دِیر
them آنها را،به آنها
دِم
there آنجا
دِر
they آنها
دی
thick ضخیم، کلفت، غلیظ
تیک
third سوم، سومین
تِرد
think فکر کردن
تینک
thief دزد
تیف
thin نازک، رفیق
تین
thirsty تشنه
تِرستی
this این
دیس
thread نخ، ریسمان
تْرِد
throat گلو
تْرُت
thrush برفک
تْراش
Thursday پنجشنبه
تِرزدی
ticket بلیط
تیکِت
ticket booth باجه بلیطفروش
تیکِت بوت
ticket collector کنترل‌چی بلیط
تیکِت کُلکتُر
ticket office دفتر بلیط فروش
تیکِت آفیس
tide جزر و مد
تایِد
tight محکم، سفت، تنگ
تایت
time زمان
تایم
timetable جدول زمانی
تایم تیبِل
tin(can) قوطی کنسرو





ultrasound — مافوق صوت
اُلترا ساند
umbrella — چتر
آمْبرلا
uncomfortable — ناراحت
آن کامْفْتبل
understand — فهمیدن
آنْدرسْتَنْدْ
underwear — زیرپوش
آنْدِرْ ور
unemployed — بی‌کار
آن امْپلُید
unfair — ناعادلانه
آن‌فِیر
uniform — یونیفرم
یونی‌فُرم
universe — عالَم
یونی‌ورس
university — دانشگاه
یونی‌ورسیتی
unleaded — بدون سرب
آن لدد
unsafe — ناامن، خطرناک
آن سیف
until — تا، تا زمانی‌که
آن تیل
unusual — غیرمعمول، عجیب
آن یوژوال
up — بالا
آپ
uphill — سربالا، سربالایی
آپ هیل
urgent — ضروری، فوری
اِرجِنْتْ
urinary infection — عفونت ادراری
یوری‌نیری این‌فکْشن
U.S.A — آمریکا
یو اس ای
useful — مفید
یوس فول

تِرین سْتِیْشِن

tram ترامِوا
تْرَم

transit lounge سالن ترانزیت
تْرَنزیت لانج

translate ترجمه کردن
تْرَنْسْلیت

transportation حمل و نقل
تْرَنسپُورتِیْشِن

travel مسافرت، مسافرت کردن
تْراوِل

travel agency آژانس مسافرتی
تْرَوِل ای جِنْسی

travel sickness بیماری مسافرتی
تْرَوِل سیکْنِس

traveller's cheque چک مسافرتی
تْرَوِلِرز چک

tree درخت
تْری

trip سفر کوتاه
تْریپ

trolley چرخ دستی
تْرُلی

trousers شلوار
تْرازِرْزْ

truck کامیون
تْراک

trust اعتماد کردن، اعتماد، اطمینان
تْراست

try کوشش کردن
تْرای

T – shirt تی شرت
تی‌شِرت

tube لوله
تی‌یوب

Tuesday سه شنبه
تیوزْدِی

Turkey ترکیه
تِرکی

turkey بوقلمون
تِرکی

turn برگشتن، نوبت
تِرن

TV(television) تلویزیون
تی‌وی

twice دوبار
تْوایس

twin beds تختخواب دونفره
تْوین بِدْز

twins دوقلو
تْوینْزْ

two دو
تو

type نمونه، نوع، ماشین کردن
تایپ

typical نمونه(ای)، واقعی
تی‌پی‌کال

tyre تایر، لاستیک چرخ
تایِر

W

wage — مزد، دستمزد
ویج

wait for — انتظار کشیدن برای
ویْتْ فُر

waiter — گارسون، پیشخدمت
ویتِر

waiting room — اتاق انتظار
ویتینگ روم

wake up — بیدار شدن
ویک آپ

walk — قدم زدن
واک

wall — دیوار
وال

want — خواستن
وانْت

war — جنگ
وار

wardrobe — کُمد، گنجه
وارد رُب

warm — گرم
وارم

warn — خبر دادن، آگاه کردن
وارن

wash — شستن
واش

washing machine — ماشین لباس شویی
واشینگ ماشین

watch — تماشا کردن
واچ

water — آب
واتِر

water bottle — بطری آب
واتِر باتْلْ

waterfall — آبشار
واتِر فال

watermelon — هندوانه
واتِر مِلُن

waterproof — ضد آب
واتِر پروف

wave — موج، دست تکان دادن
ویو

way — راه، روش
وی

we — ما
وی

weak — ضعیف
ویک

wealthy — ثروتمند
ولثی

wear — پوشیدن
ویر

weather — هوا
ودِر

wedding — جشن ازدواج
ودینگ

Wednesday — چهارشنبه
ونْزْدِی

week — هفته
ویک

weekend — (تعطیل) آخر هفته
ویک اند

weigh — وزن داشتن
وی

weight — وزن
ویت

welcome — خوش آمد گفتن
ولکام

welfare — رفاه
ولْفِیْر

well — خوب
ول

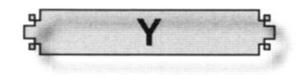
west — غرب
وست

wet — خیس، تر



vacancy جای خال
وی کِنسی
vacant خالی، آزاد
وی کِنْتْ
vacation تعطیلات
وَکِیْشِن
vaccination واکسیناسیون
وَکسینیْشِن
validate درستی چیزی را ثابت کردن
وَلیدِیْت
valley دره
وَلی
valuable باارزش
وَلی یوبِل
value ارزش
وَلی یو
van وانت، گاری، واگن باری
وَن
vegetables سبزیجات
وِجْتِبلز
vein ورید، سیاه‌رگ
وِین
venue محل دادگاه
وِنی یو
very خیلی
وِری
videocamera دوربین ویدیویی
وی دِیُ کَمرا
video recorder ضبط تصویری
وی دِیُ ری کُردِر
video tape نوار ویدیو
وی دِیُ تِیپْ
view منظره
وی یو
villa ویلا
ویلا
village دهکده، روستا
ویلیْج
vine تاک، مو
واین
vinegar سرکه
وینِگِرْ
vineyard تاکستان
وین یارد
virus ویروس
وایْرِس
visa ویزا
ویزا
visit دیدارکردن
ویزیت
vitamins ویتامین‌ها
وایْتامینز
voice صدای انسان
وُیس
volleyball والیبال
وُلی بال
volume حجم، گنجایش
وَلی یُم
vote رأی
وُت

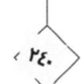




yacht نوعی قایق مسابقه‌ای
یات
year سال
یر
yellow زرد
یِلُ
yes بله
یِس
yesterday دیروز
یِس‌تِردِی
yoga یوگا
یوگا
yoghurt ماست
یوگِرت
you شما، به شما، شما را
یو
young جوان
یانگ
your مال شما، مال تو
یُر
youth hostel خوابگاه جوانان
یوث هاستِل



zip زیپ
زیپ
zoo باغ وحش
زو
zucchini کدو
زوکی‌نی



ویت

what چه، چه کاره

وات

wheel چرخ

ویل

wheelchair صندلی چرخ‌دار

ویل چیر

when چه هنگام، کی

وِن

where کجا

وِر

which کدام

ویچ

white سفید

وایت

who چه کسی

هو

why چرا

وای

wide پهن

وایت

wife همسر (زن)

وایف

win پیروز شدن

وین

wind باد

ویند

window پنجره

ویندُ

wine شراب

واین

winner برنده

وینِر

winter زمستان

وینتِر

wish آرزو داشتن، خواستن

ویش

with با، به‌وسیله، همراه

ویت

within درون، در داخل

ویتین

without بدون

ویت آوت

woman زن

وُمن

wonderful شگفت انگیز

واندر فول

wood چوب

وود

wool پشم

وول

word واژه، کلمه

وُرد

work کار

وُرک

work experience سابقه کاری

وُرک اکْسْپیری‌یِنْس

work out درآوردن، پیدا کردن

وُرک آوت

work permit اجازه کار

وُرک پرمیت

workshop کارگاه

وُرک شاپ

world جهان

وُرلد

world cup جام جهانی

وُرلد کاپ

worm کرم

وُرم

worried نگران

وُرید

worship پرستش کردن

وُرشیپ

wrist مچ

ریست

write نوشتن

رایت

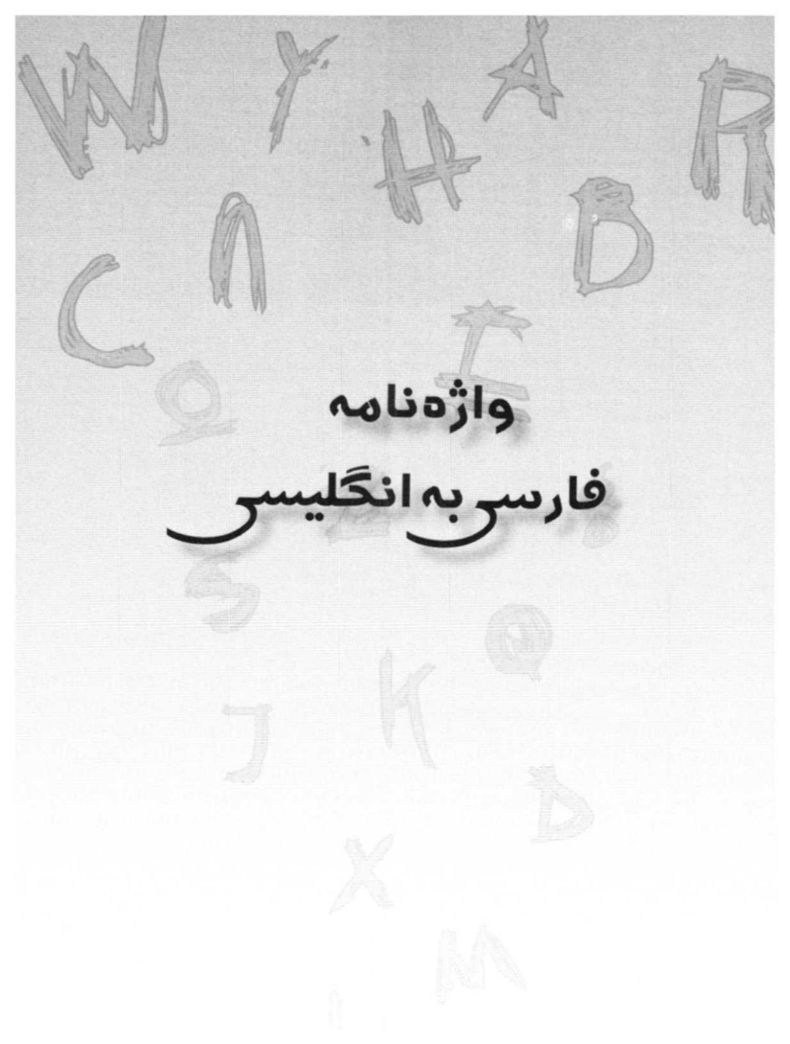
writer نویسنده

رایتِر

wrong اشتباه، غلط

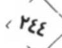






واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

معنی	English	تلفظ
آداپتور	adaptor	اَدِپتُر
نشانی، آدرس، خطاب کردن	address	اَدْرِس
آگهی	advertisement	اَدْورتایزمِنت
آمبولانس	ambulance	اَمبیولانس
آنتی بیوتیک	antibiotics	اَنتی بایاتیکس
آپارتمان	apartment	اپارتْمِنْتْ
آسیا	Asia	ای شیا
آسم	asthma	اَسْمه، اَزمه
آرایشگر، سلمانی	hairdresser	هِیر دِرِسِر
آبجو	beer	بیر
آزمایش، آزمایش کردن	test	تِست
آزمایش خون	blood test	بْلاد تِست
آوردن	bring	بْرینگ
آشپز	chef	شِف
آدامس	chewing gum	چوینگ گام
آبله مرغان	chicken pox	چیکِن پاکس
آمدن	come	کام
آسان	easy	ایزی
آموزش	education	اجوکِیشِنْ
آسانسور	elevator- lift	اِلِویتُر ـ لیفت
آشفته، دستپاچه	embarrassed	اِمْبَرِسْتْ
آتش	fire	فایر
آرد	flour	فلار
آنفلوآنزا	flu	فلو
آزاد	free	فری
آینده	future	فی یوچر
آلمانی	German	جرمن
صدمه زدن، آسیب رساندن	hurt	هِرت
آهن، اطو، اطو کردن	iron	آیْرُن
آن(بیجان، حیوان)	it	ایت
آرواره	jaw	جا
آبمیوه	juice	جویس
آشپزخانه	kitchen	کیچِن
آخرین، گذشته	last	لَست
آموختن، یاد گرفتن	learn	لِرْن
آب معدنی	mineral water	مینِرال واتِر
آینه	mirror	می رر
آقا	Mr	میسْتِر
آب پرتقال	orange juice	اُرَنج جویس
آناناس	pine apple	پاین اَپل



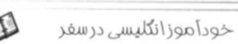
English	معنی	تلفظ
pollution	آلودگی	پُلُشن
prepare	آماده کردن	پری‌پیر
prune	آرایش کردن	پرون
quiet	آرام، ساکت	کُوایت
ready	آماده، حاضر	ردی
slow	آهسته، کُند	سْلُ
song	آواز، سرود، ترانه	سانگ
stand – by	آماده	سْتَند بای
sunny	آفتابی	سانی
sunburn	آفتاب سوختگی	سان برن
there	آنجا	در
they	آنها	دی
travel agency	آژانس مسافرتی	تْراوِلْ ایجِنْسی
America	آمریکا	اَمریکا
warn	با خبر کردن، آگاه کردن	وارن
water	آب	واتِر
waterfall	آبشار	واتِر فال
weekend	(تعطیل)آخر هفته	ویک اند
wish	آرزو داشتن، خواستن	ویش
accommodation	جای اقامت، محل سکونت	اَکُمُدیْشن
across	از عرض	اَکراس
addiction	اعتیاد	اَدیکْشن
often	اغلب	آفن
AIDS	ایدز	ایدز
alcohol	الکل	اَلْکُهول
altitude	ارتفاع	اَلتیتی یود
August	اوت	آگست
Australia	استرالیا	آسْترلیا
Austria	اطریش	آسْتریا
bank note	اسکناس	بَنک نُت
bedroom	اتاق خواب	بد روم
room	اتاق، جا	روم
Bibe	انجیل	بایبْل
bone	استخوان	بُن
break down	از کار افتادن، خراب شدن	بْرِک داون
bus	اتوبوس(بین شهری)	باس
station	ایستگاه (اتوبوس، قطار)	سْتیْشن
but	اما، به جز	بات
camp	اردوگاه	کَمْپ
car hire	کرایه ماشین	

کار هایر

hire	کرایه کردن	هایر
changing room	اتاق پرو	چنجینگ روم
cheap	ارزان	چیپ
choose	انتخاب کردن	چوز
clothing	البسه، پوشاک	کلوتینگ
cloud	ابر	کْلاد
cloudy	ابری	کْلادی
communications	ارتباطات	کامیونیکیشنْزْ
confession	اقرار	کانفشن
confess	اقرار کردن	کانفس
connection	اتصال	کانکْشنْ
credit	اعتبار	کْردیت
current affairs	امور جاری	کارنتافیزْ
deliver	تحویل دادن	دلیور
diarrhea	اسهال	دایاری‌یا
do	انجام دادن	دو
dole	اعانه، مقرری	دُل
drug addiction	اعتیاد به مواد مخدر	دْراگ اَدیکْشن
election	انتخابات	ایلکْشن
elect	انتخاب کردن(با رأی گیری)	ایلکْت
email	ای ـ میل، نامه الکترونی	ای ـ میل
emergency	اضطراری، ضروری	امرْجنْسی
emotional	احساساتی	امُشنال
England	انگلستان (کشور)	انگلَند
English(language,nationality)	انگلیسی (زبان، ملیت)	انگلیش
Europe	اروپا	یوروپ
fall	افتادن، سقوط کردن، پائیز	فال
feel	احساس کردن، لمس کردن	فیل
feelings	احساسات	فیلینگ
finger	انگشت دست	فینگر
toe	انگشت پا	تُ
first	اول، اولین	فرْسْتْ
furniture	اسباب و اثاث منزل	فرنی‌چر
grape	انگور	گریپ
gun	تفنگ	گان
haircut	اصلاح مو	هیر کات
he	او (مذکر)	هی
her	مال او (مؤنث)، او را، به او	هر
here	اینجا	هی‌یر

English	معنی	تلفظ
hire	اجاره کردن	هایر
hitchhike	اتو استاپ کردن	هیچ هایک
horse	اسب	هُرس
horse-riding	اسب سواری	هُرس رایدینگ
humanity	انسانیت	هی یومَنی تیز
information	اطلاع، اطلاعات	این فُر می شِن
inhaler	افشاننده	این هیلِر
Internet	اینترنت	اینتِرْنِت
Iran	ایران	آیران
Irland	ایرلند	آیرلَند
Italy	ایتالیا	ایتْلی
Italian	ایتالیایی	ایتالیَن
iron	اطو کردن، اطو، آهن	آیْرُن
luck	اقبال، شانس	لاک
main	اصلی، عمده، مهم‌ترین	مین
mango	انبه	مانگ
marriage	ازدواج	مَرییج
marry	ازدواج کردن	مَری
mumps	اوریون	مامپس
name	اسم، نامیدن	نیم
nickname	اسم مستعار، نام خودمانی	نیک نیم
ocean	اقیانوس	اُشِن
October	اکتبر	آکْتُبِرْ
of	از، کسره فارسی	آو
office	اداره، دفتر کار	آفیس
omelette	املت	اُمْلِت
opera	اپرا	اُپرا
optometrist	اپتومتریست	اُپْتُمِتریست
orchestra	ارکستر	اُرکِسْترا
original	اصلی	اُریجینال
oven	اجاق	اُوِن
oxygen	اکسیژن	آکسی جِن
pass	اجازه عبور، گذشتن، عبور کردن	پَس
performance	اجرا، نمایش	پِرْفُرمَنْس
permission, permit	اجازه	پرمیشِین، پرمیت
phrase book	کتاب اصطلاحات	فریْز بوک
pool (swimming)	استخر (شنا)	پول (سوویمینگ)
post office	اداره پُست	پُستْ آفیس
lilac	ارغوانی	لیلاک
recently	اخیراً، به تازگی	ریسِنْتلی

امتناع کردن	refuse رفیوز	اجاق	stove سْتُوْ
استراحت کردن	relax ریلَکس	اعتصاب کردن	strike سْترایک
اجاره کردن، کرایه دادن	rent رِنت	اعتصاب گر	striker سْترایکِر
امن، بدون خطر	safe سِیف	استودیو	studio سْتودیو
اسکاتلند	Scotland سْکاتْلَند	احمق، کند ذهن	stupid سْتی یوپید
اصلاح کردن (ریش)	shave شِیو	اسم فامیل	surname(family name) سِر نِیم، فَمیلی نِیم
امضاء	signature سیگنیچِر	استخر شنا	swimming pool سویمینگ پول
ابریشم	silk سیلْک	این	this دیس
اندازه	size سایْز	امروز، امروزه	today تُدِی
اسکیت، (کردن)	skate سْکِیت	امشب	tonight تنایت
اسکی (کردن)	ski سْکی	اعتماد، اعتماد کردن	trust تراست
آهسته رفتن، سُر خوردن	slide سْلاید	درستی چیزی را ثابت کردن	validate وَلیدِیت
اسنو بُرد	snowboarding سْنُ بُردینگ	با ارزش	valuable وَلی یوبل
اسپانیا	Spain سْپِین	ارزش	value وَلی‌یو
اسپانیایی	Spanish سْپانِش	انتظار کشیدن برای	wait for وِیْتْ فُر
اسفناج	spinach سْپیناچ	اتاق انتظار	waiting room وِیْتینگ روم
استادیوم	stadium سْتِیدیم	اجازه کار	work permit وُرک پرمیت
ماندن، اقامت کردن	stay سْتِی	اشتباه، غلط	wrong رانگ
استیک	steak سْتِیک	بالا	up آپ
استریو	stereo سْتِری‌یو	بازیگر (مرد)	actor اَکتُر



English	معنی	تلفظ
actress	بازیگر (زن)	اَکْترِس
adult	بزرگسال	اَدالت
afternoon	بعد از ظهر	اَفْترِنون
almond	بادام	آلمُند
ancient	باستانی	اینشِنت
argue	بحث کردن	آرگیو
arrest	بازداشت کردن	اَرِست
eggplant	بادنجان	اِگ پْلَنْت
aubergine	بادنجان	آبِرْجین
ATM	باجه خودپرداز	اِی تی اِم
baby	بچه	بیبی
bacon	بیکن	بیکِن
bad	بَد	بَد
change	باقیمانده پول	چنج
balcony	بالکن	بَلْکُنی
ballet	رقص دسته جمعی، باله	بَله
bank	بانک	بَنک
bar	میله، شمش،سَد	بار
baseball	بیسبال	بیس بال
basketball	بسکتبال	بَسْکِت بال
battery	باطری	بَتِری
bazaar	بازار	بِزار
be	بودن	بی
better	بهتر	بِتِر
best	بهترین	بِست
between	بین دو چیز	بیت وین
big	بزرگ	بیگ
bottle	بطری	باتِلْ
boxing	بوکس	باکسینگ
brochure	بروشور	بُرُشور
brother	برادر	بْرادِر
brush	برس، مسواک زدن	بْراش
Buddhist	بودایی	بودیست
budget	بودجه	باجِت
business	تجارت، بازرگانی	بی‌زی‌نِس
businessman	کاسب، بازرگان، تاجر	بی‌زی‌نِس‌مَن
close	بستن	کْلُز
closed	بسته	کْلُزد
play	بازی (کردن)	پلی
bigger	بزرگ‌تر	بیگِر



biggest بزرگترین
بیگِسْتْ
biscuit بیسکویت
بیسکُیت
برگه عبور (سوار شدن به هواپیما)
boarding pass
بُردینگ پَس
body بدن
بادی
check -- in desk باجه کنترل بلیط
چک ـ این دیسک
counter باجه، شمارشگر
کانْتِر
crash برخورد، سقوط
کراش
cut بریدن، برش
کات
dad بابا
دَد
diabetes بیماری قند، دیابت
دای بیتیز
disease بیماری
دیزیز
earn کسب کردن،به دست آوردن
اِرن
equal برابر
ایکُوال
equality برابری
ایکوالیتی
flea market بازار مکاره
فْلی مارکِت
for ever برای همیشه
فُر اوِر
from, of از
فرام ـ آو
game بازی (مسابقه)
گیم
garden باغ، باغچه
گاردن
gardener باغبان
گاردِنِر
gardening باغبانی
گارْدِنینگ
gas (petrol) بنزین
گس (پِتْرُل)
بیرون رفتن(برای غذا خوردن تفریح و غیره)
go out
گُ آوت
big بزرگ
بیگ
hair brush برس مو
هِیْرْبْراش
heater بخاری
هیتِر
high بالا
های
highway بزرگراه
های وی
huge بزرگ
هی یوج
ice – cream بستنی
آیس کریم
ill بیمار (صفت)
ایل
patient بیمار (شخص)
پیشِنت
in a hurry باعجله
این اِ هاری
innocent بی گناه
اینوسِنْتْ
insurance بیمه
اینشورنْس
international بین المللی
این تِرنَشنال
kiss بوسه، بوسیدن
کیس
lamb بَره
لَم
later بعداً، دیرتر
لِیْتِر

peanut بادام
پی‌نات
petrol, gas بنزین
پترُل، گس
phone box باجه تلفن
فُن باکس
pillow بالش
پیلُ
plate, dish بشقاب
پلیْتْ، دیش
player بازیکن
پلیر
port بندر
پُرت
program,plan برنامه
پْرُگرام، پْلَن
raincoat بارانی، پالتو
رین کُت
recycle بازیافت کردن
ری‌سایکل
refund بازپرداخت پول
ریفاند
relationship ارتباط
ری‌لِیْشن شیپ
retired بازنشسته
ریتایرْد
return بازگشت،برگرداندن، پس دادن
ریترْن
rice برنج
رایس
runny nose بینی دارای آب‌ریزش
رانی نُز
shut بستن، بسته
شات
smell بوئیدن، بوی چیزی دادن
شمِل
slowly به آهستگی
سْلُلی
snow برف، برف باریدن
سْنُ

leaf برگ
لیف
lift بلند کردن، آسانسور
لیفت
many بسیاری، خیلی
منی
market بازار
مارکت
me مرا،به من
می
him او را، به او (مذکر)
هیم
her او را، به او (مؤنث)
هر
them آنه را، به آنها
دِم
us ما را، به ما
آس
you تو را، به تو، به شما
یو
more بیشتر
مُر
nappy بشقاب پیش دستی
نَپی
next بعدی، آینده
نِکست
nose بینی
نُز
Olympic Games بازی‌های المپیک
اُلمپیک گیمز
on time به موقع
اُن تایم
open باز
اُپن
package بسته، جعبه
پَکیِج
packet بسته (کوچک)
پَکِتْ
part بخش، قسمت
پارت

soon بزودی
سون
steam بخار
شتیم
street market بازار خیابانی
ستریت مارکت
swelling برجستگی، آماس، تورم
سولینگ
tall بلند، قد بلند
تال
tasty بامزه، خوش‌مزه
تیشتی
thrush برفک
تراش
ticket بلیط
تیکت
ticket booth باجه بلیط فروشی
تیکت بوت
to به، به سوی
تو
cheer به سلامتی
چیر
together با هم
توگدر
tower برج
تاور
travel sickness بیماری مسافرت
ترول سیکنس
turn برگشتن، نوبت
ترن
unemployed بیکار
آن امپلید
unleaded بدون سرب
آن لدد
valuable باارزش
ولی‌یوبل
wake up بیدار شدن، بیدار کردن
ویک آپ
wind باد
ویند

winner برنده
وینر
with با، همراه با
ویت
without بدون
ویت اوت
yes بله
یس
zoo باغ وحش
زو
admission پذیرش
ادمیشن
ahead پیش، جلو
اهد
autumn پاییز
آتم
back پشت
بک
blanket پتو
بلنکت
boiled آب پز، پخته با آب جوش
بُیلد
booked out پُر شده، تماماً رزرو شده
بوکت اوت
boy پسر
بوی
bridge پل
بریج
butterfly پروانه
باترفلای
cash پول نقد، نقد کردن
کش
coat کُت
کُت
cocktail پیش‌خوراک
کاک تیل
cotton پنبه
کاتن
crowded پر ازدحام، شلوغ
کرادد

leg پا(از ران تا مُچ)
لِگ
licence plate پلاک ماشین
لایسِنْس پْلیْتْ
low, down پایین
لا ـ داون
message پیام، پیغام
مَسِیْج
money پول
مانی
mosquito پشه
ماسکی تُ
national park پارک ملی
نَشْنال پارک
noisy پر سر و صدا
نُیزی
nurse پرستار
نِرس
onion پیاز
آنیون
overcoat پالتو
اُور کُت
Pakistan پاکستان
پاکیستان
park پارک، باغ ملی
پارک
parliament پارلمان
پارلْمَنْتْ
passport پاسپورت
پَسپُرت
payment پرداخت، وجه، پول
پی مَنْتْ
pay پرداختن پول
پی
pedal پدال
پدال
penicillin پنی سیلین
پنی سیلین
petrol station پمپ بنزین
پترُل سْتیْشن

dad, father پدر، بابا
دَد
day after tomorrow پس فردا
دی اَفْتِر تومارو
day before yesterday پریروز
دِی بی‌فُر یِس‌تِردی
diaper پوشک
دایاپِر
doctor پزشک، دکتر
داکتِر
escalator پله برقی
اِسکیلِیْتِر
fan بادبزن، پنکه، طرفدار
فَن
father پدر
فادِر
father– in-law پدر زن ـ پدر شوهر
فادر ـ این ـ لا
fill پُر کردن، به کاری مشغول بودن
فیل
find پیدا کردن
فایند
flight پرواز (هواپیما)
فْلایت
fly پرواز کردن، مگس
فلای
flag پرچم
فلَگ
foot پا(از مچ به پائین)
فوت
full پُر، سیر
فول
grandfather پدر بزرگ
گرَنْدْ فادِر
hiking پیاده‌روی
هایکینگ
jump پریدن، جهیدن
جامپ
king پادشاه
کینگ

gas station
گس سْتیشِن
picnic پیک نیک، گردش دسته جمعی
پیک نیک
pistachio پسته
پیستاشیو
plastic پلاستیک، پلاستیکی
پلَستیک
police مأمورین شهربانی
پلیس
police station پاسگاه پلیس
پلیس سْتیشِن
پول شرط‌بندی (در بازی)
pool (game)
پول (گیم)
postage پُستی
پُستیج
poster پوستر
پُستر
pound(money) پوند (پول)
پاند (مانی)
pound(weight) پوند (وزن)
پاند (ویت)
powder پودر
پادِر
projector پروژکتور
پْراجکْتِر
pump پمپ
پامپ
rear پشت، عقب، مستراح
ریر
refugee پناهنده، آواره
رفیوجی
rowing پارو زدن
رُئینگ
napkin پوشک
نَپکین
shirt پیراهن
شِرت
skin پوست، پوست کندن
سْکین
step پله، گام، مرحله
سْتِپ
sweater عرق‌گیر، پولیور
سُوتِر
Thursday پنجشنبه
تِرزدی
wear پوشیدن
ویر
wide پهن، عریض
وایت
win پیروز شدن
وین
window پنجره
ویندُ
wool پشم
وول
worship پرستش کردن
وُرشیپ
air conditioning تهویه هوا
اِیر کاندیشِنینگ
alone تنها، به تنهایی
اَلن
ball توپ، گوی
بال
bitter تلخ، تند، طعنه آمیز
بیتِر
blister تاول
بلیسْتِر
board تخته، خوراک، هیئت
بُرد
bottom ته، پائین
باتِم
tram,cablecar تراموای برقی
تْرَم، کِیْبِل کار
call تلفن کردن، صدا زدن
کال
calendar تقویم
کَلِنْدِر
break شکستن، وقفه، زنگ تفریح

بْرِک

clean — تمیز، تمیز کردن

کْلین

Congratulations! — تبریک!

کانگْرَ جولِیْشِنز

currency exchange — تبادل ارز

کارِنْسي اِکْسْچِنْج

dark — تیره، تاریک

دارک

decide — تصمیم گرفتن

دی ساید

delay — تأخیر، درنگ، به تعویق انداختن

دی‌لِی

demonstration — تظاهرات

دی مانس تِری‌شِین

dice — تاس تخته نرد

دایس

direct-dial — تلفن مستقیم

دایْرِکْت ـ دایال

discount — تخفیف

دیسکانت

discrimination — تبعیض

دیس کْرِیمی نِیْشِنْ

egg — تخم مرغ

اِگ

entertainment — تفریح، سرگرمی

اِن تِرتِین مِنت

equipment — وسائل، تجهیزات

ایکویپ مِنْتْ

expiry date — تاریخ انقضاء

اِکْسْپایِری دِیت

fever — تب

فیوِر

fiction — تخیل، قصه، افسانه

فیکْشِن

finish — تمام کردن، تمام شدن

فینیش

full – time — تمام وقت

فول ـ تایم

guided tour — تور با راهنما

گایدِد تور

hill — تپه

هیل

history — تاریخ

هیسْتُری

historical — تاریخی

هیسْتُریکال

holiday — تعطیلات، مرخصی

هالیدی

inject — تزریق کردن

اینْجِکْتْ

injection — تزریق

اینجِکْشِن

lace — توری، بند کفش، بند پوتین

لِیس

lazy — تنبل

لِیْزی

lump, bit — قلمبه، تکه

لامپ، بیت

luxury — تجملی

لاکشِری

pickles — ترشی، خیارشور

پیکِلْزْ

produce — تولید کردن

پْرُدی‌یوس

public telephone — تلفن عمومی

پابلیک تِلِفُن

public toilet — توالت عمومی

پابلیک تُیْلِت

repair — تعمیر کردن

ری‌پیر

scoreboard — تخته امتیازات

سْکُربُرد

sour — ترش

سُر

stamp — تمبر

سْتَمْپْ

stop — توقف، توقف کردن، ایستادن

سْتاپ

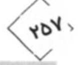
summer — تابستان

سامر

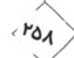
English	معنی	تلفظ
surfboard	تخته موج سواری	سِرْف بُرد
surprise	تعجب، شگفتی	سِرپرایز
taxi	تاکسی	تَکْسی
team	تیم	تیم
telegram	تلگرام	تلگرام
telephone	تلفن	تلفُن
television	تلویزیون	تله‌ویژن
thank	تشکر کردن	ثَنک
theater	تئاتر	تیئاتر
thirsty	تشنه	ثِرستی
tobacco	توتون، تنباکو	تُباکو
toilet	توالت	تُیْلِت
traffic	ترافیک	تَرَفیک
translate	ترجمه کردن	تْرَنْسْلِیت
T – shirt	تی شرت	تی‌شِرت
Turkey	ترکیه	تِرکی
twin beds	تختخواب دونفره	تْوین بِدْز
tyre	تایر، لاستیک اتومبیل	تایر
until	تا، تا وقتی که	آن تیل
uphill	سر بالا	آپ هیل
vine	تاک، مو	واین
vineyard	تاکستان	وین‌یارد
watch	تماشا کردن، ساعت مچی	واچ
registration	ثبت، ثبت نام	رجیستریْشِن
registered	ثبت شده	رجیسترْد
rich, wealthy	ثروتمند	ریچ، ولث
second(time)	ثانیه (زمان)	سِکَنْدْ (تایم)
answer	جواب، جواب دادن	اَنْسِر
box	جعبه	باکس
car park	جای پارک ماشین	کار پارک
celebration	جشن	سله بریْشِنْ
chicken	جوجه	چیکِن
direction	سو، جهت، راهنمایی	دایرِکْشِن
fine	خوب، جریمه، جریمه کردن	فاین
forest, wood(s)	جنگل	فُرِست، وود(ز)
Friday	جمعه	فرایدِی
grandma	جد مادری، مادربزرگ	گْرَنْدْ ما
grandpa	جد پدری، پدربزرگ	گْرَنْدْ پا
injury	جراحت، آسیب بدنی	این جری
interesting	جالب، جالب توجه	

ساوت
stockings جوراب‌های ساق بلند
ستاکینگز
taxi rank جایگاه تاکسی
تکسی رنک
tide جزر و مد
تاید
tourist جهانگرد
توریست
vacancy جای خالی
وی‌کنسی
war جنگ
وار
wedding جشن ازدواج
ودینگ
world جهان
وُرلد
world cup جام جهانی
وُرلد کاپ
young جوان
یانگ
baggage چمدان، بار و بُنه مسافر
بگیج
boots چکمه
بوتس
check چک کردن
چک
check,cheque چک (بانکی)
چک
China چین
چاینا
cycle دوچرخه سواری کردن، چرخ، دوره
سایکل
excess baggage چمدان اضافه
اکسس بگیج
eyes چشم‌ها
آیز
fat چاق، چربی
فت

اینترستینگ
island جزیره
آیلند
jeep جیپ
جیپ
jewellery جواهرات
جی‌یولری
left – wing جناح چپ
لفت وینگ
life jacket جلیقه نجات
لایف جکت
main rood جاده اصلی
مین رُد
New Year's Eve جشن سال نو
نی‌یو یرز ایو
pair جفت
پیر
penalty جریمه، تاوان
پنالتی
plateau جلگه مرتع، فلات
پلتُ
pocket جیب
پاکت
republic جمهوری
ری‌پابلیک
right – wing جناح راست
رایت ـ وینگ
road جاده
رُد
separate جدا کردن، مجزا، جداگانه
سپریِت
serious جدی، شدید، خطرناک
سیری‌یوس
sex جنسیت (مرد یا زن)
سکس
skull جمجمه، کاسه سر
سکال
socks جوراب‌های ساق کوتاه
ساکس
south جنوب



who هو	چه کسی	glue گلو	چسب
why وای	چرا	lamp لَمْپْ	لامپ چراغ
wood وود	چوب	how هاو	چگونه، چقدر
accident اَکسیدِنْتْ	حادثه، تصادف	knife نایف	چاقو، کارد
account اَکانت	حساب، شمردن، فرض کردن	leather لدر	چرم، چرمی
allergy اَلرجی	حساسیت	left لفت	چپ، باقیمانده
animal اَنیمال	حیوان	left luggage لِفت لاگیج	چمدان یا اثاثیه جا مانده
bank account بَنْک اَکانت	حساب بانکی	luggage لاگیج	چمدان، اثاثیه
banknote بَنک نُت	اسکناس	several سِورال	چند، چندین
bath بَت	حمام	since, as سینس، از	چون‌که، زیرا
bug, insect باگ، اینسکْتْ	حشره	something سام تینک	چیزی
carry کَری	حمل کردن	suitcase سوت کِیْسْ	چمدان
transportation ترنسپُوتِیْشن	حمل و نقل	tea تی	چای
civil rights سیویل رایتس	حقوق شهروندی	traffic light ترَفیک لایت	چراغ راهنمایی
conditioner(hair) کاندی شِنِر	حالت دهنده (مو)	traveller's cheque ترَولرز چک	چک مسافرتی
guess گِس	حدس زدن	trolley ترُلی	چرخ دستی
halal هَلال	حلال	umbrella آمْبرلا	چتر
heart attack هارت اَتک	حمله قلبی	Wednesday وِنْزْدی	چهارشنبه
heat هیت	حرارت، گرما	wheel ویل	چرخ
jealous جیلِس	حسود	when وِن	چه هنگام، کی



boring خسته کننده، کِسِل کننده
بُرینگ
buy خریدن
بای
convenience store خواربارفروش کوچک
کانوی‌نی‌ینس سْتُر
dried fruit خشکبار
درایِد فْروت
dry خشک، خشک کردن
دْرای
eat خوردن
ایت
empty خالی
ایمْپْتی
end خاتمه، پایان
اِند
excluded خارج از
اِکسکلودِد
Exit خروج، خروجی، خارج شدن
اکسیت، اگزیت
family خانواده
فَمیلی
fault خطا، نقص، اشتباه، گناه
فالت
faulty خطاکار، معیوب، ناقص
فالتی
foreign خارجی، بیگانه
فُرین
funny خنده‌دار، جالب
فانی
God خدا
گاد
good خوب
گود
grocery خواربار فروشی، بقالی
گْرُسِری
grey خاکستری
گری
handsome خوش اندام

kosher حلال (در مذهب یهود)
کُ شِر
now حالا
نَا
pregnant حامله
پری گْنَنْت
pregnancy حاملگی
پری گْنَنْسی
present حال، هدیه، ارائه دادن
پری زنت
protect حمایت کردن، حفظ کردن
پرُتِکْتْ
ring حلقه، زنگ زدن، تلفن کردن
رینگ
salary حقوق ماهیانه
سَلِری
service charge حق سرویس
سرویس چارج
snail حلزون
سْنِیل
maximum, at most حداکثر
ماکزیمُ، اَتْ مُسْتْ
speed limit حداکثر سرعت مجاز
سْپید لیمیت
suburb حومه شهر
ساب‌اِرب
supporter حامی، طرفدار
ساپُرتِر
volume حجم، گنجایش
وَلی‌یُم
wage حقوق هفتگی
ویج
abroad خارج از کشور
اَبْرُد
avenue خیابان
اَوین یو
blood خون
بلاد
bored خسته، کِسِل
بُرد

هَنسم

beautiful — خوشگل، زیبا
بی‌یوتی‌فول

happy — خوشحال
هَپی

homemaker,housewife — خانه‌دار
هُم میکِر، هاوس وایف

home — خانه، وطن
هُم

itch — خارش
ایچ

laugh — خنده، خندیدن
لاف، لَف

lucky — خوش شانس
لاکی

mansion — خانه اربابی
مَنشِن

melon — خربزه
مِلُن

military service — خدمت سربازی
میلیتاری سِرویس

Mrs, Ms — خانم،خانمی که نمی‌دانیم ازدواج کرده یا نه
می‌سیز - میز

mustard — خردل، سُس خردل
موس‌تارد

no — خیر، هیچ
نُ

outside — خارج از
اَوت ساید

overseas — خارج از کشور
اُور سیز

pig — خوک
پیگ

pure — خالص، پاکیزه
پی‌یور

raw — خام، نپخته
را

read — خواندن
رید

ruins — خرابه‌ها
روئینز

scrambled egg — خاگینه
اِسکرَمبْلد اگ

selfish — خودخواه
سِلفیش

shopping — خرید
شاپینگ

shy — خجول، خجالتی
شای

sing — خواندن (آواز)
سینگ

singer — خواننده
سینگر

sister — خواهر
سیستر

sleep — خواب، خوابیدن
سْلیپ

smile — لبخند، لبخند زدن
سْمایل

snack — خوراک سبک
سْنَک

food, meal — خوراک، وعده غذا
فود، میل

street — خیابان
سْتریت

sun — خورشید
سان

superstition — خرافه‌پرستی، عقیده به خرافات
سوپرسْتیشِن

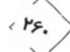
tailor — خیاط
تِیلِر

tire — خسته شدن، لاستیک اتومبیل
تایر

tired — خسته
تایرْد

tooth paste — خمیر دندان
توت پیسْت

tooth pick — خلال دندان



English	معنی	تلفظ
		توت پیک
very	خیلی، بسیار	وِری
vacant	خالی، بی‌مقصدی	وی‌کنْتْ
want	خواستن	وانت
good	خوب	گود
Welcome.	خوش آمدید	ولکام
wet	خیس، تَر	ویت
youth hostel	خوابگاه جوانان	یوث هاستِل
aunt	خاله، عمه	اَنْتْ
about	درباره، در حدود	اِبات
acropolis	دژ، قلعه	اَکْراپلیس
administration	دستگاه اجرایی	اَدمِنیسترِیْشِنْ
again	دوباره	اگِیْن
another	دیگر	انادِر
at	دَر، نزدیک، پشت	اَت
avocado	درخت آوکادو	آوکادُ
beside	در کنار	بی‌ساید
bike, bicycle	دوچرخه	بایک، بای سیکِل
boyfriend	دوست پسر	بُی فْرِنْد
girlfriend	دوست دختر	گِرل فْرِنْد
buddy	دوست، رفیق	بادی
button	دگمه	باتِن
camera	دوربین	کَمِرا
corkscrew	در بطری بازکن	کُرک اسْکرو
cough medicine	داروی سرفه	کاف مِدیسین
court	دادگاه، حیاط، میدان	کُرْت
crazy	دیوانه	کریْزی
cycling	دوچرخه سواری	سایکلینگ
cyclist	دوچرخه سوار	سایکلیست
daughter,girl	دختر	داتِر، گِرل
December	دسامبر	دیسِمْبر
democracy	دمکراسی	دی‌مُکراسی
Denmark	دانمارک	دِن مارک
dentist	دندان‌پزشک	دِن تیست
departure gate	دروازه خروج (مسافران هواپیما)	دی‌پارچِر گِیت
disco	دیسکو	دیسکو
door	در	دُر
dozen	دوجین(۱۲ عدد)	دازِن
DVD	دی وی دی	دی وی دی
engaged (busy)	درگیر (مشغول کار)	

انگیْجْد (بی زی)

exactly — دقیقاً
اِگزَکتلی

far — دور، به مراتب
فار

first class — درجه یک
فرست کلَس

follow — دنبال کردن، پیروی کردن
فالُ

friend — دوست
فْرند

gate — دروازه
گیْتْ

glove — دستکش
گلوْ

government — دولت، حکومت
گاورمنْتْ

grapefruit — دارابی
گرِپ فروت

hand — دست، کمک
هَند

handkerchief — دستمال
هَنکرچیف

handle bar — دسته(فرمان)دوچرخه
هَندل بار

handmade — دست ساز
هَنْدْمیْدْ

hot — داغ
هات

hug — در آغوش گرفتن
هاگ

in — درون، داخل
این

in front of — در مقابل
این فرُنت آو

jogging — دویدن ملایم
جاکینگ

run, running — دویدن
ران، رانینگ

know — دانستن، شناختن
نُ

lake — دریاچه
لیک

late — دیر
لیت

liar — دروغگو
لایر

lie — دروغ گفتن، دراز کشیدن
لای

office — دفتر (اتاق)، اداره
آفیس

notebook — دفتر (نوشتن)
نُت بوک

lost –property office — دفتر اشیاء گم شده
لاست- پْراپِرْتی آفیس

sea — دریا
سی

Monday — دوشنبه
مان دی

napkin — دستمال سفره
نَپکین

news-stand — دکه روزنامه فروشی
نی یوز اِستَند

order — دستور، نظم
اُردر

pain — درد
پیْنْ

painful — دردناک
پیْنْ فول

percent — درصد
پرسِنْت

period pain — درد قاعدگی
پیریود پین

pharmacist — داروخانه دار، دارو فروش
فارمسیست

phone book — دفتر تلفن
فُن بوک

drug,medicine — دارو

دراگ، مدی‌سین

English	تلفظ	معنی
prayer	پریر	دعا، نماز
reason	ریزن	دلیل
referee	ری‌فری	داور
remote	ریموت	دور، دور دست
rib	ریب	دنده (بدن)
gear	گیر	دنده (ماشین)
rob	راب	دزدیدن، غارت کردن
scientist	سایِنتیست	دانشمند
seasick	سی‌سیک	دریازده
see	سی	دیدن
second class	سکنْدْ کْلَس	درجه دو
second-hand	سکنْدْ هَند	دست دوم
second	سکنْدْ	دوم، دومین، ثانیه
serviette	سروی‌یت	دستمال سفره
shine	شاین	درخشیدن، واکس زدن
shower	شاوِر	دوش
skirt	شکِرت	دامن
sore, pain	سُر	درد
steal	شتیل	دزدیدن
stolen	شتُلن	دزدیده شده
stomachache	شتُماک‌ایک	درد شکم، دل درد
story	شتُری	داستان
student	شتودِنْتْ	دانشجو، دانش آموز
tooth	توت	دندان
teeth	تیت	دندان‌ها
thief	تیف	دزد
ticket office	تیکت آفیس	دفتر بلیط فروشی
toothache	توت‌ایک	دندان درد
tourist office	توریست آفیس	دفتر جهانگردی
trail	تریل	دنباله، رد
tree	تْری	درخت
twice	تْوایس	دوبار
two	تو	دو
twins	توئیْز	دوقلو
university	یونی‌ورسیتی	دانشگاه
valley	وَلی	دره
village	ویلیْج	دهکده، روستا
visit	ویزیت	دیدارکردن
wall	وال	دیوار
within		درون، در داخل، ظرف مدت

ویتین

yesterday — دیروز

یس‌تردی

uncle — دایی، عمو

آنکل

corn — ذرت

کُرن

food supplies — ذخایر و منابع غذایی

فود ساپلایز

bed linen — روتختخوابی

بدلینن

birthday — روز تولد

برت دی

cloak room — رختکن (در هتل و غیره)

کُلاک روم

comfortable — راحت، آسوده

کامفْرْتبل

computer — رایانه

کَمپی‌یوتر

daily — روزانه

دیلی

dance — رقص (رقصیدن)

دَنس

day — روز

دی

diet — رژیم (غذایی)

دایت

dream — رویا، در رویا دیدن

دْریم

drive — رانندگی کردن

دْرایو

free — رایگان ـ آزاد

فری

guide — راهنمایی کردن

گاید

guide(person) — راهنما (فرد)

گاید (پرسن)

walk, hike — راه رفتن، پیاده روی

واک، هایک

journalist — روزنامه نگار

جرنالیست

laundry — رختشوی خانه

لاندری

leader — رهبر

لیدر

lubricant — روان کننده

لوبری کَنْتْ

newspaper — روزنامه

نی‌یوز پیپر

on — روی

اُن

President — رئیس جمهور

پرزیدنت

public relations — روابط عمومی

پابْلیک ریلیْشنْزْ

quarter — ربع

کُوْتر

radio — رادیو

ردی‌یو

Ramadan — رمضان

رَمَدان

receipt — رسید

رسیت

razor — ریش تراش

ریْزر

reservation — اختصاص به خود، شرط، قید

رزرْویْشن

restaurant — رستوران

رسْتْرنت

resume — رزومه

ریزوم

rhythm — ریتم، قافیه

ریزم

ride — سواری کردن، سوار شدن

راید

right — راست، درست، حق

رایت

خطر کردن، خود را به مخاطره انداختن

English	Persian	Pronunciation
below, under	زیر	بی‌لُ، آندر
chain	زنجیر	چِین
early	زود	اِرلی
earth	زمین،خاک	اِرت
flare	زبانه آتش، سوختن	فلِر
garbage	زباله	گاربیج
indoor	زیر سقف، درون خانه	این دُر
jail, prison	زندان	جیل، پری‌زن
prisoner	زندانی	پْریزْنِر
kick	لگد زدن، پاس دادن	کیک
ankle	قوزک پا	اَنْکل
language	زبان(کلام)	لنگویج
tongue	زبان (عضو بدن)	تانگ
life	زندگی، عمر	لایف
live	زندگی کردن	لیو
time	زمان، وقت، بار، دفعه	تایم
nice, pretty	زیبا	نایس و پْرِیتی
beautiful	قشنگ	بی‌یوتیفول
saddle	زین	سَدل
subtitle	زیرنویس	ساب‌تایْتِل

English	Persian	Pronunciation
risk		ریسک
river	رودخانه	ریور
Romania	رومانی	رُمانیا
rugby	راگبی	راگبی
Russia	روسیه	راشی‌یا
Russian (language)	روسی(زبان)	راشی‌یَن
stairway	راه پله	سْتِیر وی
string	ریسمان، طناب	سْتْرینگ
table-cloth	رومیزی	تِیْبِل کْلُث
light	روشن، سبُک	لایت
lung	ریه	لانگ
New Year's Day	روز سال نو	نی‌یو یرز دِی
track, way, route	راه	تْرَک، وِی، روت
vote	رأی	وُت
welfare	رفاه	وِلْفِیْر
apricot	زردآلو	اَپریکات
ashtray	زیر سیگاری	اَشتری
basket	زنبیل، سبد	بَسْکِتْ
because,since	زیرا، چونکه	بی‌کاز، سینس
bee, wasp	زنبور	بی، وَسپ

زیرپوش
underwear
آندِرْ وِر

زن
woman
وُمِن

زرد
yellow
یِلُ

زیپ
zip
زیپ

ژاندارم
gendarme
جِن دارم

ژیمناستیک
gymnastics
جیم ناستیکس

ژانویه
January
جَنی وِری

ژاپن
Japan
جَپان

ژاپنی
Japanese
جَپانیز

ژوئیه ـ جولای
July
جولای

ژوئن، جون
June
جون

سن، عصر، دوره
age
ایج

ساعت زنگ دار
alarm clock
آلارم کْلاک

سیب
apple
اَپِل

سالن زیبایی
beauty salon
بی‌یوتی سالون

سیاه
black
بْلَک

سینه بند
bra
برا

سینه
breast
برِست

سطل
bucket
باکت

ساختن
build
بیلد

سازنده، بساز و بفروش
builder
بیلدِر

سوختن، سوزاندن
burn
بِرن

سرطان
cancer
کَنسِر

سِنت، یک صدم دلار
cent
سِنت

سانتی متر
centimeter
سِنْتی میتِر

سرامیک
ceramics
سِرامیکس

سیگار بَرگ
cigar
سیگار

سیگار
cigarette
سیگارِت

سینما
cinema
سینِما

سیرک
circus
سیرکِس

ساعت دیواری یا رومیزی
clock

سوسک حمام
cockroach
کاک رُچ

سرد
cold
کُلد

سکه
coin
کُین

سرفه
cough
کاف

سُنّت، رسم
custom, tradition
کاسْتِم، تْرَدیشِن

سپرده (بانکی)
deposit (bank)
دی‌پازیت (بنک)

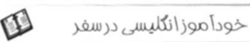
سرخ کردن، کباب کردن
fry
فْرای

سرخ کرده
fried
فراید

سراشیبی
downhill
داون هیل

English	معنی	تلفظ
embassy	سفارتخانه	اِمْباسی
fast	تند،سریع، به سرعت، روزه(گرفتن)	فَست
flood	سیل	فْلاد
floor	کف اتاق، طبقه	فْلُر
garbage can	سطل زباله	گاربیج کَنْ
garlic	سیر	گارلیک
grateful	سپاسگذار، شاکر	گریت‌فول
green	سبز	گرین
hard	سخت، به سختی، به شدت	هارد
head	سر، رئیس	هد
headache	سردرد	هدیک
health	سلامتی	هلْث
heavy	سنگین، شدید	هِوی
journey,trip,travel	سفر	جِرنی، تْریپ، تْراول
make	ساختن، وادار کردن	میک
mayonnaise	سُس مایونز	مِیِنِز
measles	سرخک	میزلْز
cinema, theatre	سینما، تئاتر	سی‌نِما، تی آتِر
opening hours	ساعات فعال (باز)	اُپنینگ آورْز
opera house	سالن اپرا	اُپرا هاس
planet	سیاره	پِلَنِتْ
platform	سکو	پلَتْ فُوم
poisonous	سمی، زهرآلود	پُیزِنِس
politics	سیاست	پالتیکس
politician	سیاستمدار	پالتیشن
potato	سیب زمینی	پُتیتُ
pottery	سفالگری،ظروف سفالی	پاتری
puncture	سوراخ کردن، پنچر	پانکْچِر
question	سؤال، سؤال کردن	کوسچِنْ
rubella	سرخجه	روبله
salad	سالاد	سَلَد
sauce	سُس	ساس
sauna	سونا	سَنا
sausage	سوسیس	ساسیج
self – service	سلف ـ سرویس	سلف ـ سرویس
September	سپتامبر	سِپْتِمْبِرْ
service	سرویس، خدمت	سرویس
shade	سایه	شید
simple	ساده	سیمپل
SIM card	سیم کارت	

سیم کارت
sled سورتمه
سْلِد
smoke سیگار کشیدن، دود دادن
سْمُک
socialist سوسیالیست
سُشالیست
soldier سرباز
سُلْجر
soup سوپ
سوپ
speedometer سرعت سنج
سْپیدُ میتِر
speed سرعت
سْپید
star ستاره
سْتار
steep سراشیبی، سرازیر، تند
سْتیپ
stock سهام، موجودی، قنداق تفنگ
سْتاک
Sweden سوئد
سُودن
Switzerland سویس
سویت زرلَنْد
Syria سوریه
سیری یا
syringe سرنگ
سی رینج
tobacconist سیگارفروش
تُباکُنیست
toxic سمی
تاکسیک
transit lounge سالن ترانزیت
تْرَنزیت لانج
Tuesday سه شنبه
تیوزدِی
vegetables سبزیجات
وِجْتبلز
record سابقه،ثبت،ضبط کردن
رِکُرد
year سال
یر
abortion سقط جنین
اَبُرشِن
bet شرط بستن، شرط
بِت
brave شجاع
بْرِیو
broken شکسته
بْرُکِنْ
break شکستن
بْرِک
candle شمع
کَندِل
candy شیرینی، نبات
کَنْدی
champagne شامپاین
شَمپِیْن
chance شانس، بخت، فرصت
چَنْس
chess شطرنج
چِس
chessboard صفحه شطرنج
چس بُرد
chestnut شاه بلوط
چست نات
chocolate شوکولات
چاکْلیت
city شهر
سیتی
citizenship شهروندی
سیتی‌زن شیپ
comb شانه،شانه کردن
کامب
company شرکت، کارخانه
کامپانی
complaint شکایت
کامْپلِیْنْت
complain شکایت کردن

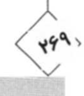


کامپلین

English	معنی	تلفظ
cookie	شیرینی	کوکی
count	شمردن	کانت
dive	شیرجه رفتن	دایو
east	شرق، خاور	ایست
faucet	شیر آب	فاست
fencing	شمشیر بازی	فنسینگ
float	شناور بودن، غوطه‌ور بودن	فلُت
hear	شنیدن	هی یر
husband	شوهر	هازبند
identification	شناسایی، هویت	آی‌دن‌تی‌فی‌کیشن
including	شامل	اینکلودینگ
indicator	شاخص، نمایشگر	ایندیکیتِر
jeans	شلوار جین	جینز
like	شبیه،مثل،مانند	لایک
mayor	شهردار	میِز
maybe	شاید	می بی
milk	شیر (خوراکی)	میلک
motorway	شاهراه	مُتر وی
nectarine	شلیل	نِک‌تارین
at night	در شب	

نایت

English	معنی	تلفظ
number	شماره، عدد	نامبر
overnight	شبانه	اُور نایت
pants,trousers	شلوار	پنتس، ترازرز
phone number	شماره تلفن	فُن نامبر
poetry	شاعری	پُئتری
sand	شن،ماسه	سَنْد
Saturday	شنبه	سَتِردِی
scarf	شال، روسری	شکارف
shampoo	شامپو	شَمپو
shape	شکل، قواره	شِیپ
share	سهم، شریک شدن	شِیر
shoot	شلیک کردن	شوت
shorts	شلوار کوتاه	شُرتس
shoulder	شانه	شُلدر
someone	شخصی	سام وان
start	شروع کردن، شروع شدن	ستارت
sugar	شکر	شوگر
sweet	شیرین	سُویت
swim	شنا کردن	سُویم
wash	شستن	



morning مُرنینگ	صبح
oyster اُیستر	صدف خوراکی
page پیْج	صفحه
peace پیس	صلح، آرامش
pink پینک	صورتی
rock راک	صخره
rock climbing راک کلایمینگ	صخره نوردی
safe سِیف	ایمن،بی‌خطر،گاوصندوق
sandal سَنْدَل	صندل
seat, chair سیت، چیر	صندلی
soap سُپ	صابون
voice وُیس	صدا (انسان)
noise نُیز	سر و صدا(آزار دهنده)
wheelchair ویل چیر	صندلی چرخ‌دار
hundred هاندرد	صد
antihistamines اَنتی هیستامینز	ضد هیستامین
antiseptic اَنتی سپتیک	ضد عفونی
deodorant دئودُرانت	ضد بو،دئودورانت
guaranteed گارانتید	ضمانت شده
necessary نِسِسِری	ضروری

واش	
wine واین	شراب
wonderful واندِر فول	شگفت انگیز، عالی
bill, check بیل، چک	صورتحساب (رستوران)
cashier کَشی‌یر	صندوقدار
chair چیْر	صندلی
chat up چَت آپ	صحبت کردن
speak سْپیک	صحبت کردن
craft کرافت	استادی، صنعت
desert دیزرت	صحرا
face فیس	صورت، صفحه(ساعت)
flat فْلَتْ	صاف، پهن، مسطح
high chair های چیر	صندلی پایه بلند (برای کودک)
industry این داستْرْی	صنعت
keyboard کی‌بُرد	صفحه کلید
landlady لَنْدْ لیدی	صاحب خانه (زن)
landlord لَنْدْ لُرد	صاحب خانه (مرد)
mail box میل باکس	صندوق نامه
menu مِنیو	صورت غذا
monastery موناستری	صومعه

ضد درد
pain killer
پین کیلِرْ

ضربه، لطمه،حمله
stroke
سْتْرُک

ضخیم، کلفت، غلیظ
thick
تیک

ضمیمه
appendix
اَپندیکس

ضربه مغزی
concussion
کانکاشِن

ضبط صوت
tape /cassette recorder
تیپ / کَسِت ریکُرْدر

طراحی کردن
design
دی‌زاین

طناب،ریسمان
rope
رُپ

طبقه
floor, storey
فْلُر، سْتُری

طبل
drum
دْرام

طویل، طولانی، دراز
long
لانگ

طول، دراز
length
لنت

طبیعت
nature
نِیْچِر

طبیعی
natural
نَچْرال

طوفان
storm
سْتُرم

طلوع آفتاب
sunrise
سای‌رایز

غذا، ظرف غذا
dish
دیش

ظهر
noon
نون

عصبانی
angry
اَنگری

عربی
Arabic
اَرَبیک

عمه، خاله
aunt
اَنت

عمو، دایی
uncle
آنْکل

عید کریسمس
Christmas Eve
کریْسمَس ایو

عمیق
deep
دیپ

عروسک
doll
دال

عید پاک
Easter
ایسْتِر

عصر
evening
ایوینینگ

سن، عصر (دوره)
age
ایج

عالی، بسیار خوب
excellent
اکسلْنت

عوض کردن، مبادله کردن
exchange
اکْسْچِنْج

عینک، لیوان
glasses
گْلَسِزْ

عینک آفتابی
sunglasses
سان گْلَسِزْ

علف، چمن
grass
گْرَش

عفونت
infection
این فِکْشِن

عناصر و اجزاء
ingredient
این گری دی یِنْتْ

عراق
Iraq
ای‌راک

عدسی
lentil
لِنْتیل

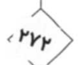
عشق، دوست داشتن
love
لاو

عاشق
lover
لاور

عضو
member

ممبِز

English	معنی	تلفظ
muscle	عضله، ماهیچه	ماسِل
operation	عمل، عمل جراحی	اُپریشِنْ
opinion	عقیده، نظر	اپی نیون
perfume	عطر	پرفی یوم
photo	عکس	فُتُ
photographer	عکاس	فُتُگرافر
photography	عکاسی	فُتُگرافی
romantic	عاشقانه	رُمانتیک
science	علم، علوم	سایِنْس
sign	علامت، نشانه،امضاء کردن	ساین
spider	عنکبوت	سْپایْدِر
take a photo	عکس گرفتن	تیک ا فُتُ
take a picture	عکس گرفتن	تیک ا پیکْچِر
universe	عالَم، جهان	یونی‌ورس
urinary infection	عفونت ادراری	یوری‌نِری این‌فکْشِن
baptism	غسل تعمید	بَپ‌تیزم
cave	غار	کِیوْ
food	غذا	فود
dinner	شام	دِینِر
diving	غواصی	دایْوینگ
feed	غذا دادن به	فید
non-smoking	غیر سیگاری	نان سْمُکینگ
out of order	غیر قابل استفاده، خراب	اَوت آو اُردِر
sad	غمگین	سَد
sunset	غروب آفتاب	سان سِت
west	غرب، باختر	وست
activist	فعال	اَکتیویسیت
airport	فرودگاه	ایر پُرت
film, movie	فیلم	فیلم، مووی
blood pressure	فشار خون	بلاد پِرشِر
camerashop	فروشگاه دوربین	کَمرا شاپ
pepper	فلفل	پپِر
chilli	فلفل قرمز	چیلی
cigarette lighter	فندک	سیگارت لایتِر
clothing store	فروشگاه لباس	کلوتینگ سْتُر
cup	فنجان	کاپ
dawn	فجر،سپیده دم	داون
department store	فروشگاه چند طبقه	دیپارتمانت سْتُر
electrical store	فروشگاه لوازم برقی	



می یوزیک شاپ

only, just — فقط
اُنلی، جاست

poor — فقیر
پور

poverty — فقر
پاورتی

push — فشار دادن، هُل دادن
پوش

carpet, rug — فرش، قالیچه
کارْپِت، راگ

sale — فروش
سِیل

season — فصل
سیزِن

second – hand shop — فروشگاه لوازم دست دوم
سِکِنْدْ هند شاپ

sell — فروختن
سِل

send — فرستادن
سِنْدْ

shop, store — فروشگاه
شاپ، سْتُر

shout — فریاد کردن
شاوت

space — فضا
سْپِیْس

spoilt — فاسد شده، خراب،ضایع
سْپُیْلْد

spring — فنر، بهار، چشمه
سْپرینگ

sports store — فروشگاه وسایل ورزشی
سْپُرتس سْتُر

think — فکر کردن
تینک

tomorrow — فردا
تمارو

toy shop — فروشگاه اسباب بازی
تُی شاپ

الکْتریکال سْتُر

equal opportunity — فرصت برابر
ایکوال اُپُرتیونیتی

opportunity — فرصت، مجال
اُپُرتی یونیتی

Farsi — فارسی
فارسی

fax — فکس
فَکس

February — فوریه
فبْری ری

festival — فستیوال،جشنواره
فستیوال

filtered — فیلتر شده
فیلتِرْدْ

Finland — فنلاند
فینلَند

flannel — فلانل،زیر پوش پشمی
فْلَنِلْ

flash — برق زدن،برق، روشنایی مختصر
فْلَشْ

football — فوتبال
فوت بال

forget — فراموش کردن
فُرگت

fountain — فواره، چشمه
فانتِین

France — فرانسه
فْرانس

hardware store — فروشگاه ابزار آلات
هاردور سْتُر

lighter — فندک
لایْتِر

lure — فریفتن
لُر

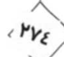
metal — فلز، فلزی
متال

movie — فیلم
مووی

music shop — فروشگاه موسیقی



English	تلفظ	معنی
understand	آندرستند	فهمیدن
ago	اگ	قبل، پیش
before	بی‌فُر	قبل از، قبل از اینکه
already	آلردی	قبلاً، تا کنون
antique	اَنتیک	کهنه، باستانی
receipt	رسیت	قبض
baggage claim	بَگیج کْلیم	قبض چمدان
borrow	بَرُ	قرض گرفتن
brown	براوْن	قهوه‌ای
butcher	بوچر	قصاب
can, tin	کَن، تین	قوطی کنسرو، قوطی حلبی
caretaker	کِیر تیکر	قیم
castle	کَسِل	قلعه
cemetery	سِمِتْری	قبرستان
championship	چَمپین شیپ	قهرمانی
coffee	کافی	قهوه
compass	کامْپس	قطب نما
contraceptives	کانتراسِپتیوز	قرص ضد حاملگی
pill, tablet	پیل، تَبْلت	قرص
contract	کانتراکت	قرارداد
cupboard	کابرد	قفسه
Cyprus	سیپروس	قبرس
drug trafficking	دْراگ تْرافیکینگ	قاچاق مواد مخدر
eye drops	آی دْراپس	قطره چشم
family room (restaurant)		قسمت خانوادگی (رستوران)
ferry, ship	فری، شیپ	قایق، کشتی
grave, tomb	گْریو، توم	قبر
judge	جاج	قضاوت کردن، قاضی
law	لا	قانون
legal	لیگال	قانونی، شرعی
legislation	لِجیس لِیْشِن	قانون گذاری
lock	لاک	قفل، قفل کردن
locked	لاکت	قفل شده
menstruation	مِنْستوریْشِن	قاعدگی
motor boat	مُتُر بُت	قایق موتوری
murder	مِرْدر	قتل، آدمکشی
mushroom	ماش روم	قارچ
old	اُلد	قدیمی، مسن، پیر
palace	پَلَس	قصر، کاخ
peak	پیک	قله، نوک





English	تلفظ	معنی
pen	پن	قلم، خودکار
piece	پیس	قطعه، تکه
pill	پیل	قرص
power	پاور	قدرت، نیرو
previous	پری‌وی‌یس	قبلی، پیشین
price	پْرایس	قیمت
promise	پْرامیس	قول، قول دادن
red	رد	قرمز
rule	رول	قاعده، قانون
saucepan	ساس‌پَن	قابلمه
scissors	سیزرْزْ	قیچی
sleeping pill	سْلیپینگ پیل	قرص خواب
slice	سْلایس	قطعه، برش
spoon	سْپون	قاشق
teaspoon	تی سْپون	قاشق چایخوری
teapot	تی پات	قوری چای
train	تریلنْ	قطار
walk	واک	قدم زدن، راه رفتن
agriculture	اَگریکالچر	کشاورزی
back	بَک	کمر، پشت
backache	بَک ایک	کمر درد
back pack	بَک پَک	کوله پشتی
bag	بَگ	کیسه
blind	بلایند	کور
ship, boat	بُت، شیپ	کشتی، قایق
book	بوک	کتاب
bookshop	بوک شاپ	کتاب فروشی
bowl	بُل	کاسه
briefcase	بریف کِیس	کیف دستی
broccoli	بْراکْلی	کلم سیاه
bruise	بْروز	کوفتگی
butter	باتِر	کره
cabbage	کَبیج	کرفس
cake	کِیک	کیک
Canada	کَنَدا	کانادا
caravan	کاراوان	کاروان
carton	کارْتن	کارتن
casino	کَسینو	کازینو
cassette	کست	کاست
cathedral	کَتیدرال	کلیسای جامع



English	معنی	تلفظ
cheat	گول زدن، حقه زدن	چیت
Christmas	کریسمس	کْرِیسْمَس
church	کلیسا	چرچ
class	دسته،طبقه،کلاس	کْلَس
classical	کلاسیک	کْلَسیکال
clutch	کلاچ، چنگ، چنگ زدن	کْلاچ
cocaine	کوکائین	کُکئین
cocoa	کاکائو	کُکُ
comedy	کمدی، نمایش خنده‌دار	کامِدی
commission	کمیسیون، نمایندگی، مأموریت	کامیشِن
communist	کمونیست	کامیونیست
concert	کنسرت	کانْسِرت
conference	کنفرانس، مشاوره، مذاکره	کانفِرِنْس
consulate	کنسولگری	کانسُلِیْت
corner	کُنج،گوشه، زاویه	کُرنِر
country (nation)	کشور	کانْتْری
coupon	کوپن	کوپان
courgette	کدو	کُرژت
cream	کرم، خامه	کْریم
worm	کِرم	وُرم
card	کارت	کارت
credit card	کارت اعتباری	کْرِدیت کارد
deaf	کَر، ناشنوا	دف
dirty	کثیف	دِرْتی
employee	کارمند	ایمپلویی
employer	کارفرما	ایمْپلویر
factory	کارخانه	فَکتُری
worker	کارگر	وُرکر
fare	کرایه	فِر
farmer	کشاورز	فارمِر
few	خیلی کم(تعداد)	فی‌یو
first – aid kit	کیت کمک‌های اولیه	فِرْست ـ اِید ـ کیت
grill	کباب کردن	گْریل
handbag	کیف دستی	هَند بَگ
hat	کلاه	هَت
helmet	کلاه خود، کلاه ایمنی	هِلْمت
help	کمک کردن، کمک	هلپ
internet café	کافی نِت	اینْتِرنت کَف
jacket	کُت، ژاکت	جَکت
key	کلید	

کی

ketchup — کَچاپ،سُس گوجه فرنگی

کِچاپ

kidney — کلیه

کیدنی

kilogram — کیلوگرم

کیلوگرَم

kilometer — کیلومتر

کیلومیتر

kindergarten — کودکستان

کیندرگارتن

kiosk — کیوسک

کی‌یوسک

less — کمتر

لس

lettuce — کاهو

لتوس

library — کتابخانه

لایب رری

linen — کتان

لینِن

little — کوچک، کم(مقدار)

لیتِل

liver — کبد

لیور

manual worker — کارگر دستی

منوال وُرکر

paper — کاغذ

پیپِر

paper work — کارهای اداری، کاغذ بازی

پیپِر وُرک

cake, pastry — کیک

کیک، پَستری

perfect — کامل، بی عیب و نقص

پرفکت

phone card — کارت تلفن

فُن کارت

playing cards — کارت‌های بازی

پلیینگ کارتس

priest — کشیش

پُریست

pull — کشیدن

پول

purse — کیف پول چرمی

پرس

quality — کیفیت

کُوالیتی

quantity — کمیت

کُوانتیتی

rare — کم (نادر)

ریر

rash — کهیر

رَش

rip – off — کالای بدلی، کلاه‌برداری

ریپ ـ آف

sailing boat — کشتی بادبانی

سِیلینگ بُت

seaside — کنار دریا

سی ساید

seat belt — کمربند ایمنی

سیت بِلت

self-employed — دارای کار آزاد

سِلف ـ ایمپلوید

shoes — کفش‌ها

شوز

shortage — کمبود، کسری

شُرتیج

short — کوتاه

شُرت

sleeping bag — کیسه خواب

سْلیپینگ بَگ

smaller — کوچک‌تر

سْمالِر

smallest — کوچکترین

سْمالِسْت

ticket collector — کنترل‌چی بلیط

تیکِت کُلکْتُر

tiny — بسیارکوچک، ریز

تاینی

truck — کامیون

تراک

try — کوشش کردن، کوشش
ترای

wardrobe — کمد، گنجه، جالباسی
وارد رُب

where — کجا
ور

which — کدام
ویچ

work — کار، کارکردن
وُرک

workshop — کارگاه
وُرک شاپ

worm — کرم
وُرم

zucchini — کدو
زوکی‌نی

gallery — گالری، تماشاخانه
گَلری

group, band — گروه
گروپ، بَند

beggar — گدا
بِگار

birth certificate — گواهی تولد
بِرْث سِرتیفیکِیْت

gas — گاز، بنزین
گَس

bite — گاز گرفتن (سگ)
بایت

blood group, (type) — گروه خون
بلاد گروپ(تایپ)

caravan — گاری، کاروان
کَروَن

cat — گربه
کَت

cauliflower — گل کَلَم
کُلی فلاور

certificate — گواهی
سِرتیفیکِیْت

corner — گوشه، کُنج
کُرنِر

cow — گاو ماده
کاو

cross — از عرض رد شدن، نژاد، عصبانی
کْراس

customs — گمرک
کاسْتِمْزْ

dizzy — گیج، گیجی، گیج کننده
دیزی

dome — گنبد
دوم

driver's license — گواهینامه رانندگی
دْرایوِرز لایْسِنْس

ear — گوش
ایر

earplugs — گوش بند
ایرپلاگز

earrings — گوشواره
ایرینگز

endangered species — گونه‌های در معرض خطر
اِنْدَنْجرد ایسپیشز

expensive — گران قیمت
اِکسْپِنسیو

flower — گل
فْلاوِر

florist — گل فروش
فْلُریست

garage — گاراژ
گْراژ

gearbox — گیربکس، جعبه دنده
گیرباکس

Georgia — گرجستان
جُرجیا

get — گرفتن، رسیدن، شدن
گِت

golf — گُلف(بازی)
گُلْفْ

gram — گرم

گُرَمْ

guilty گناهکار
گیلتی
guitar گیتار
گیتار
ham گوشت ران خوک
هَم
hungry گرسنه
هانگْری
license گواهی‌نامه، امتیاز
لایسِنْسْ
listen to گوش دادن به
لِسِنْ تو
loose گشاد، لق، شُل، بی رمق
لوز
lose گم کردن،باختن
لوز
lost گم شده
لاست
meat گوشت
میت
mince گوشت چرخ کرده
مینس
neck گردن
نِک
necklace گردن بند
نِک‌لِس
pear گلابی
پیر
pork گوشت (خوک)
پورک
pollen گرده گل
پُلِن
put گذاردن، قرار دادن
پوت
say, tell گفتن
سِیْ، تِل
sunstroke گرمازدگی
سان سْتْرُک
take گرفتن، بردن
تِیک

throat گلو
ثْرُت
tomato گوجه فرنگی
تُمِیْتُ
waiter گارسون، پیشخدمت
ویْتِر
warm گرم
وارم
tax مالیات
تَکس
airport tax مالیات فرودگاه
ایر پُرت تَکس
altar محراب کلیسا
آلتِر
ant مورچه
اَنت
appointment قرار ملاقات
اَپُیتمِنْتْ
meet, visit ملاقات کردن
میت، ویزیت
architect مهندس معمار، آرشیتکت
آرکیتکت
architecture معماری
آرکیتِکچر
blocked مسدود
بلاکت
busy مشغول، شلوغ
بی‌زی
calculator ماشین حساب
کَلْکولِیْتُر
camp site محل اردو زدن
کَمْپْ سایت
car ماشین
کار
care دقت، توجه، مراقبت کردن
کِیر
center مرکز
سِنْتر
catholic,Christian مسیحی، وابسته به مسیحیان

کَتلیک، کریسچنْ

check point — محل بازرسی
چک پُینت

city center — مرکز شهر
سیتی سِنْتر

client — مشتری، موّکل
کْلایِنْتْ

complimentary — مکمل
کامْپْلیمِنْتاری

crèche — مهد کودک
کْرِش

deal, trade — معامله
دیل، تِرید

destination — مقصد
دستینیشن

different — متفاوت، مختلف، گوناگون
دیفِرِنْتْ

difficult — مشکل
دیفی کالت

direct — مستقیم
دایْرِکْتْ

director — مدیر، رئیس
دایْرِکْتُر

manager — مدیر
مَنیجر

disabled — معلول
دیس ایْبِلْدْ

divorced — مطلقه
دیوُرسد

documentary — مستند، مدلل
داکیومِنْتری

double — مضاعف، دو برابر
دابِل

drug — دارو (مخدر)
دْراگ

drug dealer — مواد فروش
دْراگ دیلِرْ

drug user — مصرف کننده دارو
دْراگ یوزر

drunk — مست
دْرانک

duty – free — معاف از مالیات
دی‌یوتی ـ فری

economy class — مقتصدانه
ایکانامی کِلَس

engine — موتور
اِنجین

engineer — مهندس
اِنْجینی یر

engineering — مهندسی
اِنْجینی یرینگ

environment — محیط، محیط زیست
اِن وایرمِنت

agent — نماینده، مأمور، عامل، کارگزار
اِجِنْتْ

example — مثال، نمونه، سرمشق
اِگزَمْپِل

fashion — مُد، سبک، شیوه
فَشِن

female — مؤنث
فیمیل

fish — ماهی
فیش

fly — مگس، پرواز کردن
فلای

foggy — مه آلود
فاگی

fog — مه
فاگ

footpath — پیاده رو
فوت پَت

fruit — میوه
فْرُوت

frying pan — ماهیتابه
فِرایینگ پَن

fun — مفرح، سرگرمی، تفریح
فان

funeral — تشیع جنازه
فی‌یونرال

guest house — مهمان‌خانه

گِسْتْ هاوس

guilty مقصر، گناهکار
گیلتی

gynaecologist متخصص زنان و زایمان
گای‌نِکُلِجیست

hair مو
هیِز

hospitality مهمان نوازی
هاسپیتالیتی

human resources منابع انسانی
هی‌یومَن ری‌سُرسِز

immigration مهاجرت
ای می گرِیْشِنْ

important مهم
ایمپُرتَنْتْ

income tax مالیات بر درآمد
اینکام تَکْس

interpreter مترجم (شفاهی)
اینْتِرپرِتِر

interview مصاحبه
اینتِرْوی‌یو

translator مترجم(کتبی)
تْرَنسْلیتِر

jam مربا
جَم

kind مهربان، نوع
کایند

laxative مسهل
لاکْسَتیو

lipstick ماتیک، رُژ لب
لیپ سْتیک

lizard مارمولک
لیزارد

local محلی
لکال

look after مراقبت کردن از
لوک اَفتِر

look out مراقب بودن
لوک اَوت

machine ماشین، دستگاه
مُشین

magazine مجله
مَگزین

male مذکر
میِل

man مَرد، انسان، بشر
مَن

female مؤنث
فیمیل

March مارس
مارچ

margarine مارگارین، کره مصنوعی
مارجِرین

married متأهل
مَرید

match مسابقه، کبریت
مَچ

May ماه مه
می

metro,subway,underground مترو
مِترُ، ساب وی، آندِرگراند

midday نیم روز، ظهر
میددی

migraine میگرن
میگرِیْن

millimeter میلی متر
میلی می‌تِر

million میلیون
میلیون

mix مخلوط کردن
میکس

modern مدرن، امروزی
مادِرن

moisturizing مرطوب کننده
مُیسچرایزینگ

month ماه
مانث

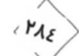
moon ماه (قمر)
مون

English	معنی	تلفظ
mosque	مسجد	ماسک
motel	مُتل	مُتِل
mother	مادر	مادِر
mother-in-law	مادر زن ـ مادر شوهر	مادِر ـ این ـ لا
motorbike	موتور سیکلت	مُتُربایک
mouse	موش	ماوس
museum	موزه	می‌یوزی‌یوم
music	موسیقی	می‌یوزیک
Muslim	مسلمان	مازلِم
my	مال من	مای
national park	پارک ملی	نَشنالیتی
negative	منفی	نگاتیو
next to	مجاور، نزدیک	نکْسْت تو
opposite	مخالف، متضاد	آپازیت
we	ما	وي
our	مال ما	آور
owe	مدیون بودن، بدهکار بودن	اُ
owner	مالک، صاحب	اُنِر
pan	ماهی‌تابه	پَن
passenger	مسافر، سرنشین	پَسِنْجِر
party	مهمانی	پارتی
pasta	ماکارونی	پَستا
path	مسیر، راه باریک	پَت
pencil	مداد	پِنْسِل
people	مردم	پیپل
permit	مجوز، اجازه دادن	پرمیت
place of birth	محل تولد	پلِیْس آو برث
place	محل، جا	پلِیْس
popular	محبوب، مردمی	پاپولار
positive	مثبت	پازتیو
possible	ممکن، شدنی	پاسیبل
prawn	میگو	پران
queen	ملکه	کوین
race track	مسیر مسابقه	ریس تْرَک
rat	موش خرما، موش صحرایی	رَت
real estate agent	مأمور معاملات ملکی	ری‌یل سْتیت ایجِنْتْ
reference	کتاب مرجع، راهنما، اشاره	ری‌فِرِنْس
regional	محلی، منطقه‌ای	ری‌جی‌نال
religion	مذهب، دین	ریلیجن
review	مرور، مرور کردن	

ری ویو

English	فارسی	تلفظ
rubbish	آشغال، زباله	رابیش
saint	مقدس	سِینت
sales tax	مالیات فروش	سِیلْز تَکس
school	مدرسه	سْکول
sculpture	مجسمه سازی	اسکالپْچر
secretary	منشی	سِکْرِتری
sensible	معقول	سِنْسیبل
sick	مریض	سیک
similar	مشابه، شبیه	سیمیلار
single	مجرد، تک	سینگِل
some	مقداری، تعدادی	سام
special	مخصوص	سْپِشیال
specialist	متخصص	سْپِشیالیست
square	مربع، میدان، چهارگوش	سْکُور
stomach	معده	سْتُماک
straight	مستقیم، راست	سْتریت
surf	موج	سِرف
surfing	موج سواری	سِرْفینگ
table	میز	تِیْبِل
teacher	معلم	تیچر
tight	محکم، سفت، تنگ	تایت
tooth brush	مسواک	توت بْراش
ultrasound	مافوق صوت	اُلترا ساند
useful	مفید	یوس فول
venue	محل دادگاه	وِنی یو
view	منظره	وی یو
washing machine	ماشین لباس شویی	واشینگ ماشین
wrist	مچ	ریست
yoghurt	ماست	یوگِرت
your	مال شما، مال تو	یُر
aftershave	لوسیون پس از اصلاح	اَفتر شِیْو
bathing suit	لباس شنا	بیتینگ سویت
swim suit	لباس شنا	سویم سویت
CD	لوح فشرده	سی دی
dress	لباس، لباس زنانه	دْرِس
enjoy	لذت بردن از	اِنْجِی
glass	لیوان، شیشه	گْلَس
gum	لثه	گام
joke	لطیفه	جُک

معنی	English	تلفظ
لب تاپ	laptop	لَپ تاپ
لیمو	lemon	لِمُن
لیموناد	lemonade	لِمُنید
لنز	lens	لِنْز
لب	lip	لیپ
لوازم آرایش	make-up,cosmetics	میک آپ، کاسْمتیکس
لال، بی صدا	mute	می یوت
لایه	layer	لِیر
لوازم التحریر فروشی	stationer's	سْتِیشِنِرْز
لیوان چای	tea glass	تی گْلَس
لمس کردن، دست زدن	touch	تاچ
نصیحت، توصیه	advice	اَدوایس
نانوایی	bakery	بِیکِری
نیش زدن (حشره)	bite	بایت
نان	bread	بْرِد
نان ساندویچی	bread rolls	بْرِد رُلْز
نفس کشیدن	breathe	بریت
نجار	carpenter	کارپِنْتِر
نقد کردن (چک)	cash(a cheek)	کَش (ا چِک)
نخود	chick pea	چیک پی
نگهداری از کودک (در منزل)	child minding	چایْلْد مایْنْدینگ
نارگیل	coconut	کُکُنات
نخ دندان	dental floss	دنتال فْلاس
نمایشنامه، درام	drama , play	دْراما، پلی
نوشیدنی	drink	دْرینک
نامزد (برای ازدواج)	engaged (to marry)	اِنْگیجد (تومَری)
نامزدی	engagement	اِنْگیْجْمِنْتْ
نامه	letter	لِتِر
نرخ ارز	exchange rate	اِکْسْچِنْج ریت
نمایشگاه	exhibition	اِگْزبیشِن
نامه اکسپرس	express mail	اِکْسْپرِس میل
نامزد (مرد)	fiancé	فی یانْسه
نامزد (زن)	fiancée	فی یانْسی
نام کوچک	first name	فِرست نیم
نیم، نصف	half	هاف
نهار	lunch	لانچ
نامه (پست)	mail	(میل)
نخست وزیر	Prime Minister	پْرایم می نی سْتِر
نژاد، مسابقه سرعت	race	رِیس

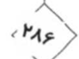


painter نقاش
پِینْتِر
painting نقاشی
پِینْتِنگ
part time نیمه وقت
پارتم تایم
prescription نسخه
پْرِسْکْرِی پْشِن
type نوع، ماشین کردن
تایپ
typical نوعاً، معمول
تی پی کال
uncomfortable ناراحت
آن کامْفُتْبِل
unfair ناعادلانه
آن فیر
unsafe نا امن، خطرناک
آن سِیف
worried نگران
وُرید
to be worry نگران بودن
تو بی وُری
write نوشتن
رایت
writer نویسنده
رایْتِر
athletic ورزشی، قهرمانی
اَتْلتیک
awful وحشتناک، شدید
آفول
dining car واگن غذاخوری
دایْنینگ روم
enter وارد شدن به
اِنْتِر
entry ورودی
اِنْتری
virus ویروس
وایْرِس
parents والدین
پِرِنْتس

racism نژاد پرستی
رِیْسیزم
rare (food) نیم پز (غذا)
ریر (فود)
road map نقشه جاده
رُد مَپ
roll نان ساندویچی
رُل
salt نمک
سالت
sensual نفسانی، شهوانی
سِنْسوال
show نشان دادن
شُ
stale بیات، مانده
سْتِیل
thin نازک، رقیق
تین
thread نخ
ثْرِد
tip نوک،انعام، پول چای(عامیانه)
تیپ
map نقشه
مَپ
military نظامی
میلیتاری
near نزدیک
نی یر
nearest نزدیک‌ترین
نی یرست
need نیاز، احتیاج داشتن
نید
Newzealand نیوزیلند
نی‌یوزی لَند
not, no نه، هیچ
نات، نُ
November نوامبر
نُومْبِر
oil.petroleum نفت
اُیل، پِتْرُلی یُم



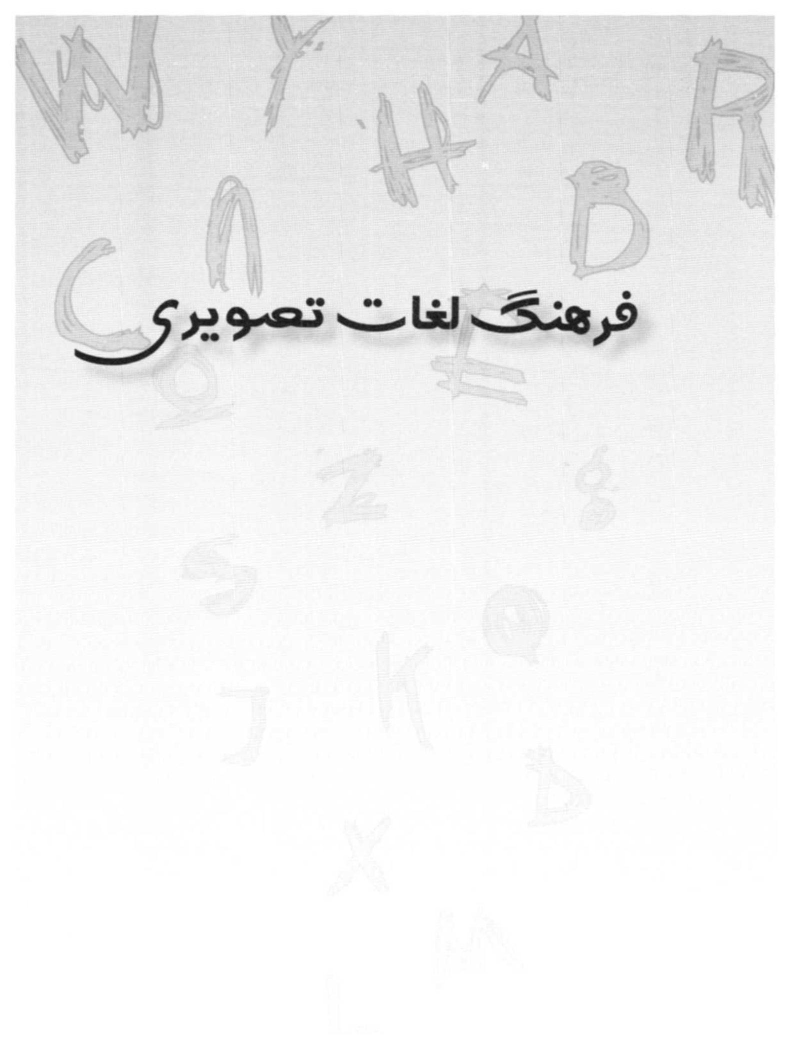
English	Pronunciation	Meaning
also	آلسُ	همچنین، نیز
always	آلویْز	همیشه
anarchist	اَنِرْکیست	هرج و مرج گرا
any,each,every	اِنی، ایچ، اِوری	هر
art	آرت	هنر
carrot	کَرُت	هویج
colleague	کالیگ	همکار
cost	کاست	هزینه
cover charge	کاور چارج	هزینه ثابت
Dutch	دُمچ	هلندی
everyone	اوری وان	هر کس، همه
everything	اِوری تینگ	هر چیز، همه چیز
fan	فَن	پنکه، بادبزن، هوادار (ورزشی)
gay	گی	همجنس باز (مرد)
gift, present	گیفت، پْرِزِنْتْ	هدیه
hockey	هاکی	هاکی
hotel	هُتِل	هتل
martial arts	مارشل آرتس	هنرهای رزمی
neighborhood	نِیبر هود	همسایگی، مجاورت
Netherlands	نیدِرلَندز	هلند
realistic	ری یالیستیک	واقع گرا
stroller	سْتْرُلِر	ولگرد
terrible	تری بل	وحشتناک، خیلی بد، شدید
vaccination	وَکْسینیشِن	واکسیناسیون
van	وَن	وانت، مینی‌بوس باری
vein	وین	ورید، سیاه‌رگ
video camera	وی دیو کَمرا	ویدئو دوربین
video recorder	وی دیو کُرْ دِر	ویدئو ضبط
video tape	وی دیو تِیپْ	نوار ویدئو
villa	ویلا	ویلا
vitamin	وایتمن	ویتامین
visa	ویزا	ویزا
volleyball	وَلی بال	والیبال
weigh	وی	وزن داشتن
weight	ویْتْ	وزن
word	وِرد	واژه
sport, exercise	سْپُرت، اِگسِرسایز	ورزش
airplane,aeroplane	اِیْرُپلین	هواپیما
air	اِیر	هوا
all, almost	اُلمست،آل	همه، تقریباً



English	تلفظ	معنی
never	نِور	هرگز
none,nothing	نان، ناتینگ	هیچ چیز
peach	پیچ	هلو
per (day)	پر (دی)	در هر (روز)
same	سِیم	همان، شبیه
towel	تاول	هوله، حوله
week	ویک	هفته
wife	وایف	همسر (زن)
one	وان	یک
constipation	کانس تیپیشِن	یبوست
countryside	کانتْری ساید	ییلاق، حومه شهر
euro	یورُ	یورو
ice	آیس	یخ
freeze	فْریز	یخ زدن
frozen	فْرُزن	یخ بسته، منجمد
frost	فْراست	یخ بندان
Greece	گْریس	یونان
Greek	گْریک	یونانی
Jewish	جوویش	یهودی
once	وانس	یک بار، روزی
or	اُر	یا، وگرنه
refrigerator	رِف ری جِری تُر	یخچال
souvenir	سُونی یر	یادگاری
stubborn	سْتابِرن	یک دنده، لجباز
Sunday	سان دی	یکشنبه
uniform	یونی فُرم	یونیفرم
yoga	یوگا	یوگا







فرهنگ لغات تصویری

Hosework کارِ خانه

A. **dust** the furniture
• گردگیری اثاثیه

B. **recycle** the newspapers
• بازیافت روزنامه‌ها

C. **clean** the oven
• تمیز کردن اجاق گاز

D. **mop** the floor
• خشک کردن کف اطاق

E. **polish** the furniture
• برق انداختن اثاثیه

F. **make** the bed
• مرتب کردن تختخواب

G. **put away** the toys
• در جای خود گذاشتن اسباب بازی‌ها

H. **vacuum** the carpet
• جارو برقی کشیدن فرش‌ها

I. **wash** the windows
• شستن پنجره‌ها

J. **sweep** the floor
• جارو کردن کف اتاق

K. **scrub** the sink
• تمیز کردن ظرفشویی

L. **empty** the trash
• خالی کردن آشغال

M. **wash** the dishes
• شستن ظرف‌ها

N. **dry** the dishes
• خشک کردن ظرف‌ها

O. **wipe** the counter
• پاک کردن پیشخوان

P. **change** the sheets
• عوض کردن ملحفه‌ها

Q. **take out** the garbage
• بیرون گذاشتن زباله





Shoes and Accessoried كفش‌ها و لوازم فرعی

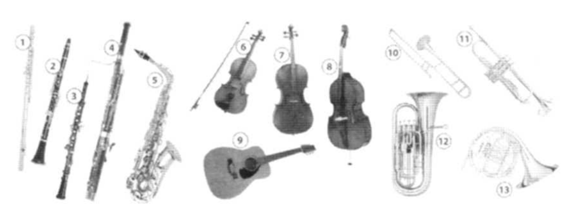


13. wallet
• کیف پول چرمی
14. change purse / coin purse
• کیف پول خرد
15. cell phone holder
• کیف گوشی موبایل
16. (wrist)watch
• ساعت مچی
17. shoulder bag
• کیف دوشی
18. backpack
• کوله
19. tote bag
• کیف دستی بزرگ
20. belt buckle
• سگک کمربند
21. sole
• کف (زیره)
22. heel
• پاشنه
23. toe
• پنجه
24. shoelaces
• بند کفش



25. high heels
• پاشنه‌های بلند
26. pumps
• کفش‌های سبک مخصوص رقص
27. flats
• کفش‌های بدون پاشنه
28. boots
• چکمه‌ها
29. oxfords
• کفش بندی کوتاه و اسپرت
30. loafers
• کفش‌های مسطح بدون بند
31. hiking boots
• پوتین پیاده روی
32. tennis shoes
• کفش‌های تنیس
33. chain
• زنجیر
34. beads
• مهره‌ها
35. locket
• قاب کوچک مخصوص عکس
36. pierced earrings
• گوشواره‌های مته دار
37. clip-on earrings
• گوشواره کلیپ دار
38. pin
• سنجاق
39. string of pearls
• رشته‌ای از مرواریدها
40. ring
• انگشتری(حلقه)

Music موزیک



Woodwinds سازهای بادی

1. flute
• فلوت
2. clarinet
• کلارنیت
3. oboe
• اُبوا
4. bassoon
• نوعی قرمنی
5. saxophone
• ساکسیفون

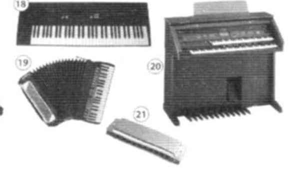
Strings سازهای سیمی(رشته‌ای)

6. violin
• ویلن
7. cello
• ویلن سل
8. bass
• بیس
9. guitar
• گیتار

Brass

10. trombone
• ترومبون(نوعی شیپور)
11. trumpet / horn
• شیپور (بوق)
12. tuba
• آلت موسیقی برنجی
13. French horn
• شیپور فرانسوی





Percussion پرکاشن

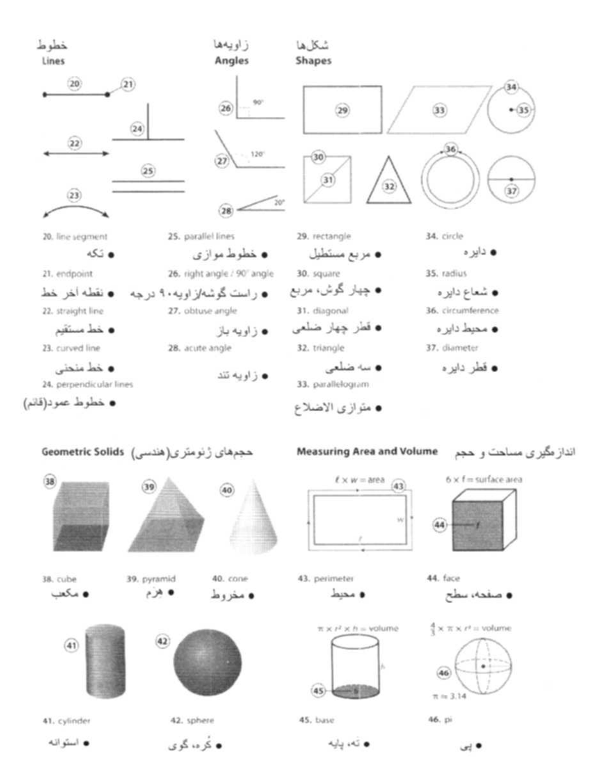
14. piano
•پیانو
15. xylophone
•نوعی سنتور چوبی
16. drums
•طبل‌ها
17. tambourine
•دایره زنگی

Other Instruments آلات موسیقی دیگر

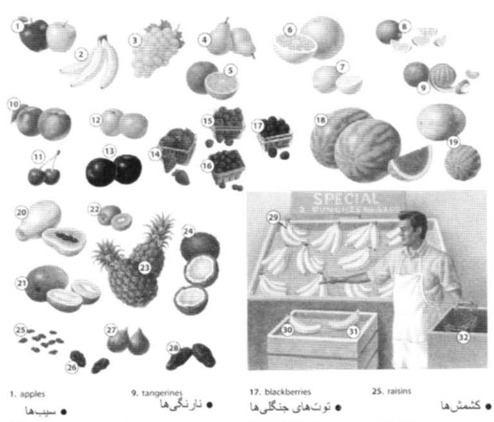
18. electric keyboard
•صفحه کلید الکترونیکی
19. accordion
•آکوردئون
20. organ
•اُرگ
21. harmonica
•سنتور(ساز دهنی)



Mathematics ریاضیات



Fruit میوه‌ها



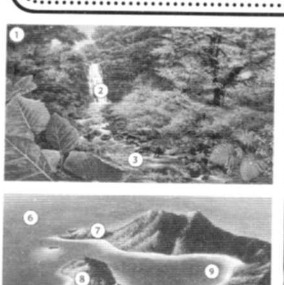
1. apples
• سیب‌ها
2. bananas
• موزها
3. grapes
• انگورها
4. pears
• گلابی‌ها
5. oranges
• پرتقال‌ها
6. grapefruit
• گریپفروت‌ها
7. lemons
• لیموها
8. limes
• لیموترش‌ها
9. tangerines
• نارنگی‌ها
10. peaches
• هلوها
11. cherries
• گیلاس‌ها
12. apricots
• زردآلوها
13. plums
• آلوها
14. strawberries
• توت فرنگی‌ها
15. raspberries
• زغال اخته‌ها
16. blueberries
• تمشک‌ها
17. blackberries
• توت‌های جنگلی‌ها
18. watermelons
• هندوانه‌ها
19. melons
• خربزه‌ها
20. papayas
• انبه‌ها
21. mangoes
• منگوها
22. kiwi
• کیوی‌ها
23. pineapples
• آناناس‌ها
24. coconuts
• نارگیل‌ها
25. raisins
• کشمش‌ها
26. prunes
• آلوهای بخارا
27. figs
• انجیرها
28. dates
• خرماها
29. a bunch of bananas
• یک دسته موز
30. **ripe** banana
• موز رسیده
31. **unripe** banana
• موز کال(نا رس)
32. **rotten** banana
• موز پوسیده(خراب)

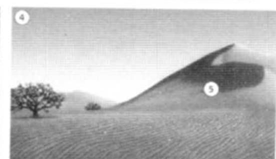
Vegetables سبزیجات

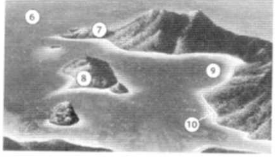


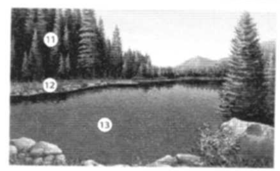
1. lettuce
● کاهو
2. cabbage
● کلم
3. carrots
● هویج
4. radishes
● ترب‌ها
5. beets
● چغندر ها
6. tomatoes
● گوجه فرنگی‌ها
7. bell peppers
● فلفل دلمه‌ای
8. string beans
● لوبیا سبزها
9. celery
● کرفس
10. cucumbers
● خیارها
11. spinach
● اسفناج
12. corn
● ذرت
13. broccoli
● کلم بروکلی
14. cauliflower
● گل کلم
15. bok choy
● کلم چینی
16. turnips
● شلغم‌ها
17. potatoes
● سیب زمینی‌ها
18. sweet potatoes
● سیب زمینی‌های شیرین
19. onions
● پیازها
20. green onions / scallions
● پیازچه‌ها
21. peas
● نخودها
22. artichokes
● کنگرهای فرنگی
23. eggplants
● بادنجان‌ها
24. squash
● کدوها
25. zucchini
● کدوها
26. asparagus
● مارچوبه
27. mushrooms
● قارچ‌ها
28. parsley
● جعفری
29. chili peppers
● فلفل تند
30. garlic
● سیر
31. a **bag of** lettuce
● یک پاکت کاهو
32. a **head of** lettuce
● یک دانه کاهو

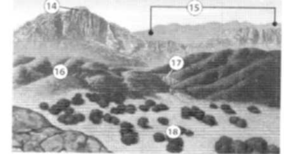
Geography and Habitats جغرافیا و مکان‌های طبیعی

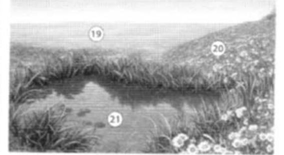






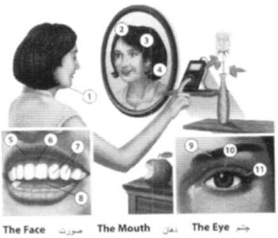






1. rain forest
   - جنگل انبوه مناطق بارانی
2. waterfall
   - آبشار
3. river
   - رودخانه
4. desert
   - صحرا (بیابان)
5. sand dune
   - توده شن (ماسه)
6. ocean
   - اقیانوس
7. peninsula
   - شبه جزیره
8. island
   - جزیره
9. bay
   - خلیج کوچک
10. beach
    - ساحل
11. forest
    - جنگل
12. shore
    - کرانه، کنار (دریا)
13. lake
    - دریاچه
14. mountain peak
    - قله کوه
15. mountain range
    - رشته کوه
16. hills
    - تپه‌ها
17. canyon
    - دره گود و باریک
18. valley
    - دره
19. plains
    - دشت‌ها
20. meadow
    - چمن، مرغزار
21. pond
    - حوض

Inside and Outside the Body درون و بیرون بدن





The Face صورت **The Mouth** دهان **The Eye** چشم **The Senses** حواس



1. chin
   - چانه
2. forehead
   - پیشانی
3. cheek
   - گونه
4. jaw
   - فک(آرواره)
5. lip
   - لب
6. gums
   - لثه‌ها
7. teeth
   - دندان‌ها
8. tongue
   - زبان
9. eyebrow
   - ابرو
10. eyelid
    - پلک‌ها
11. eyelashes
    - مژه‌ها

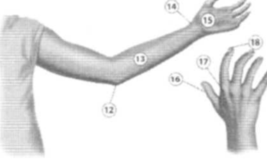
A. see
- بینایی

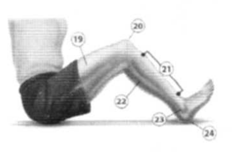
B. hear
- شنوایی

C. smell
- بویایی

D. taste
- چشایی

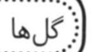
E. touch
- لامسه



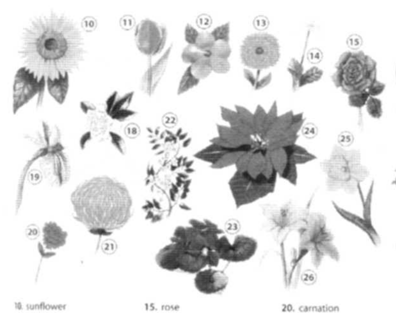


The Arm, Hand, and Fingers **بازو، دست وانگشتان** **The Leg and Foot** **قسمت بالا و پایین پا**

12. elbow
    آرنج دست
13. forearm
    ساعد
14. wrist
    مُچ
15. palm
    کف دست
16. thumb
    انگشت شست
17. knuckle
    بند انگشت
18. fingernail
    ناخن انگشت
19. thigh
    ران
20. knee
    زانو
21. shin
    ساق(قلم)پا
22. calf
    نرمه‌ی ساق پا
23. ankle
    قوزک پا
24. heel
    پاشنه پا



Flowers





10. sunflower
- گل آفتابگردان

11. tulip
- گل لاله

12. hibiscus
- گیاه مناطق گرمسیر با گل‌های رنگی

13. marigold
- گل همیشه بهار

14. daisy
- گل داوودی

15. rose
- گل سرخ

16. iris
- زنبق یا سوسن

17. crocus
- (بُته) زعفران

18. gardenia
- بوته‌ای با برگ‌های درخشان و گل‌های سفید یا زرد بزرگ

19. orchid
- گل اُرکیده

20. carnation
- میخک

21. chrysanthemum
- گل داوودی

22. jasmine
- یاسمن

23. violet
- بنفشه

24. poinsettia

25. daffodil
- نرگس زرد

26. lily
- سوسن

27. houseplant
- گیاه خانگی

28. bouquet
- دسته گل

29. thorn
- خار(تیغ)

An Airport

یک فرودگاه

In the Airline Terminal در ترمینال فرودگاه



At the Security Checkpoint در بخش بازرسی امنیتی



1. skycap
   • مامور حمل بار مسافر در فرودگاه
2. check-in kiosk
   • باجه مسافران ورودی
3. ticket agent
   • مامور بلیط
4. screening area
   • بخش بازرسی مسافران و بار با دستگاه تصویری
5. TSA* agent / security screener
   • مامور دستگاه بازرسی تصویری مسافران وبار
6. bin
   • ظرف مخصوص گذاشتن بار

Taking a Flight سوار شدن به پرواز





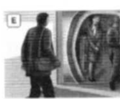


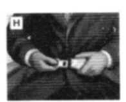
A. **Check in** electronically.
• ورود خود را به‌طور الکترونیکی ثبت نمائید

B. **Check** your bags.
• کیف‌های خود را چک کنید

C. **Show** your boarding pass and ID.
• کارت پرواز خود را نشان بدهید

D. **Go through** security.
• از بخش امنیتی عبور کنید



E. **Board** the plane.
• سوار هواپیما شوید

F. **Find** your seat.
• صندلی خود را پیدا کنید

G. **Stow** your carry-on bag.
• کیف خود را در جای مخصوص جا دهید

H. **Fasten** your seat belt.
• کمربند ایمنی خود را ببندید





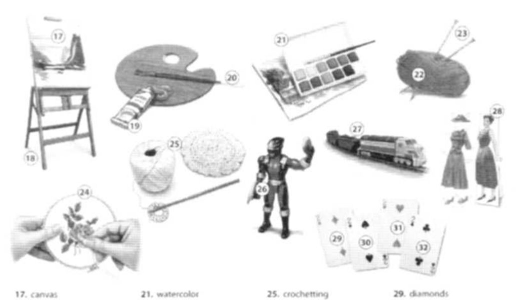
I. **Turn off** your cell phone.
• تلفن همراه خود را خاموش کنید

J. **Take off.** / **Leave.**
• ترک کردن/بلند شدن از روی زمین

K. **Land.** / **Arrive.**
• رسیدن/ به زمین نشستن

L. **Claim** your baggage.
• اثاثیه خود را طلب نمائید

Hobbies and Games سرگرمی‌ها و بازی‌ها



17. canvas
- پارچه کرباسی یا کتانی

18. easel
- سه پایه نقاشی

19. oil paint
- رنگ روغنی

20. paintbrush
- قلم موی رنگ

21. watercolor
- آب رنگ

22. yarn
- نخ بافندگی

23. knitting needles
- سوزن‌های مخصوص بافتنی

24. embroidery
- گل‌دوزی، نقش گل و بوته

25. crochetting
- قلاب دوزی

26. action figure
- پیکر یا شخص جنگی

27. model trains
- قطارهای مُدل

28. paper dolls
- عروسک‌های کاغذی

29. diamonds
- خال خشت

30. spades
- خال توپوزی

31. hearts
- خال قلبی

32. clubs
- خاج

Domestic Animals and Rodents حیوانات اهلی و جوندگان



1. cow
• گاو ماده

2. pig
• خوک

3. donkey
• الاغ

4. horse
• اسب

5. goat
• بُز

6. sheep
• گوسفند

7. rooster
• خروس

8. hen
• مرغ

Pets حیوانات دست آموز

9. cat
• گربه

10. kitten
• بچه گربه

11. dog
• سگ

12. puppy
• توله سگ

13. rabbit
• خرگوش

14. guinea pig
• خوکچه هندی

15. parakeet
• طوطی کوچک دُم دراز

16. goldfish
• ماهی طلایی

Rodents

17. rat
• موش صحرایی

18. mouse
• موش خانگی

19. gopher
• موش خرما

20. chipmunk
• سنجاب کوچک آمریکای شمالی

21. squirrel
• سنجاب

22. prairie dog
• نوعی حیوان آمریکای شمالی و کانادا



فهرست کتب روانشناسی منتشر شده

عنوان	نویسنده	مترجم
هنر ارتباط موفق	ریچارد دنی	جواد شافعی مقدم
هنر موفق بودن	ریچارد دنی	مهدی غروی
هنر ایجاد انگیزه	ریچارد دنی	محبوبه ندیمی
هنر فروش موفق	ریچارد دنی	جواد شافعی مقدم
اسرار تغییر	نیل دونالد والش	حمیرا آزادمنش
راز قدرت	راندا برن	حمیرا آزادمنش
اعتماد و عزت نفس	نیکی هاوس هولد	حمیرا آزادمنش